

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. موضوعات مقاله‌ها در زمینه‌های مختلف مرمت شامل روش‌های گوناگون حفاظت و مرمت اشیاء و بناهای تاریخی، تزئینات وابسته به معماری، مبانی نظری مرمت، تاریخ مرمت، مطالعات فن‌شناختی و آسیب‌شناسی آثار، اشیاء و ابنیه تاریخی و معماری ایران دربردارنده مباحث نظری معماری، تاریخ، فلسفه، آموزش، مطالعات بین‌رشته‌ای، نقد و طراحی محیط و فن ساخت، معماری منظر و سایر موضوعات مرتبط با عنوان نشریه است.
۲. مقاله‌های ارسالی نباید قبلاً در نشریه‌ای دیگر یا مجموعه مقالات همایش‌ها چاپ شده و یا همزمان برای نشریه دیگری فرستاده شده باشند.
۳. مقاله‌ها باید به زبان فارسی و با رعایت اصول و آیین‌نگارش این زبان باشند.
۴. تأیید نهایی مقالات برای چاپ در نشریه، پس از تأیید نظر داوران، با هیأت تحریریه نشریه است.
۵. مسئولیت مطالب مطرح شده در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.
۶. نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش محتوای مقاله‌ها آزاد است. مقاله‌های دریافتی بازگردانده نخواهند شد.
۷. استفاده از مقاله‌های چاپ شده در این نشریه، در سایر نشریه‌ها و کتاب‌ها با ذکر منبع بلامانع می‌باشد.
۸. مقاله‌ها باید حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان (Research Papers) باشند.
۹. نشریه از پذیرش ترجمه، گزارش و یادداشت علمی معذور است.
۱۰. ارسال نامه درخواست چاپ و تأییدیه استاد راهنما - نویسنده همکار، همراه مقاله الزامی است (قابل دانلود از بخش "برای نویسندگان" در سامانه نشریه).
۱۱. جهت ارسال مقاله به سامانه الکترونیکی نشریه به آدرس <http://mmi.aui.ac.ir> مراجعه و نسبت به ثبت مقاله اقدام فرمایید.
۱۲. مقاله‌ها باید ساختار علمی - پژوهشی داشته و به ترتیب دارای بخش‌های زیر باشند:
 - مشخصات نویسنده/نویسندگان: این صفحه باید بدون شماره، شامل عنوان کامل مقاله (عنوان مقاله باید کاملاً گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد)، نام و نام‌خانوادگی نویسنده/ نویسندگان، همراه رتبه علمی، نام مؤسسه یا محل اشتغال، نشانی، شماره تماس و پست الکترونیکی باشد.
 - چکیده فارسی: حداقل ۲۵۰ و حداکثر ۳۰۰ کلمه، (باید به‌تنهایی بیان‌کننده تمام مقاله، شامل: بیان مسأله، سؤال پژوهش، اهداف و روش تحقیق، مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری باشد) با ذکر عنوان مقاله و کلیدواژه (سه تا پنج کلمه) در یک صفحه جداگانه تنظیم گردد.
 - مقدمه: شامل طرح موضوع (بیان مسأله، پرسش‌ها یا فرضیه‌ها، هدف یا اهداف پژوهش، ضرورت یا اهمیت پژوهش) باشد.
 - پیشینه پژوهش
 - روش تحقیق
 - متن مقاله: شامل مبانی نظری، مطالعات و بررسی‌ها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق باشد.
 - نتیجه تحقیق: باید به‌گونه‌ای منطقی و مستدل (همراه با جمع‌بندی موارد طرح شده) و شامل پاسخ به سئوالات تحقیق در قالب آرایه یافته‌های تحقیق باشد.
 - سپاس‌گزاری از همکاری و راهنمایی کسانی که در تدوین مقاله نقش داشته‌اند (در صورت تمایل).
 - پی‌نوشت: شامل برابر نهادهای انگلیسی و توضیحات ضروری درباره اصطلاحات و مطالب مقاله است، که به ترتیب با شماره در متن و به صورت پی‌نوشت در انتهای مقاله درج گردد.
 - منابع و مأخذ: به ترتیب حروف الفبا برحسب نام‌خانوادگی نویسنده مرتب گردد (فارسی و انگلیسی).
 - بخش انگلیسی: شامل دو صفحه که در پایان مقاله پس از منابع می‌آید و شامل مشخصات نویسندگان و ترجمه کاملی از چکیده فارسی است.
۱۳. متن مقاله: حداکثر ۱۵ صفحه یک‌رو (با تمام اطلاعات: عکس، متن، نقشه و تصاویر) و در هر صفحه ۳۲ سطر، با قلم B-Nazanin اندازه ۱۲ و Times New Roman اندازه ۱۱، تنظیم گردد.
۱۴. کلیه صفحات به‌جز صفحه مشخصات نویسنده/نویسندگان باید به ترتیب شماره‌گذاری شده باشند.
۱۵. حداقل تعداد ضروری تصویر، نمودار و جدول در مقاله حائز اهمیت است و باید با کیفیت مناسب (تصاویر با دقت 300 dpi و با فرمت jpg)، ذکر منبع و تعیین محل مناسب در مقاله باشد.
 - عنوان جدول در بالا و مأخذ جدول در زیر جدول، سمت چپ آورده شود؛ عنوان تصویر در پایین و مأخذ، در زیر عنوان درج گردد.
۱۶. شیوه تنظیم منابع (فارسی و انگلیسی):
 - در متن مقاله: (نام‌خانوادگی نویسنده، سال انتشار: صفحه)
 - در فهرست منابع پایان مقاله:
- کتاب: نام‌خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان کتاب. جلد. نام مترجم یا مصحح، محل انتشار: نام ناشر.
- مقاله: نام‌خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان نشریه. دوره یا سال (شماره نشریه)، شماره صفحه‌های مقاله در نشریه. سند اینترنتی: نام‌خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ). عنوان سند/درس/اینترنتی. به‌طور کامل. بازیابی شده در تاریخ.
۱۷. مقاله‌ای که فاقد شرایط مورد نظر باشد، از فرایند بررسی خارج خواهد شد.
۱۸. جهت آگاهی بیشتر برای تنظیم مقاله، به شیوه‌نگارش مشروح که از بخش "برای نویسندگان" در سامانه نشریه قابل دریافت است، مراجعه کنید.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مرمت و معماری ایران
سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

داوران و همکاران این شماره

دکتر رضا ابویی

دکتر فریال احمدی

دکتر مازیار آصفی

دکتر رسول بیدرام

دکتر بهنام پدرام

مهندس حسین پورنادری

آقای نسیم جعفری قوام‌آبادی

دکتر مهرداد حجازی

دکتر احمد شاهمیوندی

خانم مریم قاسمی

دکتر مهران قرائتی

آقای مجتبی کاویان

دکتر شهریار ناسخیان

آقای فرهاد نظری

دکتر نیما ولی بیگ

صاحب امتیاز: دانشگاه هنر اصفهان

مدیر مسئول: فرهنگ مظفر

سر دبیر: دکتر احمد صالحی کاخکی

هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

حسین احمدی

دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

محمد رضا بمانیان

استاد دانشگاه تربیت مدرس

بهنام پدرام

استادیار دانشگاه هنر اصفهان

اکبر حاج ابراهیم زرگر

استاد دانشگاه شهید بهشتی

ابوالفضل سمنانی

استاد دانشگاه شهرکرد

دکتر احمد صالحی کاخکی

دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

حسن طلایی مغانجوی

استاد دانشگاه تهران

مصطفی کیانی

دانشیار دانشگاه هنر

سید امیرمهرداد محمدحجازی

دانشیار دانشگاه اصفهان

فرهنگ مظفر

دانشیار دانشگاه علم و صنعت

مدیر اجرایی: کریم نصراللهی

طراح سر لوحه: حمید فرمند بروجنی

طراح جلد: افسانه ناظری

صفحه آرا: خدیجه ساعدی

ویراستار فارسی: مریم شرقی

ویراستار انگلیسی: پگاه بهادران

قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال

نشانی: اصفهان، چهارباغ پائین، بین چهارراه تختی و میدان شهدا،

کوچه پردیس (۳۱)، پلاک ۱۷، کدپستی: ۳۳۶۶۱-۸۱۴۸۶

حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان،

دفتر نشریه مرمت و معماری ایران.

تلفن: ۰۳۱ ۳۴۴۶۰۳۲۸ - ۳۴۴۶۰۷۵۵

نمبر: ۰۳۱ ۳۴۴۶۰۹۰۹

E-mail: mmi@au.ac.ir

Website: <http://mmi.au.ac.ir>

ISSN: 2345-3850

مقالات مندرج، لزوماً دیدگاه نشریه مرمت و معماری ایران نیست و مسئولیت
مقالات برعهده نویسندگان محترم است. استفاده از مطالب و تمامی
تصویرهای نشریه با ذکر منبع، بلامانع است.

نشریه «مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی» که
براساس مجوز شماره ۸۹۳۵۹/۳/۱۱/۸۹ مورخ ۸۹/۱۱/۱۸
از کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، وزارت علوم
تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی - پژوهشی است،
از شماره پنجم بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۲۷۰۸
مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۷ به نشریه علمی - پژوهشی «مرمت
و معماری ایران» تغییر نام یافت.

پروانه انتشار این نشریه از سوی اداره کل مطبوعات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طی مجوز شماره
۹۱/۱۹۵۰۱ مورخ ۹۱/۷/۹ صادر شده است.

این نشریه در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)
به نشانی www.ricest.ac.ir، پایگاه اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی
به نشانی www.sid.ir بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی
www.magiran.com و در پایگاه مجلات تخصصی Noormags به
نشانی www.noormags.ir نمایه می‌شود.

با پشتیبانی:





فهرست

- ارائه راهکار ترسیمی نو جهت طراحی نوآورانه کاربردی نمونه مطالعاتی: کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز ۱
مازیار آصفی، احد نژاد ابراهیمی، امیر امجد محمدی
- ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی با تأکید بر نظم در نظریه کارکردگرایی ساختاری ۲۱
محمود محمدی، شهریار ناسخیان، آرزو ایزدی
- بررسی اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان اصفهان ۳۹
محمود قلعه‌نویی، محمدتقی پیربابایی، الناز سلطان احمدی، نسرين محسن حقیقی
- ارزیابی شیوه‌های ایجاد حریمیت در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون در پیکره‌بندی مسکن ایرانی-اسلامی با استفاده از تکنیک نحو فضا ۵۱
علی‌اکبر حیدری، یعقوب پیوسته‌گر، سارا محبی‌نژاد، مریم کیایی
- تبیین نظام حاکم بر اقدامات حفاظتی معماران بومی با بهره‌گیری از دانش ضمنی معماران در جنوب خراسان ۶۹
رضا رحیم‌نیا، مهران قرائتی، علی زمانی‌فرد، سعید سعیدپور
- تبیین مفهوم دل‌بستگی در محیط شهری بر اساس مفاهیم و متون اسلامی ۸۷
لیلا رحیمی
- جای‌نام: مکان ناملموس خاطره (تبیین رویکردی کل‌نگر به خوانش نام آثار معماری تاریخی در حفاظت معماری نظر به مقایسه تحلیلی کاراکتر نام و مکان) ۱۰۹
مینا راداحمدی، فرهنگ مظفر
- ارائه مدل ارزش مبنای جهت‌کاربست ارزش‌های میراث معماری در اتخاذ شیوه‌های حفاظت مطالعه موردی: مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان ۱۲۵
مظفر عباس‌زاده، اصغر محمدمرادی، آتش‌سا امیرکبیریان، معصومه آیشم، الناز سلطان احمدی
- ارزیابی کمی خط آسمان در مناظر شهری به‌عنوان لبه شهر (با تأکید بر ابزارهای نوین تحلیل منظر شهری) ۱۴۳
مریم اسفندیاری، سارا اسفندیاری ظهیر، دکتر محمد مهدی حقیقت بین

چکیده انگلیسی مقالات

موضوعات این نشریه، دربردارنده تمامی مطالعات نظری و کاربردی در حوزه‌های مرمت و معماری ایران است. لطفاً جهت مطالعه مقالات حاوی تصاویر رنگی و با کیفیت بالاتر به پایگاه اینترنتی نشریه مراجعه فرمایید.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۸

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۳

ارائه راهکار ترسیمی نو جهت طراحی نوآورانه کاربردی نمونه مطالعاتی: کاربندی‌های بازار تاریخی تبریز

مازیار آصفی* احد نژاد ابراهیمی** امیر امجد محمدی***

چکیده

کاربندی، یکی از الگوهای پوشش تاقی است که ریشه در روش‌های دقیق هندسه ترسیمی دارد. این الگو به سبب داشتن هندسه مقید، از انعطاف زیادی برخوردار نبوده و در معماری ایران نیز تنها در زمینه‌های مشخص به کار رفته است. لذا همواره این سؤال مطرح است که روش‌های رایج ترسیم کاربردی چه محدودیت‌ها و مقتضیاتی دارند؟ و با شناخت این محدودیت‌ها و مقتضیات، چگونه می‌توان کاربردهای کاربردی را گسترش داد؟ تحقیق حاضر، با هدف پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور شکل گرفته است؛ لذا به منظور یافتن محدودیت‌ها و الزامات هندسی کاربردی، ابتدا کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز را بررسی و تحلیل می‌کند، سپس با در نظر گرفتن الزامات یافته شده، در صدد رسیدن به روشی است تا بتواند بر محدودیت‌های هندسی کاربردی فائق آمده و استفاده‌های آن را گسترش دهد. این پژوهش، با روش استدلال منطقی و با جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده عینی، بررسی‌های کتابخانه‌ای و مدل‌سازی رایانه‌ای، به ارائه راه‌حلی در جهت افزایش تنوع زمینه‌های کاربردی پرداخته است. نتایج بررسی نمونه‌های مطالعاتی نشان می‌دهد که شروط لازم و کافی برای پیاده‌سازی دقیق هندسه یک کاربردی n ضلعی در زمینه‌های چهار ضلعی این است که اولاً دو زاویه مقابل چهار ضلعی زمینه مکمل باشند، ثانیاً هر چهار زاویه به دست آمده از ترسیم یکی از اقطار آن، مضربی از حاصل تقسیم 180° بر تعداد اضلاع کاربردی $(\frac{180^\circ}{n} \times x)$ باشد، ثالثاً مرکز دایره محیطی، داخل چهار ضلعی زمینه قرار گیرد. سپس با در نظر گرفتن شروط مذکور، روشی ارائه شد که در مقایسه با روش‌های ترسیمی موجود، محدودیت‌های کمتری دارد و استفاده از کاربردی را در زمینه‌های نامنتظم نیز ممکن می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کاربردی، هندسه کاربردی، باریکه تاق متقاطع، پوشش تاقی، بازار تاریخی تبریز

* masefi@tabriziau.ac.ir

** ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

*** a.amjad@tabriziau.ac.ir

* دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول).

** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

*** کارشناس ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

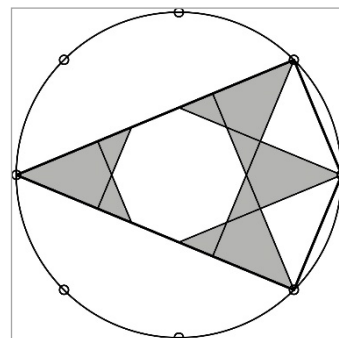
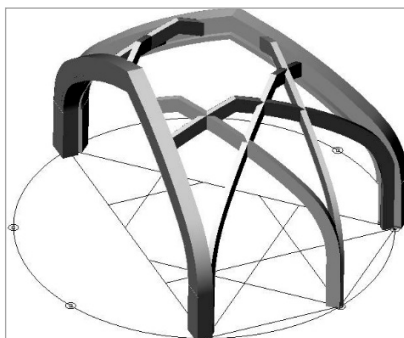
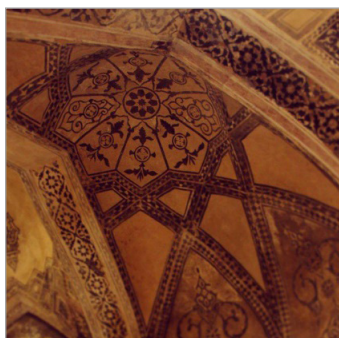
مقدمه

کاربندی، یکی از عناصر سازه‌ای - تزئینی معماری ایران است که طرح و خلق آن، بر پایه اصول دقیق هندسی بنا نهاده شده است و نمونه‌هایی از ساده‌ترین تا متکامل‌ترین انواع آن در نقاط مختلف ایران قابل‌رؤیت هستند (معماریان، ۱۳۹۱). این عنصر ساختمانی به سبب برخی خصوصیات هندسی، سازه‌ای و عملکردی از دیگر عناصر معماری‌های چون مقرنس، یزدی‌بندی، کاسه‌سازی و غیره متفاوت و متمایز گشته است؛ خصوصیتی که توجه بسیاری از استادکاران و پژوهشگران عرصه مطالعات معماری ایران را به خود جلب کرده و باعث نگارش و نشر مطالب متنوعی درباره آن‌ها شده که رویکرد آنها عمدتاً گونه‌شناسی هندسی، شکلی و یا ساختاری است. نکته‌ای که در برخی از این منابع بدان اشاره شده، انعطاف‌پذیری پایین هندسه کاربردی است (نوابی و حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۰؛ حلی، ۱۳۶۵)، که بدین سبب در معماری ایران نیز به‌جز چندین نمونه‌انگشت‌شمار - هم‌چون کاربردی سربینه حمام و کیل شیراز - تنها در زمینه‌های منتظم و هندسی به کار رفته است (تصویر ۱). با این وجود، پژوهش هدفمند و قابل‌توجهی در خصوص علت‌یابی محدودیت‌های هندسی کاربردی و بررسی امکان استفاده از آن در زمینه‌های نامنتظم^۱ صورت نگرفته و راه‌حلی برای کاربردی آن در این گونه‌ها ارائه نشده است. با درک این موضوع، هدف تحقیق در وهله اول، یافتن مقتضیات و الزامات هندسه کاربردی است. بدین منظور، چندین نمونه از نفیس‌ترین و متنوع‌ترین کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز به‌عنوان نمونه‌های مطالعاتی انتخاب شدند و مورد تحلیل و بررسی هندسی قرار گرفتند. توجه به ثبت جهانی بازار تاریخی تبریز و مطالعات پژوهشی بر آثار تاریخی معماری ایرانی و هم‌چنین کوشش فراوان معماران بازار تبریز در خلق زیباترین، متنوع‌ترین و پیچیده‌ترین انواع کاربردی در آن، اهمیت مطالعه کاربردی‌های بازار تبریز را به‌عنوان نمونه موردی آشکار می‌کند. این تحقیق در وهله بعدی

با در نظر گرفتن مقتضیات و الزامات یافته‌شده، در صدد رسیدن به روشی است تا بتواند بر محدودیت‌های هندسی کاربردی فائق آمده و استفاده‌های آن را گسترش دهد. در این راستا، زمینه‌های چهار ضلعی به‌عنوان معیار مطالعه قرار می‌گیرند و امکان‌سنجی پیاده‌سازی هندسه کاربردی در انواع زمینه‌های چهار ضلعی بررسی می‌شود تا راه‌حلی برای ترسیم کاربردی ارائه شود که برای زمینه‌های چهار ضلعی نامنتظم نیز قابل‌استفاده باشد. در نهایت، با ترکیب کاربردی‌های ترسیم‌شده در زمینه‌های چهار ضلعی، نمونه پیچیده‌تری نیز ارائه می‌شود. هدف مذکور، بر این فرضیه استوار است که هندسه کاربردی و زمینه آن دارای ارتباطی دقیق و نظام‌مند هستند که با کشف این رابطه می‌توان به راهکارهایی جدید برای پیاده‌سازی هندسه کاربردی دست یافت. بر اساس آنچه گفته شد، این پژوهش به‌روش استدلال منطقی و با جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده عینی، بررسی‌های کتابخانه‌ای و مدل‌سازی رایانه‌ای در پی پاسخ به این سؤالات بوده است: الف) شروط لازم و کافی برای پیاده‌سازی دقیق هندسه یک کاربردی n ضلعی کدام هستند؟ ب) ابعاد و هندسه زمینه، چه خصوصیتی به هندسه کاربردی دیکته می‌کنند؟ ج) به چه صورت و با چه روشی می‌توان هندسه کاربردی را در زمینه‌های نامنتظم به کار بست؟^۲

پیشینه تحقیق

درباره کاربردی، منابع مختلفی تحریر یافته که هر یک از دیدگاهی در مورد آن بحث نموده‌اند. لیکن تنها در معدودی از آنها به جنبه‌های هندسی و شکلی توجه شده است که عموماً رویکرد کیفی دارند. رویکرد کمی مورد نظر در این تحقیق، نگرش میان‌رشته‌ای و فراگیر به موضوع و کشف و شناخت مؤلفه‌های اثرگذار بر پیاده‌سازی هندسه کاربردی در زمینه‌های چهار ضلعی و سپس طرح راهکاری عالمانه در برای اجرای هندسه کاربردی در زمینه‌های نامنتظم است. در

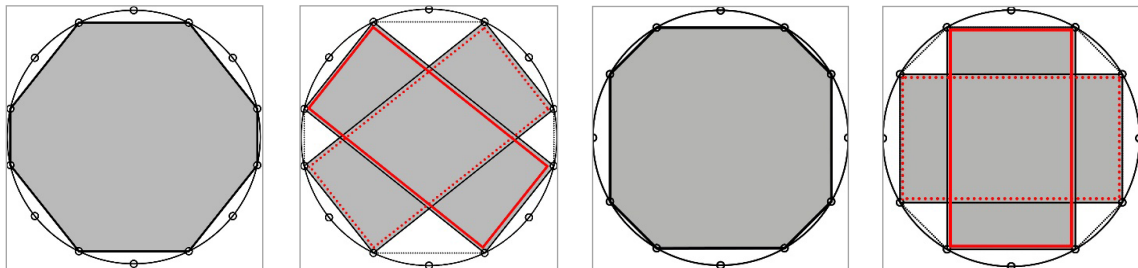


تصویر ۱. سربینه حمام و کیل شیراز (نگارندگان)

است و صرفاً در زمینه‌های منتظم کاربرد دارد. تحقیق دیگری توسط صاحب محمدیان و فرامرزی (۱۳۹۰) انجام شده است که بیشتر به گونه‌شناسی فرمی کاربردی اختصاص دارد و روش ترسیمی مستقلی در آن ارائه نمی‌شود. در این تحقیق، چندین رابطه مثلثاتی نیز برای پیاده‌سازی کاربردی ساده در زمینه‌های مستطیلی و محاسبه تعداد اضلاع آن ارائه شده، که نسبت به روابط استاد پیرنیا دقیق‌تر بوده، اما صرفاً برای زمینه‌های مستطیلی هستند. رئیسی و همکاران (۱۳۹۲)، سه ابهام در نام‌گذاری، تشخیص هندسه و تشخیص نقش ساختمانی کاربردی را شناسایی و تحلیل و سپس راه‌حلی برای ابهام‌زدایی هر کدام مطرح کرده‌اند. بر این اساس، سه معیار در هندسه نظری، هندسه عملی و نقش ساختمانی برای تشخیص نمونه‌ها تبیین شده و در نهایت بر اساس سه معیار مذکور، انواع کاربردی‌ها را در هشت گونه تقسیم‌بندی کرده‌اند. چنانچه و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق دیگری، فرآیند طراحی هندسی کاربردی تیمچه حاج محمدقلی بازار تاریخی تبریز را به‌عنوان یک نمونه برجسته، بررسی و سپس آنالیز سازه‌ای کرده‌اند، ولی به‌صورت عمومی، اصول هندسی کاربردی و مقتضیات آن را مورد بررسی و تحلیل قرار نداده‌اند. ستاری ساربانقلی و جدایی (۱۳۹۰) در تحقیق خود، کاربردی‌های بازار تبریز را برداشت کرده و پلان آنها را ترسیم کرده‌اند؛ با این وجود، فرآیند و نحوه تشکیل هندسه آنها را مطالعه نکرده‌اند. در تحقیق انجام‌شده توسط پور احمدی (۲۰۱۴)، برای گونه‌های مختلف کاربردی، یک نام‌گذاری جدید و متفاوت با آن چه در معماری ایرانی وجود دارد، صورت گرفته است. با این وجود در بخش‌های اول آن، کلیات هندسه کاربردی و تعاریف برخی گونه‌های آن ذکر شده‌اند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، تمامی منابع فوق به مطالعه و گونه‌شناسی کاربردی‌های موجود در معماری ایران اختصاص دارند و هیچ‌کدام با هدف رفع محدودیت‌های هندسی کاربردی و ارائه ایده‌های نوآورانه برای طراحی آن صورت نگرفته‌اند. از طرفی، چندین روش سنتی موجود صرفاً برای زمینه‌های منتظم و ویژه کاربرد داشته و از انعطاف پایینی برخوردار هستند. لذا فقدان منابعی محرز

حال حاضر، خلأ چنین پژوهش‌هایی درباره کاربردی مشهود است؛ با این وجود در این بخش، برخی از منابعی که در آنها به‌نحوی به موضوع توجه شده، ذکر می‌شوند. مهم‌ترین منبع موجود در این خصوص که برگرفته از برخی آموزه‌های استاد پیرنیا بوده، توسط بزرگمهری (۱۳۸۵) تحریر یافته است. در این کتاب ضمن معرفی کلیات سازه‌ای و ساختاری کاربردی، یک نوع روش ترسیمی سنتی نیز برای آن ارائه شده است (پیرنیا و بزرگمهری، ۱۳۸۵). لکن روش ترسیمی ارائه‌شده، صرفاً برای زمینه‌های منتظم بوده و از میان اشکال چهار ضلعی نیز تنها در مربع و مستطیل استفاده می‌شود. روش ترسیمی مذکور، مبتنی بر تقسیم دایره به قطاع یکسان و ترسیم وترهای متقاطع و متساوی بین نقاط تقسیم است. روابط ذکرشده در این منبع - هم‌چون رابطه محاسبه تعداد اضلاع کاربردی - صرفاً برای زمینه‌های مستطیلی است. در زمینه‌های غیرمستطیلی نیز، ابتدا زمینه به‌صورت ترکیبی از دو مستطیل متساوی و متقاطع فرض شده و سپس هندسه کاربردی با استفاده از روابط زمینه‌های مستطیلی، محاسبه و ترسیم می‌شود. بنابراین این روش برای زمینه‌های مستطیلی و یا زمینه‌هایی که از ترکیب دو مستطیل متساوی و متقاطع تشکیل می‌شوند، مناسب است (تصویر ۲).

روش سنتی دیگر توسط استاد شهرباف (۱۳۸۵) مطرح شده که این روش برای ترسیم نیم کار بوده، با این حال استفاده از آن برای ترسیم کاربردی کامل در زمینه‌های متقارن نیز امکان‌پذیر است. ترسیم کاربردی در این روش، بدون استفاده از دایره محیطی و مستقیماً داخل زمینه انجام می‌گیرد؛ با این وجود این روش نیز هم‌چون روش مذکور، صرفاً برای زمینه‌های منتظم و ویژه است. در این منبع، رابطه‌ای برای محاسبه تعداد اضلاع کاربردی ارائه نشده است و ترسیم کاربردی با دانستن تعداد اضلاع کاربردی و طول دهنه تاق ممکن می‌شود. استاد لرزاده (۱۳۵۸) در خلال ارائه روش‌های ترسیم انواع کارهای معماری‌های چون کاسه‌سازی، مقرنس و گره‌سازی، بخشی را نیز به نحوه ترسیم کاربردی اختصاص داده‌اند. روش ترسیمی ارائه‌شده، مشابه روش استاد شهرباف



تصویر ۲. زمینه‌های تشکیل‌شده از ترکیب دو مستطیل متساوی و متقاطع (نگارندگان)

می‌شود که با نگاهی عمق نگر به جستجوی مبانی پایه‌های موضوع پرداخته و پارامترهای اثرگذار در پیاده‌سازی هندسه کاربردی، در انواعی از زمینه‌های نامنتظم را مشخص و بیان کرده و به ارائه راهکارهای ترسیمی فراگیرتر بپردازند. تحقیق حاضر با تمرکز بر خلأ علمی موجود، ابتدا هندسه کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز را بررسی کرده و خصوصیات هندسی کاربردی را استخراج می‌کند، سپس با شناخت مقتضیات هندسه کاربردی، یک روش ترسیمی جدید برای طراحی نوآورانه آن ارائه می‌دهد. مهم‌ترین تفاوت روش ترسیمی ارائه‌شده با روش‌های سنتی موجود آن است که روش حاضر، استفاده از کاربردی را در زمینه‌های چند ضلعی نامنتظم نیز ممکن می‌کند؛ زمینه‌هایی که در راسته‌های ارگانیک بازارهای تاریخی ایران به‌وفور قابل مشاهده هستند که با تاق‌های دیگری هم‌چون تاق کلمبو پوشیده شده‌اند (تصویر ۳).

روش تحقیق

این پژوهش، از نوع تحقیقات کاربردی بوده که در دو بخش کلی ارائه شده است: بخش اول؛ از طریق مطالعات میدانی و مشاهده عینی، به بررسی و تحلیل نمونه‌های کاربردی بازار تاریخی تبریز پرداخته است تا بدین صورت، اصول هندسی کاربردی و روابط ریاضی آن را به‌دست آورد، بخش دوم نیز به‌روش استدلال منطقی و مدل‌سازی رایانه‌ای و با بهره‌گیری از مطالعات بخش اول، در صدد یافتن راه‌حلی برای ترسیم و پیاده‌سازی کاربردی در زمینه‌های نامنتظم است.

نمونه‌های مطالعاتی کاربردی در بازار تاریخی تبریز

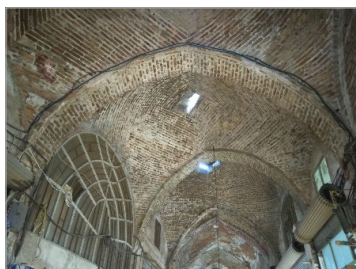
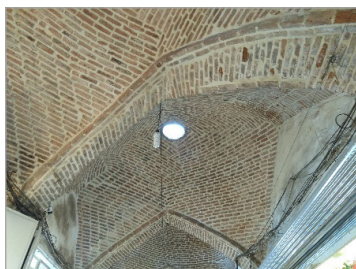
کاربردی به‌سبب قابلیت‌های فرمی و عملکردی بالای خود، کاربردهای بسیار گسترده‌ای در معماری ایران داشته است. این قابلیت‌ها در طول تاریخ، توجه طیف وسیعی از معماران خیره و متبحر ایرانی را به‌خود جلب کرده و باعث طرح و خلق کارهای متنوعی شده‌اند؛ به‌نحوی که در نقش‌های متنوع و بخش‌های گوناگونی از ابنیه ظاهر شده و علاوه بر جنبه‌های تزئینی و زیبایی‌شناسانه، نقش

سازه‌ای نیز داشته‌اند (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). گاهی در نقش پوشش اصلی بنا به‌کار رفته و گاه در نقش پوشش زیرین و گاهی نیز چون چپیره در زیر گنبد قرار می‌گیرند. یک مجموعه شاخص برای مشاهده گونه‌هایی از زیباترین و متکامل‌ترین کاربردی‌ها، بازار تاریخی تبریز است (تهرانی، ۱۳۹۰). در این بخش، چندین نمونه از بهترین کاربردی‌های بازار، انتخاب شده و نحوه شکل‌گیری هندسه آنها بررسی شده‌اند (جدول ۱).

کاربردی به‌سبب داشتن هندسه مقید و دقیق، از انعطاف پایینی برخوردار بوده و درست به‌همین علت، در طول تاریخ معماری ایران نیز تنها در زمینه‌های مشخص و ویژه به‌کار رفته؛ چنان‌که در نمونه‌های فوق نیز قابل مشاهده است، کارها روی زمینه‌های متقارن و منتظمی هم‌چون مربع، مستطیل و هشت ضلعی‌های متقارن به‌کار رفته‌اند. نکته لازم به‌ذکر دیگر، محاطی بودن زمینه تک‌تک کاربردی‌ها است. در برخی نمونه‌ها نیز هم‌چون کاربردی تیمچه حاج شیخ سوم و مظفریه، دو یا چند کاربردی با هم ترکیب شده و نمونه‌های پیچیده‌تری ایجاد کرده‌اند. هم‌چنین بررسی و تحلیل نمونه‌های فوق و استفاده از یافته‌های برخی منابع مهم در این خصوص (پیرنیا و بزرگمهری، ۱۳۸۵؛ نوایی و حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۰)، روشن ساخت که هندسه کاربردی بر پایه دو اصل ذیل است و در صورت عدم تحقق آنها، نمی‌توان به محصول نهایی، واژه کاربردی اطلاق کرد:

- هندسه پلانی یک کاربردی n ضلعی، مبتنی بر تقسیم دایره به n قطاع یکسان و ترسیم وترهای متقاطع و متساوی بین نقاط تقسیم است؛ که بدین سبب همواره عضوی دایره‌ای شکل به‌نام شمس در مرکز دایره محیطی تشکیل می‌شود. در نهایت، امتداد وترها در خارج از زمینه و داخل سوسنی‌ها حذف می‌شوند (تصویر ۴).

- ساختار هندسی کاربردی در بعد سوم، بر اساس دوران یک باریکه‌تاق حول مرکز دایره محیطی تشکیل می‌شود؛ لذا تمامی باریکه‌تاق‌های کاربردی دارای ابعاد و تناسبات یکسانی هستند (تصویر ۴).



تصویر ۳. زمینه‌های نامنتظم در بازار تاریخی تبریز (نگارندگان)

ضلعی‌هایی قابل‌محاط در دایره هستند که در آنها دو زاویهٔ روبرو به یکدیگر مکمل باشند، یا به‌طور برعکس در هر چهار ضلعی محاطی، زوایای روبرو به هم مکمل یکدیگر هستند (همان: ۶۹). از این‌رو، شرط اول پیاده‌سازی دقیق هندسهٔ کاربرندی بر روی زمینه‌های چهار ضلعی این است که دو زاویهٔ مقابل چهار ضلعی مورد نظر، مکمل باشند (جدول ۲).

شرط دوم

روشن است که هر کاربرندی در هر زمینه‌ای قابل‌اجرا نیست. پیاده‌سازی یک کاربرندی n ضلعی، نیازمند زمینه‌ای با تناسب خاصی بوده که دقیقاً در ارتباط با تعداد اضلاع کاربرندی است؛ لذا باید خصوصیات زمینهٔ لازم برای یک کاربرندی n ضلعی محاسبه و تبیین شود.

هندسهٔ کاربرندی، مبتنی بر تقسیم دایره به کمان‌های یکسان و ترسیم وترهای متقاطع و متساوی بین نقاط تقسیم بوده که مهم‌ترین مسأله در آن، انطباق الگوی هندسهٔ ترسیمی با زمینهٔ کار است. برای تحقق چنین انطباقی بین الگوی ترسیمی کاربرندی با زمینه کار، بایستی رئوس چهار ضلعی منطبق بر نقاط تقسیم دایره باشند. بنابراین می‌توان شرط دوم را بدین صورت بیان کرد که یک کاربرندی n ضلعی، صرفاً در چهار ضلعی‌هایی قابل‌اجرا است که با تقسیم دایرهٔ محیطی به n قطاع مساوی، رئوس چهار ضلعی بر روی نقاط تقسیم دایره قرار بگیرند. برای مثال، تصویر ۵، چندین نمونه از چهار ضلعی‌هایی را نشان می‌دهد که امکان اجرای کاربرندی ۲۴ ضلعی در آنها وجود دارد.

برای به‌دست آوردن مشخصهٔ چهار ضلعی‌های فوق، ابتدا یکی از اقطار آنها را ترسیم می‌کنیم؛ بدین صورت چهار زاویهٔ

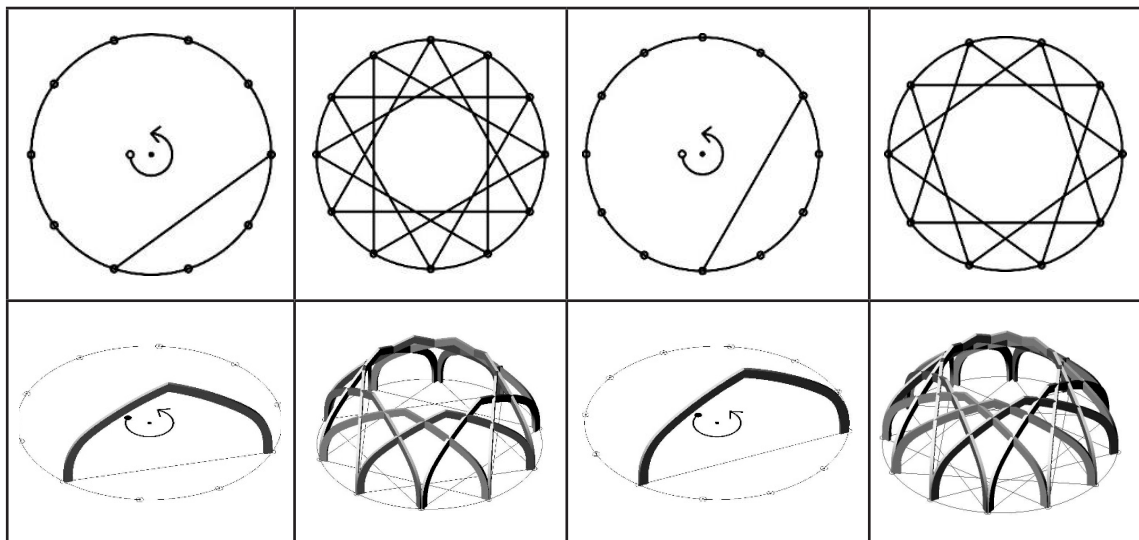
مطالعه نمونه‌های موردی روشن کرد که پیاده‌سازی هندسهٔ کاربرندی در یک زمینهٔ خاص، مستلزم برقراری ارتباط دقیقی بین هندسه و نوع کاربرندی و تناسبات و ابعاد زمینهٔ اجرایی است که با بی‌توجهی بدان، هرگز نتایج مطلوبی حاصل نمی‌شود. چنین ارتباطی به‌صورت متقابل بین هندسهٔ کاربرندی و زمینهٔ اجرایی برقرار است؛ به‌طوری که هندسهٔ کاربرندی، برخی باید‌ها و نبایدهایی به زمینهٔ مورد نظر تحمیل کرده و نیز بخشی از مشخصات خود را از ابعاد و تناسبات زمینه می‌گیرد (Amjad Mohammadi et al, 2018). مقاله حاضر در دو دستهٔ کلی "الزامات هندسهٔ کاربرندی" و "الزامات زمینه‌های چهار ضلعی"، به بررسی و تحلیل چنین روابطی پرداخته است.

الزامات هندسهٔ کاربرندی

چنان‌که روشن شد، هندسهٔ کاربرندی، از روش‌های ترسیمی دقیق و ریاضی‌وار به‌دست می‌آید؛ لذا محدودیت و الزاماتی برای زمینه‌های کاربرندی وجود دارد. از این‌رو باید شروط لازم و کافی را که هندسهٔ یک کاربرندی n ضلعی برای زمینه‌های چهار ضلعی ارائه می‌نماید، محاسبه و بررسی نمود.

شرط اول

مهم‌ترین خصوصیت هندسهٔ کاربرندی که آن را از دیگر کارهایی چون مقرنس، کاسه‌سازی و غیره متمایز می‌کند، هندسهٔ وتری آن است؛ این هندسه تنها در زمینه‌هایی امکان اجرا دارد که محاط در دایره باشند. اما نکته در خور توجه این است که الزاماً از هر چهار نقطهٔ واقع بر روی صفحه، نمی‌توان دایره‌ای گذراند یا به‌عبارتی دیگر همهٔ چهار ضلعی‌ها الزاماً محاطی^۳ نیستند (احمدپور و مسگری، ۱۳۸۶: ۶۷)، تنها چهار



تصویر ۴. هندسه پلانی و فرمی کاربرندی (نگارندگان)

الزامات زمینه‌های چهار ضلعی

پایاده‌سازی هندسه کاربردی در هر زمینه‌ای، مقتضیات و الزامات خاص خود را می‌طلبد که دقیقاً در ارتباط با ابعاد و تناسبات زمینه مورد نظر است (فرشچی و همکاران، ۱۳۹۵). این بخش از تحقیق، در پی تبیین روابطی است که بدان طریق بتوان برای هر زمینه (زمینه‌های چهار ضلعی)، کاربردی متناسب با آن را انتخاب و ترسیم کرد. در این میان، مهم‌ترین پارامترهایی که توسط زمینه کاربردی تعیین می‌شوند، «چند به چند (دو به دو، سه به سه یا غیره) وصل شدن نقاط تقسیم دایره مبنا» و «تعداد اضلاع کاربردی» است که در ذیل به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

چند به چند (دو به دو، سه به سه یا غیره) وصل شدن نقاط تقسیم دایره مبنا

چنان‌که قبلاً گفته شد هندسه کاربردی، مبتنی بر تقسیم دایره به کمان‌های متساوی و ترسیم وترهای متقاطع بین نقاط تقسیم است. اتصال نقاط تقسیم دایره با فاصله‌های دلخواه صورت نمی‌گیرد. در زمینه‌های مستطیلی، بزرگ‌ترین ضلع (طول مستطیل)، عامل تعیین‌کننده مشخصه مذکور است؛ به طوری که اگر طول مستطیل در مقابل m قطاع از دایره قرار گیرد، همه نقاط تقسیم دایره با فاصله m به هم وصل می‌شوند (پیرنیا و بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۳). این مشخصه در زمینه‌های چهار ضلعی نامنتظم (محاظی) نیز از طریق بزرگ‌ترین ضلع چهار ضلعی، قابل محاسبه است. اما باید توجه داشت که اگر در چهار ضلعی‌های نامنتظم - نیز هم‌چون زمینه‌های مستطیلی - نقاط تقسیم دایره با فاصله m به m به هم وصل شوند، در یک یا دو طرف مجاور کاربردی، عضو سوسنی حذف شده و بدین سبب کاربردی، توازن و هماهنگی خود را از دست می‌دهد. برای اجتناب از این مسأله، می‌توان نقاط تقسیم دایره را با فاصله $1+m$ به $1+m$ به هم وصل کرد تا کاربردی به دست آمده، از هماهنگی و توازن بیشتری برخوردار باشد (جدول ۵).

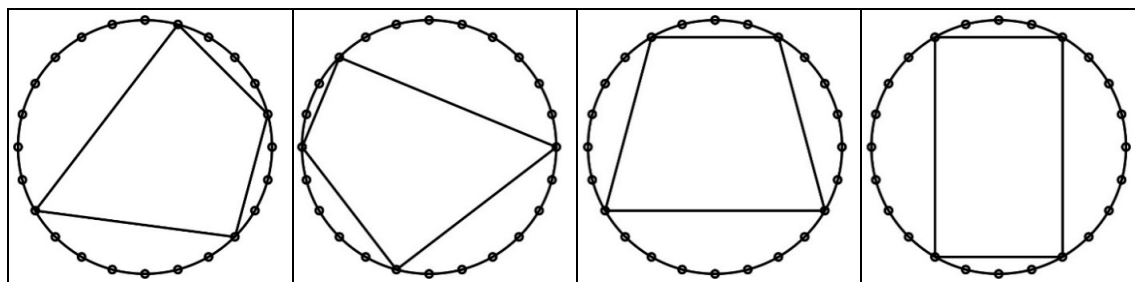
محاظی a^4, b^4, c^4, d^4 به دست می‌آیند (جدول ۳). همان‌گونه که در جدول ۳ مشهود است، کمان روبروی تمامی زوایای a^4, b^4, c^4, d^4 مضربی از قطاع ایجاد شده بر روی دایره هستند. برای مثال، در این جدول با توجه به این که دایره به ۲۴ قسمت مساوی تقسیم شده، زاویه هر قطاع برابر حاصل تقسیم 360° بر ۲۴ است^۵. از این رو تمامی کمان‌های روبرو به زوایای مذکور، مضربی از 15° هستند. حال با توجه به این که اندازه هر زاویه محاطی برابر نصف کمان روبروی خود است، تمامی زوایای a^4, b^4, c^4, d^4 نیز مضربی از $7/5^\circ$ (نصف 15°) هستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کاربردی ۲۴ ضلعی تنها در چهار ضلعی‌هایی قابل اجرا است که - جدا از محاطی بودن - هر چهار زاویه به دست آمده از ترسیم یکی از اقطار آن (زوایای a^4, b^4, c^4, d^4)، مضربی از $7/5$ باشند (جدول ۳).

حال می‌توان مشخصه فوق را - به همان ترتیبی که برای زمینه‌های کاربردی ۲۴ ضلعی محاسبه شد - برای زمینه‌های کاربردی‌های n ضلعی نیز به دست آورد. بر این اساس، شرط دوم پایاده‌سازی یک کاربردی n ضلعی در انواعی از چهار ضلعی‌ها، این است که هر چهار زاویه به دست آمده از ترسیم یکی از اقطار آن (زوایای a^4, b^4, c^4, d^4)، مضربی از حاصل تقسیم 180° بر تعداد اضلاع $(\frac{180^\circ}{n} x)$ باشند.

$$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \left(\frac{360^\circ}{n} \times \frac{1}{2}\right) x = \left(\frac{180^\circ}{n} x\right), \quad x \in \mathbb{N}$$

شرط سوم

یکی از الزامات هندسه کاربردی این است که شمسه کاربردی، درون چهار ضلعی زمینه تشکیل شود. این شرط، زمانی محقق می‌شود که مرکز دایره محیطی، داخل چهار ضلعی زمینه قرار گیرد؛ در غیر این صورت، چهار ضلعی زمینه به طور کامل در نصف دایره قرار گرفته و پایاده‌سازی هندسه کاربردی در آن امکان‌پذیر نیست (جدول ۴).



تصویر ۵. نمونه‌هایی از زمینه‌های چهار ضلعی مستعد پایاده‌سازی کاربردی ۲۴ ضلعی (نگارندگان)

جدول ۱. بررسی ساختار هندسی ۱۳ نمونه از نفیس‌ترین کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز



			<p>تیمچه امیر جنوب</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی ۲۸ ضلعی با سه ردیف حذف ترنج. (۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۲۸ ضلعی تشکیل یافته است. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۹ به ۴.۹ (زمینه: هشت و نیم هشت)</p>			
			<p>تیمچه امیر شمال</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۰ ضلعی کامل، از نوع رسمی ساده. (۲) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۴ به ۳.۴ (زمینه: مستطیل)</p>			
			<p>تیمچه حاج تقی</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۲ ضلعی با یک ردیف حذف ترنج. (۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۱۲ ضلعی تشکیل یافته است. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۴ به ۴.۴ (زمینه: هشت و نیم هشت)</p>			

ادامه جدول ۱. بررسی ساختار هندسی ۱۳ نمونه از نفیس‌ترین کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز

			<p>تیمچه حاج رحیم</p>
<p>(۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۶ ضلعی با یک ردیف حذف ترنج. (۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۱۶ ضلعی به‌دست آمده است. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۵ به ۴.۵ زمین: هشت و نیم هشت</p>			
			<p>تیمچه حاج شیخ سوم</p>
<p>(۱) کاربردی قالب شاقولی مرکب از نوع درون‌زا. (۲) ترکیب یک کاربردی رسمی ساده ۸ ضلعی با یک کاربردی اختری گسیخته ۱۶ ضلعی. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره در کاربردی رسمی با فاصله ۳ به ۳ و در کاربردی اختری با فاصله ۴ به ۴.۴ زمین: مستطیل</p>			
			<p>تیمچه حاج صفر علی</p>
<p>(۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۲ ضلعی با یک ردیف حذف ترنج. (۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۱۲ ضلعی تشکیل یافته است. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۴ به ۴.۴ زمین: هشت و نیم هشت</p>			

			<p>تیمچه حاج محمدقلی</p>
<p>(۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۶ ضلعی با دو ردیف حذف ترنج. (۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۱۶ ضلعی تشکیل یافته است. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۶ به ۴.۶ زمین: هشت</p>			
			<p>تیمچه ملک</p>
<p>(۱) کاربردی قالب شاقولی مرکب از نوع سوار. (۲) استقرار یک کاربردی اختری ترکیب ۲۰ ضلعی بر روی یک کاربردی اختری گسیخته ۲۰ ضلعی. (۳) اتصال نقاط روی دایره در کاربردی ترکیب با فاصله ۱۰ به ۱۰ و در کاربردی اختری گسیخته با فاصله ۴ به ۴.۴ زمین: هشت و نیم هشت</p>			
			<p>تیمچه میر ابوالحسن</p>
<p>(۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۶ ضلعی با دو ردیف حذف ترنج. (۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۱۶ ضلعی تشکیل یافته است. (۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۶ به ۴.۶ زمین: هشت</p>			

ادامه جدول ۱. بررسی ساختار هندسی ۱۳ نمونه از نفیس‌ترین کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز

			<p>تیمچه میرزا جلیل</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی ۱۶ ضلعی با دو ردیف حذف ترنج. ۲) از نوع رسمی گسترش که از تقاطع عمودی دو کاربردی ساده ۱۶ ضلعی تشکیل یافته است. ۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۶ به ۶ (۴.۶) زمینه: هشت</p>			
			<p>تیمچه میرزا شفیع</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی مرکب از نوع سوار. ۲) استقرار یک کاربردی اختری ترکیب ۱۶ ضلعی بر روی یک کاربردی رسمی ساده ۱۶ ضلعی. ۳) اتصال نقاط روی دایره در کاربردی ترکیب با فاصله ۸ به ۸ و در کاربردی رسمی ساده با فاصله ۴ به ۴ (۴.۴) زمینه: مربع</p>			
			<p>تیمچه مظفریه</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی ۸ ضلعی کامل، از نوع رسمی ساده. ۲) اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۳ به ۳ (۳.۳) زمینه: مستطیل</p>			

ادامه جدول ۱. بررسی ساختار هندسی ۱۳ نمونه از نفیس‌ترین کاربردی‌های بازار تاریخی تبریز

			<p>تیمچه مظفریه</p>
<p>۱) کاربردی قالب شاقولی مرکب از نوع پرور. ۲) ترکیب یک کاربردی رسمی ساده ۱۶ ضلعی با دو نیم‌کار رسمی ساده ۱۲ ضلعی. ۳) اتصال نقاط تقسیم روی دایره در کاربردی مرکزی و نیم‌کارها با فاصله ۴ به ۴.۴. زمینه: مستطیل</p>			

(نگارندگان)

جدول ۲. چندین نمونه برای چهار ضلعی‌های محاطی

$117.1^\circ + 62.9^\circ = 180^\circ$	$70.5^\circ + 109.5^\circ = 180^\circ$	$108.4^\circ + 71.6^\circ = 180^\circ$	$90^\circ + 90^\circ = 180^\circ$

(نگارندگان)

جدول ۳. مشخصه زمین‌های چهار ضلعی مستعد پیاده‌سازی کاربردی ۲۴ ضلعی

$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \left(\frac{360^\circ}{24} \times \frac{1}{2}\right) x = 7.5x^\circ$ $\hat{a} = 30^\circ, \hat{b} = 30^\circ, \hat{c} = 67.5^\circ, \hat{d} = 52.5^\circ$	$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \left(\frac{360^\circ}{24} \times \frac{1}{2}\right) x = 7.5x^\circ$ $\hat{a} = 30^\circ, \hat{b} = 45^\circ, \hat{c} = 45^\circ, \hat{d} = 60^\circ$

(نگارندگان)

کاربندی‌های ۱۰ تا ۳۲ ضلعی محاسبه و نمونه‌ای برای هر کدام ترسیم شده است.

در جدول فوق، الزامات و مقتضیات پیاده‌سازی هندسه کاربردی‌های ۱۰ تا ۳۲ ضلعی در زمینه‌های چهار ضلعی روشن شدند و چنان که دیدیم، اگر زوایای \hat{a} ، \hat{b} ، \hat{c} و \hat{d} مضربی از ۱۸ درجه باشند، کاربردی ۱۰ ضلعی، اگر مضربی از ۱۵ درجه باشند، کاربردی ۱۲ ضلعی و اگر مضربی از $\frac{180^\circ}{n}$ باشند، کاربردی n ضلعی قابل پیاده‌سازی است.

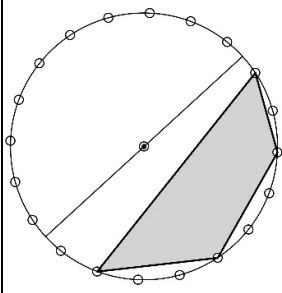
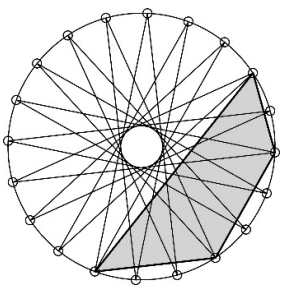
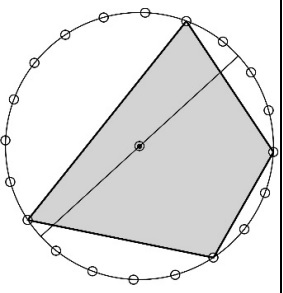
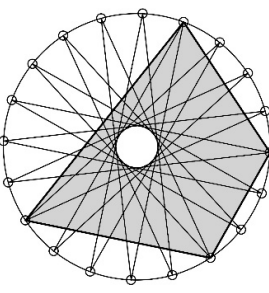
تعداد اضلاع کاربردی

در جدول ۶، خصوصیات هندسی انواعی از کاربردی‌های ۱۰ تا ۳۲ ضلعی معرفی شدند، اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که «تعداد اضلاع کاربردی تنها به سلیقه و دلخواه

شایان ذکر است که با افزایش فاصله اتصال نقاط روی دایره، شمشه کاربردی کوچک‌تر می‌شود؛ لذا موقع طراحی کاربردی، اندازه شمشه با تغییر فاصله اتصال نقاط، قابل کنترل است. پس از اتصال نقاط تقسیم دایره مینا به هم، امتداد تمامی خطوطی که بیرون از چهار ضلعی و یا داخل سوسنی‌ها قرار دارند را پاک می‌کنیم و بدین صورت، هندسه کاربردی شکل می‌گیرد. بر طبق آنچه در جدول ۵ روشن شد، اگر بزرگ‌ترین ضلع چهار ضلعی نامنتظم در برابر m قطاع از دایره قرار گیرد، نقاط تقسیم روی دایره به منظور هماهنگی و تناسب اجزای کاربردی، بهتر است (بر خلاف زمینه‌های مستطیلی که m به m وصل می‌شوند) با فاصله بیشتری وصل شوند.



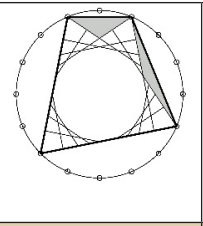
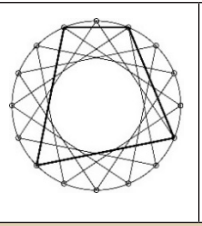
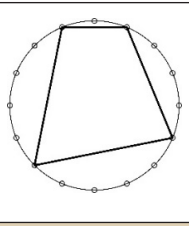


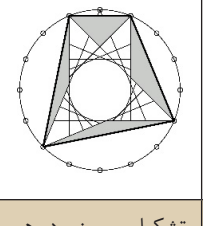
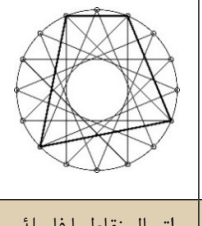
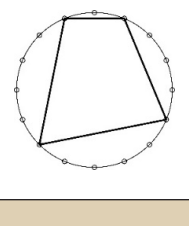
اینک در جدول ۶ با توجه به آنچه که در بخش‌های قبل مطرح شد، خصوصیات و الزامات زمینه و هندسه انواع

جدول ۴. آزمون شرط سوم پیاده‌سازی هندسه کاربردی در زمینه‌های چهار ضلعی

			
مرکز دایره بیرون از چهار ضلعی قرار گرفته و شمشه درون زمینه تشکیل نمی‌شود؛ لذا امکان پیاده‌سازی کاربردی آن وجود ندارد.		مرکز دایره در داخل چهار ضلعی قرار گرفته و شمشه درون زمینه تشکیل می‌شود؛ لذا شرط سوم پیاده‌سازی هندسه کاربردی در آن صادق است.	

(نگارندگان)

جدول ۵. مقایسه دو حالت اتصال نقاط تقسیم دایره با فاصله m به m و $1+m$ به $1+m$ در زمینه‌های چهار ضلعی نامنتظم

				
	تشکیل سوسنی تنها در دو طرف مجاور کاهش هماهنگی و توازن کاربردی		کاربندی ۱۶ ضلعی اتصال نقاط با فاصله m به m (۵ به ۵)	
				
	کاربندی به نسبت هماهنگ و متوازن	تشکیل سوسنی در هر چهار طرف	اتصال نقاط با فاصله $1+m$ به $1+m$ (۶ به ۶)	کاربندی ۱۶ ضلعی

(نگارندگان)



گام اول

ابتدا محیط چهار ضلعی را به دست آورده و با استفاده از فرمول ارائه شده ($P - 4 =$ تعداد اضلاع مناسب کاربردی)، تعداد اضلاع مناسب کاربردی را محاسبه می‌کنیم (جدول ۷):

$$P - 4 = (9.08 + 9.36 + 7.27 + 6.06) - 4 = 27.77 \approx 28$$

(محیط چهار ضلعی $P =$)

نزدیک‌ترین عدد زوج طبیعی به مقدار به دست آمده، ۲۸ است؛ لذا کاربردی مناسب برای زمینه مورد نظر، یک کاربردی ۲۸ ضلعی است.

گام دوم

حال، یکی از اقطار چهار ضلعی را ترسیم کرده و سپس زوایای \hat{a} ، \hat{b} ، \hat{c} و \hat{d} را اندازه‌گیری می‌کنیم (جدول ۷).

$$\hat{a} = 52.91^\circ, \hat{b} = 32.14^\circ, \hat{c} = 55.28^\circ, \hat{d} = 39.66^\circ$$

با توجه به آن چه که در شرط دوم آمد، می‌دانیم که در

کاربردی ۲۸ ضلعی، باید تمامی زوایای \hat{a} ، \hat{b} ، \hat{c} و \hat{d} مضربی از حاصل تقسیم 180° بر ۲۸ ($\frac{180^\circ}{28}x$) باشند.

$$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{28}x = 6.429x^\circ, \quad x \in N$$

گام سوم

در این جا، نزدیک‌ترین چهار ضلعی به زمینه مورد نظر که مستعد اجرای کاربردی ۲۸ ضلعی است را پیدا می‌کنیم. لذا باید نزدیک‌ترین مضرب‌های عدد $[6,429]$ به مقادیر $[a = 52.91^\circ, b = 32.14^\circ, c = 55.28^\circ, d = 39.66^\circ]$ را بیابیم.

$$\hat{a} = 52.91^\circ, \quad \frac{52.91^\circ}{6.429^\circ} = 8.23 \Rightarrow \hat{a} \approx 8 \times 6.429^\circ = 51.43^\circ$$

$$\hat{b} = 32.14^\circ, \quad \frac{32.14^\circ}{6.429^\circ} = 5.00 \Rightarrow \hat{b} = 5 \times 6.429^\circ = 32.14^\circ$$

$$\hat{c} = 55.28^\circ, \quad \frac{55.28^\circ}{6.429^\circ} = 8.60 \Rightarrow \hat{c} \approx 9 \times 6.429^\circ = 57.86^\circ$$

$$\hat{d} = 39.66^\circ, \quad \frac{39.66^\circ}{6.429^\circ} = 6.17 \Rightarrow \hat{d} \approx 6 \times 6.429^\circ = 38.57^\circ$$

در محاسبات فوق، اعداد به دست آمده، زوایای \hat{a} ، \hat{b} ، \hat{c} و \hat{d} نزدیک‌ترین چهار ضلعی به چهار ضلعی مورد نظر است که امکان پیاده‌سازی دقیق کاربردی ۲۸ ضلعی در آن وجود دارد. حال در گام بعدی با استفاده از زوایای محاسبه شده، چهار ضلعی جدید را ترسیم می‌کنیم.

در این بخش از تحقیق باید نکته‌ای را نیز خاطر نشان کرد؛ در حالت کلی با افزایش تعداد اضلاع کاربردی، میزان خطای

معمار تعیین نمی‌شود، بلکه ابعاد مختلف سطحی که باید در آن کاربردی [اجرا] شود نوع آن را مشخص می‌کند» (پیرنیا و بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۲). چنان که به سبب برخی ملاحظات سازه‌ای و استاتیکی، مناسب است که با افزایش ابعاد زمینه، تعداد اضلاع کاربردی نیز افزایش یابد تا بار سقف، بین تعداد بیشتری از باریکه‌تاق‌ها تقسیم شود. بدین منظور برای زمینه‌های مستطیلی، فرمول $[2(a+b)-4]$ مطرح است (همان). در این فرمول متغیرهای a و b ، طول و عرض مستطیل و عدد به دست آمده، تعداد اضلاع کاربردی مناسب هستند.

حال به منظور قابل استفاده کردن رابطه فوق برای چهار ضلعی‌های محاطی نامنتظم، عدد ۲ را در مقادیر داخل پرانتز ضرب کرده، سپس فرمول به دست آمده را ساده می‌کنیم. بدین صورت، رابطه $[4 - \text{محیط چهار ضلعی}] = \text{تعداد اضلاع مناسب کاربردی}$ به دست می‌آید. شایان ذکر است که تعداد اضلاع کاربردی، یک عدد طبیعی زوج است؛ لذا اگر حاصل فرمول بالا یک عدد اعشاری باشد، آن را معادل نزدیک‌ترین عدد طبیعی زوج در نظر می‌گیریم.

کاربردی در زمینه‌های چهار ضلعی نامنتظم

با توجه به آن چه که در بخش‌های پیشین تشریح شد، هندسه کاربردی به طور دقیق، در انواع زیادی از چهار ضلعی‌های منتظم و یا حتی نامنتظم قابل اجرا است. لکن باید به این واقعیت اذعان نمود که در بیشتر چهار ضلعی‌ها (به استثنای چهار ضلعی‌هایی با شرایط مذکور در جدول ۶)، امکان اجرای دقیق هندسه کاربردی وجود ندارد. گر چه مسأله مذکور، امر چندان عجیبی برای معماران سنتی نیست. آنها بر این مسأله واقف هستند که معمولاً تناسبات کاربردی محاسبه شده برای یک زمینه مشخص - حتی زمینه‌های مستطیلی - دقیقاً منطبق بر ابعاد آن نیست؛ لذا در اجرا با کمی پس و پیش کردن دهانه‌ها، هندسه کاربردی را با زمینه مورد نظر تطبیق می‌دهند که در اصطلاح به آن زد و خورد یا کست افزود می‌گویند (همان). حال با در نظر گرفتن این حقیقت، بخش حاضر در پی تبیین روشی است تا بدان طریق، امکان اجرای هندسه کاربردی در تمامی چهار ضلعی‌های محاطی - با کمترین میزان زد و خورد - فراهم آید. این روش در چندین مرحله ذیل بر آن است تا نزدیک‌ترین چهار ضلعی مستعد پیاده‌سازی هندسه کاربردی (چهار ضلعی‌هایی با شرایط مذکور در جدول ۶) را به زمینه مورد نظر - که امکان اجرای دقیق هندسه کاربردی در آن وجود ندارد - بیابد.

برای درک بهتر این روش، یک چهار ضلعی محاطی کاملاً تصادفی ترسیم کرده، سپس با اجرای هندسه کاربردی در آن، روش ترسیمی مورد نظر را شرح می‌دهیم (جدول ۷).

جدول ۶. خصوصیات و الزامات زمینه و هندسه انواع کاربردی‌های ۱۰ تا ۳۲ ضلعی (نگارندگان)

فرم کاربردی	پلان کاربردی	ترسیم هندسه کاربردی	چند به چند وصل شدن نقاط روی دایره (n+1 به n+1)	تقسیم دایره به قطاع‌های مساوی	زوایای $\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d}$	نوع کاربردی
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{10}x = 18x^\circ$	کاربردی ۱۰ ضلعی
					$a=36^\circ$ $b=54^\circ$ $c=36^\circ$ $d=54^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۴ به ۴
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{12}x = 15x^\circ$	کاربردی ۱۲ ضلعی
					$a=45^\circ$ $b=60^\circ$ $c=30^\circ$ $d=45^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۵ به ۵
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{14}x = 12.857x^\circ$	کاربردی ۱۴ ضلعی
					$a=51.428^\circ$ $b=25.714^\circ$ $c=64.285^\circ$ $d=38.571^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۶ به ۶
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{16}x = 11.25x^\circ$	کاربردی ۱۶ ضلعی
					$a=56.25^\circ$ $b=45^\circ$ $c=56.25^\circ$ $d=22.5^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۶ به ۶
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{18}x = 10x^\circ$	کاربردی ۱۸ ضلعی
					$a=50^\circ$ $b=50^\circ$ $c=40^\circ$ $d=40^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۶ به ۶
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{20}x = 9x^\circ$	کاربردی ۲۰ ضلعی
					$a=63^\circ$ $b=45^\circ$ $c=45^\circ$ $d=27^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۸ به ۸
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{22}x = 8.182x^\circ$	کاربردی ۲۲ ضلعی
					$a=49.092^\circ$ $b=57.274^\circ$ $c=32.728^\circ$ $d=40.91^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۸ به ۸

ادامه جدول ۶. خصوصیات و الزامات زمینه و هندسه انواع کاربردی‌های ۱۰ تا ۳۲ ضلعی (نگارندگان)

فرم کاربردی	پلان کاربردی	ترسیم هندسه کاربردی	چند به چند وصل شدن نقاط روی دایره (n+1 به n+1)	تقسیم دایره به قطاع‌های مساوی	زوایای $\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d}$	نوع کاربردی
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{24} x = 7.5x^\circ$	کاربردی ۲۴ ضلعی
					$a=45^\circ$ $b=30^\circ$ $c=45^\circ$ $d=60^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۹ به ۹
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{26} x = 6.923x^\circ$	کاربردی ۲۶ ضلعی
					$a=34.615^\circ$ $b=34.615^\circ$ $c=62.307^\circ$ $d=48.461^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۱۰ به ۱۰
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{28} x = 6.429x^\circ$	کاربردی ۲۸ ضلعی
					$a=51.432^\circ$ $b=38.574^\circ$ $c=51.432^\circ$ $d=38.574^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۹ به ۹
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{30} x = 6x^\circ$	کاربردی ۳۰ ضلعی
					$a=54^\circ$ $b=48^\circ$ $c=42^\circ$ $d=36^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۱۰ به ۱۰
					$\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = \frac{180^\circ}{32} x = 5.625x^\circ$	کاربردی ۳۲ ضلعی
					$a=45^\circ$ $b=33.75^\circ$ $c=56.25^\circ$ $d=45^\circ$	اتصال نقاط با فاصله ۱۱ به ۱۱

(نگارندگان)

گام چهارم

برای رسیدن به چهار ضلعی محاسبه‌شده، ابتدا خطی هم‌اندازه و هم‌راستا با قطر چهار ضلعی زمینه ترسیم کرده (جدول ۸)، سپس از دو رأس آن، خطوطی با زوایای محاسبه‌شده $\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d}$ می‌کشیم. چهار ضلعی به‌دست آمده از این روش، نزدیک‌ترین چهار ضلعی محاطی به چهار ضلعی زمینه است که امکان پیاده‌سازی دقیق کاربردی ۲۸ ضلعی در آن وجود دارد (جدول ۸).

گام پنجم

حال، دایره محیطی چهار ضلعی مورد نظر را ترسیم کرده^۸ و آن را به ۲۸ کمان مساوی تقسیم می‌کنیم (جدول ۹).

چهار ضلعی محاسبه‌شده - و به تبع آن میزان خطای کاربردی

به‌دست آمده - کاهش می‌یابد. دلیل این امر، از رابطه ارائه‌شده

در شرط دوم $[\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d} = (\frac{180^\circ}{n} x)]$ آشکار است. با

توجه به این که با افزایش تعداد اضلاع کاربردی، مخرج کسر رابطه مذکور افزایش می‌یابد، لذا حاصل کسر کاهش یافته و

زوایای $\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d}$ مضربی از یک عدد کوچک‌تر می‌شوند.

پس در حالت کلی، خطای زوایای $\hat{a}, \hat{b}, \hat{c}, \hat{d}$ به‌دست آمده

از محاسبات فوق، کمتر شده و چهار ضلعی محاسبه‌شده به

چهار ضلعی زمینه نزدیک‌تر می‌شود.

شد، خطای جزئی به‌وجود آمده - حتی در زمینه‌های متقارن و منتظم نیز - مسأله‌ای کاملاً عادی است؟

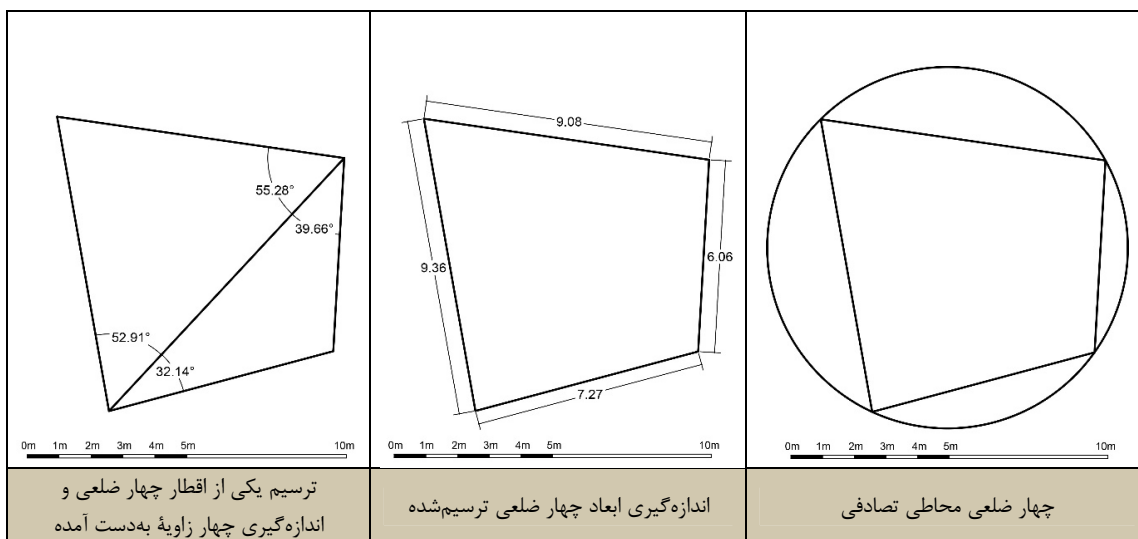
روش ترسیمی ارائه‌شده، برای زمینه‌های چند ضلعی نامنتظم - هم‌چون پنج ضلعی و شش ضلعی - نیز کاربرد دارد. روند کار بدین صورت است که ابتدا زمینه را به دو یا چند چهار ضلعی تقسیم کرده و نزدیک‌ترین کاربردی‌های مناسب زمینه‌ها را می‌یابیم، سپس با ترکیب کاربردی‌های به‌دست آمده، نمونه‌های مرکب تشکیل می‌شوند. شایان ذکر است که برای ادغام دو یا چند کاربردی، باید تعداد اضلاع آنها برابر باشند و اتصال نقاط روی دایره در آنها با فاصله برابر صورت گیرند (تصویر ۶).

می‌بینیم که تمامی رئوس چهار ضلعی، دقیقاً منطبق بر نقاط روی دایره است؛ بنابراین می‌توان هندسه کاربردی ۲۸ ضلعی را به‌طور دقیق در چهار ضلعی به‌دست آمده ترسیم کرد.

گام ششم

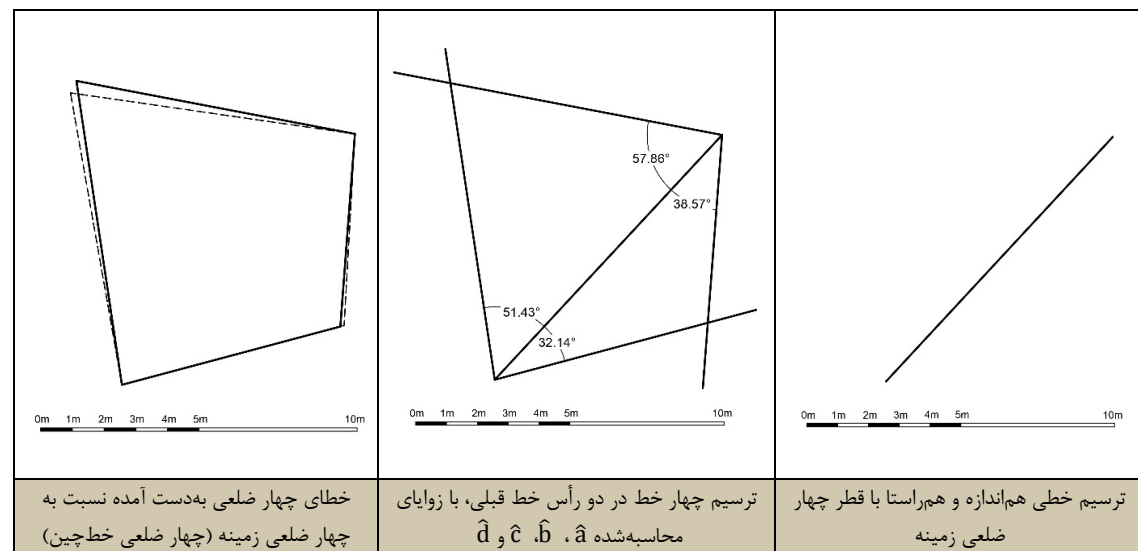
با توجه به این که بزرگ‌ترین ضلع چهار ضلعی در برابر ۹ قطاع از دایره قرار گرفته است، تمامی نقاط روی دایره را با فاصله ۱۰ به ۱۰ (۹ + ۱) به هم وصل می‌کنیم، سپس امتداد خطوط بیرون از چهار ضلعی و هم‌چنین داخل سوسنی‌ها را پاک کرده و بدین ترتیب هندسه کاربردی شکل می‌گیرد (جدول ۹). کاربردی به‌دست آمده از روش فوق، نزدیک‌ترین کاربردی ۲۸ ضلعی به زمینه مورد نظر است. چنان که پیش‌تر نیز ذکر

جدول ۷. ترسیم یک چهار ضلعی محاطی تصادفی و اندازه‌گیری اضلاع و برخی از زوایای آن



(نگارندگان)

جدول ۸. روند ترسیم چهار ضلعی محاسبه‌شده و نمایش میزان خطای آن نسبت به چهار ضلعی زمینه

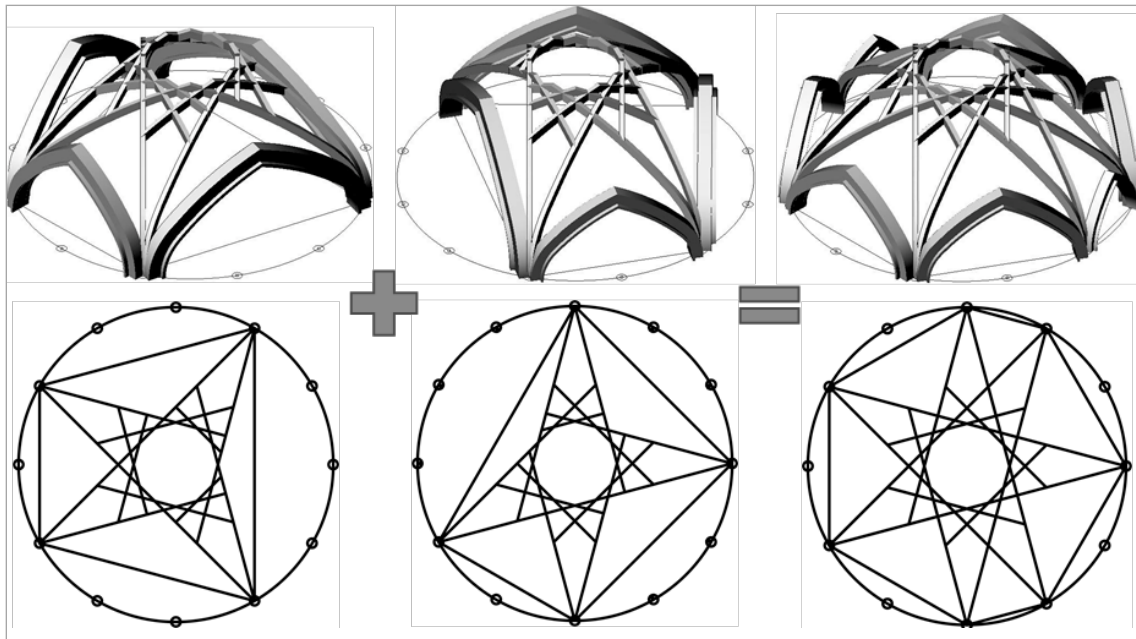


(نگارندگان)

جدول ۹. روند ترسیم کاربندی ۲۸ ضلعی در نزدیک‌ترین چهار ضلعی محاسبه‌شده به زمینه

<p>حذف امتداد خطوط بیرون از چهار ضلعی و هم‌چنین داخل سوسنی‌ها</p>	<p>اتصال نقاط تقسیم روی دایره با فاصله ۱۰ به ۱۰</p>	<p>ترسیم دایره محیطی چهار ضلعی به دست آمده و تقسیم آن به ۲۸ کمان مساوی</p>
<p>پلان کاربندی ترسیم‌شده</p>	<p>نمایش ایزومتریک از سمت شمال غربی کاربندی ترسیم‌شده</p>	<p>نمایش ایزومتریک از سمت جنوب شرقی کاربندی ترسیم‌شده</p>

(نگارندگان)



تصویر ۶. کاربندی مرکب در یک زمینه پنج ضلعی نامنتظم (نگارندگان)

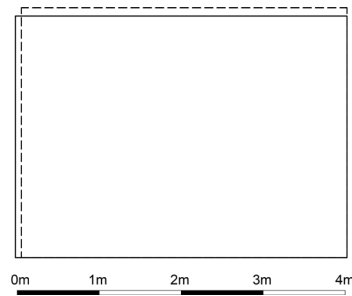
نتیجه‌گیری

کاربندی، یکی از الگوهای پوششی ریاضی‌وار و دقیق معماری ایرانی است که در این تحقیق، با بررسی هندسه کاربردی‌های بازار تبریز، خصوصیات و مقتضیات آن کشف شد و سپس امکان‌سنجی پیاده‌سازی هندسه آن در انواعی از زمینه‌های چهار ضلعی، مورد سؤال قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان دادند که شروط لازم و کافی برای پیاده‌سازی دقیق هندسه یک کاربردی Π ضلعی در زمینه‌های چهار ضلعی منتظم و یا نامنتظم این است که اولاً دو زاویه مقابل چهار ضلعی زمینه مکمل بوده، ثانیاً هر چهار زاویه به‌دست آمده از ترسیم یکی از اقطار آن، ضربی از حاصل تقسیم 180° بر تعداد اضلاع $(\frac{180^\circ}{n} \times x)$ باشند، ثالثاً شمسۀ کاربردی، درون چهار ضلعی زمینه تشکیل شود؛ این شرط، زمانی محقق می‌شود که مرکز دایره محیطی، داخل چهار ضلعی زمینه قرار گیرد. در این میان مشخص شد که هندسه انواعی از کاربردی‌ها، علاوه بر زمینه‌های مستطیلی و منتظم، در دسته‌ای از چهار ضلعی‌های نامنتظم نیز به‌طور دقیق قابل اجرا است. هم‌چنین برای محاسبۀ تعداد اضلاع مناسب کاربردی، بر اساس ابعاد زمینه - اعم از زمینه‌های چهار ضلعی منتظم و یا نامنتظم - رابطه $[4 - \text{محیط چهار ضلعی} = \text{تعداد اضلاع مناسب کاربردی}]$ ارائه شد. روشن است که در این رابطه با افزایش ابعاد زمینه، تعداد اضلاع کاربردی نیز بیشتر می‌شوند تا بار سقف، بین تعداد بیشتری از باریکه‌تاق‌ها تقسیم شود. در نهایت بر اساس شروط مذکور، روشی به‌دست آمد که بدان طریق بتوان در زمینه‌هایی که شرط دوم ذکر شده صادق نیست، هندسه کاربردی مناسب با زمینه را - با کمترین میزان خطا - محاسبه و ترسیم کرد. هم‌چنین روشن شد که در روش ترسیمی ارائه‌شده، با افزایش تعداد اضلاع کاربردی، میزان خطای کاربردی محاسبه‌شده کاهش می‌یابد.

این تحقیق، بیشتر به‌بررسی و تحلیل هندسه کاربردی جهت توسعه زمینه‌های آن متمرکز شد تا از این پس بتوان کاربردی را در زمینه‌های متنوع‌تری به‌کار گرفت. باید توجه داشت که تمامی نمونه‌های طراحی شده در این تحقیق، از دوران قوس ثابتی به‌وجود آمده‌اند؛ لذا تمامی کاربردی‌ها خیز ثابت و سطح مشابه و منتظمی دارند که از نوع چفد استفاده‌شده نشأت می‌گیرد. جهت توسعه تحقیق حاضر در پژوهش‌های آتی، می‌توان امکان‌سنجی به‌کارگیری کاربردی در سطوح آزاد را نیز بررسی کرد. با توجه به این که با طراحی کاربردی در سطوح آزاد، انحنای باریکه‌تاق‌ها از چفد سنتی خود خارج می‌شوند، بنابراین برای این کار لازم است که فرمیابی نمونه‌ها با در نظر گرفتن الزامات سازه‌ای صورت گیرند. مشکل دیگری که در پژوهش‌های آتی می‌توان بدان پرداخت، رفع محدودیت محاطی بودن زمینه‌ها است؛ که در این تحقیق به‌عنوان شرط اول مطرح شد. راهکار پیشنهادی ما برای استفاده از کاربردی در زمینه‌های غیرمحاطی، استفاده از کاربردی‌های ترکیبی است.

پی‌نوشت

۱. منظور از زمینه‌های نامنتظم، زمینه‌های نامتقارن و غیرمستطیلی است.
۲. پیش‌نیاز فهم مطالب ارائه‌شده در این تحقیق، آشنایی با روش‌های سنتی ترسیم کاربردی و اصول ابتدایی هندسه اقلیدسی و برخی قضایای آن است.
۳. چهار ضلعی محاطی، چهار ضلعی است که بتوان دایره‌ای از هر چهار رأس آن گذراند یا به‌عبارتی چهار ضلعی که بتوان آن را در دایره‌ای محاط کرد.
۴. زاویه محاطی، زاویه‌ای است که رأس آن روی محیط دایره و دو ضلع آن، دو وتر از دایره باشند.
۵. مجموع تمامی کمان‌های یک دایره کامل 360° است.
۶. منظور از چهار ضلعی‌های نامنتظم، چهار ضلعی‌های نامتقارن و یا غیرمستطیلی است.
۷. m ، تعداد قطاع دایره در روبروی بزرگ‌ترین ضلع چهار ضلعی است.
۸. تمامی چهار ضلعی‌های به‌دست آمده از طریق روش ارائه‌شده در این تحقیق، محاطی هستند.
۹. برای مثال در کتاب «هندسه در معماری»، کاربردی که برای زمینۀ مستطیلی 4×3 متر، محاسبه و ترسیم شده است (پیرنیا و بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۱۳)، دقیقاً به همان طول و عرض نیست؛ تصویر ذیل، میزان خطای کاربردی ترسیم‌شده را نشان می‌دهد



که در آن مستطیل خط چین، زمینه اصلی و مستطیل ممتد، زمینه کاربندی را نشان می‌دهد.

منابع و مآخذ

- احمدپور، سیامک و مسگری مشهدی، مصطفی. (۱۳۸۶). هندسه مسطحه. چاپ دوم، تهران: خوشخوان.
- پیرنیا، محمدکریم و بزرگمهری، زهره. (۱۳۸۵). هندسه در معماری. چاپ سوم، تهران: میراث فرهنگی کشور.
- تهرانی، فرهاد. (۱۳۹۰). نگرشی دوباره بر کاربندی و معرفی کاربندی ویژه در بازار تبریز. اثر، سال سی و دوم (۵۳)، ۸۵-۹۶.
- حلی، سید اکبر. (۱۳۶۵). گره‌ها و قوس‌ها در معماری اسلامی. چاپ اول، قم: مهر.
- رئیس، مهدی؛ بمانیان، محمدرضا و تهرانی، فرهاد. (۱۳۹۲). بازنگری در مفهوم کاربندی بر مبنای هندسه نظری، عملی و نقش ساختمانی. مرمت و معماری ایران، سال سوم (۵)، ۳۳-۵۵.
- ستاری ساربانقلی، حسن و جدایی، امیر. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل طرح‌های کاربندی به کار رفته در تیمچه‌های بازار تبریز. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲ (۵)، ۲۹-۴۶.
- شعرباف، اصغر. (۱۳۸۵). گره و کاربندی. چاپ اول، جلد اول، تهران: میراث فرهنگی کشور.
- فرشچی، حمیدرضا؛ دانایی‌نیا، احمد و اشرفی، احمد. (۱۳۹۵). نظام هندسی زمینه‌های رسمی‌بندی یک‌پا، برگرفته از دایره محیطی. مرمت و معماری ایران، سال ششم (۱۲)، ۱۲۷-۱۳۸.
- لرزاده، حسین. (۱۳۵۸). احیای هنرهای از یاد رفته. چاپ اول، بی‌جا.
- محمدیان منصور، صاحب و فرامرزی، سینا. (۱۳۹۰). گونه‌شناسی و تدوین ساختار هندسی کاربندی در معماری ایران. هنرهای زیبا، ۳ (۴)، ۹۷-۱۰۹.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۱). معماری ایرانی: نیارش. چاپ اول، جلد ۱ و ۲، تهران: نغمه نواندیش.
- نژاد ابراهیمی، احد؛ شهبازی، یاسر و امجد محمدی، امیر. (۱۳۹۶). گونه‌شناسی ساختاری کاربندی و رسمی‌بندی در معماری ایران بر مبنای ساختگاه و کاربست. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال سوم (۱)، ۲۵-۴۱.
- نوایی، کامبیز و حاجی‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). خشت و خیال. چاپ اول، تهران: سروش.
- Amjad Mohammadi, A.; Asefi, M. & Nejad Ebrahimi, A. (2018). The Geometrical Regularization for Covering Irregular Bases with Karbandi. *Nexus Network Journal*, 20(2), 331-352.
- Chenaghloou, M.; Najad Ebrahimi, A.; Shahbazi, Y.; Kheirollahi, M. & Amjad Mohammadi, A. (2017). Structural Morphology of a Masonry Space Dome in Historical Tabriz Bazaar Complex. *Interfaces: Architecture. Engineering. Science*. Hamburg, Germany: Proceedings of the IASS Annual Symposium 2017. 226.
- Pour Ahmadi, Mojtaba. (2014). A Basic Method for Naming Persian Karbandis Using a Set of Numbers. *Nexus Network Journal*, 16(2), 313-343.

ارائه مدل باز آفرینی اقتصادی بافت تاریخی با تأکید بر نظم در نظریه کارکردگرایی ساختاری*

محمود محمدی** شهریار ناسخیان*** آرزو ایزدی****

چکیده

بافت تاریخی با توجه به ابعاد، موقعیت قرارگیری، نقش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر، ضمن تأثیراتی در کارکرد عملکردهای مختلف شهری، ثروتی ارزشمند محسوب شده که می‌تواند تأثیر مهمی در توسعه و پیشرفت شهرها ایفا نماید. امروزه رویکرد بازآفرینی پایدار شهری با هدف بهبود همه‌جانبه و پایدار در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی بافت‌های تاریخی، پا به عرصه مرمّت و حفاظت گذاشته است. در حوزه علوم اجتماعی، نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز با هدف برقراری نظم، تعادل، حفظ و بقای نظام اجتماعی و بر اساس اصول مطرح‌شده در دیدگاه سیستمی، به‌وجود آمده است. در این نظریه، پارسونز، نظام اجتماعی را به چهار حوزه تقسیم می‌کند که هر کدام از این حوزه‌ها وظیفه‌ای خاص در قبال کل نظام اجتماعی بر عهده دارند. این نظریه از حیث جامعیت و بررسی ابعاد مختلف، شباهت‌هایی با رویکرد بازآفرینی پایدار شهری دارد. در این پژوهش، بافت تاریخی به‌عنوان خرده‌نظام فرهنگی در سیستم شهر تعیین شده که بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، خود به‌عنوان یک نظام اجتماعی مفروض است که باید شروط کارکرد و برقراری نظم نظام را داشته باشد. این پژوهش به‌دلیل وسعت موضوع، صرفاً بعد اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی را مد نظر قرار داده است. مطالعات بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی هر کدام مؤلفه‌هایی را معرفی کرده‌اند ولی تا کنون مدلی در این عرصه معرفی نشده است؛ به‌همین دلیل، این پژوهش با هدف ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری و برقراری نظم و تعادل در این سیستم، لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر با روش تحقیق اسنادی و با روش تحلیل - محتوای کیفی، به بررسی اسناد، بیانیه‌ها، منشورهای بازآفرینی و ادبیات پژوهش این حیطه پرداخته شده است. اعتبار محتوای پژوهش با ضریب توافق ۸۷٫۶ درصد میان اساتید و متخصصان مرمّت و حفاظت در آزمون اسکات تأیید شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که مؤلفه ارزش اقتصادی، وظیفه سازگاری، مؤلفه سرمایه‌گذاری، وظیفه تعیین اهداف، فعالیت‌های اقتصادی درون بافت، وظیفه خرده‌نظام یگانگی و مؤلفه برندسازی، وظیفه حفظ الگوهای پنهان بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارند.

کلیدواژه‌ها: باز آفرینی، باز آفرینی اقتصادی، بافت تاریخی، کارکردگرایی ساختاری پارسونز، نظم اجتماعی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آرزو ایزدی با عنوان «تبیین مدل بازآفرینی پایدار بافت تاریخی با تأکید بر نظریه کارکردگرایی ساختاری» به‌راهنمایی دکتر شهریار ناسخیان و دکتر محمود محمدی در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.

m.mohammadi@au.ac.ir

** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

s.nasekhian@au.ac.ir

*** استادیار، دانشکده مرمّت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

a.izadi@au.ac.ir

**** دانشجوی دکترا، دانشکده مرمّت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

امروزه الگوی رایج برنامه‌ریزی احیا و مرمت ناحیه تاریخی شهرها، برنامه‌ریزی سیستمی و همه‌جانبه است که در یک فرآیند به هم پیوسته و منسجم، مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و کالبدی را با هم و برای هم می‌بیند و تلاش می‌کند که ضمن تحلیل ویژگی‌ها و اثرات آنها بر یکدیگر، پیوندی میان آنها برقرار کرده و در نهایت، برنامه‌ای جامع و یکپارچه جهت برنامه‌ریزی مرمت ناحیه تاریخی شهرها ارائه نماید. تجربه نشان داده است که برنامه‌های تک بعدی و یک‌جانبه ضمن این‌که مشکلات را برطرف نکرده، بلکه اخلاقی جدی در سیستم حیات شهری ناحیه تاریخی به دنبال داشته است؛ بنابراین توجه به جوانب مختلف موضوع و برنامه‌ریزی منسجم و جامع بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و ... تضمین‌کننده سایر برنامه‌ها است. رویکرد بازآفرینی شهری، یکی از جدیدترین رویکردهای پذیرفته‌شده در مواجهه با بافت‌های تاریخی است. زمینه ظهور این رویکرد را باید توجه به اصول مطرح‌شده در توسعه پایدار و اهمیت یافتن نقش مشارکت گروه‌های ذینفع در فرآیند برنامه‌ریزی شهری دانست. دهه ۱۹۹۱، چارچوب جدیدی برای فرآیند بازآفرینی شهری را به ارمغان آورد، توجه خاصی به کیفیت زندگی به خصوص در محلات محروم شد و در نتیجه، راهبردهای بازآفرینی شهری، رویکرد وسیع‌تری را شامل شد (vilaplana, 1998: 1). از ویژگی‌های رویکرد بازآفرینی، توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی بافت‌های تاریخی است. این پژوهش به دلیل وسعت موضوع، تنها بعد اقتصادی بازآفرینی را مد نظر قرار داده است. در هر یک از مطالعات صورت گرفته در این حیطه، مؤلفه‌هایی جهت تحقق بازآفرینی اقتصادی ارائه شده‌اند ولی تا کنون مدل و الگوی جامعی که بعد اقتصادی بافت تاریخی را دارای کارکرد کرده باشد، ارائه نشده است؛ لذا از این جهت، این پژوهش لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش به منظور ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی، از نظریه کارکردگرایی ساختاری استفاده شده؛ چرا که این نظریه بر اساس رویکرد سیستمی در علوم اجتماعی به وجود آمده است و به لحاظ جامعیت و بررسی ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی، تشابه زیادی با رویکرد بازآفرینی بافت تاریخی دارد و می‌تواند در ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی از آن بهره جست. هدف پژوهش پیش رو، ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی با تأکید بر نظریه کارکردگرایی ساختاری و برقراری نظم و تعادل در این سیستم است. بدین منظور، معرفی

مؤلفه‌های بعد اقتصادی بازآفرینی و تعیین نقش هر کدام بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، از اهداف فرعی پژوهش هستند. بر این اساس، پژوهش پیش رو در راستای پاسخ‌گویی به پرسش «مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری چیست؟»، دو پرسش فرعی زیر را نیز پاسخ‌گو است:

- ۱) مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی کدام هستند؟
 - ۲) نقش هر یک از مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری چیست؟
- در پژوهش پیش رو، ابتدا به مبانی نظری رویکرد بازآفرینی بافت تاریخی و نظریه کارکردگرایی ساختاری پرداخته خواهد شد، سپس مؤلفه‌های بازآفرینی بافت تاریخی با توجه به اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای بازآفرینی استخراج شده و بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، نقش هر یک از آنها تعیین می‌شود.

پیشینه تحقیق

از منشور آتن (۱۹۳۱) تا منشور آمستردام (۱۹۷۵)، بیش از چهار دهه طول کشید تا کشورهای توسعه یافته از پرداختن به تک بنا غافل شوند و به مداخله در مراکز ارزشمند قدیمی و تاریخی با هدف تجدید حیات (بازآفرینی) و روان‌بخشی آنها بپردازند. طرح پیشنهادی تامسون، یکی از نخستین بیانیه‌های بازآفرینی و نوزایی شهری محسوب می‌شود (فرخ زنوزی، ۱۳۸۰: ۸).

نوها ناصر^۱ (۲۰۰۳) در طرح پژوهشی خود با عنوان "برنامه‌ریزی برای مکان‌های تاریخی شهری: بازسازمان‌دهی، حفاظت، توریسم و توسعه پایدار" با تأکید بر دوگانگی موجود میان حفاظت و تغییر در بافت‌های تاریخی، به ارائه معیارها و شاخص‌های فرهنگ‌مدار در حفاظت بافت‌های تاریخی مبتنی بر توسعه پایدار برای حضور گردشگران و سرزندگی اقتصادی در این مکان‌ها می‌پردازد. نتایج تحقیقات وی ضمن ارائه برخی معیارهای مؤثر در پایداری بافت‌های تاریخی، بیانگر ارتباط متقابل بازآفرینی و توسعه پایدار است.

استابس^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی تحت عنوان "پایداری بافت‌های تاریخی: ارائه روشی برای ارزیابی پایداری در محیط تاریخی"، در مطالعات نظری وسیع به ارائه مسائل بافت‌های تاریخی در سه بعد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و عمومی پرداخته و متناسب با هر یک از مسائل، معیار مورد نیاز برای ارزیابی سطح پایداری نیز مد نظر بوده است.

زنگی‌آبادی و مؤیدفر (۱۳۹۱) در پژوهشی با تعیین شاخص‌های اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، به

استفاده از این نظریه انجام داده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب "جامعه‌شناسی نظم" اشاره داشت. در این کتاب، چلبی (۱۳۸۲) به تجزیه نظم اجتماعی با استفاده از مدل کارکردگرایی پرداخته است. تا کنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، حقوق و مدیریت با مدل کارکردگرایی انجام شده‌اند، ولی در بافت تاریخی از این نظریه استفاده نشده است. استفاده از نظریه کارکردگرایی ساختاری در ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی، از چند جهت قابل بررسی است:

- رویکرد بازآفرینی پایدار بافت تاریخی بر اساس رویکرد سیستمی و در نظر گرفتن بافت تاریخی به‌عنوان جزئی لاینفک از شهر، در نظر گرفته شده است. نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز بر اساس رویکرد سیستمی در علوم اجتماعی شکل گرفته است. از نکات اصلی این نظریه، توجه به اجزای سیستم برای رسیدن به هدف مشخص است؛ لذا یکی از وجوه تشابه نظریه کارکردگرایی و رویکرد بازآفرینی، سیستمی بودن هر دو است.

- رویکرد بازآفرینی پایدار، نگرشی همه‌جانبه به ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی بافت تاریخی دارد و بهبود همه این ابعاد را به‌عنوان هدف اصلی دنبال می‌کند. در نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌عنوان اجزای اصلی سیستم تعریف می‌شوند که به‌لحاظ دارا بودن کارکرد و رسیدن سیستم به نظم و تعادل، هر یک از این ابعاد باید در جایگاه خود با وظایف تعیین شده قرار گیرند؛ لذا از وجوه تشابه دیگر نظریه کارکردگرایی ساختاری و رویکرد بازآفرینی پایدار بافت تاریخی، توجه به ابعاد مختلف برای رسیدن به هدف مشخص است.

- هر کدام از پژوهش‌های صورت گرفته در بازآفرینی پایدار بافت تاریخی، مؤلفه‌هایی را برای سنجش و ارزیابی آن مد نظر قرار داده‌اند، ولی تا کنون مدلی جامع در این باره که این رویکرد را دارای کارکرد کرده و به نظم و تعادل رسیدن بافت‌های تاریخی کمک کرده باشد، ارائه نشده است. لیکن با توجه به دلایل ذکر شده، می‌توان مدل بازآفرینی پایدار بافت تاریخی را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری ارائه نمود. این پژوهش به‌دلیل وسعت هر دو موضوع، تنها به بعد اقتصادی اکتفا نموده است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش سعی در ارائه مدلی در بافت تاریخی دارد که از تلفیق رویکرد بازآفرینی شهری و نظریه کارکردگرایی ساختاری پدید خواهد آمد؛ لذا این پژوهش در حیطه پژوهش‌های

بررسی رویکرد بازآفرینی پایدار در برزن شش بادگیر شهر یزد پرداخته‌اند. شاخص‌های اقتصادی تعیین شده در این پژوهش عبارتند از قیمت زمین و اجاره بها، سرمایه مالی ساکنین و سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی.

اسماعیل قادری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود، شاخص‌های اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی را به‌منظور تدوین راهبردهای مدیریتی بافت‌های تاریخی در نظر گرفته‌اند. شاخص‌های اقتصادی این پژوهش عبارتند از فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی و ارزش افزوده املاک. بر اساس نتایج این پژوهش، ضعف مدیریت یکپارچه و فقدان برنامه‌های مرمتی مناسب، از مهم‌ترین دلایل بروز چالش در بافت تاریخی است.

حسن‌زاده و سلطان‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی"، شاخص‌های پایداری را بررسی کرده‌اند. از شاخص‌های اقتصادی بررسی شده در این پژوهش می‌توان به خودکفایی، سودآوری و جذابیت اقتصادی اشاره داشت.

هوستن و رحیم‌زاده^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش خود، به ارزیابی ۱۰ پروژه بازآفرینی پایدار شهری در شهر لندن پرداخته‌اند. این پژوهش، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی را در نظر گرفته است. برخی از شاخص‌های بررسی شده عبارتند از مقاومت‌سازی، خلاقیت، مقیاس، پایداری، مشارکت، طراحی، مصالح و مواد، مدیریت فقر، میزان سرمایه‌گذاری. نتایج این پژوهش، افزایش مالیات و عرضه اوراق اجتماعی را به‌عنوان راهکاری جهت تأمین منابع مالی بازآفرینی پایدار پیشنهاد می‌دهند.

ماریچلا سپه^۴ (۲۰۱۴) در پژوهش خود، مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری و قدرت نفوذ را به‌عنوان شاخص‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی معرفی می‌نماید. وی در این پژوهش، بازآفرینی شهری را نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از کنشگران، هنجارها، فرآیندها و برنامه‌ها در مقیاس مختلف می‌داند و همچنین اقتصاد محلی، مشارکت و هویت محلی را از عوامل مهم برای بازآفرینی و تولید شهر خلاق پیشنهاد می‌دهد.

فورلن و فاگین^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان "بازآفرینی شهری: حافظ میراث فرهنگی و پیچیدگی اجتماعی بافت شهری"، بازآفرینی شهری را به‌عنوان رویکردی جهت مقابله با پراکندگی شهری مطرح می‌کنند. در این پژوهش، بازآفرینی شهری، منبع ایده جهت طراحی جوامع پویا معرفی می‌شود. در نظریه کارکردگرایی، برجسته‌ترین نظریه پرداز، تالکوت پارسونز بوده است. مسعود چلبی پژوهش‌های بسیاری با

کیفی قرار می‌گیرد. روش پژوهش پیش رو به دلیل کشف مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی و نقش آنها در نظریه کارکردگرایی ساختاری و هم‌چنین ارائه مدل در این زمینه و نیز با توجه به مطالعه اسناد، بیانیه‌ها، منشورهای مرمت و حفاظت، روش اسنادی^۶ است.

روش اسنادی، روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی، به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۹). روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که پژوهشگر قصد مطالعه آنها را دارد (Bailey, 1994: 57).

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای حفاظت و مرمت از دهه ۱۹۹۰ به بعد و نمونه آماری پژوهش، اسناد و بیانیه‌هایی که مؤلفه‌های اقتصادی بافت تاریخی را مد نظر قرار داده بودند، است. ابزار مورد استفاده شامل چک‌لیست کدگذاری است. با توجه به ماهیت پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی - کتابخانه‌ای است که با روش تحقیق تحلیل - محتوای کیفی، به مقایسه و جمع‌بندی کلیدواژه‌های استفاده‌شده در تحقق بازآفرینی در اسناد، بیانیه‌ها، منشورها و ادبیات پژوهش پرداخته شده و مؤلفه‌های پایداری اقتصادی بافت‌های تاریخی ارائه شده‌اند.

تجزیه و تحلیل محتوای پیام ارتباطی، یک روش مهم در مطالعات اجتماعی و علوم ارتباطات است که با بهره‌گیری از آن می‌توان انواع مسائل و موضوعات مورد بحث در مطبوعات، رادیو و تلویزیون، فیلم‌های سینمایی، کارتون، مصاحبه و موسیقی را چه از نظر کمیت فراوانی و تکثر و چه از لحاظ کیفیت اهمیت و ارزش بررسی کرد (هولستی، ۱۳۸۰: ۶۵).

رویکرد تحلیل محتوای کیفی این پژوهش، از نوع «هدایت‌شده»^۷ بوده؛ بدین منظور که تحلیل، بر اساس دسته‌بندی‌های موجود در نظریه کارکردگرایی ساختاری شکل گرفته است. روایی روش تحلیل محتوا، بر اساس آزمون اسکات سنجیده می‌شود. در این روش باید ۱۰ تا ۱۵ درصد از نمونه آماری در مطالعه مقدماتی توسط سه کدگذار بررسی شوند و در صورتی که ضریب توافق بین آنها بیش از ۷۰ درصد باشد، می‌توان اظهار کرد که بین کدگذاران توافق وجود دارد و پس از آن تمام نمونه آماری به وسیله یکی از کدگذاران بررسی می‌شود (scott, 1995: 220). محاسبه ضریب توافق به این شرح است:

$$Pi = \%Oa - (\%Ea / 1 - Ea)$$

Pi ضریب توافق
Oa توافق مشاهده شده
Ea توافق مورد انتظار

روایی این پژوهش نیز توسط سه نفر از اساتید حوزه مرمت و حفاظت سنجیده شده است. برای اطمینان از صحت اطلاعات ثبت‌شده و جلوگیری از تعصبات و نظرات شخصی در مطالعه مقدماتی، ۲۰ درصد از اسناد و بیانیه‌های مورد بررسی توسط سه کدگذار مورد تحلیل قرار گرفتند و ضریب توافق بین کدگذاران با استفاده از آزمون اسکات، ۸۷٫۶ درصد به دست آمد. سپس یکی از این متخصصان، تمام اسناد و بیانیه‌های نمونه آماری را مورد بررسی قرار داد و نتایج کدگذاری پژوهش، مورد تأیید وی قرار گرفت.

مبانی نظری

بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری را می‌توان تأثیرگذارترین رویکرد معاصر در حوزه مرمت و حفاظت شهری به‌شمار آورد. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، ظرفیت بالای این رویکرد در پرداختن به ابعاد متنوعی از شهر است (Imrie & Raca, 2003: 45). رویکرد بازآفرینی، به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌دارد که قابلیت زیست‌جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاک‌سازی‌شده، زیرساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی که به پایان عمر مفید خود رسیده‌اند، می‌دهد. یک نگرش کلی در بازآفرینی به معنای عام این است که وضعیت کلی شهر و مردمش را بهبود بخشد (Hull, 2000: 77). این رویکرد تنها به دنبال احیای مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری هم‌چون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۲۵).

بازآفرینی شهری متناظر با ابعاد گوناگون، دارای سیاست‌های مختلفی در هر زمینه است. جدول ۱، سیاست‌های بازآفرینی شهری را در هر بعد نشان می‌دهد.

در سطوح منطقه‌ای و محلی، پژوهشگران به بررسی بازتاب‌های اقتصادی تحولات کالبدی شهرها پرداخته و توسعه اقتصادی را به ساخت مطلوب شهرها نسبت داده‌اند (Knight et al, 1996). در مداخله بافت‌های شهری از دیدگاه اقتصادی، ارتباط متقابل میان ساختار کالبدی شهرها و مؤلفه‌های اقتصادی موجب می‌شود تا اغلب مداخلات در بافت کالبدی شهرها با بازتاب اقتصادی همراه باشد. مداخله در بافت‌های تاریخی معمولاً از طریق کاهش یا افزایش هزینه و منافع اقتصادی فعالیت‌های

شهری، بر روی تصمیم‌گیری مردم، شرکت‌های خصوصی و نهادهای عمومی در استفاده از اراضی و املاک شهری تأثیر می‌گذارد. این بازتاب‌ها شامل تغییر قیمت زمین، تغییر در هزینه حمل‌ونقل، تأثیر در مزایای تجمع و گردهمایی، تأثیر در صرفه‌های ناشی از مقیاس، تغییر در برتری نسبی نواحی شهری و تغییر در هزینه‌های فعالیت‌های شهری می‌شوند (اردشیری، ۱۳۸۳: ۶۹ و ۷۰؛ فرجی ملانی، ۱۳۸۹: ۱۳).

احیای کالبدی املاک در یک محله، به افزایش اعتماد در آن محله کمک خواهد کرد؛ اما حفظ این اعتماد، به بهسازی اقتصادی آن منطقه نیاز دارد. بدون بهبود اقتصادی نمی‌توان بهبود کالبدی را حفظ کرد. فضاهای تاریخی را باید کاربری‌هایی اشغال کنند که سرمایه‌گذاری مداوم و مورد نیاز برای بازآرایی و حفاظت بناها را تأمین می‌کنند (تیزدل و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۵). هر چند که انواع مختلف

جدول ۱. ابعاد و سیاست‌های گوناگون بازآفرینی شهری

اقتصادی	اجتماعی	مدیریتی	محیط زیست	فرهنگی
تغییر و تحولات اقتصادی: افزایش فرصت‌های شغلی، بهبود توزیع ثروت، پرورش استعدادها، افزایش مالیات و مستغلات محلی، ارتباط میان عمران و بهسازی محلی، منطقه‌ای و شهری، جذب سرمایه‌گذاران داخلی.	تغییر و تحولات اجتماعی: بهبود کیفیت زندگی و روابط اجتماعی، کاهش جرم و جنایت، غلبه بر بدنام‌سازی و محرومیت اجتماعی.	حکمرانی: سازمان‌دهی مجدد سازوکارهای تصمیم‌سازی از طریق تفاهم دموکراتیک، افزایش میزان تفاهم همکاری و مشارکت، در نظر گرفتن انتظارات مختلف، تأکید بر مشارکت‌های منطقه‌ای گوناگون، توجه به تعاملات میان سازمان‌ها و نهادها و روابط درونی آنها.	کیفیت محیط زیست و توسعه پایدار: بازآفرینی شهری باید سبب ارتقای توسعه متوازن و مدیریت اقتصاد جامعه و محیط زیست شود. البته دست‌یابی به چنین رویکرد یکپارچه‌ای، مستلزم احیای خلاقیت‌های جامعه و به‌کارگیری آن در بازآفرینی است.	
	شرکت دادن گروه‌های اجتماعی در فرآیند بازآفرینی، تأکید بر اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی، تأمین امکانات اجتماعی و آموزش به جای نوسازی صرفاً فیزیکی	انتقاد از درگیری بیش از اندازه و مستقیم دولت در امر توسعه، توجه به مدیریت در امر حفاظت شهری	انتقاد از ساخت‌وسازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری متعدد	توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی، ثروت‌های بومی و تاریخی و حفاظت بافت تاریخی
ارتقای کارایی و بهره‌وری در فرآیند تحقق بازآفرینی پایدار شهری	ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌سازی اجتماعی در تمامی کنشگران فرآیند بازآفرینی شهری پایدار	ترویج و بسط اندیشه تاب‌آوری شهری به‌عنوان سبک زندگی پایدار در تمامی اقدامات بازآفرینی شهری	حفظ زیست‌بوم‌ها و اکوسیستم‌ها	ارتقای رضایت‌مندی سکونتی در ساکنان محله‌ها و محدوده‌های هدف، حفاظت پایدار و احیای میراث فرهنگی، تاریخی و هویت فرهنگی شهرها

(نگارندگان)

بازآفرینی (فیزیکی، کارکردی و فرهنگی-اجتماعی) به منظور معاصر سازی بافت‌های تاریخی، لازم و مکمل یکدیگر هستند، لکن هدف اصلی از بازآفرینی بافت‌های تاریخی، ایجاد امکان بهره‌برداری اقتصادی از مکان است.

مراکز تاریخی شهری باید به‌عنوان بخشی از پویایی اقتصاد شهر مورد توجه قرار گیرند؛ آنها مناطقی مستقل به‌لحاظ کارکردی نیستند و معمولاً نوعی رابطه هم‌زیستی با سایر مناطق شهر دارند. هم‌چنین مراکز تاریخی تنها به‌منظور اقدامات حفاظتی مورد توجه نیستند، بلکه باید برای بازآفرینی نیز مورد توجه قرار گیرند (Doratli et al, 2004: 751). سیاست‌های اقتصادی در بافت تاریخی شامل سیاست‌ها و اهدافی هم‌چون جذب سرمایه‌های داخلی، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل‌های موقت و پاره‌وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای و کاهش هزینه‌های زندگی هستند (Noon et al, 2000: 62; Seo, 2002: 117).

نظریه کارکردگرایی پارسونز (AGIL)

رابرت بیلز با مطالعه طرز کار گروه‌های کوچک، به این نتیجه رسیده بود که این گروه‌ها برای آن که به‌درستی کار کنند، باید چهار مشکل را حل کنند.

فشارها و مشکلاتی را که گروه در ارتباط با محیط بیرونی خود با آنها روبه‌رو است، حل کنند (مرحله سازگاری)

تلاش مشترکی را بر عهده بگیرند (مرحله ابزاری)

اعضای گروه، احساسات خود را در درون گروه نسبت به دیگران ابراز کنند (مرحله حالت‌نمایی)

و بالاخره، هنجارهایی که اساس هم‌بستگی گروه را تشکیل می‌دهند و رفتارهای آنها را ارشاد می‌کنند، حفظ کنند (روشه، ۱۳۹۱: ۲۳).

پارسونز با الهام گرفتن از این نتایج و با تغییر دادن جزئی این نوع‌شناسی (تیپولوژی)، در کارنوشت‌هایی درباره نظریه کنش، اثری مشترک با رابرت بیلز و ادوارد شیلز در سال ۱۹۵۳ منتشر کرد. پارسونز در پی آن بود که یک نظریه کامل در مورد جامعه پدید آورد؛ نظریه‌ای که تمام رفتارهای اجتماعی را در تمام مکان‌ها و کل تاریخ با مدلی واحد، یعنی کارکردگرایی ساختاری یا به‌اختصار کارکردگرایی، تبیین کند. نظریه وی به‌شدت انتزاعی و در عین حال، بسیار مفصل است (دیلینی، ۱۳۸۷: ۷۵). این نظریه از این جهت انتزاعی است که مفهوم نظام اجتماعی با جامعه تفاوت دارد. هر الگوی سازمان‌یافته کنش متقابل به‌شکل خرد یا به‌شکل کلان، «نظام اجتماعی» خوانده می‌شود. این مفهوم را می‌توان برای تحلیل گروه‌ها، اجتماع‌ها، نهادها، مؤسسه‌ها و جنبش‌ها به هر شکل و مقیاسی

به کار گرفت؛ در صورتی که جامعه از نظر پارسونز عبارت است از جماعتی نسبتاً خودکفا که اعضای آن به تأمین نیازهای فردی و جمعی خود قادر هستند و می‌توانند در چارچوب جامعه مورد نظر به زندگی خود ادامه دهند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۲). طبق نظریه کارکردگرایی، جامعه، به شبکه سازمان‌یافته‌ای از گروه‌های در حال همکاری و تعاون اطلاق می‌شود که به شیوه‌ای تقریباً منظم و منطبق بر مجموعه‌ای از قوانین و ارزش‌ها گرد هم آمده‌اند. جامعه به‌عنوان سیستمی ثابت و در عین حال متمایل به تعادل نگریده می‌شود؛ سیستمی که به‌شکل متوازن و هماهنگ عمل می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۰).

پارسونز در صدد «تبیین مسأله نظم» است. مفهومی که در نظریه کارکردگرایی پارسونز اهمیت دارد، نظام اجتماعی است. در این نظریه، «نظام اجتماعی بزرگ» شامل همه چهره‌های زندگی اجتماعی است. در این نظام پارسونز، دو عنصر مهم دیده شده است:

۱) انسان‌هایی که کنشگر هستند و در چارچوب نظام‌های چهار گانه کوچک‌تر عمل می‌کنند.

۲) اهداف مشترکی که مسلم و قطعی انگاشته می‌شوند (تنهایی، ۱۳۶۹: ۱۴۷).

در این نظریه، هر کنش انسانی می‌تواند به چهار نظام فرعی تجزیه شود؛ اندام‌واره (ارگانسیم)، شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی (روشه، ۱۳۹۱: ۲۳). در نظریه عمومی کنش، نظام در ارتباط با محیط داخلی (اجزای درونی نظام) و محیط بیرونی، محتاج رعایت مقتضیات کارکردی است. به این ترتیب، الزامات یا نیازهای نظام به دو مجموعه کلی قابل تقسیم هستند؛ یکی، نیازهای درونی نظام و دیگری، نیازهای در ارتباط با محیط بیرون نظام. از طرف دیگر، هر نظام دارای هدف‌ها و وسایلی است. وسایل، امکان تحصیل هدف را ممکن می‌سازند. با ترکیب این «دوئیت‌ها»؛ یعنی الزامات درونی و بیرونی نظام و اهداف و وسایل نظام، می‌توان از چهار نوع مقتضیات کارکردی صحبت نمود که عبارتند از:

۱) انطباق^A

۲) تعیین هدف^G

۳) یگانگی^G

۴) حفظ الگوهای نمادی نهفته^L (چلیبی، ۱۳۸۳: ۲۰). پارسونز، شروط لازم کارکردی هر نظام کنش را وجود چهار کارکرد فوق می‌داند (روشه، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

با توجه به مباحث ذکر شده، هر نظام اجتماعی را می‌توان با نظریه کارکردگرایی ساختاری تحلیل کرد. پارسونز و پیروان دیگر این مکتب، نظام‌های اجتماعی مختلف را با توجه به

بر اساس نظریه کارکردگرایی پارسونز، هر کدام از خرده‌نظام‌های یک نظام، خود به‌عنوان یک نظام اجتماعی دیگر قلمداد می‌شوند و خود دارای کارکرد هستند؛ لذا می‌توان بافت تاریخی را به‌عنوان یک نظام اجتماعی در نظر گرفت که خود دارای چهار خرده‌نظام با وظایف چهار گانه (سازگاری، دستیابی به اهداف، یکپارچگی و حفظ الگوهای پنهان) است. پژوهش پیش رو به‌دلیل وسعت موضوع بازآفرینی پایدار و نظریه کارکردگرایی ساختاری، به بررسی خرده‌نظام سازگاری - اقتصادی (A) بازآفرینی بافت تاریخی پرداخته و مابقی ابعاد را به پژوهش‌های بعدی اختصاص داده است. از آنجایی که رویکرد بازآفرینی از دهه ۱۹۹۰ به بعد وارد عرصه مرمت و حفاظت شده، جامعه آماری پژوهش شامل اسناد و بیانیه‌های منتشر شده از سال ۱۹۹۰ به بعد است و نمونه آماری پژوهش، اسناد و بیانیه‌هایی هستند که به مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی اشاره داشته‌اند. جدول ۳، این اسناد را نشان داده است.

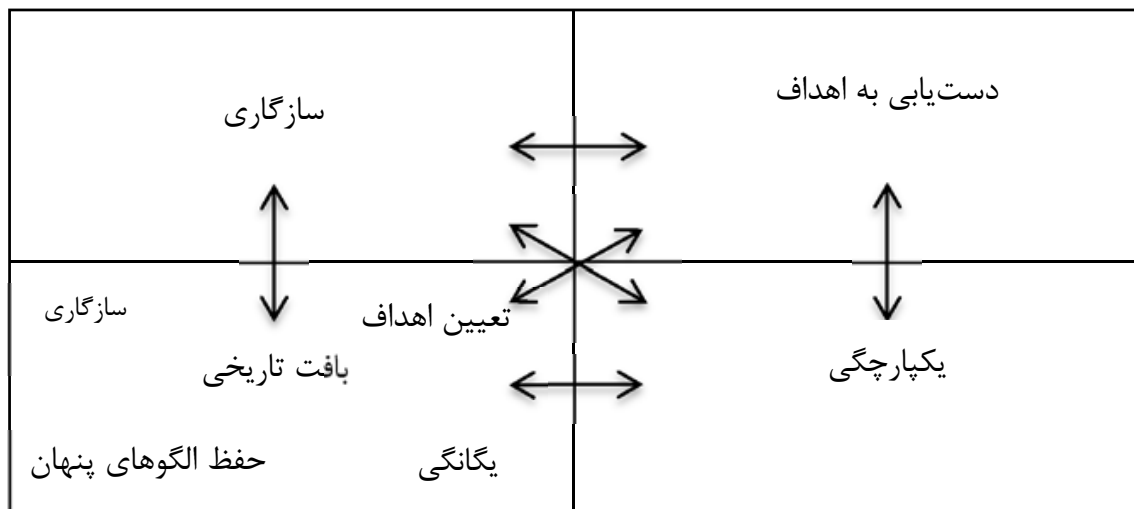
با توجه به جدول ۳، مؤلفه‌های ارزش اقتصادی، جذب سرمایه، یکپارچگی اقتصادی، اقتصاد محلی و برندسازی را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های مستخرج از تحلیل محتوای کیفی اسناد و بیانیه‌های بازآفرینی، معرفی نمود. در ادامه پژوهش، مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی در ادبیات و پیشینه پژوهش بررسی خواهند شد. جدول ۴، این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به مؤلفه‌های ارائه شده از اسناد و بیانیه‌ها (جدول ۳) و هم‌چنین مؤلفه‌های ذکر شده در ادبیات پژوهش (جدول ۴) و با کدگذاری کلیدواژه‌ها در روش تحلیل محتوای کیفی، می‌توان مؤلفه‌های ارزش اقتصادی، سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های

این نظریه، تحلیل و ابعاد مختلف آن را مشخص کرده‌اند. جدول ۲، ابعاد مختلف مدل کارکردگرایی ساختاری را در نظام‌های مختلف اجتماعی معرفی می‌نماید.

بحث و یافته‌ها

رویکرد بازآفرینی شهری، به بهبود وضعیت زیستی در تمامی ابعاد شهر و بافت تاریخی توجه دارد. در این رویکرد، توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و مدیریتی در بافت تاریخی، هم‌زمان مد نظر قرار می‌گیرند. نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز در مسائل علوم اجتماعی، دید کل‌نگر دارد و شرط لازم برای برقراری نظم و تعادل در سیستم را توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی می‌داند؛ لذا با توجه به شباهت این دو رویکرد از حیث جامع بودن و هم‌چنین دارا بودن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی شهر و بافت تاریخی و نیز سیستمی بودن هر دو رویکرد، می‌توان از نظریه کارکردگرایی ساختاری در ارائه مدل بازآفرینی پایدار شهری بهره جست.

با در نظر گرفتن شهر به‌عنوان یک سیستم و بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری در مورد سیستم‌ها، خرده‌نظام‌های شهر باید به‌گونه‌ای تبیین شوند که هر یک به وظایف خود در قبال سیستم شهر عمل کنند. نظام فرهنگی در نظریه کارکردگرایی ساختاری به‌عنوان تأمین‌کننده اطلاعات برای سایر خرده‌نظام‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌دلیل وجود آثار تاریخی، فرهنگی و هم‌چنین بستر سیر تحول شکل‌گیری شهر در نسل‌های مختلف، بافت تاریخی را می‌توان به‌عنوان خرده‌نظامی در سیستم شهر معرفی نمود که وظیفه حفظ الگوهای پنهان را در سیستم شهر بر عهده دارد (تصویر ۱).



تصویر ۱. اجزای سیستم شهر بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری (نگارندگان)

اقتصادی درون بافت و برندسازی را به عنوان مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی مطرح نمود.

به منظور ارائه نقش هر یک از مؤلفه‌های اقتصادی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، تعاریف و ویژگی‌های این مؤلفه‌ها در مبانی نظری بررسی شده و مفاهیم مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری از این متون استخراج شده‌اند (جدول ۵).

بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری در سیستم بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی، باید ۴ مؤلفه تعیین شوند که هر یک در این سیستم وظیفه‌ای را بر عهده داشته باشند:

۱. خرده‌نظامی که وظیفه آن، سازگاری میان بعد اقتصادی بافت تاریخی با سایر خرده‌نظام‌ها (ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی) باشد و منابع را برای سیستم فراهم آورد.

۲. خرده‌نظامی که اهداف بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس آن تعیین شود.

۳. خرده‌نظامی که موجب انسجام و یگانگی میان اجزای داخلی اقتصاد بافت تاریخی شود و از اختلال‌های درونی سیستم جلوگیری کند.

۴. و در نهایت، خرده‌نظامی که الگو و ارزش‌هایی را برای بعد اقتصادی بافت تاریخی به همراه داشته باشد.

با مطابقت جدول ۲ (ابعاد گوناگون مدل کارکردگرایی ساختاری) و جدول ۵ (کلیدواژه‌های مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری در مبانی نظری بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی)، نقش هر یک از مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، می‌توان به صورت موارد زیر مشخص نمود.

ارزش اقتصادی

نوع روابط در این مؤلفه، نقدی (معامله) است؛ مالی و مادی بودن این خرده‌نظام، قابل محاسبه و پیش‌بینی بودن آن و این که

جدول ۲. ابعاد گوناگون مدل کارکردگرایی ساختاری

L	I	G	A	AGIL
حفظ الگوهای فرهنگی	یگانگی	هدف	سازگاری	۴ بعد نظام کنش
فرهنگی	اجتماعی	شخصیتی	ارگانیزم زیستی	نظام فرعی کنش
فرهنگی	اجتماعی	سیاسی	اقتصادی	نظام‌های فرعی جامعه
تعهدات (پابندی)	نفوذ	قدرت	پول	۴ وسیله مبادله نظام اجتماعی
معرفت	آبرو	قدرت	کالا و خدمات	
مبادله‌ای گرم	عاطفی	سرد و اجباری	عقلانی	نوع روابط
مقارن گرم	نامقارن گرم	نامقارن سرد	مقارن سرد	نوع مبادله
آرمان‌های مشترک	تعامل مشبک	هنجار مشترک	مواضع اجتماعی مشبک	نظم اجتماعی
محاسبه	هماهنگی	کار	یادگیری	نظم اقتصادی
اقتدار	جذب	زور	تسلط	نظم سیاسی
اجتماع اخلاقی	اجتماع طبیعی	اجتماع سیاسی	اجتماع اقتصادی	نظم اجتماعی
باور	هنجار	ارزش	تکنولوژی	نظم فرهنگی
شناختی	اجتماعی	امنیت	مادی	علقه
فکری	جمعی و گروهی	جانی و بهداشتی	مالی	امنیت
ارزشی	سنتی	عاطفی	ابزاری	کنش
مقاعدسازی	فعال‌سازی تعهد	حیله، تهدید، اجبار	تحریک محرک‌های بیرونی	شیوه فعال کردن کنشگر
چه باید باشد؟	چه انجام شود؟	سؤالات چگونگی؟	سؤالات چیستی و چرایی؟	نظام فرهنگی کنش

(نگارندگان بر اساس چلبی، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳؛ روشه، ۱۳۹۱)

مؤلفه سرمایه‌گذاری، روابط گفتمانی، بیشتر خصلت تحلیلی تجربی دارند و بیشتر پیرامون مسائل اثباتی و مادی هستند. از ویژگی‌های دیگر این مؤلفه، کنش ابزاری و عقل ابزاری است و این‌که آمادگی پذیرش هر گونه نوآوری و خلاقیت را دارد؛ لذا سرمایه‌گذاری بنا بر جدول ۲، وظیفه تعیین اهداف (G) نظام کارکردی پارسونز را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است.

بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، وظیفه تعیین اهداف در سیستم، بر عهده مؤلفه‌ای است که قدرت و نفوذ را در اختیار دارد و نمود آن در جامعه، نظام سیاسی و مدیریتی است که با اعمال نفوذ و قدرت، نظام اجتماعی را به اهداف تعیین شده می‌رساند. در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی نیز این وظیفه بر عهده مؤلفه سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب سود و منفعت بیشتر، بخش خصوصی را به این سمت سوق داده و موجب ارزش‌افزایی در بافت تاریخی که یکی از مهم‌ترین اهداف بازآفرینی است، خواهد شد^۳.

قداست در این بعد مفهوم چندانی ندارد، از دیگر مشخصات این مؤلفه است. بنا بر جدول ۲، این خرده‌نظام در بعد اقتصادی سیستم قرار خواهد گرفت و لذا کارکرد سازگاری (A) نظام بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، وظیفه خرده‌نظام سازگاری، تأمین منابع از سایر نظام‌ها و تبدیل آنها به فرآورده برای درون سیستم است. مؤلفه‌ای که در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی این وظیفه را بر عهده می‌گیرد، ارزش اقتصادی است؛ چرا که این مؤلفه، سرمایه اقتصادی را برای بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی تأمین می‌کند و این چنین موجب سازگاری و انطباق این سیستم با محیط بیرونی خواهد شد.

سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی، موجب ارزش‌آفرینی در این مناطق می‌شود؛ لذا این مؤلفه به‌عنوان هدف بازآفرینی اقتصادی مطرح می‌شود و به‌دلیل داشتن روابط سرد در این خرده‌نظام، در بعد شخصیتی نظام کارکردی قرار می‌گیرد. در

جدول ۳. مؤلفه‌های اقتصادی در اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای مرمت و حفاظت شهری با رویکرد بازآفرینی

نام سند	نهاد مسئول	مؤلفه اقتصادی
منشور فاس (۱۹۹۳)	سازمان جهانی شهرهای تاریخی	دسترسی به منابع مالی لازم
بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶)	ایکوموس	برندسازی
قطعه‌نامه برگن (۱۹۹۹)	سازمان جهانی شهرهای تاریخی، یونسکو، ایکوموس، مرکز گتی	تأمین منابع مالی لازم برندسازی
بیانیه مکزیکوسیتی (۱۹۹۹)	ایکوموس	برندسازی
منشور کراکف (۲۰۰۰)	همایش بین‌المللی مرمت و حفاظت میراث انسان ساخت	اقتصاد محلی برندسازی
بیانیه کبک (۲۰۰۰)	گردهمایی شهرداران شهرهای تاریخی قاره آمریکا (سومین اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا)	یکپارچگی اقتصادی
بیانیه هوی‌آن (۲۰۰۳)	ایکوموس	برندسازی
یادنامه وین (۲۰۰۵)	یونسکو	برندسازی جذب سرمایه ارزش اقتصادی
بیانیه سئول (۲۰۰۵)	ایکوموس	برندسازی
بیانیه پاریس (۲۰۱۱)	ایکوموس یونسکو	برندسازی
بیانیه فلورانس (۲۰۱۴)	ایکوموس یونسکو سازمان میراث جهانی	برندسازی

(نگارندگان)

فعالیت‌های اقتصادی درون بافت تاریخی

بافت تاریخی به دلیل قدمت و سابقه تاریخی، ارزش‌های بالقوه‌ای دارد؛ لذا ساکنان بافت‌های تاریخی با درگیر شدن در فعالیت‌های اقتصادی که در گذشته وجود داشته‌اند و امروزه رو به زوال هستند، می‌توانند موجب جذب توریست، افزایش اشتغال، افزایش ارزش اقتصادی، ارتقای کیفیت سکونت، ایجاد سرزندگی، افزایش تمایل به زیست در بافت تاریخی، خودکفایی و حفظ آنان در منطقه شده و به همراه آن از شأن، آبرو و منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار شوند. لذا مؤلفه فعالیت‌های اقتصادی درون بافت تاریخی به دلیل ارتقای آبرو و شأن اجتماعی، بنا بر جدول ۲، در بعد اجتماعی نظام اقتصادی قرار می‌گیرد و کارکرد یگانگی (I) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد. علاوه بر این، بنا بر نظریه پارسونز، کارکرد یگانگی، ایجاد

هماهنگی و انسجام در سیستم است. این بعد به واسطه تعهد اعضا نسبت به یکدیگر و کل سیستم، از اختلال‌های درونی جلوگیری می‌کند و نمود آن در جامعه، نظام اجتماعی معرفی شده است. در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی، این وظیفه بر عهده فعالیت‌های اقتصادی درونی است؛ چرا که ساکنان بافت‌های تاریخی با درگیر شدن در فعالیت‌های اقتصادی درون بافت و با داشتن شغل‌های متناسب با سنت و فرهنگ پیشین خود، احساس تعلق بیشتری به این مناطق خواهند کرد و نوعی وابستگی میان آنان و بافت تاریخی حاصل می‌شود که از اختلال‌های درونی سیستم جلوگیری می‌کند. به همین جهت، فعالیت‌های اقتصادی درون بافت تاریخی، وظیفه یگانگی این سیستم را عهده‌دار هستند.

جدول ۴. ادبیات و پیشینه تحقیق مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی

مؤلفه اقتصادی	سال	محقق	مؤلفه اقتصادی	سال	محقق
الگوهای مصرف و تولید توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری	۲۰۱۱	لی-بین شن ^{۱۳} جورج اوچاو ^{۱۴} مونا شاه ^{۱۵} زیالینگ ژانگ ^{۱۶}	قیمت زمین هزینه حمل‌ونقل هزینه‌های فعالیت‌های شهری	۱۳۸۳	مهیار اردشیری
سرمایه‌گذاری قدرت نفوذ	۲۰۱۴	ماریچلا سپه	سرمایه‌گذاری خصوصی تمایل به پرداخت بیشتر افزایش قیمت املاک	۱۳۸۹	احمد پوراحمد کیومرث حبیبی مهناز کشاورز
توان مالی ساکنان سرمایه‌گذاری ارزش ملک	۱۳۸۹	عارف آقاصفیری حکمت امیری جابر دانش محمدجواد بهشتیان	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۱۳۹۲	سید حسین بحرینی محمدسعید ایزدی مهرانوش مفیدی
قیمت زمین و اجاره بها سرمایه‌مالی ساکنین سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی	۱۳۹۱	علی زنگی‌آبادی سعیده مؤیدفر	خودکفایی سودآوری جذابیت اقتصادی	۱۳۹۵	مهرانوش حسن‌زاده حسین سلطان‌زاده
ریسک‌پذیری	۲۰۱۴	سیمون هوستن ^{۱۷} ریحانه رحیم‌زاده	درآمدزایی سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی	۱۳۹۰	احمد پوراحمد رمضان اکبرنژاد بایی
ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری	۱۳۹۰	آئینی	فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری بخش دولتی سرمایه‌گذاری خصوصی ارزش افزوده املاک	۱۳۹۱	اسماعیل قادری افسانه زمانی مقدم سید هاشم جلالی کنیمی

(نگارندگان)

برندسازی

در برندسازی مقصد گردشگری، توجه به نقش فرهنگ و استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به‌عنوان منابعی برای توسعه، از مهم‌ترین ابعاد بازآفرینی اقتصادی هستند. آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون به‌ویژه فرهنگ گذشتگان و شناخت ارزش‌ها و عقاید آنان، از انگیزه‌های اساسی جهت حضور گردشگر در بافت تاریخی هستند که می‌توان به این طریق، ارزش‌های موجود در بافت را حفظ کرد؛ لذا بنابر جدول ۲، این مؤلفه، در بعد حفظ الگوهای پنهان (L) نظام کارکردی پارسونز قرار خواهد گرفت. کارکرد حفظ الگوهای پنهان در نظریه کارکردگرایی، ایجاد انگیزش لازم میان کنشگران است و نمود آن در جامعه،

نظام فرهنگی معرفی شده است. در بازآفرینی بافت تاریخی، برندسازی مقصد به‌عنوان رویکردی همه‌جانبه، ابزاری تبلیغی برای خلق تصویری یگانه از شهر است و نقش قابل توجهی در توسعه و احیای بافت‌های تاریخی در شهرها دارد. برندسازی با هدف جذب گردشگر به بافت تاریخی، نه‌تنها به‌عنوان عامل فرهنگی، موجب افزایش رشد اقتصادی منطقه خواهد شد، بلکه به‌گفته چن و چن (۲۰۱۰)، آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون به‌ویژه فرهنگ گذشتگان و نمودهای کالبدی آن در قالب میراث فرهنگی، ابنیه و بافت‌های تاریخی، انگیزه‌ای اساسی در حوزه گردشگری به‌شمار می‌آید و این امر، گردشگری را به صنعتی پر رونق در حوزه ابنیه و بافت‌های تاریخی بدل می‌کند؛ لذا این مؤلفه به‌دلیل ایجاد انگیزه، کارکرد حفظ الگوهای پنهان را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است.

جدول ۵. کلیدواژه‌های مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری در مبانی نظری بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی

مؤلفه اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی	تعریف یا ویژگی	مؤلف	سال	مفهوم مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری
ارزش اقتصادی	میراث فرهنگی و محوطه‌های میراث، دو نوع ارزش را به‌صورت گسترده تولید می‌کنند؛ ارزش بازار که تعیین قیمت بازار را مشخص می‌کند و ارزش غیر بازار که قابل ارائه و فروش نیست.	اسنبال و کارتنی ^{۱۸}	۲۰۱۰	ارزش بازار، مادی
	از نگاه سرمایه‌گذاری، در نوسازی شهری دو ارزش بالقوه وجود دارد؛ ارزش اول، بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها و ارزش دوم ناشی از بالا رفتن مرغوبیت محدوده‌های مورد سرمایه‌گذاری پس از عملیات نوسازی است.	آئینی	۱۳۹۰	ارزش مادی، قیمت
	از میان مسائل و مشکلات اقتصادی مرمت در بافت‌های تاریخی، می‌توان به قیمت پایین اراضی در این محدوده‌ها اشاره کرد.	کلانتری خلیل‌آباد و دیگران	۱۳۹۵	ارزش مادی، قیمت
	هدف اصلی از بازآفرینی بافت‌های تاریخی، ایجاد امکان بهره‌برداری اقتصادی از مکان به‌گونه‌ای است که ارزش کافی به‌منظور پوشش هزینه‌های بازآفرینی و نوسازی را ایجاد کند.	اینگلیش هریتج ^{۱۹}	۲۰۰۸	ارزش مادی
مبایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی به‌منظور ایجاد فرصت‌های بیشتر و ارتقای کیفیت زندگی، یکی از ابعاد بازآفرینی شهری پایدار معرفی می‌شود.	ODPM	۲۰۰۶	ارزش آفرینی بافت تاریخی
	اگر چه احداث، اصلاح، توسعه معابر و نوسازی محلات بافت تاریخی از جمله وظایف اساسی شهرداری‌ها به‌شمار می‌آیند، اما رویکردهای نوین در تأمین منابع مالی نوسازی این مناطق، بر حضور گسترده بخش خصوصی در این زمینه تأکید دارند.	آئینی	۱۳۹۰	ارزش آفرینی بافت تاریخی
	مشکلات فزاینده اجتماعی در محله‌های محروم و آسیب‌پذیر به‌سوی «کشف مجدد اجتماع محلی» و نوعی مشارکت جدید، نه‌تنها شامل شراکت بخش دولتی می‌شود، بلکه شراکت بخش خصوصی و سازمان‌های داوطلب و مردم را هم در بر دارد.	Ng, M.K	۲۰۰۵	ارزش آفرینی بافت تاریخی

ادامه جدول ۵. کلیدواژه‌های مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری در مبانی نظری بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی

مفهوم مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری	سال	مؤلف	تعریف یا ویژگی	مؤلفه اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی
فعالیت‌های اقتصادی درون بافت	۱۳۹۵	کلانتری خلیل‌آباد و دیگران	شکل‌دهندگان و ساکنان اصلی بافت‌های تاریخی، از نظر اقتصادی وضعیت مالی مناسبی نداشته و خود در اثر وضعیت نامطلوب اقتصادی، ساکن این بافت‌ها شده‌اند؛ لذا این بافت‌ها در تاریخچه خود نیز هیچ‌گونه جایگاهی برای درآمدزایی، فعالیت‌های اقتصادی و ایفای نقش در زمینه اشتغال‌زایی نداشته‌اند.	
	۱۳۹۱	قادری و دیگران	فعالیت‌های اقتصادی درون بافت سبب می‌شوند تا علاوه بر سیاست‌گذاری بخش خصوصی و دولتی جهت احیای بافت‌های تاریخی باارزش در شهرها، سیل عظیمی از پول و سرمایه از سوی گردشگران به این سو سرازیر شود.	
برندسازی	۲۰۰۱	پرارس ^{۲۰}	احیای ساختارهای کهن، برجسته‌سازی مکان‌ها و بازتولید خاطرات جمعی و کانون‌های تعلق خاطر، از جمله اولین اقدامات برای ایجاد کشش ذهنی به سمت محیط‌های تاریخی هستند.	
	۲۰۱۰	چن و چن ^{۲۱}	آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون به‌ویژه فرهنگ گذشتگان و نمودهای کالبدی آن در قالب میراث فرهنگی، ابنیه و بافت‌های تاریخی، انگیزه‌های اساسی در حوزه گردشگری به‌شمار می‌آید.	
	۱۳۹۶	کریم‌پور شیرازی و کهزادی سیف‌آباد	جذابیت گردشگری بافت‌های تاریخی علاوه بر عملکرد هویت‌بخشی، پتانسیل توسعه صنعت توریسم به‌عنوان یک بازوی پر قدرت و مولد اقتصادی برای شهر و در نتیجه ارتقای کیفی زندگی شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری را نیز در بر دارد.	
	۲۰۰۵	بلین و دیگران ^{۲۲}	برندسازی مقصد گردشگری شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های بازاریابی می‌شود که: (۱) از نام و نشان تجاری یا دیگر اشکال گرافیکی که به مقصد گردشگری ماهیت داده و آن را متمایز می‌سازد، حمایت نماید. (۲) توان انتقال تجارب مثبت را که منحصراً در پیوند با مقصد گردشگری است، داشته باشد. (۳) ارتباط احساسی بین بازدیدکننده و مقصد گردشگری را تقویت و مستحکم کند. (۴) هزینه‌های تحقیق و ریسک ادراکی مصرف‌کننده را کاهش دهد.	
	۱۳۹۱	امین‌زاده و دادرس	گردشگری شهری را می‌توان کنش متقابل گردشگران میزبان و بازدید از جاذبه‌ها و تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری با انگیزه‌های متفاوت گردشگر دانست که در بافت‌های تاریخی، این انگیزه به‌سوی کشف و شناسایی میراث‌های تاریخی و شیوه زندگی پیشینیان سوق می‌یابد.	

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

بازآفرینی پایدار شهری را می‌توان به‌عنوان تأثیرگذارترین رویکرد معاصر در عرصه مرمت و حفاظت شهری به‌شمار آورد. زمینه ظهور این رویکرد، در توجه به اصول مطرح‌شده در توسعه پایدار و اهمیت یافتن نقش مشارکت گروه‌های ذینفع در فرآیند برنامه‌ریزی است. رویکرد بازآفرینی شهری، توجه هم‌زمان به ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست‌محیطی در بافت تاریخی دارد. این رویکرد از دهه ۱۹۹۰ به بعد پا به عرصه حفاظت و مرمت بافت‌های تاریخی نهاد و بیانیه‌ها و منشورهای با این موضوع تدوین شده‌اند.

نظریه کارکردگرایی ساختاری در علوم اجتماعی، از نظریه‌های کل‌نگر با نگرش سیستمی است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و فرهنگی را مد نظر قرار می‌دهد و شرط برقراری تعادل، نظم و کارکرد سیستم را، قرارگیری هر کدام از خرده‌نظام‌ها در جای خود می‌داند. در سیستم شهر، بافت تاریخی به‌عنوان خرده‌نظامی که وظیفه حفظ الگوهای پنهان را بر عهده دارد، در بعد فرهنگی قرار می‌گیرد. بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز، این خرده‌نظام خود یک نظام است که باید شروط برقراری تعادل و نظم نظام را دارا باشد. پژوهش حاضر به‌دلیل وسعت موضوع بازآفرینی پایدار بافت تاریخی و نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز، به بعد اقتصادی آن بسنده کرده است. در پژوهش حاضر، اسناد و بیانیه‌های حفاظت و مرمت از دهه ۱۹۹۰ به بعد و ادبیات پژوهش با موضوع بازآفرینی اقتصادی از حیث مؤلفه‌های مؤثر در تحقق این رویکرد، بررسی شدند. بازآفرینی اقتصادی بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، با مؤلفه‌های ارزش اقتصادی، سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های اقتصادی درون بافت و برندسازی معرفی شد. لذا با توجه به شباهت رویکرد بازآفرینی پایدار شهری و نظریه کارکردگرایی ساختاری از حیث جامع و سیستمی بودن هر دو، مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس این نظریه ارائه شد.

بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، هر سیستم برای داشتن کارایی و کارکرد و نظم و تعادل در آن، باید دارای چهار مؤلفه باشد که هر یک وظیفه‌ای را در قبال سیستم عهده‌دار هستند. بنا بر نتایج پژوهش در سیستم بافت تاریخی، مؤلفه ارزش اقتصادی، وظیفه سازگاری و انطباق (A) سیستم بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد؛ بدین منظور که این مؤلفه با تأمین منابع مالی در بافت تاریخی، به اقتصاد این سیستم کمک کرده و موجب سازگاری و انطباق آن خواهد شد.

مؤلفه سرمایه‌گذاری، وظیفه تعیین اهداف (G) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را عهده‌دار است. این مؤلفه با هدف کسب سود و منفعت بیشتر، بخش خصوصی را به این سمت سوق داده و موجب ارزش‌افزایی در بافت تاریخی خواهد شد. لذا به‌منظور کارایی بیشتر بازآفرینی، می‌توان اهداف بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را در راستای افزایش میزان سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی تعیین نمود. تصویر ۲، مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری نشان داده است.

مؤلفه فعالیت‌های اقتصادی درون بافت، وظیفه خرده‌نظام یگانگی و انسجام (I) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد؛ چرا که با درگیر شدن ساکنان بافت‌های تاریخی در فعالیت‌های اقتصادی درونی، احساس تعلق بیشتری به محیط ایجاد شده و این‌چنین از اختلال‌های درونی سیستم جلوگیری می‌شود. بدین جهت به‌منظور ایجاد یگانگی و انسجام بیشتر در بافت تاریخی، باید تمهیداتی به‌منظور افزایش میزان فعالیت‌های اقتصادی درون بافت اندیشیده شود.

مؤلفه برندسازی، وظیفه حفظ الگوهای پنهان (L) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد. آشنایی با فرهنگ‌های گذشتگان، انگیزه‌ای لازم در حوزه گردشگری را ایجاد کرده و لذا این مؤلفه، کارکرد حفظ الگوهای پنهان را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است.

جهت تحقق و داشتن کارکرد رویکرد بازآفرینی پایدار بافت‌های تاریخی، پژوهش‌های زیر به‌منظور تکمیل مدل بازآفرینی پایدار پیشنهاد می‌شوند:

- تبیین بازآفرینی اجتماعی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری



- تبیین بازآفرینی مدیریتی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری
 - تبیین بازآفرینی فرهنگی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری
- در پژوهش‌های آتی می‌توان بر اساس مؤلفه‌های معرفی‌شده در پژوهش حاضر، شاخص و سپس گویه را تعریف کرد و با استفاده از تکنیک پرسشنامه، به ارزیابی و سنجش بازآفرینی اقتصادی در محدوده مطالعاتی خاص پرداخت. هم‌چنین می‌توان مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری را در سطح دوم نیز تبیین کرد؛ بدین منظور که اجزای هر مؤلفه را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری تبیین نمود.



تصویر ۲. مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری (نگارندگان)

پی‌نوشت

1. Nasser
2. Stubbs
3. Huston & Rahimzad
4. Marichela Sepe
5. Furlan & Faggion
6. Documentary research method
7. Directed

در رویکرد تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده، اساس تحلیل را نظریه‌های موجود و با نتایج پژوهش‌های پیشین به‌عنوان کدهای اولیه و راهنما تشکیل می‌دهند.

8. Adaptation
9. Goal attainment
10. Integration
11. Latent pattern maintenance

۱۲. هر چند در حال حاضر وضعیت بافت‌های تاریخی ما این چنین نیست و شهروندان تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در این مناطق ندارند؛ ولی با توجه به مدل ارائه‌شده در این پژوهش که وضعیت بهینه را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی نشان خواهد داد، باید سیاست‌های بازآفرینی اقتصادی در این راستا قرار گیرند.

13. Li-Yin Shen
14. J. Jorge Ochoa
15. Mona N. Shah



16. Xiaoling Zhang
17. Simon Huston
18. Snowball & Courtney
19. English Heritage
20. Perarce
21. Chen & Chen
22. Blain et al

منابع و مآخذ

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. چاپ پنجم، تهران: سروش.
- آقاصغری، عارف؛ امیری، حکمت؛ دانش، جابر و بهشتیان، محمدجواد. (۱۳۸۹). ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن در بافت تاریخی شهر یزد (۱۳۸۵-۱۳۵۵ ه.ش). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال اول (۲)، ۸۲-۶۷.
- آئینی، محمد. (۱۳۹۰). مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در نوسازی شهری. *فصلنامه اقتصاد شهر*، سال سوم (۹)، ۴۱-۳۳.
- اردشیری، مهیار. (۱۳۸۳). بررسی بازتاب‌های اقتصادی مداخله در بافت کالبدی شهرها. *فصلنامه هفت شهر*، (۱۵)، ۷۵-۶۶.
- امین‌زاده، بهناز و دادرس، راحله. (۱۳۹۱). بازآفرینی فرهنگ‌مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری. *دو فصلنامه مطالعات معماری ایران*، (۲)۱، ۱۰۸-۹۹.
- ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامعه و یکپارچه در سامان‌دهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری. *فصلنامه هفت شهر*، (۳۳)۳، ۸۰-۷۳.
- بحرینی، سید حسین؛ ایزدی، محمدسعید و مفیدی، مهرانوش. (۱۳۹۲). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *فصلنامه مطالعات شهری*، (۹)۳، ۳۰-۱۷.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱)۱، ۹۲-۷۳.
- پوراحمد، احمد و اکبرنژاد، رمضان. (۱۳۹۰). هرم بازآفرینی بافت تاریخی شهری با استفاده از مدل سوات، نمونه موردی بافت تاریخی شهر بابل. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، (۹)۳، ۱۰۷-۸۱.
- تنهایی، حسین. (۱۳۶۹). *نظریه‌های جامعه‌شناختی*. چاپ اول، تهران: سمت.
- تیزدل، استیون؛ آک، تنر و هیث، تیم. (۱۳۷۹). چالش‌های اقتصادی محله‌های تاریخی. *مجله هفت شهر*، (۲)۱، ۴۹-۲۹.
- چلبی، مسعود. (۲۸۳۱). *جامعه‌شناسی نظم*. چاپ دوم، تهران: نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). *چارچوب مفهومی، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسن‌زاده، مهرنوش و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۵). طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۲۳)۶، ۳۰-۱۹.
- دیلینی، تیم. (۱۳۸۷). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه به‌رنگ صدیقی و وحید طلوع، چاپ هشتم، تهران: نی.
- ریشه، گی. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: نی.
- ریترز، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هفتم، تهران: علمی.
- زنگی‌آبادی، علی و مؤیدفر، سعیده. (۱۳۹۱). رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش‌بادگیری شهر یزد. *فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، (۹)۵، ۳۱۴-۲۹۷.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، (۲۹)۸، ۹۱-۶۱.
- صبحی‌زاده، مهشید و ایزدی، محمد سعید. (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر. *مجله آبادی*، (۴۳)۱۴، ۲۱-۱۲.
- فرجی ملائی، امین. (۱۳۸۹). انواع روش‌های مداخله در بهسازی و نوسازی شهری. *ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی، پژوهشی شوراها*، (۵۴)۳، ۱۱۷-۱۳۴.

- قادری، اسماعیل؛ زمانی مقدم، افسانه و جلالی کنیمی، سید هاشم. (۱۳۹۱). تدوین راهبردهای مدیریتی احیا، توسعه و حفاظت بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهرداری تهران). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم (۱)، ۹۷-۱۱۴.
- کریم‌پور شیرازی، مرجان و کهزادی سیف‌آباد، عمران. (۱۳۹۶). مدل نظری بازآفرینی بافت‌های تاریخی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی*، سال اول (۵)، ۲۰۳-۲۲۵.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ صادقی، ساناز و حقی، مهدی. (۱۳۹۵). راهبردهای مرمت در بافت‌های تاریخی شهرها با تأکید بر مدیریت بحران زلزله (مطالعه موردی: محله سیروس تهران). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۶(۲۳)، ۶۱-۷۴.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم انسانی و اجتماعی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- Bailey, K.D. (1994). **Methods of Social Research**. New York: The Free Press.
- Blain, C.; Levy, S. E. & Ritchie, B. (2005). Destination branding: Insights and practices from destination management organizations. *Journal of Travel Research*, 43(4), 328-338.
- Chen, C. F. & Chen, F. S. (2010). Experience Quality, Perceived Value, Satisfaction and Behavioral Intentions for Heritage Tourists. *Tourism Management*, 3(1), 29-35.
- Doratli, N.; Hoskara, S. O. & Fasli, M. (2004). An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: A case study of the walled city of Nicosia. *North Cyprus*, 21(4), 329-348.
- English Heritage. (2008). **Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment**. London: English Heritage.
- Hull city council. (2000). **Urban regeneration, to promote urban regeneration and anti-poverty strategies**. Development Plans Team, Kingston Upon Hull.
- Huston, S. & Rahimzad, R. (2014). **Smart Finance for Sustainable Urban Regeneration**. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2443406>. (Retrieved 29 May. 2014).
- Knight, Christopher; Jenks, M.; Burton, Elizabeth & Williams, Katie. (1996). **The Compact City: Sustainable Urban Form**. London: E & FN Spon.
- Nasser, N. (2003). Planning for Urban Heritage Places: Reconciling Conservation, Tourism, and Sustainable Development. *Journal of Planning Literature*, 17(4), 467-479.
- Ng, M.K. (2005). Quality of life perceptions and directions for urban regeneration in Hong Kong. *Social Indicator Research*, 71(1-3), 441-465.
- Noon, David; Canham, James Smith, & Eagland Noon, Martin. (2000). Economic Regeneration and funding. *Urban Regeneration*. London: A Handbook. 61-85.
- ODPM. (2006). **UK Presidency. EU Ministerial Informal on Sustainable Communities. European Evidence Review papers**. London: Office of the Deputy Prime Minister.
- Furlan, R. & Faggion, L. (2017). Urban Regeneration of GCC Cities: Preserving the Urban Fabric's Cultural Heritage and Social Complexity. *Journal of Historical Archaeology & Anthropological Sciences*, 1(1), 1-7.
- Perarce, G. D. (2001). An Intergrative Framework for Urban Research. *Annals of Tourism Research*, 28(4), 926-948.
- Scott, WA. (1995). Reliability of content analysis. *Public Opin Quart*, 19(3), 15-20.
- Seo, J.K. (2002). Re-urbanization in Regenerated Areas of Manchester and Glasgow: New



Residents and the Problems of Sustainability. **Elsevier**, 19(2), 113-121.

- Sepe, M. (2014). Urban transformation, socio-economic regeneration and participation: two cases of creative urban regeneration. **International Journal of Urban Sustainable Development**, 6(1), 20-41.
- Shen, L. Y.; Ochoa, J. Jorge; Shah, Mona N. & Zhang, X. L. (2011). The application of urban sustainability indicators: A comparison between various practices. **Habitat International**, 35(1), 17-29.
- Stubbs, M. (2004). Heritage-sustainability: developing a methodology for the sustainable appraisal of the historic environment. **Planning Practice & Research**, 19(3), 285-305.
- Vilaplana, Begona. (1998). **Partnership and networks as new mechanisms towards sustainable urban regeneration**. London: university college London.

بررسی اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان اصفهان

محمود قلعه‌نویی* محمدتقی پیربابایی** الناز سلطان احمدی***

نسرین محسن حقیقی****

چکیده

میراث فرهنگی هر کشوری، نشان‌دهنده فرهنگ، تاریخ و پیشینه یک ملت است که دارای ارزش‌های مختلفی از جمله ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی است، اما ارزیابی میراث از دید ارزش‌های نهفته در آن صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین در برنامه‌ریزی برای حفاظت و نگهداری و یا بهره‌برداری از این میراث، ممکن است گاه ارزش‌هایی نادیده انگاشته شوند. از طرفی محدودیت در بودجه، زمان و نیروی انسانی، باعث الزام یک برنامه اولویت‌بندی اقدام است. در این راستا، ارائه یک اولویت‌بندی تخصصی از ارزش‌های نهفته در میراث از دید متخصصین حوزه مرمّت، معماری و شهرسازی جهت تجزیه و تحلیل ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی، ضروری می‌نماید. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، ارزیابی ارزش‌های مستتر در میدان نقش جهان اصفهان به‌عنوان یک میراث ارزشمند و دارای اهمیت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌منظور اولویت‌بندی اقدام جهت حفاظت و برنامه‌ریزی برای عناصر آن است. در این راستا، پژوهش حاضر به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و با روش ANP، به شناخت و اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی در میدان نقش جهان با تأکید بر نظر متخصصین پرداخته است. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که فضای شهری میدان نقش جهان، اولویت اول، عمارت عالی‌قاپو در اولویت دوم، مسجد شیخ لطف‌الله در اولویت سوم، مسجد امام در اولویت چهارم و بازار قیصریه در اولویت پنجم به‌لحاظ ارزشی قرار دارند. اولویت ارزش‌های هر یک از مکان‌های میراثی، نشان از اولویت مداخله در خصوص سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها است.

کلیدواژه‌ها: میراث معماری و شهرسازی، اولویت مداخله، اولویت‌بندی ارزش، عناصر میدان نقش جهان اصفهان

m.ghalehnoee@au.ac.ir

Pirbabaee@tabriziau.ac.ir

esoltanahmadi@yahoo.com

nessy.moha@yahoo.com

* دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

*** کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

**** کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

میراث فرهنگی هر کشوری، بیانگر پیشینه تاریخی و هویت یک ملت در طول ادوار مختلف است. میراث معماری و شهرسازی در این میان با داشتن تجسم کالبدی، دارای ارزش‌های مختلفی است که از آن جمله می‌توان به ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن اشاره کرد. وجود ارزش‌های مختلف میراث فرهنگی و نیز این مسأله که میراث فرهنگی تنها متعلق به نسل کنونی نبوده و همان‌گونه که ما میراث را از گذشتگان خود به‌ارث برده‌ایم، نسل‌های آینده نیز در آن سهم دارند، لزوم حفاظت از آن را روشن می‌سازد. از طرفی، محدودیت در منابع و امکانات از جمله محدودیت بودجه، نیروی انسانی متخصص و محدودیت زمانی، لزوم اولویت‌بندی برای مداخله و حفاظت از آثار را روشن می‌سازند. موضوع ارزش‌های میراث فرهنگی و اولویت‌بندی آنها جهت تبیین اقدامات علمی و عملی پایدار، فعالیت مهمی در راستای حفاظت و سرمایه‌گذاری بر روی آنها است و بر ارائه یک اولویت‌بندی تخصصی جهت تجزیه و تحلیل ارزش‌های میراث تأکید دارد. دسته‌بندی ارزش‌های میراث فرهنگی به‌منظور اتخاذ تصمیمات آگاهانه، مبنی بر چگونگی حفاظت بهینه و اقدامات مبتنی بر ارزش آثار، صورت گرفته است. طبقه‌بندی ارزش‌ها، رهنمون کارشناسان حفاظت در نیل به زبانی مشترک برای بیان ارزش‌های میراث و مد نظر قرار دادن منافع همه افراد مرتبط با این آثار است (Avrami & Mason, 2000). از دیگر مزایای این امر، ایجاد چارچوبی انعطاف‌پذیر برای سنجش و ارزیابی مداخلات در آثار است. بر مبنای چنین چارچوبی، می‌توان ارزش‌های موجود در یک اثر را ارزیابی و اولویت‌بندی کرد و اقدامات لازم را بر اساس ارزش‌های شناخته‌شده تنظیم نمود؛ هم‌چنین مقایسه آثار گوناگون و اقدامات انجام‌شده در آنها با یکدیگر سهولت می‌یابد. در نتیجه با مدیریت یکپارچه ارزش‌ها، تصمیم‌گیری مناسب و دقیق برای سرمایه‌گذاری در اقدامات مربوط به میراث، امکان‌پذیر می‌شود (صالحی سورمقی، ۱۳۹۳). این مسأله که ارزش‌های میراث فرهنگی کدام هستند و به‌لحاظ اولویت‌بندی، از چه سلسله مراتبی برخوردار بوده، خود نیازمند بررسی و ارزیابی نظرات متخصصین حوزه است. میدان نقش جهان به‌عنوان یکی از مجموعه‌های باارزش و هویت‌بخش فرهنگی - تاریخی شهر اصفهان محسوب می‌شود که به‌لحاظ اهمیت فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و میراث معماری و شهرسازی، از گنجینه‌های ارزشمند ایران است و این موضوع، خود اهمیت بررسی ارزش‌های نهفته در آن را مشخص می‌سازد. در این راستا، پژوهش حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی و به‌شیوه کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی، پس از بررسی موضوعات و

مفاهیم مرتبط با ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی، به ارائه دسته‌بندی جدید مورد نظر پژوهش پرداخته و سپس به شناخت و اولویت‌بندی ارزش‌های مجموعه میراث معماری و شهرسازی میدان نقش جهان اصفهان با به‌کارگیری روش تحلیل شبکه‌ای (ANP) و با تأکید بر نظر متخصصین در زمینه مرمت، معماری و شهرسازی می‌پردازد. سؤال مورد نظر این پژوهش به این شرح است که اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان اصفهان از دید متخصصین به چه صورتی است؟ چرا که اولویت ارزش‌های هر یک از مکان‌های میراثی مجموعه میدان نقش جهان اصفهان می‌تواند در اولویت مداخله به‌منظور سیاست‌گذاری در رابطه با حفاظت، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهرسازی، مفید و مؤثر واقع شود.

ادبیات موضوع

پیشینه تحقیق

توجه به مسأله ارزش در مبحث میراث را شاید بتوان به سند نارا منسوب دانست. سند نارا، در کنفرانسی با همکاری یونسکو، ایکوموس و ایکروم و به‌دعوت اداره امور فرهنگی ژاپن در سال ۱۹۹۴ به تصویب رسید. این سند به‌منظور اصالت بخشیدن و هویت دادن به ارزش‌ها و میراث‌های ملی و محلی، به بسط منشور ونیز پرداخته و به جنبه‌های منفی جهانی شدن، یکسان‌سازی و تسلط بر فرهنگ گروه‌های اقلیت تأکید نموده است. رندال ماسون (۲۰۰۲) به‌عنوان یک شهرساز (برنامه‌ریز شهری)، در راستای مفهوم ارزش و ارزیابی آن و اتخاذ شیوه‌های حفاظتی، تحقیق بسیاری نموده و حاصل کارهای وی، انتشار مقالاتی بسیار در این راستا است. وی در یکی از مقالات خود با عنوان "ارزیابی ارزش‌ها در برنامه‌ریزی حفاظتی: (موضوعات و گزیده‌های رویه‌ای)" می‌نویسد: ارزیابی ارزش‌های نسبت‌داده‌شده به میراث، فعالیت مهمی در هر گونه کوشش برای حفاظت است. یک ارزیابی همه‌جانبه از ارزش‌های میراث و تلفیق ارزش‌های مختلف، به بهبود برنامه‌ریزی و مدیریت حفاظتی بیشتر پایدار منجر می‌شود.

در کنار نظریه‌پردازان حوزه ارزش میراث، مؤسسه‌ای به‌نام گتی نیز به انتشار مطالبی با عنوان "ارزیابی ارزش‌های میراث فرهنگی" (۲۰۰۲) پرداخته است. در این کتاب، پنج مقاله با این عناوین قرار گرفته‌اند: ارزیابی ارزش‌ها در برنامه‌ریزی حفاظتی، مقاله روش‌های قوم‌نگاری - انسان‌شناختی برای ارزیابی ارزش‌های فرهنگی در حفاظت از میراث، ارزیابی اقتصادی از

میراث فرهنگی، بی‌احساس نبودن و حساس بودن در ارتباط با استخراج ارزش‌های محیطی، مفاهیم پایداری و سرمایه در اقتصاد میراث فرهنگی. دیوید ترزبای (۲۰۰۶) در مقاله دیگری تحت عنوان "ارزش میراث"، به تبیین ابعاد مختلف و گونه‌شناسی ارزش در میراث فرهنگی به‌ویژه ارزش‌های فردی در مقابل ارزش‌های جمعی و ارزش‌های خصوصی در برابر ارزش‌های عمومی می‌پردازد. پروژه اسکارپمنت ماین (EMP)^۱ - ارزیابی ارزش‌های میراث تاریخی (۲۰۱۰)، یکی از نمونه‌های اجرا شده‌ای که در ادامه دو پروژه ماقبل خود جهت ارزیابی میراث تاریخی در همان منطقه انجام شده بود، است که حاوی اطلاعات بیشتری در ارتباط با ارزش‌های میراث تاریخی است که به‌وسیله زیرساخت‌ها در مشارکت با EMP انجام شده بود. پروژه بازنده‌سازی منطقه لنزداونپارک^۲ (۲۰۱۰) تحت عنوان "شرح ارزیابی تأثیر ارزش‌های فرهنگی و میراث" که به شهرداری شهر اتاوا ارائه شده است، یکی دیگر از پروژه‌هایی بوده که نخست به تبیین ارزش‌های سایت یادشده پرداخته و سپس سیاست‌های حفاظت را مبتنی بر همان ارزش‌ها تدوین کرده است. تیرون و کیگین^۳ (۲۰۰۷) در پژوهش خود تحت عنوان "تطبیق ارزش‌های بومی میراث فرهنگی در ارزیابی منابع: منطقه یک پیپورک پنینسولا و موارری - دارلینگ بیسین، استرالیا"، به تطبیق ارزش‌های بومی میراث فرهنگی در ارزیابی و ارزش‌گذاری میراث فرهنگی می‌پردازند. آنها در همین راستا، روش‌های مختلف ارزیابی ارزش‌های میراث را بیان کرده و از ابعاد مختلف و در دو نمونه موردی تحلیل می‌نمایند. حجت (۱۳۸۰) در کتاب خود تحت عنوان "میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی"، به وضعیت حفاظت از میراث فرهنگی در ایران قبل و بعد از انقلاب مشروطه پرداخته؛ که از جمله اولین اقدامات ثنوریک در زمینه حفاظت و توجه به ارزش‌های میراث فرهنگی در ایران است. رهنما (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "شناسایی نقاط باارزش شهری در مشهد"، با بررسی ارزش‌های شهری، به شناسایی ۵۳ نقطه باارزش در سه نوع الگوی پراکنش محوری، محوطه‌ای و بنا به لحاظ مذهبی، گردشگری، تجاری، تاریخی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و آموزشی و سیاسی پرداخته و راه‌حل‌های پیشنهادی را برای نحوه مداخله در فرآیند احیای این عناصر، ارائه کرده است. خانم فاطمه مهدی‌زاده (۲۰۰۸) در پژوهش خود تحت عنوان "ارج نهادن به بناهای تاریخی بر اساس ارزش‌های آنها"، به درجه‌بندی بناهای تاریخی بر اساس ارزش‌های موجود در آنها پرداخته است، سپس به معرفی و تعیین ارزش‌های نهفته در میراث معماری و در نهایت، به اولویت‌بندی اقدام

روش تحقیق

این پژوهش به‌لحاظ هدف، از نوع کاربردی-توسعه‌ای و به‌لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات به دو شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی در بخش بررسی مبانی نظری مرتبط با موضوع ارزش‌های میراث معماری و شهری جهت حصول معیارها و زیرمعیارهای ارزیابی و به‌صورت پیمایشی در قالب پرسش‌نامه با تشکیل تیم ۳۰ نفره از کارشناسان و دست‌اندرکاران حوزه میراث فرهنگی و گردشگری در زمینه‌های مردم‌شناسی (۳)

نفر)، مطالعات تاریخ معماری و شهرسازی، حفاظت و مرمت میراث معماری و شهری (۷ نفر از دانشجویان دکتری مرمت بنا و مرمت شهری)، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری (۳ نفر از کارکنان دفتر میراث فرهنگی واقع در میدان نقش جهان)، باستان‌شناسی (۵ نفر از دانشجویان دکتری باستان‌شناسی)، اعضای هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و هیأت علمی دانشگاه در زمینه مرمت، معماری و شهرسازی (۱۱ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان) گردآوری شده‌اند. تمامی متخصصین از شهر اصفهان بوده و حداقل یک‌بار در میدان نقش جهان حضور داشته و دارای اطلاعات کافی در ارتباط با فضا و عناصر بوده‌اند.

پس از تشکیل گروه، تعیین هدف و مشخص نمودن معیارها و زیرمعیارها و گزینه‌های مورد بررسی، ساختار شبکه‌ای تشکیل شده و بر اساس الگوریتم اجرایی جهت تعیین وزن معیارها و زیرمعیارها، به تعداد متخصصان، پرسش‌نامه تدوین شد؛ سپس کلیه پرسش‌نامه‌ها جهت ترکیب در نرم‌افزار Super Decisions برای تجزیه و تحلیل و اولویت‌بندی ارزش‌های مجموعه میدان نقش جهان اصفهان، مورد بررسی قرار گرفتند تا امتیاز نهایی به معیارها و زیرمعیارها داده شود. نرخ ناسازگاری ۰,۰۵، نشان از قابل قبول بودن سازگاری سیستم و صحت محاسبات و نتایج حاصل از اولویت‌بندی در مدل داده شده است. با مطالعه ادبیات نظری، موضوع ارزش‌ها و زیرارزش‌ها

جدول ۱. ارزش‌ها و زیرارزش‌ها از دید افراد مختلف

افراد	ارزش‌ها	زیرارزش‌ها
Wells (2010)	ارزش‌های موضوعی	ارزش تاریخی/ارزش اطلاعاتی/ارزش هنری/ارزش یگانگی (ندرت)
	ارزش‌های تجربی	ارزش قدمت/ارزش تازگی/ارزش مکانی/ارزش الحاقی
	ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی	ارزش نمادین/ارزش فنی/ارزش آموزشی/ارزش تفریحی/ارزش مذهبی (حسی)/ارزش هویتی/ارزش‌های الحاقی فرهنگی/ارزش کاربردی
Mehdizadeh (2011)	ارزش فرهنگی	-
	ارزش معماری	مصالح/همسایگی‌های بنا/ارزش‌های پیرایشی/تناسب موجود در بنا/تناسب توده و فضا/سبک خاص بنا/دکوراسیون و تزئینات
	ارزش تاریخی	-
	ارزش کمیابی و یگانگی	-
	ارزش قدمت	مقاومت و پابرجایی بنا در طول زمان
	ارزش سازه‌ای	مهارت‌ها و روش‌های استادانه در ساخت بنا/جزئیات و مصالح/تکنیک‌ها
	ارزش اقتصادی	توانایی در جذب توریست/سود روزانه حاصل از بنا
	ارزش مورد استفاده قرار گرفتن بنا	تناسب کاربری‌های جایگزین با کاربری‌های اولیه بنا
	سایر ارزش‌ها	زیبایی/نمادین بودن بنا/ارزش اجتماعی/ارزش باستان‌شناسی/ارزش اطلاعات بایگانی‌شده/ارزش اهمیت داشتن و اصلیت بنا/اسرارآمیز بودن/استنادات و تحقیقات صورت گرفته راجع به بنا/ظرافت ناشی از کنار هم قرار گرفتن ابنیه
	Reigl (1902) in Dowson (2005)	ارزش قدمت/ارزش تاریخی/ارزش یادبودی/ارزش کاربردی/ارزش تازگی
Lipe (1984) in Mason (2002)	ارزش اقتصادی/ارزش زیبایی‌شناختی/ارزش پیوندی-نمادین/ارزش اطلاعاتی	
Burra Charter	ارزش زیبایی‌شناختی/ارزش تاریخی/ارزش علمی/ارزش اجتماعی	
English Heritage	ارزش فرهنگی/ارزش آموزشی/ارزش اقتصادی/ارزش سندیت/ارزش تفریحی/ارزش زیبایی‌شناختی	
Mason (2002)	ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی	ارزش تاریخی/ارزش فرهنگی-نمادی/ارزش اجتماعی/ارزش روحانی-مذهبی/ارزش زیبایی‌شناسی
	ارزش‌های اقتصادی	ارزش کاربردی/ارزش غیر کاربردی/ارزش موجودیت/ارزش اختیاری/ارزش میراثی

افراد	ارزش‌ها	زیرارزش‌ها
Feilden (1982)	ارزش‌های احساسی (هیجانی)	اعجاب/ هویت/ تداوم/ روحانی و نمادین
	ارزش فرهنگی-تربیتی	اسنادی/ تاریخی/ باستان‌شناختی-قدمت-کمیابی/ زیبایی‌شناختی و نمادین/ معماری/ فضای شهری- محیط طبیعی- بوم‌شناختی/ علمی و تکنولوژی
	ارزش کاربردی	ارزش کارکردی/ ارزش اقتصادی/ ارزش اجتماعی/ ارزش آموزشی/ ارزش قومی و سیاسی
حجت (۱۳۸۰)	ارزش‌های علمی	ارزش‌های بوم‌شناختی، ارزش‌های اسنادی
	ارزش‌های تاریخی	ارزش‌های باستان‌شناختی
	ارزش‌های احساسی	ارزش‌های تداوم فرهنگی، هویت، قدمت و ندرت ارزش‌های معمارانه، محیط شهری، محیط طبیعی ارزش‌های زیباشناختی و نمادین، روحانی، اعجاب
فیلدن و یوکیلتو (۱۳۸۶)	ارزش‌های فرهنگی	ارزش هویت/ ارزش فنی یا هنری نسبی/ ارزش نادر بودن
	ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی معاصر	ارزش اقتصادی/ ارزش کارکردی/ ارزش آموزشی/ ارزش اجتماعی/ ارزش سیاسی
نژاد ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۲)	ارزش‌های با ماهیت کاربردی	ارزش آموزشی/ ارزش گردشگری/ ارزش اقتصادی/ ارزش فنی-ساختاری/ ارزش تاریخی/ ارزش هنری
	ارزش‌های با ماهیت معنوی	ارزش سیاسی/ ارزش اجتماعی/ ارزش عاطفی/ ارزش فرهنگی/ ارزش هویتی
حناچی و پورسراجیان (۱۳۹۴)	ارزش‌های تاریخی	ارزش‌های تاریخی حاصل از فرآیند ساخت اثر (کیفیت ایده، کیفیت طراحی، کیفیت اجرا، کیفیت ارتباط با طبیعت)، ارزش‌های تاریخی تجدیدنپذیر و منحصر به فرد
	ارزش‌های فرهنگی	ارزش اعتقادی/ هویتی/ ناشی از قدمت/ تداوم خاطرات جمعی/ وحدت در عین تنوع
	ارزش‌های روز	ارزش اقتصادی و تجاری/ عملکردی/ مقطعی

(نگارندگان)

روش تحلیل شبکه‌ای (ANP) با توجه به این که ارتباطات پیچیده بین عناصر تصمیم را با ساختار شبکه‌ای در نظر گرفته و دارای سادگی، انعطاف‌پذیری و قابلیت به کارگیری معیارهای کمی و کیفی به طور هم‌زمان است و همچنین، قابلیت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها و امکان رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها و نیز در نظر گرفتن وابستگی متقابل بین عناصر تصمیم (معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها) را دارا بوده و نگرش دقیقی نسبت به مسائل پیچیده دارد (زبردست، ۱۳۸۹: ۷۹)، مورد نظر این پژوهش قرار گرفته و شامل مراحل زیر است:

الف) تبیین مدل

- ب) تشکیل ماتریس‌های مقایسه‌ای و کنترل سازگاری آنها
- مقایسه دودویی معیارهای اصلی
 - مقایسه دودویی وابستگی‌های درونی معیارهای اصلی
 - مقایسه دودویی زیرمعیارهای هر یک از معیارهای اصلی
 - مقایسه دودویی وابستگی‌های درونی زیرمعیارها
 - مقایسه دودویی ارجحیت گزینه‌ها (جدول ۳)

از دید افراد مختلف مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۱ آورده شده است.

دسته‌بندی‌های مختلفی تا کنون از ارزش‌ها و زیرارزش‌های میراث معماری و شهرسازی صورت گرفته‌اند. پژوهش حاضر با مطالعه ادبیات نظری موضوع و بررسی نظرات اندیشمندان مختلف، ارزش‌های تاریخی، احساسی، اجتماعی- فرهنگی و علمی- کاربردی را جهت ارزیابی، انتخاب کرده است. هر چند این دسته‌بندی نیز جامع‌و مانع نیست، ولی نظر به موضوع پژوهش و نمونه مورد مطالعه، سعی شده است که ارزش‌ها و زیرارزش‌هایی که بیشترین ارتباط را با فضای مورد مطالعه دارند، انتخاب شوند. زیرارزش‌ها در نمودار ۱ آورده شده‌اند. نمونه مورد مطالعه جهت تعیین اولویت‌بندی ارزش‌های میراث فرهنگی، مجموعه عناصر و فضاهای میدان نقش جهان اصفهان شامل مسجد امام، مسجد شیخ لطف‌الله، عمارت عالی‌قاپو، بازار قیصریه و فضای شهری میدان نقش جهان اصفهان است (جدول ۲).



ج) محاسبه سوپر ماتریس حد
تشکیل سوپر ماتریس ناموزون

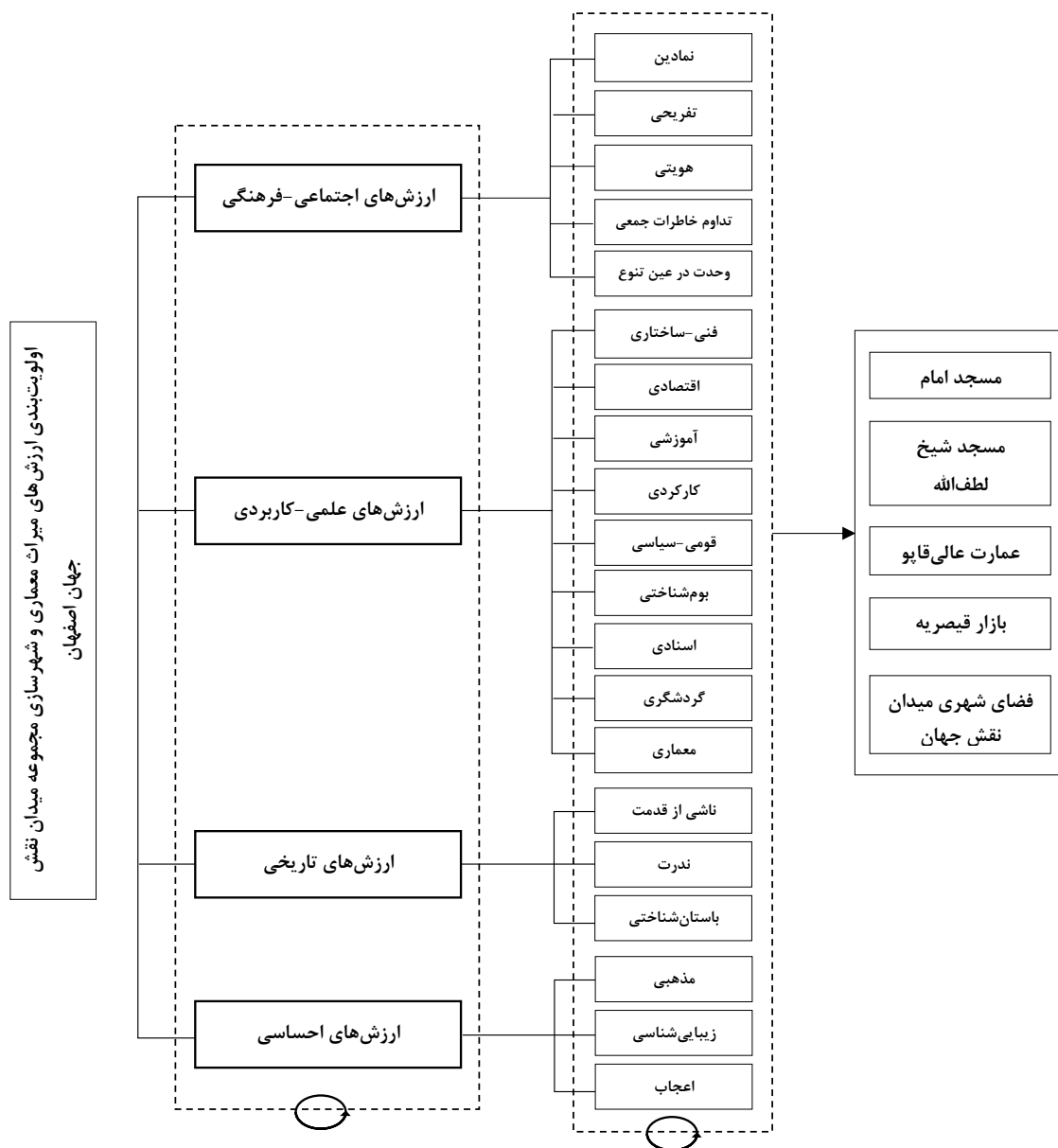
یافته‌ها

در جدول ۴، وابستگی‌های درونی معیارها نسبت به هم با علامت (*) نشان داده شده‌اند و نیز تمام زیرمعیارها نسبت به هم جهت مقایسه دودویی آنها با یکدیگر، دارای وابستگی درونی هستند.

در جدول ۵، ارزیابی‌های مربوط به ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش علمی-کاربردی برای هر ۵ مؤلفه مورد مطالعه، آورده شده‌اند. با توجه به جدول ۵، مشخص شد که فضای شهری

میدان نقش جهان به‌عنوان کلیتی یکپارچه به‌لحاظ ارزش‌های فنی-ساختاری، اقتصادی، آموزشی، قومی-سیاسی، بوم‌شناختی، گردشگری و معماری، بالاترین ارزش را کسب کرده است. به‌لحاظ ارزش اسنادی، همه مؤلفه‌ها غیر از بازار قیصریه، از ارزش برابر برخوردار هستند. به‌لحاظ ارزش کارکردی، بازار قیصریه، بالاترین امتیاز را کسب کرده و این به‌علت فعالیت‌های تجاری زنده موجود در بستر بازار قیصریه است.

در جدول ۶، ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش تاریخی در ارتباط با مؤلفه‌های مورد مطالعه آورده شده است. با توجه به این که زمان احداث میدان نقش جهان و مؤلفه‌ها تقریباً در یک دوره بوده است، بنابراین تمامی مؤلفه‌ها از ارزش ناشی از



نمودار ۱. ساختار شبکه‌ای (معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها) (نگارندگان)

امام، بالاترین امتیاز را کسب کرده و این به دلیل انجام اعمال مذهبی مانند دایر کردن نماز جماعت و فعال بودن مسجد امام است. به لحاظ ارزش‌های زیبایی‌شناسی و اعجاب، فضای شهری میدان نقش جهان، در رتبه اول قرار گرفته است.

نتایج حاصل از مقایسه‌های زوجی معیارها و زیرمعیارها در ارتباط با گزینه‌ها، به اولویت‌بندی ارزش‌های مکانی میراثی مطابق جدول ۹ منتهی شده است. با توجه به جدول ۹ مشخص می‌شود که فضای شهری میدان نقش جهان با تأثیر گذاشتن و تأثیر پذیرفتن از ۴ مؤلفه منفرد دیگر به لحاظ ارزش‌های مورد بررسی، بالاترین امتیاز را گرفته است. در ارتباط با ارزش اجتماعی-فرهنگی؛ عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله، بازار قیصریه و مسجد امام به ترتیب بیشترین تا کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند. در ارزش علمی-کاربردی؛ بعد از کلیت میدان، عمارت عالی قاپو، مسجد امام، بازار قیصریه و مسجد شیخ لطف‌الله

قدمت یکسانی برخوردار بوده‌اند. فضای میدان نقش جهان، بالاترین امتیاز را به لحاظ ارزش ندرت و باستان‌شناختی کسب کرده و این، نشان‌دهنده اهمیت کلیت واحد میدان به‌عنوان یک مؤلفه منحصر به فرد است.

جدول ۷، نشان‌دهنده بررسی ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش اجتماعی-فرهنگی است. به لحاظ ارزش نمادین، مسجد امام، بالاترین امتیاز را به خود گرفته است. فضای میدان نقش جهان به لحاظ ارزش‌های تفریحی، هویت، تداوم خاطرات جمعی و وحدت در عین تنوع، بالاترین امتیازها را گرفته است. این نشان می‌دهد که تقریباً به لحاظ ارزش اجتماعی-فرهنگی، فضای شهری میدان نقش جهان در مجموع از وزن بیشتری برخوردار است. ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش احساسی در ارتباط با ۵ مؤلفه مورد بررسی، در جدول ۸ نشان داده شده است. با توجه به این جدول مشخص شد که به لحاظ ارزش مذهبی، مسجد

جدول ۲. عناصر میدان نقش جهان

منابع	توضیحات	عناصر
(معماران: ۱۳۸۶)	 ساختمان مسجد امام در سال ۱۰۲۰ ق. آغاز شده و معمار آن، یکی از بزرگ‌ترین معماران ایران؛ استاد علی‌اکبر اصفهانی است.	مسجد امام
	 مسجد شیخ لطف‌الله برای شیخ لطف‌الله؛ یکی از دانشمندان زمان شاه‌عباس، به‌وسیله معمار بزرگ؛ استاد محمدرضا اصفهانی، در بین مهر و موم‌های ۱۰۲۸-۱۰۱۲ هجری ساخته شد.	مسجد شیخ لطف‌الله
	 کاخ عالی قاپو در اوایل سده یازدهم هجری تکمیل شد و جایگاه اداره امور کشور و دربار پادشاه بوده است.	کاخ عالی قاپو
	 سردر بازار قیصریه که در شمال میدان امام واقع شده، در فاصله سال‌های ۱۰۱۱ تا ۱۰۲۹ هجری قمری احداث شده است و یکی از نفیس‌ترین نقاشی‌های مربوط به دوران صفویه را نشان می‌دهد.	سردر بازار قیصریه
(URL: 1)	 فضای شهری میدان نقش جهان با در برگرفتن ۴ عنصر کلیدی و مهم، به‌عنوان یک کلیت به هم پیوسته عمل می‌کند.	فضای شهری میدان نقش جهان

(نگارندگان)

به ترتیب بیشترین تا کمترین امتیازها را آورده‌اند. در ارتباط با ارزش تاریخی؛ عمارت عالی قاپو، بازار قیصریه، مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد امام به ترتیب بیشترین تا کمترین امتیازها را داشته‌اند و در بررسی ارزش احساسی نیز مشخص شد که

مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام، عمارت عالی قاپو و بازار قیصریه به ترتیب بیشترین امتیازها را کسب کرده‌اند. در همین راستا و با توجه به نتایج جداول مستخرج از ارزش، در خصوص روش ANP در رابطه با محدوده مورد

جدول ۳. مقیاس ۹ کمیته ساعتی برای مقایسه دودویی

تعریف	امتیاز
ترجیح یکسان	۱
کمی مرجع	۳
ترجیح بیشتر	۵
ترجیح خیلی بیشتر	۷
کاملاً مرجع	۹
ترجیحات بینابین	۸,۶,۴,۲

(زبردست، ۱۳۸۰: ۱۷)

جدول ۴. وابستگی معیارهای اصلی به یکدیگر

معیارها	ارزش اجتماعی-فرهنگی	ارزش علمی-کاربردی	ارزش تاریخی	ارزش احساسی
ارزش اجتماعی-فرهنگی	-	*	*	*
ارزش علمی-کاربردی	*	-	*	*
ارزش تاریخی	*	*	-	*
ارزش احساسی	*	*	*	-

(نگارندگان)

جدول ۵. ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش علمی-کاربردی در ارتباط با مکان‌های میراثی

ارزش علمی-کاربردی									معیار	مکان
معماری	گردشگری	اسنادی	بوم‌شناختی	قومی-سیاسی	کارکردی	آموزشی	اقتصادی	فنی-ساختاری	زیرمعیار	
۰,۰۶۲۵	۰,۲۰۳۰۹۷	۰,۰۵	۰,۰۷۱۳۹۷	۰,۰۵	۰,۲۸۴۶۴۳	۰,۰۶۸۷۳۷	۰,۲۲۲۲۲۲	۰,۰۵۰۴۹	بازار قیصریه	
۰,۱۸۷۵	۰,۲۰۳۰۹۷	۰,۱۵	۰,۰۴۳۶۷۶	۰,۲	۰,۰۳۰۴۶۱	۰,۱۹۶۸۰۹	۰,۰۵۵۵۵۶	۰,۲۷۷۹۵۹	عمارت عالی قاپو	
۰,۰۶۲۵	۰,۰۴۱۱۶	۰,۱۵	۰,۱۹۲۴۶۳	۰,۲	۰,۱۳۲۱۳۶	۰,۱۹۶۸۰۹	۰,۱۱۱۱۱۱	۰,۰۳۳۹۰۷	مسجد امام	
۰,۱۸۷۵	۰,۰۵۲۶۴۶	۰,۱۵	۰,۱۹۲۴۶۳	۰,۰۵	۰,۰۵۲۷۶	۰,۰۳۷۶۴۵	۰,۱۱۱۱۱۱	۰,۱۳۷۶۴۵	مسجد شیخ لطف‌الله	
۰,۲۰۶۴۴۳	۰,۲۳۳۳۳۳	۰,۱۵	۰,۲۳۱۴۲۹	۰,۴	۰,۱۷۹۸۲۲	۰,۲۱۵۴۵۵	۰,۱۵۸۲۳۵	۰,۳۱۱۲۴۵	فضای شهری میدان نقش جهان	

(نگارندگان)

جدول ۶. ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش تاریخی در ارتباط با مکان‌های میراثی

ارزش تاریخی			معیار	مکان
باستان‌شناختی	ندرت	ناشی از قدمت	زیرمعیار	
۰,۱۶۶۶۶۷	۰,۰۵۵۸۰۲	۰,۱۲۵	بازار قیصریه	
۰,۱۶۶۶۶۷	۰,۲۴۵۸۹۶	۰,۱۲۵	عمارت عالی قاپو	
۰,۰۸۳۳۳۳	۰,۰۶۱۴۷۴	۰,۱۲۵	مسجد امام	
۰,۰۸۳۳۳۳	۰,۱۳۶۸۲۷	۰,۱۲۵	مسجد شیخ لطف‌الله	
۰,۱۸۱۹۴۸	۰,۳۰۱۲۴۵	۰,۱۲۵	فضای شهری میدان نقش جهان	

(نگارندگان)



جدول ۷. ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش اجتماعی- فرهنگی در ارتباط با مکان‌های میراثی

ارزش اجتماعی- فرهنگی					معیار	مکان
وحدت در عین تنوع	تداوم خاطرات جمعی	هویت	تفریحی	نمادین	زیرمعیار	
۰,۰۴۰۷۶۶	۰,۰۴۰۹۷۳	۰,۰۴۴۳۰۵	۰,۳۰۷۲۴۴	۰,۱۱۱۱۱۱	بازار قیصریه عمارت عالی قاپو مسجد امام مسجد شیخ لطف‌الله	
۰,۰۹۹۹۵۸	۰,۲۲۴۳۹۷	۰,۲۱۶۸۲۸	۰,۱۰۸۰۸۷	۰,۲۲۲۲۲۲		
۰,۱۵۶۳۵۱	۰,۱۱۷۳۱۵	۰,۱۱۹۴۳۳	۰,۰۴۲۳۳۴	۰,۵۵۵۵۵۵		
۰,۱۵۶۳۵۱	۰,۱۱۷۳۱۵	۰,۱۱۹۴۳۳	۰,۰۴۲۳۳۴	۰,۱۱۱۱۱۱		
۰,۱۷۹۶۳۸	۰,۲۸۰۴۸۳	۰,۲۵۸۶۱۵	۰,۳۸۹۶۹۷	۰,۴۴۴۴۴۴	فضای شهری میدان نقش جهان	

(نگارندگان)

جدول ۸. ماتریس وزنی زیرمعیارهای ارزش احساسی در ارتباط با مکان‌های میراثی

ارزش احساسی			معیار	مکان
اعجاب	زیبایی‌شناسی	مذهبی	زیرمعیار	
۰,۰۳۶۴۲۹	۰,۰۳۶۴۲۹	۰,۰۳۹۰۷۴	بازار قیصریه عمارت عالی قاپو مسجد امام مسجد شیخ لطف‌الله	
۰,۲۳۶۴۳۱	۰,۱۴۲۱۸۹	۰,۰۲۵۶۶۱		
۰,۰۸۴۹۵	۰,۰۸۴۹۵	۰,۲۹۱۸۶۴		
۰,۱۴۲۱۸۹	۰,۲۳۶۴۳۱	۰,۱۴۳۴۰۱		
۰,۲۸۳۵۳۹	۰,۳۰۶۵۶۷	۰,۱۲۶۸۷۷	فضای شهری میدان نقش جهان	

(نگارندگان)

جدول ۹. ماتریس وزنی معیارها برای اولویت مکان‌های میراثی

ارزش احساسی	ارزش تاریخی	ارزش علمی-کاربردی	ارزش اجتماعی- فرهنگی	معیارها مکان
۰,۰۳۷۳۱۱	۰,۱۱۵۸۲۳	۰,۱۱۸۱۲۱	۰,۱۰۸۸۸	بازار قیصریه
۰,۱۳۴۷۶	۰,۱۷۹۱۸۸	۰,۱۴۹۴۵۱	۰,۱۷۴۲۹۸	عمارت عالی قاپو
۰,۱۵۳۹۲۱	۰,۰۸۹۹۳۶	۰,۱۲۴۴۵۴	۰,۱۰۲۸۵۵	مسجد امام
۰,۱۷۴۰۰۷	۰,۱۱۵۰۵۳	۰,۱۰۷۹۷۴	۰,۱۱۳۹۶۶	مسجد شیخ لطف‌الله
۰,۲۳۸۹۹۴	۰,۲۰۲۷۳۱	۰,۲۳۱۷۷۴	۰,۳۰۵۹۱۸	فضای شهری میدان نقش جهان

(نگارندگان)

جدول ۱۰. ترتیب اولویت مکان‌های میراثی در مدل ANP

فضای شهری میدان نقش جهان	مسجد شیخ لطف‌الله	مسجد امام	عمارت عالی قاپو	بازار قیصریه	مکان
۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۷۱۴۳۹۷	۰,۴۷۱۰۴۳	۰,۸۸۷۶۳۴	۰,۴۰۷۷۴۱	امتیاز نهایی
۱	۳	۴	۲	۵	اولویت

(نگارندگان)

مطالعه، می‌توان به این موارد اشاره کرد (جدول ۱۰)؛ فضای شهری میدان نقش جهان در اولویت اول، عمارت عالی قاپو در اولویت دوم، مسجد شیخ لطف‌الله در اولویت سوم، مسجد امام در اولویت چهارم و بازار قیصریه در اولویت پنجم به لحاظ ارزشی قرار دارند. اولویت ارزش‌های هر یک از مکان‌های میراثی، نشان از اولویت مداخله در خصوص سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها است.

بحث و تحلیل

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و اولویت‌بندی ارزش‌های مختلف مستتر در میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان با استفاده از نظر متخصصین حوزه بود. در این راستا، بعد از بررسی ادبیات موضوع و تبیین یک دسته‌بندی کامل از ارزش‌ها از دیدگاه اندیشمندان مختلف موضوع، پرسش نامه‌ای مشتمل بر هر یک از ارزش‌ها و زیرارزش‌ها در ارتباط با عناصر مورد مطالعه تبیین شد. در واقع یکی از نقاط قوت پژوهش حاضر در ارتباط با سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته را می‌توان در نظر گرفتن تمام ابعاد ارزش و نه فقط یک یا دو بعد خاص در نظر گرفت. نظر به این نکته، حائز اهمیت است که هر یک از ابعاد ارزش به‌نوبه خود، مستلزم روش‌های خاص برآورد و اندازه‌گیری است؛ به‌عنوان مثال در رابطه با ارزش اقتصادی، روش‌های مختلفی مانند هزینه-نگهداری، ارزیابی هدانیک، ضریب لئونتیف و ... وجود دارند و یا جهت ارزیابی ارزش از بعد اجتماعی می‌توان از روش‌های مختلفی مانند مشاهده‌ای، قوم‌نگاری، مردم‌نگاری، شناختی و غیره استفاده کرد. با این حال، تشخیص این مسأله که کدام یک از

ابعاد از اولویت بررسی برخوردار هستند، خود مسأله مهم‌تری است که باید به آن پرداخته شود؛ چرا که ارزیابی هر یک از ابعاد، بسیار هزینه‌بر و زمان‌بر است. در پژوهش حاضر از آنجا که پرسش‌نامه‌ها توسط متخصصین موضوع و آشنا با میدان نقش جهان و ارزش‌های مختلف آن پر شدند، این ارزیابی‌ها از اعتبار و دقت برخوردار هستند؛ این خود نقطه قوت دیگر پژوهش حاضر است. از طرفی، استفاده از روش ANP جهت مقایسات زوجی، این امکان را فراهم می‌کند که هر یک از زیرارزش‌ها در ارتباط و مقایسه با زیرارزش‌های دیگر بررسی شوند؛ چرا که ارزش‌ها و زیرارزش‌ها در مسأله میراث، در ارتباط تنگاتنگی با هم قرار دارند. نتایج حاصل از بررسی‌ها و مقایسه‌ها مشخص کرد که فضای شهری میدان نقش جهان به لحاظ ارزش‌های مورد بررسی، بالاترین امتیاز را گرفته است. در ارتباط با ارزش اجتماعی-فرهنگی؛ عمارت عالی قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله، بازار قیصریه و مسجد امام به ترتیب بیشترین تا کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند. در ارزش علمی-کاربردی؛ بعد از کلیت میدان، عمارت عالی قاپو، مسجد امام، بازار قیصریه و مسجد شیخ لطف‌الله به ترتیب بیشترین تا کمترین امتیازها را آورده‌اند. در رابطه با ارزش تاریخی؛ عمارت عالی قاپو، بازار قیصریه، مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد امام به ترتیب بیشترین تا کمترین امتیازها را داشته‌اند و در بررسی ارزش احساسی نیز مشخص شد که مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام، عمارت عالی قاپو و بازار قیصریه به ترتیب بیشترین امتیازها را کسب کرده‌اند. این نتایج، اولویت اقدام جهت بررسی و برنامه‌ریزی در ارتباط با هر یک از ابعاد ارزش را مشخص می‌کنند.

نتیجه‌گیری

میراث معماری و شهرسازی هر ملت و سرزمینی، نشانگر فرهنگ، آداب‌ورسوم و عقاید آن جامعه است. ارزیابی ارزش‌های میراث فرهنگی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ چرا که با ارزیابی ارزش‌های میراث، نوع برخورد و مداخله در حفاظت، میزان سرمایه‌گذاری‌های فعلی و آتی و نحوه و میزان بهره‌گیری افراد و گروه‌های مختلف مخاطب میراث فرهنگی، سمت و سوق می‌یابد. از طرفی، استفاده از ارزش‌های مختلف میراث فرهنگی در زمان حال به‌نحوی که به سهم آیندگان لطمه‌ای وارد نسازد و در راستای توسعه فرهنگی پایدار باشد، بدون امر ارزیابی و تعیین اولویت‌های مداخله و برنامه‌ریزی، امکان‌پذیر نیست. پژوهش حاضر، با هدف بررسی اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان اصفهان از دیدگاه متخصصین، با استفاده از روش ANP انجام شد. جهت پاسخ به پرسش پژوهش تحت این عنوان که «اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی مجموعه میدان نقش جهان اصفهان از دید متخصصین به چه صورتی است؟»، از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد که ۳۰ نفر از متخصصین حوزه مرمت، معماری و شهرسازی آشنا و درگیر با میدان نقش جهان آن را تکمیل کردند. نتایج حاصل از تحلیل با استفاده از روش ANP، نشان دادند که فضای شهری میدان نقش جهان، اولویت اول، عمارت عالی قاپو در اولویت دوم، مسجد شیخ لطف‌الله در اولویت سوم، مسجد امام در اولویت چهارم و بازار قیصریه در اولویت



پنجم به لحاظ ارزشی قرار دارند. اولویت ارزش‌های هر یک از مکان‌های میراثی، نشان از اولویت مداخله در خصوص سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها است. نکته قابل توجه در این پژوهش، تأکید بر اهمیت شناخت ارزش‌های میراث معماری و شهری مجموعه میدان نقش جهان اصفهان و اولویت‌بندی ارزش‌های میراثی آنها بود؛ به طوری که در نحوه کاربست ارزش‌ها به لحاظ کمی و کیفی، مسیر جدیدی گشوده شد. این پژوهش تلاش دارد بر این موضوع تأکید نماید که یکی از روش‌های سیاست‌گذاری، رجوع به ارزش‌های موجود در میراث معماری و شهری بوده و این مهم می‌تواند جوهره اصلی منابع میراث را به منصفه ظهور برساند. توجه به اولویت‌بندی ارزش‌های مکان‌های میراث می‌تواند ضمن رفع نمودن اهداف معمول آن، موجب صیانت و حفاظت بیش از پیش منابع میراث شود؛ رابطه‌ای که زمینه‌ساز حفاظت پایدار خواهد بود و هم‌چنین بستر لازم را برای بررسی دقیق‌تر موضوع نقش ارزش‌های میراث معماری و شهری در طرح‌های توسعه شهری فراهم می‌سازد.

پی‌نوشت

1. Escarpment Mine Project
2. Lansdowne Park
3. Tyron J. Venn & John Quiggin

منابع و مآخذ

- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش).
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴). احیای بافت شهری تاریخی (با رویکرد مشارکت). چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- حناچی، پیروز؛ آذری، عباس و محمود کلایه، سعید. (۱۳۹۲). مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱۲)، ۳۷-۴۴.
- رهنما، محمدرحیم. (۱۳۸۸). «شناسایی نقاط باارزش شهری در مشهد». *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، (۱۳)۷، ۱۹۰-۱۵۹.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰). کاربرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. *هنرهای زیبا*، (۱۰)، ۲۱-۱۳.
- _____ (۱۳۸۹). کاربرد فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. *هنرهای زیبا*، (۴۱)۲، ۷۹-۹۰.
- فیلدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا. (۱۳۸۶). *راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی*. ترجمه پیروز حناچی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. چاپ پنجم، تهران: سروش دانش.
- نژاد ابراهیمی، احد؛ پورجعفر، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی و حناچی، پیروز. (۱۳۹۲). ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی - تاریخی. *فصلنامه علمی - پژوهشی مرمت و معماری ایران*، سال دوم (۶)، ۹۸-۷۹.
- Avrami, E. & Mason, R. (2000). *Values and Heritage Conservation*. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Dawson, Bruce. (2005). Why are you protecting this crap?: Perceptions of Value for an Invented heritage-a Saskatchewan Perspective. *Value Based Decision Making for Conservation. Canadian Studies Heritage Conservation Program Symposium*. Ottawa: Organized by the School of Canadian Studies Heritage Conservation Program, Carleton University. 1-13.



- De la Torre, Marta. (2002). **Assessing the Values of Cultural Heritage: Research Report**.
- Los Angeles, CA: Getty Conservation Institute.
- Feilden, Bernard. (1982). **Conservation of Historic Buildings**. London: Butterworths & Co (publishers) Ltd.
- Historic Heritage Values Assessment: ADDENDUM2. Escarpment Mine Project. (2010). **Project Report**. L&M Coal LTD.
- Mason, R. (2002). Assessing Values in conservation planning: Methodological Issues and Choices. **Assessing the Values of Cultural Heritage: Research Report**. De la Torre, M. (Ed.). Los Angeles: the Getty Conservation Institute. 5-30.
- Mehdizadeh, Fatemeh. (2011). Prioritization of historic buildings based on their values. **International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning**, 21(1), 17-26.
- Ottawa City Council. (2010). **Statement of Cultural Values and Heritage Impact Assessment**.
- **Lansdowne Park Revitalization Project, Project Report**. Ottawa: The City of Ottawa Council.
- Throsby, D. (2006). The Value of cultural heritage: what can economics tell us? **Capturing the Public Value of Heritage: The Proceedings of the London Conference 25-26 January 2006**. Clark K. (Ed.). Swindon, UK: English Heritage. 40-43.
- Venn, Tyron J. & Quiggin, John. (2007). Accommodating indigenous cultural heritage values in recourse assessment: Cape York Peninsula and the Murray-Darling Basin, Australia. **Ecological Economics**, 61(2-3), 334-344.
- Wells, Jeremy. (2010). **Historical Significance through the Lens of Contemporary Social, Cultural, and Experiential Values**. <http://heritagestudies.org/Wells>. (Retrieved 4 October. 2010).
- URL 1: www.citypedia.ir (access date: 1396/08/26).

ارزیابی شیوه‌های ایجاد محرمیت در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون در پیکره‌بندی مسکن ایرانی-اسلامی با استفاده از تکنیک نحو فضا

علی اکبر حیدری* یعقوب پیوسته‌گر** سارا محبی‌نژاد*** مریم کیایی****

چکیده

پیرنیا، طبقه‌بندی شکلی خانه را در سه نظام فضایی پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون تقسیم کرده که مبنای آن، مقیاس فضایی و تعداد و نحوه چیدمان فضاهای مختلف موجود در خانه‌ها است. علی‌رغم معرفی اسمی این الگوها در معماری اسلامی، تا کنون پژوهش خاصی در ارتباط با تبیین ویژگی‌های فضایی این خانه‌ها و الگوهای حاکم بر آنها صورت نگرفته است. پژوهش حاضر، ضمن معرفی مفهوم محرمیت به‌عنوان یک اصل در معماری اسلامی، به تحلیل ساختار فضایی سه نظام فضایی و نحوه پاسخ‌گویی آنها به این اصل پرداخته است. برای این منظور، از روش نحو فضا استفاده شده و پس از معرفی عوامل معماری پدیدآورنده محرمیت در فضا، شاخص‌های نحوی که برای تحلیل و سنجش عوامل مذکور کاربرد دارند، تبیین شده‌اند. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، شش نمونه خانه سنتی از مجموع سه پیمون مورد نظر در دو شهر کاشان و اصفهان، انتخاب و موارد یادشده مورد سنجش قرار گرفتند. روش مورد استفاده، کمی و شیوه تحلیل داده‌ها، توصیفی و تحلیلی مبتنی بر یک فرآیند علی است. ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها؛ نمودارهای توجیهی، روابط ریاضی نحو فضا و نرم‌افزار Depthmap هستند که هر شاخص با ابزار خاص خود مورد تحلیل قرار می‌گیرد. شیوه گردآوری نیز به‌صورت بررسی منابع مکتوب و میدانی است. با توجه به این که محرمیت به‌عنوان یک اصل در هر سه نظام خانه وجود داشته و همواره مورد توجه سازندگان آنها بوده است، اما نحوه نمودپذیری آن در سه نظام فضایی، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد. مقایسه ساختار فضایی خانه‌ها در پاسخ‌گویی به موضوع محرمیت نشان داد که در شاخص‌هایی هم‌چون درون‌گرایی، حریم، سلسله مراتب و مکان‌یابی، خانه‌های دو شهر رفتار مشابهی دارند؛ اما در شاخص نهبی اشرافیت و سلسله مراتب ورود از بیرون به داخل خانه، تفاوت‌هایی میان خانه‌های مورد بررسی مشاهده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: مسکن سنتی، محرمیت، پیمون، تکنیک نحو فضا

مقدمه

خانه، گونه‌ای از معماری بوده که در طول تاریخ، فراوانی قابل توجهی نسبت به گونه‌های دیگر معماری داشته است. ادیان، اندیشه‌ها و مکاتب مختلف فکری، مفاهیم و راه‌حل‌های متفاوتی جهت تبیین مسأله سکونت بیان داشته‌اند. از منظر اسلام، خانه، مکانی است که در آن امکان احقاق حقوق الهی انسان (حقوق مادی و معنوی)، ایجاد مکانی متناسب با شئون انسانی (کرامت، کمال، قرب الهی)، فضای نزول معانی الهی و زمینه آرامش و توازن میان انسان و طبیعت فراهم می‌شود. بنا به تفکر اسلامی، یکی از مهم‌ترین اصول در ایجاد آرامش و رفاه، خصوصی بودن زندگی در اندرون بنا است. قلمرو خصوصی با پوشش جنبه‌های اصلی زندگی انسان به‌ویژه در حیات مرکزی خانه نسبت به عرصه عمومی، ارجحیت پیدا می‌کند که این موضوع تحت عنوان اصل حریمیت شناخته می‌شود. حریمیت بیشتر حوزه خصوصی با قلمرو محرمانه و اجتماع محلی با قلمرو عمومی مرتبط است. به این ترتیب، نحوه سازمان‌دهی و ارتباط فضایی مابین آنها می‌تواند بر سطح حریمیت که واجد خصلتی فرهنگی است، تأثیرگذار باشد. بر همین اساس، این مقاله تمرکز خود را بر مسأله حریمیت در خانه‌های سنتی ایران قرار داده است. در ادبیات معماری سنتی ایران به‌ویژه در حوزه خانه، مهم‌ترین دسته‌بندی از منظر پیکره‌بندی فضایی، توسط پیرنیا انجام گرفته و در دسته‌بندی خود از خانه‌ها، از سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون یاد کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد که با استفاده از شاخص‌های تعریف‌شده در مقوله حریمیت، به بررسی و مقایسه ساختار فضایی این خانه‌ها در سه نظام یادشده بپردازد. در این راستا، شش نمونه از خانه‌های اصفهان و کاشان به‌عنوان نمونه‌های موردی، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌منظور تحلیل خانه‌های مذکور، از ابزارهایی هم‌چون "نمودارهای توجیهی"، "روابط ریاضی" و "نرم‌افزار نحو فضا" (Depthmap) استفاده خواهد شد. بر این اساس و با توجه به مسأله یادشده، فرضیات پژوهش به این صورت قابل تبیین هستند:

فرضیه اول: شیوه‌های اعمال حریمیت در پیکره‌بندی خانه‌ها در سه نظام خرده پیمون، پیمون کوچک و پیمون بزرگ، متفاوت از یکدیگر هستند.

فرضیه دوم: ابزار و روش‌های ایجاد نظام حریمیت در ساختار فضایی خانه‌های کاشان و اصفهان با یکدیگر متفاوت هستند.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع حریمیت در خانه، پژوهش‌های مختلفی به رشته تحریر درآمده‌اند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

اخوت (۱۳۹۲) در رساله دکتری خود تحت عنوان "بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی (نمونه موردی: شهر یزد)"، به بررسی الگوهای هویت دینی در مسکن سنتی و بازآفرینی آنها در مسکن معاصر پرداخته که در آن، از مدل تحلیلی BDSR استفاده شده است. وی، مشخصه‌هایی برای سنجش حریمیت در نظر گرفته و آنها را در مسکن سنتی و معاصر، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. پورمند و طباطبایی ملاذی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان "الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی-اسلامی"، مدل استقرار مطلوب برای مسکن اسلامی و شاخص‌های مؤثر بر این نظام را معرفی کرده که بعضی از آنها در جهت کنترل حریم بیشتر، مؤثر هستند. مؤمنی (۱۳۹۴) هم در مقاله خود با عنوان "بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد حریمیت در خانه زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی"، به بررسی عوامل حریمیت‌ساز در خانه تاریخی زینت‌الملک به‌عنوان یکی از بناهای شاخص شهر شیراز پرداخته و آنها را با آیات و روایات اسلامی تطبیق داده است. حمزه‌نژاد و صدریان (۱۳۹۳) نیز در مقاله خود تحت عنوان "اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر"، اصولی در جهت ارتقای شرایط اسکان با استفاده از منابع دین آورده و هم‌چنین به ارزیابی بناهای مسکونی بر مبنای این اصول پرداخته‌اند که اشاراتی هم به مقوله حریمیت دارند. هم‌چنین، نظریه‌پردازانی هم‌چون الکساندر (۱۳۸۷) و لنگ (۱۳۸۱) نیز تئوری‌هایی منطبق با اصول اسلامی در حوزه طراحی مسکن ارائه داده‌اند.

تکنیک نحو فضا، تئوری و ابزاری برای تحلیل در معماری و شهرسازی است. نحو فضا، تلاشی است در ارتباط با این موضوع که وضعیت پیکره‌بندی فضایی، چگونه یک معنی اجتماعی یا فرهنگی را بیان می‌کند. در همین ارتباط، کمالی‌پور و همکارانش (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "ترکیب شکلی و پیکره‌بندی فضایی در مسکن بومی، مقایسه تطبیقی عرصه‌بندی فضای مهمان در خانه‌های سنتی"، از این تکنیک برای بررسی ویژگی‌های اجتماعی هم‌چون انتخاب، کنترل و سایر نمونه‌ها استفاده کرده‌اند. پورمند و طباطبایی ملاذی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای که قبلاً ذکر شد، از شاخص‌های مربوط به عرصه‌بندی فضایی استفاده کرده‌اند. هم‌چنین مهدوی‌نژاد و شهری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "معاصر سازی الگوی مسکن بومی تهران

خانه‌هایی غیر از خانه خودتان وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است. شاید متذکر شوید» (نور: ۲۷). در این آیه که به اجازه گرفتن در هنگام ورود به خانه غیر از خود اشاره کرده، به اهمیت مسأله محرمیت در خانه مسلمان تأکید دارد. بر همین اساس، هر گونه هتک حریم چه از طریق بصر و چه از طریق سمع از جانب قرآن منع شده است. از سویی دیگر رسول اکرم نیز در همین خصوص می‌فرماید: «حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرد و جریان هوا را مسدود نکند» (وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۸۶). این موضوع صرف نظر از جنبه‌های اقلیمی (نور و باد)، از نقطه نظر محرمیت و اشرافیت نیز قابل توجه است. با این تفاسیر چنین به نظر می‌رسد که در معماری اسلامی، محرمیت فضایی و نداشتن دید مستقیم بر بناهای مجاور، به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی در ساخت شهرهای اسلامی به‌شمار رفته و اهمیت حریم خصوصی و استحقاق برخورداری از آن و احترام به آن همواره مورد توجه قرار گرفته است (حکیم، ۱۳۸۰: ۹۶).

بر همین اساس در ادامه، بخشی از راهکارهای مختلفی که توسط معماران و سازندگان جهت نیل به مسأله محرمیت در خانه‌های سنتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ارائه می‌شوند.

شاخص‌های محرمیت‌ساز در خانه‌های سنتی

فاکتورهای متعددی در ایجاد محرمیت در خانه‌های ایرانی مؤثر هستند که در پژوهش‌های بسیار زیادی به بررسی ابعاد گوناگون آن پرداخته شده است. در جدول ۱، برخی از این تحقیقات و محققین آنها معرفی شده‌اند.

ابزارهای نحوی سنجش محرمیت

با توجه به شاخص‌های محرمیت‌ساز در معماری خانه‌های سنتی ایرانی، در این بخش سعی می‌شود که به تبیین ابزارهای نحوی که در سنجش این شاخص‌ها می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، پرداخته شود.

مانع^۱

مانع، خصوصیتی از فضا است که میزان جلوگیری از نفوذ را توسط مرزهای آن فضا مشخص می‌نماید. موانع مختلف در یک بنا با توجه به میزان قابلیت بازدارندگی، به سه دسته قابل تقسیم هستند؛ دسته اول شامل موانع صلب است که از دسترسی فیزیکی و بصری به یک فضا کاملاً جلوگیری می‌کنند؛ از آن جمله می‌توان به وجود در یا دیوار در بنا اشاره نمود. دسته دوم شامل موانع غیرصلب است که تا حدودی از دسترسی فیزیکی ممانعت کرده، در حالی که امکان دسترسی

با کاربرد روش‌های مقداری^۲، از ابزار ماتریس و گراف برای سنجش معیارهایی چون دسترسی استفاده کرده‌اند که در این مقاله، از این روش برای تحلیل ابزارهایی چون کنترل دید و دسترسی استفاده شده است. با این تفاسیر، مقاله حاضر نیز ضمن بررسی شاخص محرمیت و روش‌های سنجش آن در خانه‌های سنتی با استفاده از تکنیک نحو فضا و انتخاب ابزارهای استفاده مورد نظر در مقالات مطرح‌شده، با استفاده از روش‌هایی مثل گراف، روابط ریاضی و نرم‌افزار، به مقایسه اصل محرمیت در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون در دو شهر متفاوت خواهد پرداخت.

ادبیات تحقیق

محرمیت در قرآن

اشارات قرآن و احادیث نسبت به موضوع محرمیت را می‌توان در ۳ سطح طبقه‌بندی کرد:

سطح اول: در این سطح، موضوع محرمیت در مقیاس روابط بین اعضای خانواده مطرح است؛ «و هنگامی که اطفال شما به حد بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛ این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است» (نور: ۵۹). هم‌چنین در آیه دیگری می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید بردگان شما و هم‌چنین کودکانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند؛ قبل از نماز فجر، در نیمروز؛ هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا، این سه وقت خصوصی برای شما است» (همان: ۵۸ و ۵۹). این آیه، آداب ورود به جایگاه پدر و مادر را بیان می‌کند. بدیهی است این دستور، متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند (حمزه‌نژاد و صدریان، ۱۳۹۳: ۶۹).

سطح دوم: در این سطح، ویژگی‌های کالبدی خانه مسلمانان مد نظر قرار گرفته که در روایات این‌گونه توصیف شده‌اند؛ رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: سه چیز در این جهان، مایه سعادت مرد مسلمان است؛ همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار، و خانه کم‌وسعت را مذمت می‌نمایند. در این روایت که اشاره به فراخی خانه داشت، می‌توان متوجه اهمیت این اصل شد که نادیده گرفتن آن، باعث آلودگی‌های بصری و صوتی، ادغام عملکرد و عرصه‌ها در یکدیگر و نهایتاً تنزل یافتن محرمیت می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰؛ اخوت، ۱۳۹۲: ۹۸).

سطح سوم: در این سطح، موضوع محرمیت در روابط بین همسایگی مطرح می‌شود؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در

بصری در این ارتباط وجود دارد؛ که از آن جمله می‌توان به وجود نیم دیوار، پارتیشن و حتی وجود راهرو بین دو فضا اشاره نمود. دسته سوم که بیشتر حالت روان‌شناسانه دارد، در قالب تغییر در سطح و یا حتی رنگ مصالح در یک فضا ایجاد می‌شود و حریم آن فضا را مشخص می‌کند. به‌طور منطقی، امکان نفوذ به این فضاها از اول به آخر افزایش خواهد یافت (Chermayeff, 1965: 12).

فاصله^۲

فاصله، خصوصیتی از فضا است که عمق آن فضا را نسبت به فضاهای دیگر مشخص می‌نماید. با بررسی عمق بین فضاها می‌توان مقدار فاصله نسبی بین آنها را اندازه‌گیری کرد؛ به این ترتیب که مجموع فواصل یک فضا، از فضاهای دیگر در یک خانه را، به تعداد کل فضاها، منهای یک تقسیم نمود و به این ترتیب، فاصله نسبی آن فضا^۳ نسبت به کل فضاهای دیگر به‌دست می‌آید:

$$RD = \frac{\text{TOTAL}}{n-1} \quad (1)$$

بر اساس این رابطه، کمترین عمق، زمانی حاصل می‌شود که فضای مورد نظر مستقیماً به فضای اصلی متصل باشد و بیشترین عمق، زمانی حاصل می‌شود که فضا به‌وسیله یک مسیر سلسله‌مراتبی از فضای اصلی دور شود (Hillire et al, 1987: 220-222). عمق بیشتر یک فضا، به این معناست که بین این دو فضا، فضاهای واسط زیادی وجود داشته و به این ترتیب، فضاها ارتباط صریح و مستقیمی

با یکدیگر ندارند. بر همین اساس، قرارگیری یک فضا در عمق بیشتر، باعث افزایش سطح حریمیت آن فضا می‌شود (Baran, 2007: 59).

مرتب^۴

مرتبه، خصوصیتی از فضا است که تعداد مراحل را که باید برای رسیدن به یک فضای دیگر پیمود، مشخص می‌نماید. برای اندازه‌گیری مرتبه نسبی^۵ بر طبق آن که فضاها چند مرحله از فضای مورد نظر دور گشته‌اند، مرتبه متوسط آن فضا "MS" در سیستم به‌دست می‌آید. پایین بودن مقدار به‌دست آمده از این شاخص، نشان‌دهنده مرتبه پایین فضای مورد نظر و در نتیجه، افزایش نفوذپذیری به آن است. در مقابل مقدار بالای آن، نشان‌دهنده کاهش میزان نفوذپذیری به آن و در نتیجه، افزایش میزان حریمیت آن فضا است.

حلقه^۶

حلقه، خصوصیتی از فضا است که مشخص می‌نماید یک فضا تا چه میزان میان فضاهای دیگر توزیع شده است. برای به‌دست آوردن این میزان، می‌توان تعداد حلقه‌های مستقلی را که از آن فضا می‌گذرد، بر تعداد فضاهای سیستم منهای یک تقسیم نمود. حلقویت زیادتر فضا، نشان از نفوذپذیری آسان‌تر به فضای مورد نظر است؛ مثلاً در خانه‌های سنتی، اتاق مهمان معمولاً از حلقویت زیادتری نسبت به فضاهای خصوصی خانه برخوردار است؛ به‌عبارت‌دیگر، بیشتر میان سایر فضاها توزیع شده است (اخوت، ۱۳۹۲).

جدول ۱. شاخص‌های حریمیت و نمود کالبدی آن در خانه‌های ایرانی

شاخص‌های حریمیت در خانه‌های ایرانی	محققین	نمودپذیری کالبدی در مسکن سنتی ایرانی
درون‌گرایی	پیرنیا، ۱۳۸۷؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷؛ منصور، ۱۳۸۹	عدم ارتباط مستقیم با فضای بیرون و سازمان‌دهی فضاها دور حیاط مرکزی
سلسله‌مراتب	Mayhew, 2003؛ نقی‌زاده، ۱۳۷۹؛ وثیق و پشوتنی‌زاده، ۱۳۸۸؛ آویزیان، ۱۳۷۶؛ مؤمنی، ۱۳۹۴	ایجاد قلمرو فضایی از عمومی تا خصوصی به‌وسیله کنترل دسترسی‌ها
درون‌گرایی	جبل عاملی، ۱۳۷۴	عدم وجود پنجره در جداره خارجی بنا و ایجاد گشایش در سطوح داخلی
حریم	اخوت، ۱۳۹۲	عدم ساخت ورودی در محور فضاهای اصلی بنا و به‌شکل مستقیم
مکان‌یابی	فرخ یار، ۱۳۹۰؛ مرتضی، ۱۳۸۷	مکان‌یابی پنجره‌ها در بخش‌هایی که دسترسی مستقیم بصری فضاهای عمومی به بخش‌های اندرونی ممکن نباشد؛ حداقل دید به فضای مطبخ
نهی اشراف	طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۳؛ حمزه‌نژاد و صدریان، ۱۳۹۳	ایجاد الگوی حیاط مرکزی جهت خلق فضاهایی با کنترل دسترسی بصری مطلوب و جلوگیری از دسترسی‌های ناخواسته

(نگارندگان)

ادغام نسبی فضا (پیوند نسبی)

منظور از ادغام نسبی فضا، میزان پیوند نسبی فضا است که حد نفوذپذیری ساختار فضایی یک بنا را توصیف می‌کند. مقادیر پایین این شاخص، بیانگر حداکثر ادغام و یکپارچگی فضایی و در مقابل مقادیر بالای آن، بیانگر حداکثر تفکیک فضاها از یکدیگر است (Manum, 2009: 070:2). میزان "ادغام نسبی فضا" به وسیله رابطه زیر قابل محاسبه است:

$$R.R.A = R.A/Dk \quad (2)$$

در رابطه فوق، $R.R.A$ نشان‌دهنده میزان ادغام نسبی فضا است. $R.A$ ، میزان تقارن نسبی فضا بوده و DK تعداد فضاهای به وجود آمده در بزرگ‌ترین حلقه موجود در گراف مستخرج از فضای مورد نظر است

(Hillire et al, 1987: 220-222).

در رابطه فوق، تقارن نسبی فضا ($R.A$)، نشان‌دهنده میزان ادغام نسبی فضا است. منظور از تقارن نسبی فضا، عمق بصری فضاهای مختلف در یک ساختار فضایی از فضای اصلی (به عنوان مثال، دروازه یا ورودی اصلی) است. اگر میزان عمق یک فضا در یک بنا کمتر از عمق همان فضا در بنایی دیگر باشد، در این حالت آن فضا، متقارن نامیده می‌شود. در این حالت، تفکیک و جداسازی فضایی افزایش یافته و زمانی که تعداد مراحل بصری بین فضاهای موجود افزایش می‌یابد، منجر به تضعیف ارتباط عملکردی (راندمان و کارایی) می‌شود (Ibid: 225). به منظور محاسبه میزان تقارن نسبی فضا، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$R.A = 2(MD-1)/K-2 \quad (3)$$

در رابطه فوق، $M.D$ ، عمق میانگین فضا است که مقدار آن از طریق رابطه $MD = Total/k - 1$ قابل محاسبه بوده و K ، تعداد کل فضاهای موجود در گراف است. لازم به ذکر بوده که مقدار $R.A$ بین صفر و یک متفاوت است. صفر، نشان‌دهنده حداکثر ادغام بوده که در چنین حالتی، هیچ عمقی وجود ندارد و یک، نشان‌دهنده حداکثر تفکیک و جداسازی است.

کنترل بصری

کنترل فضا، به معنی درجه انتخاب یک فضا توسط افراد، برای وارد شدن به آن است و برای هر فضا، برابر مجموع دسترسی‌هایی است که از فضاهای مجاور به فضای مذکور وجود دارد. فضاهایی که دارای کنترل بصری بالا هستند، امکان دیده شدن آنها از سایر فضاها بیشتر است. در واقع، هر چه فضایی از سایر فضاها قابل‌رؤیت‌تر باشد، کنترل بصری بیشتری نسبت به آن وجود دارد؛ که این موضوع از یک‌سو،

باعث افزایش امنیت در آن فضا شده و در مقابل، از میزان محرمیت فضای مورد نظر کاسته می‌شود. به منظور بررسی این شاخص، از ترسیم گراف بصری و ماتریس استفاده شده است.

اتصال

مفهوم عینی اتصال به معنی ارتباطات فضایی است؛ بدین معنا که هر چه مقدار اتصال بیشتر باشد، تعداد ارتباطات فضای مورد نظر با دیگر فضاها افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان از آن با عنوان میزان دسترسی یاد کرد. مقدار عددی اتصال، بیان‌کننده تعداد دسترسی‌های منتهی به فضای مورد نظر است. با ترسیم گراف دسترسی و استفاده از ماتریس، می‌توان به این مهم دست پیدا کرد.

ابزارهای نرم‌افزاری سنجش محرمیت

نرم‌افزار اصلی مدل نحو فضا، Depthmap است. این ابزار رایانه‌ای، از جمله نرم‌افزارهایی است که به منظور تحلیل فضاهای مختلف از فضاهای شهری تا فضاهای معماری، مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از این نرم‌افزار، شاخص‌هایی هم‌چون عمق فضا^۷ (زاویه دید)، میزان دید^۸ و درجه ادغام مورد بررسی قرار می‌گیرند. این نرم‌افزار دارای قابلیت‌هایی است که می‌توان با استفاده از شاخص‌های مذکور، به بررسی میزان راندمان عملکردی فضاهای مختلف پرداخت. اما مؤلفه‌های نرم‌افزاری که با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، در بررسی نمونه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، به شرح زیر تشریح می‌شوند:

عمق متریک

مفهوم عمق فضایی، علاوه بر تأکید بر وجود سلسله مراتب فضایی، میزان حریم در هر مرتبه از قرارگیری فضا را نیز، مشخص می‌کند. در همین ارتباط، نرم‌افزار نحو فضا این قابلیت را دارد که میزان این عمق را در هر مرحله علاوه بر سنجش گامی یا مرحله‌ای که به وسیله نمودار توجیهی و روابط ریاضی نیز قابل سنجش است، به صورت متریک نیز اندازه‌گیری نماید. روشن است که هر چه فاصله میان فضاها از مبدأ (به فرض مثال، ورودی) افزایش یابد، میزان خلوت و حریم فضایی با تأکید بیشتری به نمایش گذاشته می‌شود و تفکیک و جداسازی افزایش می‌یابد.

هم‌پیوندی محلی و فراگیر

همان‌گونه که ذکر شد، هم‌پیوندی یا همان میزان ادغام و یکپارچگی یک فضا در یک پیکره‌بندی فضایی، به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. در نرم‌افزار نحو



فضا، این شاخص را می‌توان به صورت محلی (با دادن شعاع به منظور بررسی حوزه‌های هم‌پیوند و غیرهم‌پیوند) و یا فراگیر (به صورت کلی)، مورد سنجش قرار داد.

فضای محدب و مقعر

فضای محدب، فضایی است که هیچ مانعی در آن وجود ندارد و از هر نقطه در آن، می‌توان تمام کلیت آن را مشاهده نمود. در مقابل، فضای مقعر، فضایی است که به واسطه موانعی که در آن وجود دارد، بخشی از نقاط آن به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند. این تحلیل در نرم‌افزار نحو فضا، به وسیله ایزووویست^۱ مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. ایزووویست، ابزاری برای تجسم اطلاعات بصری محیط و یا به عبارتی، درک محدوده چند ضلعی بصری^{۱۰} است که از این مفهوم با عنوان مخروط دید نیز یاد می‌شود و آن را محدوده بصری فرد از یک نقطه نسبت به تمام نقاط قابل مشاهده در فضا تعریف می‌کند (Benedikt, 1979: 47).

چارچوب نظری تحقیق

در این بخش، به چگونگی استفاده از هر کدام از ابزارهای نحوی و رایانه‌ای به منظور تحلیل شاخص‌های ذکر شده در سنجش محرمیت فضایی پرداخته می‌شود.

درون‌گرایی: در حالی که درون‌گرایی معرف این مسأله است که هر کدام از فضاهای موجود در خانه، ارتباط صریح و مستقیمی با دیگر فضاها نداشته و خواستار تودار بودن فضا و تفکیک عملکردهای مختلف از یکدیگر باشند، ابزار "دسترسی" و "حلقه" می‌تواند ابزاری مناسب جهت سنجش این شاخصه باشد. دسترسی از طریق سنجش محدودیت یا عدم محدودیت ارتباطات یک فضا که می‌تواند اندرونی یا بیرونی باشد، میزان درون‌گرا بودن فضای مورد نظر را بررسی و میزان تمایل به توداری یا خصوصی و عمومی بودنش را مشخص می‌نماید. حلقه نیز بیانگر میزان نفوذپذیری هر چه بیشتر یک فضا در میان فضاهای دیگر است و حلقویت بیشتر به معنی نفوذ آسان‌تر به فضای مورد نظر است. در نتیجه می‌توان گفت که حلقویت بیشتر یک فضا با ساختار درون‌گرایی که خواستار جدا کردن فضاها و جلوگیری از تظاهر فضا است، رابطه عکس دارد.

سلسله مراتب: هر گونه نظم از عوارض و پدیده‌ها که به صورت یک طبقه‌بندی و یا رتبه‌بندی ذکر شود، موجب شکل‌گیری نظام سلسله مراتبی کلی ساختار فضا می‌شود. هم‌چنین، سلسله مراتب علاوه بر محدود کردن و جلوگیری از دید مستقیم، به معنی معرفی و تعیین قلمروهای عمومی، خصوصی و ... است. به بیان ساده می‌توان گفت که به مراحل

متفاوتی که برای رسیدن به یک مکان باید طی شود تا به محل مورد نظر رسید، سلسله مراتب گفته می‌شود. به همین منظور در سیستم نحوی، سلسله مراتب به وسیله ابزارهای "فاصله" و "مرتب"؛ قابل سنجش است؛ چرا که ابزار فاصله که نشانگر عمق هر فضا نسبت به فضای مورد نظر است، می‌تواند از طریق سنجش عددی عمق فضا، سلسله مراتب ورود به هر فضا را از نظر موقعیت کالبدی در پلان، مورد سنجش قرار دهد. به منظور بررسی دقیق‌تر فاصله میان نزدیک‌ترین مسافت به دورترین نقطه در خانه‌های مذکور، از یافته‌های نرم‌افزاری نیز استفاده خواهد شد. هم‌چنین ابزار مرتب، دقیقاً به تعداد مراحل اشاره دارد که برای رسیدن از یک فضا به فضای دیگر طی می‌شود و هر کدام از این مراحل، متفاوت از مراحل قبلی است. مرتبه بیشتر، نشان‌دهنده نفوذپذیری کمتر فضا و در نتیجه، نشان‌دهنده تقید بیشتر فضا به نظام سلسله مراتبی است.

حریم: مسأله حفظ حریم یا به عبارتی در معرض دید نبودن فضاهای خانه، موضوعی بوده که با استفاده از ابزارهایی هم‌چون "کنترل دید" و "مانع"، قابل بررسی است. هر چه فضایی قابل دیدتر باشد، به این معنی بوده که از کنترل بصری بالاتری برخوردار است و امکان انتخاب آن افزایش می‌یابد؛ در نتیجه حریم کمتری دارد. بر همین اساس، وجود مانع، باعث جلوگیری از نفوذ از سمت مرزهای فضای مورد نظر می‌شود که این مانع نه تنها به وسیله دیوار بلکه می‌تواند با استفاده از نیم دیوار کف‌سازی و یا پله نیز ایجاد شود و نفوذ به فضا را حتی با استفاده از مسائل روان‌شناسانه نیز کاهش دهد. هم‌چنین در راستای تدقیق یافته‌های به دست آمده، حریم به وسیله شاخص هم‌پیوندی محلی و فراگیر نیز مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

مکان‌یابی: مکان‌یابی به معنی تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی خانه با توجه به مفاهیم اسلامی و عدم داشتن ارتباط بصری که از شاخص‌های مهم در تعریف مکان‌یابی هستند، است؛ لذا می‌توان این شاخصه را با ابزارهای "ادغام نسبی فضا" و "دسترسی"، مورد بررسی قرار داد. ادغام نسبی فضا که بر تفکیک و جداسازی فضاها تمرکز دارد، با نشان دادن مقادیر بالای خود، حداکثر تفکیک فضا را مشخص می‌نماید. دسترسی به فضا، بدین معنی است که هر چه فضایی با فضای دیگر ارتباط کمتری داشته باشد، خصوصی‌تر و هر چه مقدار اتصال بیشتر باشد، عمومی‌تر است. ابزار اتصال نیز می‌تواند از طریق بررسی میزان ارتباط یک فضا با سایر بخش‌های خانه، در ارزیابی میزان ادغام فضایی مورد استفاده قرار گیرد. افزایش میزان اتصال یک فضا به فضاهای دیگر، قابلیت دست‌یابی

آسان به آن فضا را فراهم می‌کند که این موضوع، باعث کاهش محرمیت فضایی می‌شود.

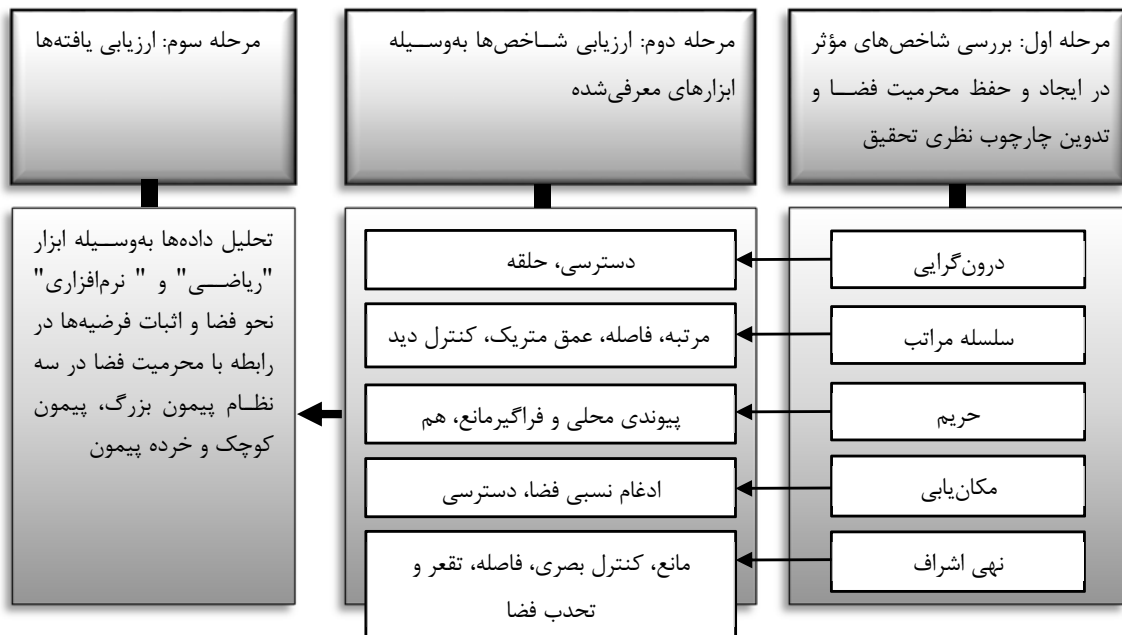
نهی اشرافیت: این شاخص، بر مصون ماندن فضای داخلی از دید و اشراف بیگانگان تأکید دارد و با ابزارهای "کنترل دید" و "فاصله"، قابل بررسی است. کنترل بیشتر، نشان از قابل رؤیت بودن بیشتر فضا است که امکان دستیابی به آن را آسان تر می‌سازد. عامل فاصله نیز از طریق سنجش عمق فضا، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که عمق بیشتر، از به خوانش درآمدن کلیت فضا توسط افراد غریبه در یک نگاه جلوگیری می‌کند و حتی احتمال نفوذپذیری افراد را در مکان مورد نظر کاهش می‌دهد. هم‌چنین برای دسترسی به فضا، زمان بیشتری صرف می‌شود که این امر در نهایت، منجر به عدم اشرافیت نسبت به آن می‌شود. در کنار بررسی ریاضی روابط نحوی در راستای ارزیابی نهی اشراف در خانه‌های ایرانی، از بررسی میزان تقعر و تحدب فضایی به وسیله شاخص ایزووویست در نرم‌افزار نحو فضا نیز استفاده خواهد شد.

روش تحقیق

بررسی شاخص‌های مؤثر در ارزیابی میزان محرمیت فضا، نیاز به گزینش فرآیندی روشمند دارد؛ لذا پژوهش حاضر در سه مرحله این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد؛ در مرحله اول به منظور تحلیل مسأله محرمیت در خانه‌های سنتی ایران، پنج شاخص معرفی شدند که شامل "درون‌گرایی"، "سلسله

مراتب"، "حریم"، "مکان‌یابی" و "نهی اشرافیت" بودند. در گام دوم برای هر کدام از این شاخص‌ها، یکسری ابزارهای نحوی معرفی شدند که بعضی از آنها از تحلیل نمودارهای توجیهی قابل استخراج بوده و برخی دیگر با استفاده از نرم‌افزار نحو فضا مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در مرحله سوم، شش خانه در سه نظام فضایی پیمون بزرگ و کوچک و خرده پیمون به صورت غیراحتمالی هدفمند از دو شهر کاشان و اصفهان به دلیل امکان جامعیت بیشتر و سنجش تفاوت‌های احتمالی در روش‌های ایجاد نظام محرمیت در ساختار فضایی ناشی از شرایط فرهنگی، نمونه‌گیری شدند. تحلیل‌های مورد نظر بر روی این شش خانه انجام گرفتند؛ بدین ترتیب که ابتدا گراف‌های مربوط به هر کدام از نمونه‌های موردی، ترسیم شده و سپس شاخص‌های مربوط به این حوزه مورد تحلیل قرار گرفتند. در مرحله بعد با فراخوان نقشه‌های مربوط به خانه‌ها در محیط نرم‌افزار Depthmap، تحلیل‌های مربوطه نیز به انجام رسیدند.

در این پژوهش، از دو راهبرد کمی و کیفی جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است که در این خصوص، از روش‌های توصیفی تحلیلی و استدلالی قیاسی و منطقی و هم‌چنین مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به منظور گردآوری داده‌ها و نیز تحلیل آنها بهره گرفته شده است. در تصویر ۱، ابزارهای سنجش هر کدام از شاخص‌های محرمیت مشخص شده‌اند.



تصویر ۱. نمودار فرآیند تحقیق (نگارندگان)

معرفی نمونه‌های موردی و استخراج گراف‌های مربوطه

بر اساس دیدگاه پیرنیا، خانه‌های سنتی ایران در سه نظام پیکره‌بندی تحت عنوان پیمون بزرگ، پیمون کوچک و خرده پیمون، طراحی و ساخته شده‌اند. پیمون، وسیله‌ای برای سهولت در کار و جهت دادن به تمامی اندازه‌ها در نیارش است که سبب می‌شود تا یک معمار از یک اندازه و مقیاس خاص در ساخت بنا استفاده کند (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۸۰). با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی و مقایسه مفهوم حریمیت در سه نظام یادشده است، تعداد شش خانه از هر سه پیمون، انتخاب و تحلیل‌های مربوطه بر روی آنها انجام گرفتند. هم‌چنین به‌منظور تعمیم‌پذیری نتایج، خانه‌های انتخابی از میان خانه‌های سنتی دو شهر اصفهان و کاشان انتخاب شدند که در جدول ۲، پلان‌های مربوط به آنها ارائه شده‌اند.

به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش، از میان فضاهای مختلف موجود در پیکره‌بندی خانه‌ها، باید فضاهایی انتخاب می‌شدند که اولاً در تمام خانه‌ها وجود داشته و ثانیاً به‌لحاظ عملکردی، نقش مهمی در سنجش عامل حریمیت در خانه داشته باشند. با توجه به مطالب بیان‌شده، در دو فضای اندرونی و بیرونی به‌ترتیب اتاق خواب (سه دری)، طنبی (اتاق مهمان) و هم‌چنین حیاط بیرونی به‌عنوان شاخص‌های تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه، نمودارهای توجیهی مربوط به هر پلان استخراج شدند که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث

در این بخش با توجه به داده‌های مستخرج از نمودارهای توجیهی و هم‌چنین اطلاعات مستخرج از نرم‌افزار نحو فضا، به بررسی تطبیقی ابعاد مختلف حریمیت در هر کدام از نمونه‌های موردی با تکیه بر مفاهیم مرتبط با نحو فضا پرداخته می‌شود. درون‌گرایی: همان‌گونه که پیش از این نیز عنوان شد، مفهوم درون‌گرایی در خانه با دو ویژگی نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضای داخل با بیرون و سازمان‌دهی فضاها حول حیاط مرکزی، متناظر است. در همین ارتباط، ابزارهایی چون دسترسی و حلقه به‌عنوان معیارهای سنجش درون‌گرایی انتخاب شدند. طبق ارقام به‌دست آمده در جدول ۴، حیاط در خانه‌های سنتی، دارای بیشترین میزان دسترسی و در مقابل، اتاق‌های خواب دارای کمترین میزان دسترسی هستند که این موضوع در هر سه پیمون نیز نمود دارد. این امر، نشان‌دهنده اهمیت حیاط در ساختار فضایی خانه‌های سنتی به‌عنوان مرکز تعامل فضاها با یکدیگر و عنصر اصلی در شکل‌گیری الگوی خانه در بخش‌های مرکزی ایران است. استقرار حیاط در قلب هندسی و فضایی خانه، باعث چینش فضاها حول آن شده و لذا هر گونه دسترسی فیزیکی و بصری به فضاهای اطراف خود را فراهم آورده است. این امر، لزوم ایجاد بازشو به محیط بیرون خانه به‌منظور مقاصد مختلف حتی نورگیری را نیز از بین برده و به این ترتیب، زمینه شکل‌گیری مفهوم درون‌گرایی در خانه ایرانی را به‌وجود آورده است.

جدول ۲. نمونه‌های موردی در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون

پیمون بزرگ	پیمون کوچک	خرده پیمون	
			خانه‌های کاشان
الگوی ۱. خانه طباطبایی (حاج قاسمی، ۱۳۷۵)	الگوی ۲. خانه خیریه (حاج قاسمی، ۱۳۷۵)	الگوی ۳. خانه باکوچی (حاج قاسمی، ۱۳۷۵)	
			خانه‌های اصفهان
الگوی ۴. خانه اعتکاف‌زاده (حاج قاسمی، ۱۳۷۷)	الگوی ۵. خانه شیخ‌الاسلام (حاج قاسمی، ۱۳۷۷)	الگوی ۶. خانه سوکیاسیان (حاج قاسمی، ۱۳۷۷)	

(نگارندگان)

جدول ۳. گراف نمونه‌های موردی در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون

خرده پیمون	پیمون کوچک	پیمون بزرگ	
			خانه‌های کاشان
الگوی ۳. خانه باکوچی (حاج قاسمی، ۱۳۷۵)	الگوی ۲. خانه خیریه (حاج قاسمی، ۱۳۷۵)	الگوی ۱. خانه طباطبایی (حاج قاسمی، ۱۳۷۵)	
			خانه‌های اصفهان
الگوی ۶. خانه سوکیاسیان (حاج قاسمی، ۱۳۷۷)	الگوی ۵. خانه شیخ الاسلام (حاج قاسمی، ۱۳۷۷)	الگوی ۴. خانه اعتکاف‌زاده (حاج قاسمی، ۱۳۷۷)	

(نگارندگان)

جدول ۴. بررسی ابزار دسترسی

مجموع	ایوان	اتاق خواب	اتاق مهمان	حیاط اندرونی	حیاط بیرونی	هشتی	نام حوزه	
۱۷	۱۲	۸	۳	۰	۰	-	حیاط بیرونی	الگوی ۱. خانه طباطبایی
	۳	۱	۲	-	۰	۰	اتاق مهمان	
	۲	۰	۲	۰	۰	۰	اتاق خواب	
۱۴	۹	۱	۶	۱	۱	-	حیاط بیرونی	الگوی ۲. خانه خیریه
	۳	۰	۲	-	۰	۱	اتاق مهمان	
	۲	۱	-	۰	۱	۰	اتاق خواب	
۱۱	۷	۱	۳	۲	۰	-	حیاط بیرونی	الگوی ۳. خانه باکوچی
	۲	۰	۰	۱	۰	۱	اتاق مهمان	
	۲	۱	-	۰	۱	۰	اتاق خواب	
۱۷	۱۳	۴	۸	۰	۰	-	حیاط بیرونی	الگوی ۴. خانه اعتکاف‌زاده
	۳	۱	۲	-	۰	۰	اتاق مهمان	
	۱	۰	-	۰	۱	۰	اتاق خواب	
۱۴	۹	۴	۳	۱	۰	-	حیاط بیرونی	الگوی ۵. خانه شیخ الاسلام
	۳	۰	۲	-	۰	۱	اتاق مهمان	
	۲	۰	۱	۰	۱	۰	اتاق خواب	
۶	۴	۱	۰	۱	۱	-	حیاط بیرونی	الگوی ۶. خانه سوکیاسیان
	۱	۱	۰	-	۰	۰	اتاق مهمان	
	۱	۰	۱	۰	۰	۰	اتاق خواب	

(نگارندگان)

اختصاص کمترین میزان دسترسی به فضایی مانند اتاق، ارتباط بصری به آن را به کمترین میزان ممکن رسانده که این امر، باعث افزایش سطح حریمیت در آن شده است. بر همین اساس، اتاق در سازمان فضایی خانه به‌عنوان خصوصی‌ترین مکان و محل حضور بی‌قید و شرط خانواده به‌شمار می‌رود. حلقویت زیاد در فضا، نشان از نفوذپذیری آسان‌تر به فضای مورد نظر دارد. اگر فضایی خواستار جدایی‌گزینی بیشتر باشد، باید کمتر درون حلقه قرار گیرد. بررسی نتایج حاصل از جدول ۵ نشان می‌دهد که به‌صورت کلی، تعداد حلقه‌های شکل گرفته در خانه‌های پیمون بزرگ، بیشتر از دو نظام دیگر است. بررسی سازمان فضایی خانه در سه الگوی مورد نظر نشان می‌دهد که در نظام فضایی پیمون بزرگ، تعداد فضاهایی که حول حیاط چیده شده‌اند، در بیشترین حالت و در نظام خرده پیمون، این تعداد در کمترین حالت بوده؛ بدان معنی که با افزایش مساحت بنا (از خرده پیمون تا پیمون بزرگ)، تعداد حلقه‌ها نیز افزایش یافته است. لذا همان‌گونه که پیش از این نیز عنوان شد این موضوع، کاهش حریمیت فضایی را در این نظام فضایی به‌همراه دارد. با این حال، سازندگان این بناها به‌منظور رفع این نقیصه در این الگوی سکونت، از تمهیدات دیگری به‌منظور افزایش حریمیت استفاده کرده‌اند که این موضوع در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد. ذکر این نکته نیز ضروری است که در هر سه نظام مورد بررسی، حیاط، بیشترین میزان حلقه را دارا بوده و اتاق خواب، کمترین میزان حلقه را به‌خود اختصاص داده است که این موضوع، نشان از کاهش نفوذپذیری به اتاق و در نتیجه افزایش حریمیت در آن نسبت به سایر فضاها دارد.

سلسله مراتب: همان‌گونه که پیش از این نیز عنوان شد در این پژوهش، سلسله مراتب به‌وسیله ابزارهای فاصله و مرتبه،

سنجیده می‌شود. فاصله فضاهای خانه بسته به وسعت خانه کاملاً متغیر است؛ بنابراین منطقی است که در پیمون بزرگ، بیشترین میزان عمق و در خرده پیمون، کمترین میزان آن مشاهده شود. یافته‌های نرم‌افزاری مربوط به تحلیل خانه‌های مورد نظر که به‌صورت عددی در جدول ۶ و به‌شکل تصویری در جدول ۷ نمایش داده شده نیز این موضوع را تصدیق می‌کنند. بر اساس این داده‌ها به‌نظر می‌رسد که با کاهش مساحت خانه‌ها از پیمون بزرگ تا خرده پیمون، به‌تدریج میانگین فاصله متریک از ورودی تا سایر نقاط خانه نیز کاهش یافته است. این در حالی است که خانه اعتکاف‌زاده به این دلیل که مساحت بیشتری نسبت به سایر نمونه‌ها دارد، میانگین عمق متریک آن نسبت به سایر خانه‌ها دارای تفاوت چشمگیری است که به‌منظور تسهیل در دسترسی به تمام نقاط خانه، یک گذرگاه دیگر در بخش اندرونی نیز در نظر گرفته شده است که این امر، امکان ارتباط با فضای بیرون را برقرار می‌سازد و همچنین به گردش فضایی و در نهایت ایجاد حریمیت در خانه کمک می‌کند. در روابط داخلی نیز وجود عمق‌های متریک متفاوت در رسیدن به انواع فضاها، خود به ایجاد سلسله مراتبی می‌انجامد که علاوه بر تنظیم روابط اجتماعی میان افراد به‌وسیله چیدمان فضایی، به ایجاد حریم‌های کلی و جزئی متناسب با هر فضا نیز کمک می‌نماید.

ابزار مرتبه نیز در پیمون بزرگ از همه بیشتر و در خرده پیمون از همه کمتر است. این موضوع، مبین وجود سلسله مراتب بیشتر در خانه با پیمون بزرگ نسبت به دو الگوی پیمون کوچک و خرده پیمون است که به‌واسطه افزایش عمق در این خانه‌ها به‌وجود می‌آید. در همین ارتباط، حیاط، کمترین مرتبه و در نتیجه سلسله مراتب کمتری برای دستیابی به آن و اتاق خواب، بیشترین مرتبه را دارا است که این امر،

جدول ۵. بررسی ابزار حلقه

	اتاق مهمان		اتاق خواب		حیاط بیرونی		
	RR	تعداد حلقه	RR	تعداد حلقه	RR	تعداد حلقه	
پیمون بزرگ	۰,۲۵	۱	۰,۲۵	۱	۰,۷۵	۳	الگوی ۱
	۰,۲۵	۱	۰,۲۵	۱	۱	۴	الگوی ۴
پیمون کوچک	۰,۵	۲	۰,۲۵	۱	۰,۵	۲	الگوی ۲
	۰,۲۵	۱	-	-	۰,۵	۲	الگوی ۵
خرده پیمون	۰,۲۵	۱	۰,۲۵	۱	۰,۲۵	۱	الگوی ۳
	۰,۲۵	۱	-	-	۰,۵	۲	الگوی ۶

(نگارندگان)

جدول ۶. بررسی عددی شاخص‌های نحوی - نرم‌افزاری مورد نظر بر روی نمونه‌های موردی

ایزوویست (به متر)						هم‌پیوندی		عمق متریک (میانگین به متر)	شاخص نرم‌افزاری خانه‌ها	
مرحله ۳		مرحله ۲		مرحله ۱		فراگیر (میانگین)	محلی (میانگین)			
max	min	max	min	max	min					
۲۸,۶۸	۱۰,۵۹	۴۱,۱۵	۰,۵۴	۱۶,۰۲	۰,۳۹	۷,۷۵	۸,۷۷	۳۹,۹۸	طباطبایی	کاشان
۲۸,۵۱	۵,۱۵	۳۵,۱۹	۰,۴۸	۷,۳۵	۰,۱۱	۸,۸۳	۹,۶۸	۳۴,۴۴	خیریه	
۲۴,۷۰	۰,۷۶	۲۹,۹	۰,۳۸	۶,۶۹	۰,۱۵	۱۱,۷۸	۱۲,۷۴	۲۶	باکوچی	
۲۱,۶۷	۱۰,۰۴	۳۲,۰۱	۰,۳۰	۶,۰۶	۰,۱۰	۳,۹۱	۸,۳۱	۵۱,۹۳	اعتکاف‌زاده	اصفهان
۲۸,۲۵	۱۲,۰۹	۴۱,۳۲	۰,۴۵	۸,۵۵	۰,۱۹	۷,۰۴	۷,۹۷	۳۱,۶۹	شیخ‌الاسلام	
۳۶,۷۲	۱۵,۲۱	۵۲,۶۱	۰,۵۵	۹,۴۱	۰,۲۷	۹,۹۷	۱۰,۰۱۳	۳۰,۷۹	سوکیاسیان	

(نگارندگان)

جدول ۷. بررسی شکلی شاخص‌های نحوی - نرم‌افزاری مورد نظر بر روی نمونه‌های موردی

ایزوویست			هم‌پیوندی		عمق متریک	شاخص‌ها خانه‌ها
مرحله ۳	مرحله ۲	مرحله ۱	فراگیر	محلی (شعاع: ۳ متر)		
						طباطبایی
						خیریه
						باکوچی
						اعتکاف‌زاده
						شیخ‌الاسلام
						سوکیاسیان

(نگارندگان)

نشانگر محرمیت بیشتر اتاق خواب در هر سه الگوی مورد بررسی است.

حریم: همان‌گونه که عنوان شد، حریم به‌وسیله ابزار کنترل دید و مانع، سنجیده می‌شود. در خانه‌های سنتی ایران معمولاً حیاط بیرونی بیشترین کنترل دید را دارد؛ چرا که بیشترین تعداد فضاها به آنها مرتبط است، اما اتاق مهمان و خواب بسته به موقعیت قرارگیری در پلان، از کنترل دید کمتری برخوردار هستند و اندازه پیمون، تأثیری در این موضوع ندارد. با توجه به داده‌های جدول ۸، در پیمون بزرگ به دلیل افزایش تعداد فضاها، میزان کنترل دید افزایش یافته، در حالی که در خرده پیمون، کنترل دید کمتری وجود دارد. در ارتباط با شاخص مانع نیز با توجه به ضرورت محرمیت بیشتر اتاق خواب، این فضا بیشترین تعداد موانع را دارا بوده و در مقابل، حیاط مرکزی با توجه به نقش کلیدی آن در

تقسیم فضاهای خانه، کمترین تعداد موانع را دارا است. هم‌چنین بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که در پیمون بزرگ در مسیر رسیدن به اتاق خواب، بیشترین تعداد موانع وجود دارند؛ این در حالی است که تعداد موانع در خرده پیمون برای رسیدن به اتاق خواب، مقدار کمتری است. این امر، نشانگر رابطه مستقیم وسعت منزل با موانع و عدم نفوذ آسان به محل خواب و استراحت است. نتایج این بررسی در جدول ۹ ارائه شده‌اند.

به‌منظور ارتقای اعتبار یافته‌های به‌دست آمده، علاوه بر استفاده از روابط ریاضی نحو فضا، از نرم‌افزار نیز برای سنجش شاخص حریم در الگوهای مورد نظر استفاده شد. در همین ارتباط، از شاخص هم‌پیوندی محلی و فراگیر به این منظور بهره گرفته شد که هم‌پیوندی محلی در خانه‌های یادشده در شعاع‌های سه متری و هم‌پیوندی فراگیر نسبت به

جدول ۸. بررسی ابزار کنترل دید

نام حوزه	هستی	حیاط بیرونی	حیاط اندرونی	اتاق مهمان	اتاق خواب	ایوان	مجموع
الگوی ۱. خانه طباطبایی	۰	-	۰	۱	۷	۲	۱۰
	۰	۱	۰	-	۰	۱	۲
	۰	۰	۱	۰	۲	۰	۲
الگوی ۲. خانه خیریه	۰	-	۰	۱	۸	۱	۱۰
	۰	۱	۰	-	۰	۱	۲
	۰	۱	۱	-	-	۰	۲
الگوی ۳. خانه باکوچی	۰	-	۰	۲	۱	۰	۳
	۰	۱	۰	-	۰	۰	۱
	۰	۰	۱	۰	-	۱	۲
الگوی ۴. خانه اعتکاف‌زاده	۰	-	۰	۴	۰	۴	۸
	۰	۱	۰	-	۰	۴	۵
	۰	۰	۱	۰	-	۰	۱
الگوی ۵. خانه شیخ‌الاسلام	۰	-	۰	۱	۵	۱	۷
	۰	۱	۰	-	۲	۰	۳
	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۲
الگوی ۶. خانه سوکیاسیان	۰	-	۰	۱	۰	۲	۳
	۰	۱	۰	-	۰	۱	۲
	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۲

(نگارندگان)



هستند، حریم‌های محسوس تری ایجاد شده‌اند. با نگاهی به اعداد جدول ۶ مشخص می‌شود که کمترین میزان هم‌پیوندی محلی و فراگیر، متعلق به خانه اعتکاف‌زاده است که نشان از درجه بالای حریم میان فضاهای این خانه دارد. این در حالی است که فاصله میان هم‌پیوندی محلی و فراگیر در این خانه، از میزان قابل توجهی برخوردار است که نشان از حریم کلی و جزئی بیشتر این خانه نسبت به سایر خانه‌های مذکور دارد. مکان‌یابی: این شاخص با استفاده از ابزارهای ادغام نسبی و دسترسی، قابل بررسی است. ادغام نسبی فضا بر تفکیک و جداسازی فضاها تمرکز دارد و با نشان دادن مقادیر بالای خود، حداکثر تفکیک فضا را مشخص می‌نماید. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۱۰ در مورد سه پیمون مورد نظر، می‌توان چنین گفت که در خانه‌های بزرگ‌تر به دلیل

کل خانه، مورد بررسی قرار گرفتند. با بررسی نتایج حاصل از ارزیابی‌های نرم‌افزاری در نمونه‌های مورد نظر (جدول ۶)، مشاهده می‌شود که با کاهش تعداد و مساحت فضاها به واسطه تغییر پیمون خانه‌ها، به میزان یکپارچگی و ادغام فضایی افزوده شده است. به عبارتی، با کاهش تعداد فضاها و افزایش میزان دسترسی به فضاهای خانه و قرارگیری تعداد بیشتری از فضاها در عمق‌های نسبتاً کم، میزان یکپارچگی مجموع فضاها افزایش یافته است. از سویی دیگر، افزایش میزان یکپارچگی فضایی با ایجاد حریم در فضا، رابطه عکس دارد؛ به این معنی که افزایش میزان یکپارچگی فضایی، به معنی کاهش موانع و در نتیجه کم‌رنگ شدن درجه حریم میان فضاها است. لذا در خانه‌های پیمون بزرگ که دارای هم‌پیوندی محلی و فراگیر کمتری نسبت به پیمون‌های دیگر

جدول ۹. بررسی تعداد موانع در فضاهای مختلف خانه

مجموع	ایوان	اتاق خواب	اتاق مهمان	حیاط اندرونی	حیاط بیرونی	هشتی	نام حوزه	
۱۱۲	۲۲	۱	۱۰	۴	۴	-	حیاط بیرونی	الگوی ۱. خانه طباطبایی
	۳۷	۳	۱۵	-	۸	۴	اتاق مهمان	
	۵۳	۹	-	۱۵	۶	۱۰	اتاق خواب	
۹۵	۱۸	۱	۷	۳	۴	-	حیاط بیرونی	الگوی ۲. خانه خیریه
	۳۴	۴	۱۰	-	۷	۳	اتاق مهمان	
	۳۱	۲	-	۹	۳	۶	اتاق خواب	
۸۶	۲۰	۳	۵	۳	۶	-	حیاط بیرونی	الگوی ۳. خانه باکوچی
	۳۰	۵	۸	-	۵	۳	اتاق مهمان	
	۳۶	۸	-	۸	۷	۵	اتاق خواب	
۱۰۱	۲۳	۱	۱۰	۴	۵	-	حیاط بیرونی	الگوی ۴. خانه اعتکاف‌زاده
	۳۷	۳	۱۴	-	۹	۴	اتاق مهمان	
	۴۵	۵	-	۱۴	۵	۱۰	اتاق خواب	
۷۵	۱۴	۱	۶	۳	۱	-	حیاط بیرونی	الگوی ۵. خانه شیخ‌الاسلام
	۲۷	۴	۹	-	۵	۳	اتاق مهمان	
	۳۴	۳	-	۹	۷	۶	اتاق خواب	
۷۲	۱۴	۱	۴	۴	۲	-	حیاط بیرونی	الگوی ۶. خانه سوکیاسیان
	۲۸	۱	۷	-	۵	۳	اتاق مهمان	
	۳۳	۴	-	۷	۷	۴	اتاق خواب	

(نگارندگان)

ارتباطات بیشتر فضایی، ادغام نسبی بیشتری وجود دارد و خانه‌های کوچک‌تر بیشترین مقدار تفکیک و جداسازی را به دلیل ارتباطات کمتر فضایی دارا هستند. تفکیک بیشتر، نشان‌دهنده افزایش محرمیت فضایی است؛ به این معنی که هر چه فضایی با فضای دیگر ارتباط کمتری داشته باشد، خصوصی‌تر و هر چه مقدار اتصال بیشتر باشد، عمومی‌تر است. بر همین اساس، داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهند که خانه‌های کوچک‌تر (خرده پیمون و پیمون کوچک) از این منظر دارای محرمیت فضایی بیشتری هستند. این در حالی است که در خانه‌های پیمون بزرگ با وجود ارتباطات بیشتر موجود بین فضاها، تفکیک فضایی کمتری رخ می‌دهد. بر همین اساس در این الگوی خانه، با استقرار فضاهای خصوصی در عمق‌های بیشتر و هم‌چنین چیدمان فضاها حول حیاط‌های متعدد، محرمیت مورد نیاز تأمین شده است.

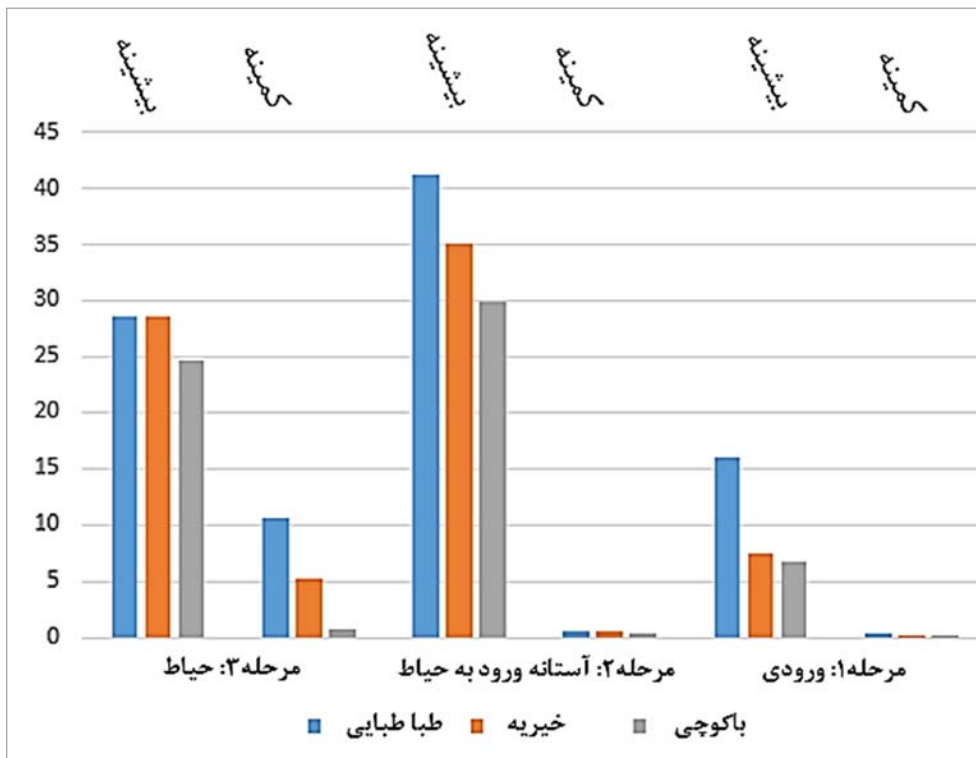
نهی اشراف: این شاخص با ابزارهای کنترل دید و فاصله، قابل بررسی است. با بررسی نتایج جدول ۸، مشاهده می‌شود که حیاط بیرونی در خانه‌ها معمولاً بیشترین میزان دید و اشرافیت را دارد؛ زیرا بیشترین تعداد فضاها به آنها مرتبط است و این موضوع در پیمون بزرگ به دلیل تعدد فضاها در اطراف حیاط، مقدار بیشتری است. بر همین اساس، در این پیمون با استقرار فضاهای خصوصی در عمق بیشتر، از به خوانش درآمدن آن توسط افراد غریبه در یک نگاه جلوگیری به عمل می‌آید. این در حالی است که این الگوی طراحی، تنها مختص به خانه‌های پیمون بزرگ نبوده و سایر خانه‌های کوچک و خرده پیمون نیز از این قاعده پیروی می‌کنند. موضوع اشرافیت در تحلیل‌های نرم‌افزاری نیز با استفاده

از شاخص میزان تععر و تحدب فضایی، قابل بررسی است که این موضوع از طریق قابلیت ایزووویست انجام می‌گیرد (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۱). با توجه به بررسی جنبه‌های محرمیت در این پژوهش و با در نظر گرفتن ابزار مورد نظر در ارزیابی میزان تععر و تحدب فضا، از کمینه و بیشینه شعاع (کوتاه‌ترین و بلندترین خط مستقیم دید) در سه مرحله ورودی، آستانه و مرکز حیاط استفاده شده است. با توجه به یافته‌های جدول ۶ و نمودار تصاویر ۲ و ۳، به نظر می‌رسد که خانه‌های اصفهانی نسبت به خانه‌های کاشانی، رفتار متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. در حالی که در نمونه‌های انتخابی شهر کاشان با کوچک شدن پیمون، بیشینه و کمینه شعاع دید نیز کاهش یافته، در خانه‌های اصفهانی با کاهش پیمون، بیشینه و کمینه شعاع در هر سه مرحله مورد نظر افزایش یافته است؛ لذا به نظر می‌رسد که با کاهش تعداد فضاها در نمونه‌های کاشانی، اشرافیت یا به عبارتی دسترسی بصری فضاها به دلیل محدودتر شدن شعاع مستقیم دید، از کنترل بیشتری برخوردار است، اما در نمونه‌های اصفهانی در سه مرحله مورد نظر تحلیل ایزووویستی، با کاهش پیمون و مساحت، شعاع کمینه و بیشینه یا همان کوتاه‌ترین و بلندترین خط مستقیم دید، افزایش یافته که این موضوع نشان می‌دهد که با کاهش پیمون، میزان دسترسی بصری به فضاها در این سه مرحله افزایش یافته است. بر اساس یافته‌های مذکور، با افزایش پیمون، میزان دسترسی بصری در هر سه مرحله مذکور در خانه‌های کاشانی با افزایش و در خانه‌های اصفهانی با کاهش مواجه است.

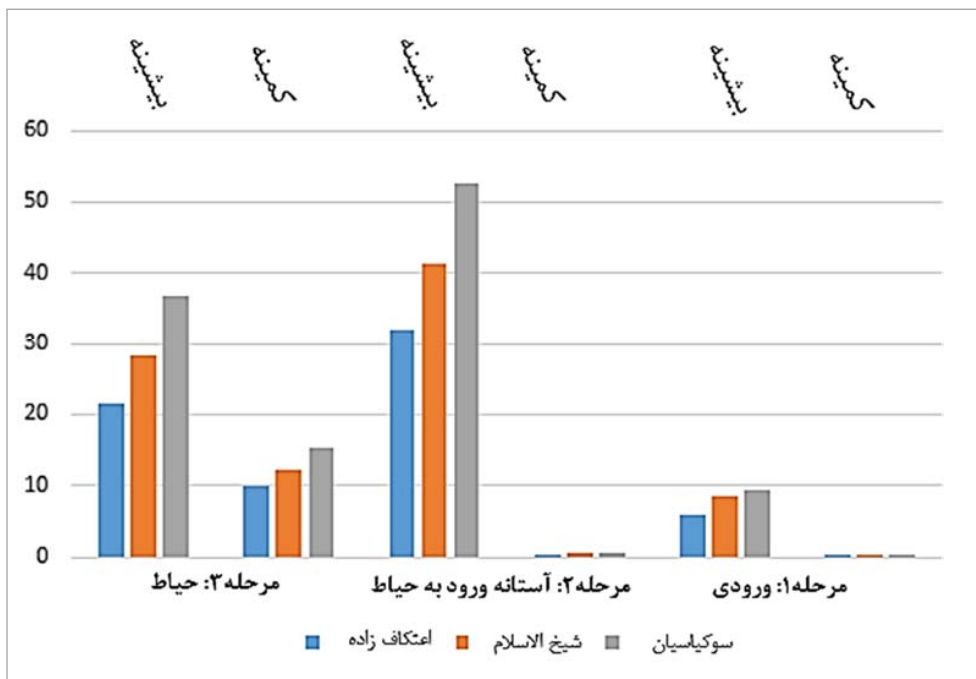
جدول ۱۰. بررسی ابزار عمق و ادغام نسبی

R.R.A	MD		
۰,۰۲۱	۳,۷۲	الگوی ۱	پیمون بزرگ
۰,۰۲۲	۳,۸۱	الگوی ۴	
۰,۰۵۳	۳,۶۵	الگوی ۲	پیمون کوچک
۰,۰۴۲	۳,۲۹	الگوی ۵	
۰,۰۶۶	۲,۵	الگوی ۳	خرده پیمون
۰,۰۴۸	۳,۲۵	الگوی ۶	

(نگارندگان)



تصویر ۲. نمودار ایزووویست (کمینه و بیشینه شعاع) به صورت میانگین در خانه‌های کاشانی (نگارندگان)



تصویر ۳. نمودار ایزووویست (کمینه و بیشینه شعاع) به صورت میانگین در خانه‌های اصفهانی (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از طبقه‌بندی خانه‌ها در سه نظام پیمون بزرگ، کوچک و خرده پیمون و تحلیل معیارهای مربوط به حریمیت؛ شامل درون‌گرایی، سلسله‌مراتب، حریم، مکان‌یابی و نهی اشراف با استفاده از ابزارهایی هم‌چون دسترسی، فاصله، مانع، حلقه، مرتبه، کنترل دید و ادغام نسبی، نتایج زیر به‌دست آمدند:

- درون‌گرایی به‌طور کلی در هر سه پیمون به یک شکل نمود دارد؛ به این معنی که در هر سه پیمون، حیاط به‌عنوان بخش مرکزی خانه و چینش فضاها در اطراف آن صورت گرفته است. هم‌چنین در هر سه نظام، هیچ‌گونه ارتباط بصری با فضای بیرون وجود ندارد.

- در ارتباط با شاخص دسترسی مشاهده می‌شود که دسترسی به حیاط در هر سه الگو در بیشترین سطح و در مقابل، دسترسی به فضاهای اندرونی مانند اتاق خواب، در کمترین سطح ممکن بوده که این امر، باعث افزایش حریمیت در این فضاها شده است.

- تعداد حلقه‌های شکل‌گرفته در الگوی پیمون بزرگ، بیشتر از دو الگوی دیگر بوده که این موضوع، نشان‌دهنده افزایش ارتباطات فضایی در این نظام و در نتیجه، کاهش سطح حریمیت در آن شده است. البته لازم به‌ذکر است که در هر سه الگوی مورد بررسی، تعداد حلقه‌ها در حیاط در بیشترین حالت و در اتاق‌های خواب در کمترین حالت ممکن قرار دارند. لذا می‌توان چنین ادعا نمود که در هر سه نظام مورد بررسی، حیاط، کمترین میزان حریمیت فضایی را دارا بوده و در مقابل، اتاق خواب از بیشترین میزان حریمیت برخوردار است.

- با کاهش مساحت خانه‌ها از پیمون بزرگ تا خرده پیمون، به‌تدریج میانگین فاصله متریک از ورودی تا سایر نقاط خانه نیز کاهش یافته است؛ این بدان معنی است که در نظام پیمون بزرگ، بیشترین تعداد عمق و در نتیجه بیشترین تعداد مرتبه برای رسیدن به فضاهای خصوصی خانه وجود دارند که این مقادیر در خانه با نظام فضایی خرده پیمون در کمترین میزان قرار دارند.

- در هر سه پیمون مورد بررسی، حیاط دارای بیشترین میزان دید (کمترین میزان کنترل) و در مقابل، اتاق‌ها به‌ویژه اتاق خواب دارای کمترین میزان دید (بیشترین میزان کنترل) است که این اصل در هر سه نظام مورد بررسی به یک شکل نمود می‌یابد.

- در هر سه پیمون مورد بررسی، تعداد موانع جهت رسیدن به اتاق‌ها بسیار زیاد هستند و این در حالی است که برای رسیدن به حیاط، کمترین تعداد موانع وجود دارند. این موضوع، در ارتباط با نقش حیاط در تقسیم فضایی در خانه است. با این حال به‌طور کلی، هر چه وسعت خانه افزایش یافته، تعداد موانعی که برای رسیدن به بخش خصوصی باید طی شوند نیز افزایش یافته‌اند و این عامل، باعث افزایش حریمیت فضایی در خانه‌های بزرگ‌تر شده است.

- با افزایش سطح بنا (از خرده پیمون به پیمون بزرگ)، از میزان هم‌پیوندی فضایی کاسته شده؛ این پدیده به‌معنی افزایش تعداد موانع در فضاهای مختلف خانه در پیمون بزرگ نسبت به پیمون کوچک و خرده پیمون است. از این موضوع چنین بر می‌آید که در خانه‌های پیمون بزرگ، عامل به‌وجود آورنده حریمیت در فضا، افزایش تعداد موانع است که بر اثر افزایش مرتبه فضایی و در نتیجه افزایش عمق فضایی ایجاد می‌شوند.

- با افزایش سطح بنا (از خرده پیمون به پیمون بزرگ)، میزان ادغام فضایی افزایش می‌یابد که این موضوع به‌واسطه افزایش ارتباطات فضایی در خانه‌های پیمون بزرگ نسبت به خانه‌های پیمون کوچک و خرده پیمون است. لذا چنین به‌نظر می‌رسد که در خانه‌های کوچک‌تر به‌واسطه افزایش میزان تفکیک فضایی، حریمیت فضایی نیز افزایش یافته است و هر چه مقیاس بنا بزرگ‌تر شود، میزان ارتباطات فضایی آن بیشتر شده و در نتیجه، حریمیت موجود در فضاهای آن نیز کاهش می‌یابد. با این حال در خانه‌های پیمون بزرگ با وجود ارتباطات بیشتر موجود بین فضاها، تفکیک فضایی کمتر رخ می‌دهد. بر همین اساس در این الگوی خانه، با استقرار فضاهای خصوصی در عمق‌های بیشتر و هم‌چنین چیدمان فضاها حول حیاط‌های متعدد، حریمیت مورد نیاز تأمین شده است.

با توجه به موارد فوق، چنین به‌نظر می‌رسد که موضوع حریمیت در خانه‌های ایرانی و در هر سه نظام فضایی، همواره وجود داشته؛ این در حالی است که نحوه نمودپذیری آن در خانه‌های مختلف، به اشکال متفاوت صورت می‌گرفته است. به‌عبارتی دیگر، این موضوع در بعضی موارد در قالب افزایش مرتبه فضایی و در بعضی موارد، از طریق افزایش موانع در فضا شکل می‌گرفته است. در بعضی از خانه‌ها، به‌واسطه تفکیک حوزه‌ها و استقرار فضاها حول حیاط‌های

مختلف، به مسأله محرمیت پرداخته می‌شود و در بعضی موارد، با کاهش دسترسی به یک فضا به واسطه افزایش عمق نسبی آن، این هدف تأمین می‌شود. بر این اساس، در ارتباط با فرضیه اول، می‌توان چنین بیان نمود که با توجه به اهمیت مسأله حریم خانواده در بینش سنتی و قرار داشتن موضوع محرمیت به‌عنوان یک اصل در شکل‌گیری معماری سنتی ایران، محرمیت، در شرایط مختلف، به‌وسیله ابزارهای مختلف، به‌وجود آمده است که در نظام‌های مختلف فضایی، نحوه و ابزارهای تأمین آن متفاوت از یکدیگر هستند و لذا این فرضیه به این شکل مورد تأیید قرار گرفت. نتایج در ارتباط با مقایسه ساختار فضایی خانه‌ها در پاسخ‌گویی به موضوع محرمیت در دو شهر مختلف نیز نشان دادند که در ارتباط با شاخص‌هایی چون درون‌گرایی، حریم، سلسله مراتب و مکان‌یابی، خانه‌های هر دو شهر رفتار مشابهی داشتند و تنها با عوض شدن پیمون خانه‌ها، به‌طور مثال کیفیت هم‌پیوندی و یا عمق متریک تغییر نمود. این در حالی است که در ارتباط با شاخص نهی اشرافیت، موارد به‌دست آمده در شهرهای مورد بررسی، نشان از تفاوت‌هایی در این خصوص داشتند؛ این تفاوت، در ارتباط با شاخص دسترسی بصری از بیرون به داخل حیاط نمود یافته؛ به این معنی که دسترسی بصری از بیرون به داخل حیاط در خانه‌های کاشانی، بیشتر از خانه‌های اصفهانی در هر سه الگوی مورد بررسی است و هم‌چنین بدان معنی است که سلسله مراتب دسترسی از بیرون به داخل حیاط در خانه‌های اصفهانی از پیچیدگی بیشتری نسبت به خانه‌های کاشانی برخوردار بوده است که این موضوع می‌تواند تا حدودی ریشه‌های فرهنگی نیز داشته باشد. لذا در ارتباط با فرضیه دوم، می‌توان چنین اظهار داشت که اصل محرمیت در هر دو شهر مورد بررسی و در هر سه نظام خانه در این دو شهر همواره نمود دارد؛ این در حالی است که در ارتباط با سلسله مراتب ورود و میزان پیچیدگی آن، در این دو شهر اختلافاتی وجود دارند.

پی‌نوشت

1. Barrier
2. Depth (Distance)
3. Relative Depth
4. Step
5. Relative Step
6. Ring
7. Step Depth
8. Visibility
9. Isovist
10. Visibility polygon

منابع و مأخذ

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۷). *معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- الهی قمش‌ای، مهدی. (۱۳۸۵). *قرآن کریم*. تهران: جمهوری.
- آیوزیان، سیمون. (۱۳۷۶). *حفظ ارزش‌های معماری سنتی در معماری اسلامی ایران. هنرهای زیبا*، ۱(۲)، ۵۱-۴۳.
- اخوت، هانیه. (۱۳۹۲). *بررسی ابعاد حریم در مسکن سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDRS. مسکن و محیط روستا*، ۳۲(۱۴۲)، ۹۷-۱۱۲.
- پورمند، حسنعلی و طباطبایی ملاذی، فاطمه. (۴۹۳۱). *الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی-اسلامی (بررسی موردی خانه رسولیان یزد)*. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۳(۴)، ۷۱-۱.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۸۷). *ایران باستان*. چاپ پنجم، تهران: نگارستان کتاب.
- جبل عاملی، عبدالله. (۱۳۷۴). *خانه‌های اصفهان در دوران معاصر. مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، ج ۴*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ۶۵۶.
- حاج قاسمی، کامبیز. (۱۳۷۵). *گنج‌نامه، خانه‌های کاشان*. چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- _____ (۱۳۷۷). گنج‌نامه، خانه‌های اصفهان. چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۰). شهرهای اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه محمدحسن ملک احمدی و عارف اقوامی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حمزه‌نژاد، مهدی و صدریان، زهرا. (۱۳۹۳). اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر. پژوهش‌های معماری اسلامی، (۴)، ۷۶-۵۸.
- طبرسی، شیخ حسن. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. ترجمه سید ابراهیم میرباقری، چاپ اول، ج ۳، قم: فراهانی.
- علی‌الحسابی، مهران؛ حسینی، باقر و نسبی، فاطمه. (۱۳۹۱). تحلیل کیفیت بصری فضای مسکونی با توجه به قابلیت و میزان دید نمونه موردی: خانه‌های بافت قدیم بوشهر. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، (۴)، ۸۳-۶۹.
- فرخ یار، حسین. (۱۳۹۰). صد خانه صد پلان (ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی در بافت‌های تاریخی). چاپ اول، کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- کمالی‌پور، حسام؛ معاریان، غلامحسین؛ فیضی، محسن و موسویان، محمد فرید. (۱۹۳۱). ترکیب شکلی و پیکره‌بندی فضایی در مسکن بومی، مقایسه تطبیقی عرصه‌بندی فضای مهمان در خانه‌های سنتی. مسکن و محیط روستا، ۱۳(۸۳۱)، ۶۱-۳.
- لنگ، جان. (۱۸۳۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- مرتضی، هشام. (۱۳۸۷). اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- منصور، علی. (۱۳۸۹). حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی-اسلامی، نمونه پژوهشی میدانی: بافت قدیم شهر شیراز. مسکن و محیط روستا، ۲۹(۱۳۰)، ۴۹-۳۸.
- مؤمنی، کوروش. (۱۳۹۴). بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد حریمیت در خانه زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی، (۴)۳، ۳۳-۱۸.
- مهدوی‌نژاد، محمد جواد و شهری، شقایق. (۳۹۳۱). معاصر سازی الگوی مسکن بومی تهران با کاربرد روش‌های مقداری. هویت شهر، ۸(۰۲)، ۸۴-۵۳.
- نقره‌کار، سید عبدالمجید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب (مبانی طراحی و روش‌های تحلیل آن). صغه، ۱۰(۳۱)، ۹۰-۱۰۳.
- _____ (۱۳۹۱). تأملی بر شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی. ماه هنر، ۱۷۰، ۵۴-۳۸.
- وثیق، بهزاد و پشوتنی‌زاده، آزاده. (۱۳۸۸). مفاهیم سکونت در آیات و روایات اسلامی. مسکن و محیط روستا، ۲۹(۱۲۹)، ۶۴-۵۰.
- Benedikt. (1979). To take hold of space: Isovists and isovist fields. **Environment and Planning B**, 6(1), 47-65.
- Chermayeff, serge. (1965). **Title Community and Privacy; Toward a New Architecture of Humanism Contributor Alexander**. New York: Garden City, N.Y., Doubleday.
- Hillier, B. & Hanson, J. (1987). The space syntax settlement". **Arch &Comport/Arch.Behav**, 3(3), 217-231.
- Manum, B. (2009). A-graph complementary software for axial_lineAnalysis in proceeding soft. **The 7th International Space Syntax Symposium**. Stockholm: Sweden. 1-9. (code: 070)
- Mayhew, S. (2003). **Dictionary of Geography**. Oxford: Oxford University Press.

تبیین نظام حاکم بر اقدامات حفاظتی معماران بومی با بهره‌گیری از دانش ضمنی معماران در جنوب خراسان

رضارحیم‌نیا*، مهران قرائتی**، علی زمانی‌فرد***، سعید سعیدپور****

چکیده

نقش و اهمیت معماران بومی در خلق و تداوم معماری، قابل چشم‌پوشی نیست. این نقش، تنها منحصر به تولید اثر معماری نبوده و اقدامات تعمیراتی و حفاظتی را نیز شامل می‌شده است؛ به طوری که آنها را می‌توان منابعی مهم برای شناسایی نظام حاکم بر اقدامات حفاظتی در گذشته دانست. علی‌رغم این موضوع، معماران به‌عنوان اصلی‌ترین عاملان اقدام، واسطه انتقال دانش معماری به نسل‌های بعد و یکی از منابع شفاهی معماری و حفاظت، کمتر مورد استناد قرار گرفته‌اند؛ این در حالی است که دانش حاصل از تجارب ایشان، به‌عنوان دانش ضمنی حفاظت و بخشی از میراث ناملموس، قابل توجه است. مقاله پیش رو با تمرکز بر فهم این دانش ضمنی، به دنبال "تبیین نظام حاکم بر یک اقدام حفاظتی در میراث معماری" است که در راستای پاسخ به پرسش "تفکر و نظام حاکم (شرایط، اهداف و پاسخ‌ها) برای اقدام حفاظتی از منظر معماران بومی چیست و چه اجزایی دارد؟" شکل گرفته است.

در جهت دستیابی به این هدف، در قالب یک مطالعه کیفی و با بررسی میدانی، داده‌های حاصل شده از طریق مصاحبه (گفتگو) نیمه‌ساختاریافته با گروهی از معماران بومی جنوب خراسان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. روش پژوهش مورد استفاده، برگرفته از روش نظریه زمینه‌ای است که با گدگاری و دسته‌بندی مؤلفه‌های ذهنی معماران در زمینه حفاظت فراهم شده است. پژوهش نشان می‌دهد دلایلی هم‌چون؛ نیازهای تعمیراتی، عدم پایداری، شرایط اضطراری کالبد، نیازهای روز و باورها و اعتقادات در کنار تأثیر شرایط زمینه (تغییر در مصالح و شیوه معماری، ارزش‌ها و باورها، هنجارها، مسائل و محدودیت‌ها) و دخیل (که شرایط معمار، نقش اصلی را در آن ایفا می‌کند)، منجر به اقدامات حفاظتی شده‌اند. هم‌چنین چگونگی تأمین هدف "پایداری در سازه و تداوم در عملکرد"، از طریق راهبردهای عمل-تعامل مانند تعمیر، نو ساختن، به‌روز رسانی و دوباره ساختن شناسایی شده است. در نهایت نیز با بررسی نتایج حاصل، تفکر حاکم بر اقدامات حفاظتی در جنوب خراسان مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: میراث معماری، اقدام حفاظتی، معمار بومی، دانش ضمنی، جنوب خراسان

* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

*** استادیار، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر (پردیس باغ ملی).

**** کارشناس ارشد ایران‌شناسی (گرایش میراث فرهنگی).

Rahimnia@arc.ikiu.ac.ir
mehrangharaati@gmail.com
Zamanifard@art.ac.ir
saiedsaiedpour@yahoo.com

مقدمه

بر طبق تعاریف، حفاظت به قصد افزایش طول عمر میراث فرهنگی و در صورت امکان، شفاف کردن پیام‌های هنری و تاریخی ملحوظ در آن، بدون از دست دادن اصالت و معنی آن انجام می‌شود (ICOMOS, 2010). از این منظر، کلیه دخالت‌های صورت‌گرفته در اثر، در راستای کمک به پایداری بهتر آن یا به بیان دیگر حفظ آن چه موجود است، را می‌توان مداخله یا اقدام حفاظتی تلقی نمود (Muñoz Viñas, 2005: 188) یا افزایش عمر اثر را غایتی برای هر اقدام حفاظتی دانست. با این تعابیر، عملاً آن چه به عنوان میراث معماری از گذشته تا عصر ما ماندگار شده، محصول اقدامات حفاظتی بسیار در راستای تداوم حیات کالبدی و عملکردی اثر بوده است. این اقدامات -در غیبت وجود دانش آکادمیک و رسمی در خصوص حفاظت و مرمت- بیش از هر چیز متکی بر دانش و تجربه مجریان و مداخله‌گران سنتی یا همان معماران بومی بوده‌اند؛ که امروزه از منظر مراجع و مراکز معتبر حفاظت، بخش ارزشمندی از سرمایه هر منطقه و مستندسازی آنها بخشی از پروسه حفاظت محسوب می‌شوند (ICOMOS, 1964; ICOMOS A, 1999 & ICOMOS, 2008)؛ تجاربی که گاهی منحصر به افراد و محصول دریافت‌های فردی آنان بوده و در طول فعالیت فرد به گونه‌ای دانش شخصی وی را در زمینه مربوطه فراهم ساخته است. این دانش که علی‌الخصوص در منابع شفاهی به دانش شخصی نیز تعبیر می‌شود، به عنوان دانشی نهفته در ذهن معمار (به عنوان منابع مورد توجه در این پژوهش) تحت عنوان دانش ضمنی^۱ و هم‌چنین به عنوان بخشی از تاریخ شفاهی معماری قابل توجه است.

میراث معماری ایران نیز در طول حیات خود، شاهد اقدامات حفاظتی زیادی توسط معماران بومی بوده که پرداختن به دانش ضمنی مرتبط با آن را نزد این معماران ضروری می‌نماید. در این راستا، توجه به این موضوع وقتی مهم‌تر می‌شود که برخی از محققین، ضرورت تحلیل و بررسی نگرش این معماران را -که برخاسته از مبانی فکری و نظری آنها است- به عنوان مرجعی برای ارتقای حفاظت بومی در ایران مورد تأکید قرار داده‌اند (ندیمی، ۱۳۸۶: ۴۷)؛ رویکردی که خود می‌تواند منجر به تبیین و حفظ بخشی از میراث ناملموس حفاظت میراث معماری شده (Muñoz Viñas, 2005: 136) و مجامع جهانی نیز تجربه‌های گذشته هر سرزمین و مبانی نظری و فکری آن را به عنوان مرجعی مناسب در حفظ ارزش‌های بومی، مورد تأکید قرار داده‌اند (حجت، ۱۳۸۰: ۱ و ۲؛ فلامکی،

1383: 16؛ ICOMOS, 1964; ICOMOS A, 1999

& ICOMOS, 2008) و (Muñoz Viñas, 2005: 40).

این مقدمه، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با هدف تمرکز بر دانش فردی (ضمنی) معماران بومی و میراث معماری، بخش مهمی از مسیر شناخت دانش حفاظت نزد گذشتگان را فراهم ساخته و به "شناسایی ساختار اقدامات حفاظتی نزد معماران بومی جنوب خراسان" بپردازد. منظور از شناسایی ساختار، دستیابی به نظام فکری^۲ است که در اقدامات انجام‌شده توسط معماران بومی وجود داشته و در قالب تبدیل دانش ضمنی معماران به دانشی آشکار می‌تواند استخراج و تبیین شود. بدین ترتیب با توجه به روش مورد استفاده در این پژوهش، "اقدامات حفاظتی در میراث معماری" به عنوان موضوع اصلی، مد نظر و جوانب متفاوت نسبت به آن مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این اهداف، چارچوب کلی این مطالعه در راستای پاسخ به سؤالات زیر تنظیم شده است:

نظام حاکم (شرایط، اهداف و پاسخ‌ها) برای یک اقدام حفاظتی از منظر دانش ضمنی معماران بومی چیست؟
با توجه به نظام حاکم و اجزای آن، نگرش معماران بومی برای یک اقدام حفاظتی چگونه شکل گرفته است؟

پیشینه تحقیق

با نگاهی به موضوع و مسأله پژوهش، ساختار کلی پیشینه در دو بخش معماران بومی و دانش ضمنی، قابل بحث است. با توجه به این که معماران سنتی به عنوان اصلی‌ترین اقدام‌کنندگان برای ساخت و تعمیر آثار معماری، موضوعی شناخته‌شده و در خور برای محققین هستند، از این رو پژوهش‌هایی با تنوع رویکرد درباره آنها انجام شده‌اند. "مستندکردن نام آنها" در قالب کتیبه‌ها و اسناد و متون تاریخی، "تشریح فعالیت ساختمانی یا صنفی آنها" در متون تاریخی و آثار نظم و نشر و سفرنامه‌ها و هم‌چنین "مستندسازی تجربیات و دانش فنی و نظری آنها"، گروه‌های اصلی در توجه پژوهشگران به معماران سنتی را تشکیل می‌دهند (رحیم‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶). در این بین، گروهی که ارتباط نزدیک‌تری با موضوع این پژوهش دارد، دسته سوم این مطالعات است. مستندسازی تجربیات و دانش فنی - نظری را می‌توان در چند گروه زیرمجموعه نیز مد نظر داشت: گروه اول؛ مستندسازی تجربیات معماران که بخشی از تجربیات معماران گذشته را مستند کرده است، گروه دوم؛ معرفی استادکاران و معماران گذشته است که مقالات و مجلات تخصصی حوزه فرهنگ و میراث فرهنگی نشان می‌دهند که به عنوان بخشی در مقالات آنها جای دارند، گروه سوم؛ توجه به دانش فنی معماران است که شاید بتوان

حوزه قابل توجه است (Petermans et al, 2011). از طرف دیگر، با توجه به این که حوزه این تحقیق به مباحث دانش ضمنی و هم‌چنین رویکرد بومی در آن می‌پردازد، لذا توجه به سابقه مطالعات در حوزه معماری بومی قابل توجه است. درباره دانش ضمنی، حفاظت و معماری، مکا و همکارانش (2008; 2012)، حفاظت از میراث معماری خاکی را یک حوزه چالش‌برانگیز از علم، دانش ضمنی و دانش صریح می‌دانند که نشان از رابطه مستمر تجربه محلی با حفاظت از معماری دارد. هم‌چنین دیپاسکال و همکارانش در پژوهشی دیگر (2011: 233)، معتقد هستند در پشت معماری بومی، یک سیستم دانش پیچیده قرار دارد که شامل عوامل زیادی و از جمله دانش محلی ضمنی است؛ قابلیت‌هایی که پرداختن به دانش ضمنی در جهت شناخت نظام و نگرش حاکم بر مداخلات را به‌خوبی توجیه خواهد کرد.

در ارتباط با همین موضوع، سیرینا و همکارانش (۲۰۰۶) که بخشی از داده‌های تحقیق خود را از طریق مصاحبه با سازندگان و صنعتگران محلی اخذ کرده، برای ایجاد ارتباط دانش ضمنی و مدیریت حفاظت قدم برداشته‌اند. هم‌چنین بیلیونی و همکارانش (81: 2013) در مقاله خود - که سازه‌های خاکی سه روستا در مراکش را مورد بررسی قرار داده‌اند - اشاره می‌کنند که خاک مناسب، بر اساس دانش ضمنی و تجربه در طول زمان فراهم شده و صاحبان این دانش را مردمان محلی می‌دانند که به‌صورت ضمنی آنها را حفظ کرده‌اند. بخش دیگری از مطالعات مرتبط، نیز به استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در مطالعات مرتبط با معماری و حفاظت پرداخته‌اند که در پژوهش‌های غیر فارسی (Castellanos-Verdugo et al, 2010: 120; Correia, 2009: 126-127; Daengbuppha et al, 2006: 382-384; Fakhra, 2012) و هم‌چنین فارسی (عباسی هرفته، ۱۳۹۲؛ صفائی‌پور، ۱۳۹۴) نمونه‌هایی از آنها قابل توجه هستند. به‌نظر می‌رسد مباحث تجربه و دانش ضمنی معماران در پژوهش‌های گذشته با رویکرد ترکیبی

از آن تحت عنوان درس‌آموزی از تجربیات و نکات اجرایی و فنی موجود در آنها (دانش عملی) نیز نام برد و گروه چهارم که مطالعات کمتری را به‌خود اختصاص داده، توجه به دانش نظری معماران سنتی است که جنبه‌های اخلاقی، ایدئولوژیکی و هم‌چنین آموزش‌های استاد-شاگردی را مورد توجه قرار داده‌اند. در ارتباط با معماران، آن‌چه این مقاله دنبال می‌کند بیشتر به گروه سوم و چهارم ارتباط خواهد داشت. منظور این‌که، تلاش این مقاله در جهت بهره‌برداری از دانش نظری معماران در حوزه اجرا است؛ موضوعی که تا کنون در حوزه حفاظت مد نظر قرار نگرفته و ارتباط مطالعات دانش ضمنی با آن قابل توجه است. استخراج دانش ضمنی می‌تواند حوزه تئوری نزدیک با عمل معماران بومی را شکل دهد.

دانش ضمنی نیز به‌عنوان بخش دوم مطالعات انجام‌شده، در حوزه‌های علوم مختلف مورد بحث قرار گرفته و معماری و حفاظت نیز از آن مستثنی نبوده است. مطالعات مرتبط با دانش ضمنی و نقش مهارت‌ها و تجربه‌ها در معماری و حفاظت از آن، دارای تنوع رویکردها است و به‌خصوص بخشی از پژوهش‌ها در راستای بهره‌گیری از این دانش‌ها برآمده‌اند. همان‌طور که در تصویر ۱ ارائه شده، این دسته از پژوهش‌ها اگر چه محدود بوده ولی در دو گروه قابل دسته‌بندی هستند: گروه اول در پی دستیابی به دانش ضمنی بوده (برون‌سازی دانش ضمنی) و تلاش داشته‌اند تا از آنها برای معماری و حفاظت بهره بگیرند. مستندسازی دانش و تجربیات معماران بومی و بهره‌گیری از دانش ضمنی آنها برای حفاظت، نمونه‌ای از این گروه هستند (رحیم‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲؛ رحیم‌نیا، ۱۳۹۵، ۷۳-۷۰) که در نهایت به ارائه روش‌های برخورد بومی در فعالیت‌های حفاظت و مرمت و هم‌چنین ارائه عوامل و زمینه‌های مؤثر بر مداخلات حفاظتی پرداخته‌اند. بخش دیگر نیز در پی دستیابی به دانش ضمنی طراحان و معماران و یا حتی دانشجویان بوده و تلاش داشته تا از آنها در جهت آموزش معماری بهره بگیرد (حجت و طایفه، ۱۳۹۱: ۱۱؛ صفائی‌پور، ۱۳۹۴). این مطالعات نیز در نهایت با ارائه روش‌ها یا تمرین‌های آموزشی متناسب، تلاش کرده‌اند دانش ضمنی معماران را منتقل کرده و با حساس کردن دانشجویان برای طراحی و خلاقیت در معماری، آنها را به‌کار گیرند.

گروه دوم، مطالعاتی است که برای استفاده از دانش ضمنی در جهت تفهیم موارد مرتبط با طراحی معماری (درونی کردن دانش ضمنی) به آن پرداخته‌اند (Andjomshoa et al, 2011)، ولی موضوع حفاظت از معماری کمتر در آنها مورد توجه بوده است. استخراج و تبیین مبانی نظری با بهره‌گیری از این دانش ضمنی برای معماری مثل بهره‌گیری از دانش ضمنی طراحان داخلی و هم‌چنین موضوع ارتباط با مشتری در این



تصویر ۱. مطالعات مرتبط با دانش ضمنی (نگارندگان)

نظری و عملی (حفاظت در عمل با بهره‌گیری از دانش ضمنی تئوری) که معماران بهترین و کامل‌ترین منابع آن هستند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که دانش ضمنی معماران بومی به‌عنوان منبع دست‌یابی به نظام‌های فکری مد نظر آنها، پردازش نشده و در این پژوهش برای اولین بار در قالب یک پژوهش میدانی و روش علمی، به موضوع حاکم بر اقدامات حفاظتی از منظر معماران پرداخته شده است.

جامعه و ابزار تحقیق

جنوب استان خراسان که امروزه با نام استان خراسان جنوبی شناخته می‌شود، حوزه جغرافیایی پژوهش را پوشش می‌دهد. سابقه و گستردگی معماری بومی، وجود نمونه‌های قابل مطالعه از

آخرین نسل جامعه معماران بومی فعال در حوزه میراث معماری در منطقه، آشنایی پژوهشگر با محدوده مورد مطالعه، امکان ایجاد ارتباط شفاهی با نمونه‌های مورد مطالعه به‌سبب آشنایی پژوهشگر با گویش و لهجه محلی، از دلایل اصلی انتخاب این محدوده جغرافیایی بوده است. در ادامه، با مشورت و همکاری کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، گروهی از معماران بومی این استان شناسایی و از طریق نمونه‌گیری نظری^۲، گروهی از معماران بومی فعال در این منطقه با مشورت متخصصان مرتبط شناسایی شدند. لذا نگارندگان برای انجام مطالعات میدانی در یک بازه یک ماهه، ضمن مراجعه به ۲۰ نفر از این معماران سنتی (جدول ۱)، گفتگوهایی را با آنها انجام داده‌اند. با وجود رواج معماری

جدول ۱. مشخصات جامعه آماری مورد مصاحبه

ردیف	نام و نام خانوادگی	متولد	محل سکونت	برخی از تجارب حرفه‌ای حفاظت
۱	اکبر ایوبی	۱۳۰۵	روستای رقه	مسجد جامع رقه (خشتمال)
۲	محمد علی عبدلی	۱۳۲۰		مسجد جامع، آسیاب بالا (فروغ)، خانه فروغ در رقه
۳	غلامحسین وفایی	۱۳۱۹		مسجد جامع، حوض انبار، حسینیه در رقه
۴	رمضان غلامی	۱۳۳۳	روستای نیگنان	مسجد، رباط روستا و ساخت خانه‌های مردم بومی در نیگنان
۵	حسین اسماعیلی اول	۱۳۲۶	شهر بشرویه	بافت تاریخی، خانه مستوفی و خانه پناهی در بشرویه و مسجد جامع رقه
۶	غلامرضا پناهی	۱۳۳۳		بافت تاریخی بشرویه، مسجد جامع و خانه فروغ در رقه
۷	علی امیدفر	۱۳۲۸		حصار تاریخی شهر بشرویه و همکاری با اداره میراث فرهنگی شهرستان
۸	سید حسین ذبیحی‌فر	۱۳۱۹	شهر ارسک	مسجد جامع در ارسک
۹	حسین عزیزی	۱۳۱۴		مسجد جامع در ارسک
۱۰	محمد مبینی	۱۳۱۴	روستای فتح‌آباد	معماری بومی و خانه‌های فتح‌آباد
۱۱	نجفعلی یزدانیان	۱۳۱۷	روستای عشق‌آباد	معماری بومی و خانه‌های عشق‌آباد
۱۲	عبدالله خاکسار	۱۳۱۷	شهر آیسک	حسینیه، مسجد قدیم، حوض انبار در آیسک و مسجد روستای دوحصاران
۱۳	احمد دوستی	۱۳۲۲	روستای بجد	مسجد بجد، مسجد ازبکان بجد و مسجد نوفرست
۱۴	محمد فولادی	۱۳۰۷	روستای خور	آب انبار، مسجد و حمام در بیرجند، خوسف و بجد
۱۵	غلامحسین برزگران	۱۳۱۹	شهر بیرجند	استادکار میراث فرهنگی و دارای تجارب مرمت در بیرجند، خوسف و قائن
۱۶	علی اکبر میرشب	۱۳۱۳	شهر فردوس	حصار قدیم شهر فردوس و بشرویه (اجرای چینه)
۱۷	محمدعلی هامون	۱۳۳۳	شهر خوسف	مسجد جامع و خانه‌های تاریخی در خوسف
۱۸	حبیباله فولادی	۱۳۱۸	روستای نصرآباد	معماری بومی و خانه‌های روستایی در خور و نصرآباد
۱۹	غلامرضا بنی‌اسدی	-	روستای خشکان	معماری بومی و خانه‌های روستایی در خشکان و آبادی‌های اطراف
۲۰	محمدعلی نوروزی	۱۳۲۶	روستای کریمو	معماری بومی و خانه‌های روستایی در کریمو، سُرند و آبادی‌های اطراف

(نگارندگان)

در **جدول ۲** ارائه شده است.^۸ ارائه این دسته‌بندی (معادل زیردسته‌ها^۹ در کُدگذاری محوری^{۱۰}) و تعیین روابط مابین آنها به‌عنوان قالبی معنادار، تحت عنوان نظام حاکم در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته؛ نظامی که برخاسته از شرایط، عمل-تعامل‌ها و پیامدهای یک اقدام بوده^{۱۱} و در قالب یک پارادایم^{۱۲} (الگوواره، نظام فکری، نظام علمی) برنامه‌ریزی و ارائه شده است. این رویکرد که در مطالعات نظریه زمینه‌ای مورد کاربرد بوده، در این پژوهش برای شناخت نظام اقدامات حفاظتی نزد معماران بومی مورد استفاده قرار گرفته است.

اقدامات حفاظتی

طبق تعاریف ارائه‌شده در مقدمه و به‌طور خلاصه، منظور از اقدامات حفاظتی، کلیه اقدامات انجام‌گرفته در اثر یا محیط آن در راستای کمک به افزایش طول عمر اثر است. در موضوع حفاظت امروز و در چالش‌های افرادی مثل لدوک^{۱۳}، راسکین^{۱۴}، بویتو^{۱۵}، پلترامی^{۱۶} و دیگران که تشکیل و تکوین تفکر حفاظت نوین به‌گونه‌ای ریشه در مباحث آنها دارد، محوریت بسیاری از مباحث به چگونگی و میزان دخالت در آثار باز می‌گردد (Muñoz Viñas, 2009: 56). از این منظر، حوزه مداخله یا اقدام عملی را می‌توان در روند شکل‌گیری دانش حفاظت، نقطه آغازین و از دلایل شکل‌گیری این دانش برشمرد و به‌گونه‌ای آن را همزاد و همراه حفاظت دانست و یا حوزه عمل حفاظت را خیلی نزدیک به آن احساس نمود (کشاورز، ۱۳۸۷: ۳۳). از این‌رو کیفیت و ابعاد عملی مداخلات حفاظتی، بخش مهمی از توصیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی را طی دهه‌های گذشته به‌خود اختصاص داده‌اند^{۱۷}. علاوه بر این، تعاریف متنوع ارائه‌شده برای "حفاظت" در این میثاق‌ها و مراجع معتبر علمی حفاظت^{۱۸}، حکایت از تلاش برای پوشش همه‌جانبه ابعاد مداخله در اثر و کسب اطمینان از روش‌های متنوع اقدام برای دست‌یابی به هدف غایی حفاظت را دارند.

هم‌چنان که بر طبق تعریف ارائه‌شده در منشور کراکو (ICOMOS, 2000)، حفاظت می‌تواند با انواع مختلفی از مداخلات مثل کنترل‌های محیطی^{۱۹}، نگهداری^{۲۰}، تعمیر^{۲۱}، مرمت^{۲۲}، نوسازی^{۲۳} و توان‌بخشی^{۲۴} درک شود و نوع اقدام حاکی از تصمیم‌ها^{۲۵}، انتخاب‌ها^{۲۶} و مسئولیت‌های^{۲۷} وابسته به تمامیت میراث است. از این منظر مداخله هر عمل، به‌غیر از تخریب و یا نابودی است که منجر به یک تغییر فیزیکی در عنصری از یک مکان تاریخی می‌شود و باید با احترام و حفاظت، ارزش‌های میراثی آن مورد توجه قرار گیرد (Canada, 2003: 3). مداخله می‌تواند عملیات حفاظتی، مرمتی، فعالیت‌های احیا و ارتقای شرایط را شامل شود.

بومی در روستاها و وجود معماران سنتی با تجربه، معماری و دانش بومی در این منطقه موضوع پژوهش بوده و از این‌رو، جنوب خراسان در عنوان مقاله نیز مورد تأکید قرار گرفته است. جمع‌آوری مطالب، برگرفته از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده که شاخصه‌ها و ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده‌اند. در بخش مطالعات میدانی نیز جمع‌آوری اطلاعات، به‌روش مشاهده، مصاحبه با سؤالات باز و گفتگو انجام پذیرفته است. لازم به‌ذکر است، ساختار پرسش‌ها به‌گونه‌ای بوده که بتواند به سؤالات پژوهش پاسخ دهد ولی با توجه به روش پژوهش، امکان این که سؤالات مشخصی از تمام مصاحبه‌شوندگان پرسیده شود، وجود نداشته و به‌همین دلیل، بیشتر نام گفتگو بر آن گذاشته شده است تا مصاحبه. انتخاب پرسش‌های باز در روند گفتگو به این دلیل بوده که مصاحبه‌شونده آزاد گذاشته شود تا هر آن‌چه در ذهن دارد بیان کند. تنها در برخی موارد در جهت هدایت فرآیند گفتگو، توسط مصاحبه‌کننده سؤالاتی پرسیده شده؛ از این‌رو نقش مصاحبه‌کننده، بیشتر هدایت مصاحبه در جهت موضوع مورد پژوهش بوده است.

روش تحقیق

معماران بومی، به‌عنوان حاملان دانش شفاهی حفاظت موضوع و منبع اصلی برای مطالعه و دست‌یابی به داده‌های مورد نظر در این پژوهش هستند. از طرفی هدف تحقیق، "شناسایی ساختار اقدامات حفاظتی نزد معماران بومی" بوده که منظور از آن شناسایی ساختار اقدامات، دست‌یابی به نظام فکری^۴ یا سامانه‌ای^۵ است که توسط معماران بومی برای اقدامات وجود داشته است. پژوهش پیش‌رو به‌اعتبار هدف، پژوهشی بنیادی و توسعه‌ای بوده که با تکیه بر داده‌های به‌دست آمده از گفتگو با نمونه‌های مورد مطالعه و با استفاده از روش‌های ترکیبی (تاریخی، توصیفی، پیمایشی و میدانی) انجام پذیرفته است. از آنجا که هدف از این مطالعه، شناخت دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص (اقدامات حفاظتی) بوده، اساساً مبتنی بر داده‌های کیفی است. بنابراین پس از مصاحبه، کُدگذاری متن گفتگوها برگرفته از نظریه زمینه‌ای^۶ - به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی - مبنای تجزیه و تحلیل داده‌ها قرار گرفته است. بدین منظور، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معماران بومی و ضبط و تبدیل این گفتگوها به متن، داده‌های اولیه مورد نیاز پژوهش فراهم آمده‌اند. در مرحله بعد با انجام فرآیند کُدگذاری برای واحدهای معنادار^۷ در متن گفتگو، مفاهیم مرتبط اختصاص داده شد و در قالب گروه‌های جدید دسته‌بندی شدند که بخشی از آنها

بدین ترتیب هدف حفاظت، به درازا کشاندن عمر اثر است (Muñoz Viñas, 2009: 56) و مداخله کاری است که این مهم را محقق می‌سازد (براندی، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ بنابراین همواره پیوندی تنگاتنگ میان این دو مقوله وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان اندیشیدن به حفاظت را در واقع اندیشیدن به محیط مداخله، چگونگی اقدام، مقیاس و میزان آن در آثار تلقی نمود؛ چرا که با این تعابیر، حفاظت میراث معماری بدون اقدام یا مداخله، عملاً وجود خارجی ندارد.

دانش ضمنی معماران بومی و اقدامات حفاظتی

همان‌طور که اشاره شد، تداوم حیات میراث معماری برای قرن‌ها و امکان مراجعه امروزه به بسیاری از آنها، مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با اقداماتی است که گذشتگان در راستای افزایش عمر این آثار یا همان مداخلات حفاظتی

انجام داده‌اند. لذا در اینجا متناسب با هدف پژوهش و در راستای پاسخ به پرسش محوری، از طریق مراجعه به این معماران تلاش شده است تا ضمن دریافت و درک دانش بومی مرتبط با حفاظت نزد ایشان، به تبیین ساختار فکری و نظام حاکم بر این اقدامات پرداخته شود؛ ساختاری که می‌تواند به مثابه الگوواره‌ای، نظام اقداماتی حفاظتی از منظر دانش بومی حفاظت در جنوب خراسان را معرفی کند. برای دستیابی به ابعاد مختلف این نظام -با توجه به نظریه زمینه‌ای که منشأ تئوریک آن را شکل می‌دهد و داده‌های به دست آمده از گفتگو با معماران که نموده‌های آن هستند- عوامل و مؤلفه‌های پیرامونی از طریق پرداختن به انواع شرایط علی (علت و دلیل)، شرایط زمینه‌ای، شرایط دخیل، راهبردهای عمل و تعامل و پیامدها، در قالب یک نظام در ادامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. بخشی از کدها و مفاهیم استخراج شده

زیردسته‌ها Sub-Categories		کدها - مفاهیم Codes
شرایط علی	باور و اعتقادات (نیات)	نذر / فعالیت خیریه
شرایط زمینه‌ای	اهمیت ارزش‌ها و باورها	ارزش‌های دینی و مذهبی / ارزش‌های تاریخی / باور و اعتقادات
شرایط زمینه‌ای	همکاری متقابل مردم صرفه‌جویی و قناعت (اخلاق فردی - اجتماعی) انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط اخلاق حرفه‌ای	همدلی و همراهی مردم / مشارکت مردمی / مشارکت مردمی در هزینه تعمیر
شرایط زمینه‌ای		قناعت / صرفه‌جویی در مصالح گران و سخت / استفاده از مصالح در دسترس و ارزان / صرفه‌جویی در هزینه / صرفه‌جویی در زمان
شرایط زمینه‌ای		سازگاری با شرایط مختلف / توجه به شرایط عموم مردم / مشارکت مردمی / سختی فعالیت تعمیر و معماری / تجربه و خلاقیت (ایده جدید)
شرایط دخیل		صبر و ممارست برای بهتر شدن نتیجه کار / کار درست و کار خوب / استفاده از مصالح همسان / حفظ امانت / احترام شاگرد به استاد
عمل-تعامل‌ها	به روز رسانی	انطباق و به‌روزرسانی با نیازهای روز / گسترش و توسعه
شرایط علی	میل به پیشرفت (روزآمدی)	به روز شدن / گسترش و توسعه / ترجیح مصالح روز
شرایط زمینه‌ای	پاسخ به تغییر الگوی معماری	پذیرش مصالح جدید / ترجیح مصالح روز / تغییر در شیوه و الگوی معماری
شرایط دخیل	اهمیت تجربه و تخصص	مستند کردن نام معمار / اعتماد به معمار / ایمان به توانایی / توانایی و تخصص معمار / اعتماد به شاگرد / شناخت تجربی مصالح / تقلید از تجربه دیگران / تجربه و خلاقیت (ایده جدید) / کسب مهارت و تجربه در گذر زمان
شرایط علی	تعمیرات منظم و دوره‌ای	الزامات مرمت متداوم / تقویت کالبد / تداوم داشتن تعمیر و مرمت
پیامدها و نتایج	حفظ پایداری در سازه (کالبد)	استحکام داشتن / تداوم داشتن تعمیر و مرمت برای پایداری / تقویت کالبد
پیامدها و نتایج	حفظ کارکرد	حفظ کلیت ساختار با حذف عناصر / عدم وجود ضوابط برای تعمیر / تداوم داشتن تعمیر و مرمت / انطباق و به روز رسانی / تعمیر و مرمت

(نگارندگان)

شرایط علی (علت و دلیل)

توأمان با پی گیری مسیر دست یابی به نظام اقدامات، برگرفته از روش نظریه زمینه‌ای، بستری برای طرح مباحثی در ارتباط با فهم دلایل و علت‌ها فراهم شد که از مجموع آنها به "شرایط علی" یاد می‌شود. علی یا سبب‌ساز، معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند، پایه‌های اولیه برای انجام یک عمل را ساخته و به وقایعی دلالت می‌کنند که به وقوع، رشد یا افول پدیده‌ای منتهی می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۳) که با این تعبیر می‌توان گفت در بحث اقدامات انجام شده، این شرایط خواهند توانست مواردی که معماران به‌منظور آنها مداخلاتی در آثار موجب می‌شوند را ارائه نمایند^{۲۸}. البته پرداختن به شرایط علی بدون توجه به تمایز مابین دلیل^{۲۹} و علت^{۳۰} ممکن نیست؛ به‌طوری که هر کدام از آنها می‌تواند جنبه‌ها و شرایط متفاوتی را - که از تفاوت‌های مابین عالم انسان و عالم طبیعت یا علوم انسانی و علوم طبیعی منتج شده^{۳۱} - در بر گیرد و واجد روش متناسب خود باشد^{۳۲}. به بیان دیگر، در بحث شرایط علی تلاش بر این است که بدانیم انسان‌ها یا طبیعت، چرا و به چه ترتیبی دست به عمل یا واکنش می‌زنند و به چه موقعیت‌ها و مسائل یا اموری پاسخ یا واکنش نشان می‌دهند تا به راهبردهای عمل و تعامل برسند؛ البته آن‌چه بیشتر مورد توجه است بُعد انسانی و پاسخ به مسائل خواهد بود. در موضوع اقدامات حفاظتی، عامل انسانی مداخله (معمار)، محور اصلی اقدام و عمل است و از این منظر می‌توان اقدام حفاظتی را به‌عنوان بخشی از علوم اجتماعی^{۳۳} و علوم انسانی^{۳۴} در نظر گرفت و تأثیر و تأثرات متناسب با آن را مورد بحث قرار داد. معمار در فرآیند اقدام حفاظتی برای یک مسأله پاسخی اعمال می‌کند؛ پاسخی که عملی سنجیده و مسبوق به دلیل و اختیار است (سروش، ۱۳۶۷: ۵۸). این دلایل می‌توانند نگاه ارزشی و اعتقادی مردم و یا معمار نسبت به آثار و یا درک و شناختی باشند که معمار نسبت به مسأله یا موضوع دارد. از آنجا که هر اقدام حفاظتی با یک فرآیند شناخت، تشخیص و در نهایت اقدام صورت پذیرفته و در این فرآیند معمار نقش مستقیم دارد، پس عملی سنجیده و با تصمیم و اراده خواهد بود و می‌توان در نظر داشت که رویکردی دلیل‌گرایانه در اقدامات وجود داشته است.

هم‌چنین می‌توان اقدام عملی را از منظر علوم طبیعی^{۳۵} نیز مطالعه نمود؛ فرسایش‌های ناشی از شرایط اقلیمی، کاهش توان باربری و در نتیجه از بین رفتن کارکرد آثار معماری از یک طرف و عکس‌العمل رویدادهای طبیعی نسبت به آثار

معماری و واکنش معماران نسبت به آنها (مداخلاتی که در آثار معماری صورت پذیرفته‌اند) از طرف دیگر می‌توانند نمونه‌هایی از رویکرد طبیعی بوده که بخشی از رخدادهای مداخله‌ای در آثار را در بر می‌گیرند. در این راستا، کدهای استخراج شده نشان می‌دهند که اقدامات انجام شده از بُعد شرایط علی در دو گروه علت (به‌مثابه پدیده طبیعی) و دلیل (به‌مثابه پدیده اجتماعی) می‌توانند مورد توجه باشند. همان‌طور که در **تصویر ۲** آمده است، در باب علت می‌توان مشکلات پایداری (حفاظت‌های پیشگیرانه) و شرایط اضطراری کالبد (در راستای آسیب) و در باب دلیل می‌توان تعمیرات منظم و دوره‌ای (الزامات مرمت مداوم)، پاسخ به نیازهای روز (روزآمدی) و باور و اعتقادات (نیات) را مد نظر داشت؛ که از کدهای حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شده و نمونه‌هایی از آنها در **جدول ۳** آمده‌اند. این موارد از لحاظ نگارشی نیز می‌توانند در چند دسته قابل بحث باشند؛ نگرش‌های کارکردی^{۳۶}، اعتقادی^{۳۷} و ساختاری^{۳۸} مواردی هستند که در دلایل اقدامات عملی مد نظر و موارد اشاره شده را می‌توان در قالب این سه نگرش نیز جای داد.

شرایط زمینه‌ای

تعیین یا تعریف شرایط زمینه‌ای و مؤثر بر اقدامات حفاظتی، مجموعه‌ای از روابط و شرایط حاکم بر آنها را هدف قرار داده است که در کنار شرایط علی - که دلایل و علت‌ها را مرور نمود - شرایط و تأثیرات محیط بر اقدام عملی را مطرح و ارائه می‌نماید. شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایط بوده که در یک زمان و مکان خاص جمع آمده تا مجموعه مسائلی را به‌وجود آورند که اشخاص با عمل/ تعامل خود در پی پاسخ به آنها هستند. این شرایط مشخص می‌کنند که چرا پدیده‌ای هم‌چون اقدام حفاظتی در برخی موارد بیشتر



تصویر ۲. شرایط علی (نگارندگان)



جدول ۳. نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث در مصاحبه‌ها

موضوع	نیاز تعمیرات منظم	مسائل عدم پایداری	پاسخ به نیازهای روز	شرایط اضطراری کالبد	باور و اعتقادات
نمونه متن مصاحبه	«... خانه آقای فروغ رو هم خودم تعمیر می‌کردم ... و الانم همون جور که تعمیر می‌کنن هست...» «... ما چند مرتبه تعمیرش کردیم ...»	«...یک نفر ساعی شده بود که این آب‌انبار در شرف خراب شدن است، محکم کنید، محکم کردیم ...»	«... تغییری می‌خواستن تو خونه بدن ...» «... با خشت خام، باز دوباره با آجر، باز دوباره آهن مرسوم شد...»	«... مسجد تو زلزله خراب شد همون آقای فروغ درست کردند ... سرخیرش شدند ...» «... اون ایوونهای بزرگ خراب شده بود اونا رو درستش کردیم ...»	«... من پیش از اون که برم به نظام نیت کرده بودم که برای پیر [مقبره پیر روستا] ده روز برم کار کنم ...» «... بلغور بدیم برای سلامتی ده که زلزله نیاد، گفتم بیا بریم، دور و بر پیر شیم، کار کنیم و درست کنیم ...»

(نگارندگان)

در بخش گذشته مرور شد و شرایط دخیل آنهایی هستند که شرایط علی را به‌نحوی تحت تأثیر و تغییر قرار داده و اکثراً برخاسته از اوضاع و احوال نامنتظره و اتفاقی هستند که لازم است با عمل-تعامل به آنها پاسخ داده شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۴). در حوزه مداخله علاوه بر تعریف موجود می‌توان از دو مؤلفه "موضوع مورد اقدام" و "عامل اقدام" یاد کرد. بدیهی است که از این بین، عامل، نقش تعیین‌کننده‌ای در اقدام عملی داشته و در نتیجه یکی از شرایط دخیل در مداخله است. همان‌طور که ارژمند و امین‌پور (۱۳۹۴) اشاره می‌کنند، با مرور نظریه‌های مرمتی می‌توان دریافت که در کلیه آنها موضوع مرمت همواره مورد توجه خاص بوده و به شخص مرمتگر توجه اندکی شده و بر ویژگی‌های فردی وی، منشأ صلاحیت و روش‌های معاشرت و توانایی درک و خوانش اثر، تأکید چندانی نشده است و همواره آن را مبتنی بر کسب تجربه و تحصیل مهارت، مفروض دانسته‌اند. منظره‌ای که نشان می‌دهد میزان توانایی، نوع تخصص، مرتبه و شیوه آموزش

و یا کمتر بوده، یا وقتی انجام شده و حتی وقتی انجام نشده است. از دیدگاه استراوس و کوربین (۱۳۹۴: ۱۵۴) این موارد که در شرایط علی و دخیل نیز تأثیر متقابل دارند، محصول چگونگی تلاقی آنها با یکدیگر هستند.

در موضوع اقدام عملی، با بررسی انجام‌شده بر روی داده‌ها مطابق با تصویر ۳، مشخص شد که بخش مهمی از جملات گدگذاری شده در حوزه "ارتباط جامعه و محیط" بر اقدام هستند. جامعه در بیشتر اوقات، مخاطبی خاموش و اثرپذیر تلقی می‌شود که اگر با هوشمندی معمار به مخاطبی اثرگذار و پرخروش تبدیل شود، راه را برای ارتقای مستمر و دائمی محیط زیست انسان‌ها فراهم می‌کند (ندیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). اقدام مرمتی نیز به‌عنوان یک عمل حفاظتی در بستر جامعه شکل گرفته و بالطبع از شرایط و عناصر جامعه (مردم) تأثیر پذیرفته است. روابط بین جامعه و معماری بسته به موضوع این نوشتار تحت عنوان مردم‌شناسی فرهنگی^{۳۹} امروزه نیز مورد بحث بوده و موجب هویداشدن پیوندهای بین بومیان و کالبدهای تاریخی بازمانده می‌شود که ویژگی‌های انسان‌هایی که در درون و یا در مجاورت بناها و محوطه‌ها زندگی می‌کنند در آن هویدا است (فتحی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۹۹؛ فلامکی، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۵۶). در این بررسی نیز مباحث مرتبط با جامعه و اقدام عملی که در قالب گد‌های استخراج‌شده دیده می‌شوند، از ۴ منظر (تغییر در مصالح و شیوه معماری، ارزش و باور، هنجارها، مسائل و محدودیت‌ها) در مفاهیم آشکار هستند (جدول ۴).

شرایط دخیل (میانجی)

علت‌ها و دلایل مرور شده در بخش ابتدایی در فرآیند اقدام، تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و هم‌چنین شرایط دخیل می‌توانند منجر به فراز و فرودهایی شوند. شرایط زمینه‌ای



تصویر ۳. شرایط متکی بر زمینه (نگارندگان)

موضوع	تغییر در مصالح و شیوه معماری	ارزش و باور	هنجارها	مسائل و محدودیت‌ها
نمونه متن مصاحبه	«... از زمانی که اجر اومد دیگه ما با خشت خام کار نکردیم ...» «... برای تعمیر دیوارای خشتی بعدها از آجرهایی که به قدر خشت چهار گوش بود استفاده می کردیم ...»	«... این مسجد جامع قدیمی‌ها می گفتند که امام حسن مجتبی اومده اینجا ...» «... این مسجد، مسجدی نیست که در یادبود ماها باشه [تاریخ] ...»	«... اون زمان چهار روز شما می اومدین، پنج روز من می اومدم، کاه گل می کردیم ...» «... خشت مال‌ها قالب‌هاشون رو تحویل می گرفتن؛ هر جا رسید نمی انداختن ... تو آفتاب نمی انداختن ...»	«... اون زمان آهک به اون صورت که الان هست نبود ...» «... مثل الان وسایل نبود، چوب بست و داربست و اینها نبود ...»

(نگارندگان)

عامل اقدام بدون شک از موارد دخیل در مداخله خواهد بود و به تبع تغییر و تفاوت در آنها، تفاوت در نوع اقدام و چگونگی برخورد نهایی را در پی خواهد داشت.

انجام عمل حفاظتی به واسطه معمار بومی صورت می‌گیرد و آن چه در فرآیند عمل مد نظر است، وابسته به شخص مجری خواهد بود. بررسی‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهند مجری اقدام حفاظتی در فرآیند اقدام دارای ویژگی‌هایی است که هر کدام می‌توانند دخیل در مداخله و یا موجب تغییراتی در آن شوند. بررسی کدهای استخراج شده نشان می‌دهند این موارد از سه منظر شاخص هستند: تجربه و تخصص، مراتب معماران و انگیزه و یادگیری. تجربه به عنوان دانش عملی، مهارت یا عمل به دست آمده از مشاهده مستقیم و یا مشارکت در رخدادهای فعالیت‌های خاص شناخته می‌شود و وقتی با رویکردی اختصاصی و متمرکز بر موضوعی خاص باشد، به تدریج تخصص را ایجاد خواهد نمود. این تجربه و تخصص، به مباحث مرتبط با خلاقیت، بالارفتن قدرت تصمیم‌گیری و ارائه تمهید و هم‌چنین ارزیابی معمار اشاره دارد. مراتب معماران نیز موجب تفاوت در نظر و دیدگاه آنها شده و نشان می‌دهد رسیدن به مراتب از شاگردی کردن آغاز و تا اهلیت معمار پیش می‌رود؛ مواردی که هم‌ارز با ارزیابی و اعتماد معمار نیز هستند. در باب انگیزه و یادگیری نیز دو موضوع علاقه به فراگیری و شیوه آموختن، شاخص بوده و در اقدامات تأثیرگذار خواهند بود. یادگیری از طریق مشاهده و یادگیری از طریق انجام دادن کار، مواردی است که در این بین مورد توجه هستند.

عمل-تعامل‌ها

اصطلاح عمل-تعامل یا کنش-کنش متقابل، غالباً برای روش‌ها و طرز عمل‌های عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور (راه‌های چاره) به کار

گرفته می‌شود. مردم، سازمان‌ها، جوامع یا ملت‌ها در رفتار یا گفتار عادی خود، تاکتیک‌ها یا رفتارهای عادی دارند، اما عمل-تعامل‌های راهبردی، کنش‌هایی با منظور بوده که برای حل یک مسأله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آنها، پدیده شکل می‌گیرد. هم‌چنین عمل-تعامل‌ها نزد افرادی که به صورت گروه عمل کرده، می‌توانند در هماهنگی با یکدیگر باشند یا نباشند. هم‌چنین در طول زمان این عمل-تعامل‌ها در اثر تعریف و معنایی که افراد به موقعیت‌ها می‌دهند، تحول می‌یابند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۵ و ۱۵۶). در حقیقت، چگونگی برخورد با مسائل از نگاه عملی را می‌توان در این راهبردها بحث نمود.

در حوزه حفاظت نیز در باب چگونگی برخورد معماران با مسائل مرتبط با آثار تاریخی، روش‌های مداخلاتی متنوعی مد نظر قرار گرفته‌اند. این موارد که تحت عنوان راهبردهای عمل و تعامل در این بخش ارائه شده، در جهت پاسخ به شرایط علی و با بهره‌گیری از انواع درجات مداخله، مد نظر قرار گرفته‌اند. در حالی که در ساختار امروز حفاظت ممکن است گروهی از این درجات، پسندیده و گروهی ناپسند شمرده شوند، اما به نظر می‌رسد در گذشته مورد کاربرد بوده و مورد شناخت معماران گذشته بوده‌اند. با توجه به نگرش حفاظتی معمار سنتی، ارزش‌گذاری این درجات مداخله، متفاوت و استراتژی‌های برگزیده شده در پاسخ به یک مسأله، بسته به شرایط و موقعیت، انتخاب یکی از این درجات خواهند بود. در این باب که در «عمل»، کدام‌یک از این موارد برگزیده شود و مورد استفاده قرار گیرد، بسته به «تجربه»، «قدرت خلاقیت»، «ریسک‌پذیری» و «تصمیم‌گیری» معمار، متفاوت خواهد بود (مواردی که در بخش گذشته نیز درباره آنها بحث شد). همین موضوع موجب می‌شود بتوان با بررسی اقدامات انجام‌شده و بررسی کدهای حاصل از گفتگوها، گروهی از



پیامدها و نتایج

هر جا انجام یا عدم انجام عمل-تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آیند؛ برخی از این پیامدها خواسته (اهداف برنامه‌ریزی شده) و برخی ناخواسته (ضرر یا فایده غیرمترقبه و یا هدف منحرف شده)^۴ هستند. پیامدها نیز مانند دیگر شرایط مرورشده، ویژگی‌های ذاتی خود را داشته و می‌توانند یکی (البته به‌ندرت) و یا بسیار باشند، کوتاه‌مدت باشند یا درازمدت، یا هم‌چنین برای شخص مشهود، اما از دید دیگران پنهان باشند. پیامدها می‌توانند فوری یا تدریجی باشند، بازگشت‌پذیر یا بی‌بازگشت باشند، قابل پیش‌بینی یا پیش‌بینی‌ناپذیر باشند، اثرشان می‌تواند کم‌دامنه (فقط بر روی بخش کوچکی از موقعیت اثر بگذارند) یا گسترده باشد به‌صورتی که پیامدها از یکدیگر زاده شوند و زنجیره وقایعی را بیافرینند که کل زمینه را عوض کند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۶ و ۱۵۷). پیامدها در تمام موضوعات وجود دارند و در اقدامات حفاظتی نیز مابهازا خواهند داشت و در مقام تحلیل، هدف آن است که این پیامدها هر چه بیشتر شناخته، دریافته و تحلیل و تفسیر شوند.

در خلال بررسی‌های مرتبط با اقدامات حفاظتی، هدف‌های خواسته و این‌که با چه انگیزه‌هایی این اقدامات صورت می‌پذیرفته یا تفسیر نتایجی که انتظار می‌رفته از این اقدامات حاصل شوند چه بوده است، یکی از مهم‌ترین دسته‌گدهای استخراج شده هستند. آن‌چه در این قالب در **تصویر ۵** نیز آمده است، دو رویکرد شاخص را نشان می‌دهد که یا در جهت تداوم کارکرد (عملکرد) و یا حفظ پایداری (سازه و کالبد)، صورت پذیرفته‌اند (**جدول ۶**). آثار معماری و علی‌الخصوص بناهای عام‌المنفعه که بخش مهمی از اقدامات انجام‌شده توسط معماران بومی در آنها صورت پذیرفته‌اند، هم‌چون یک تکلیف و عرف لازم بوده است تا آباد بماند (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۲) و به‌همین منظور تلاش شده تا بخش کارکرد و عملکرد در کنار کالبد در آنها همواره مد نظر

این درجات مداخله که در موقعیت‌های مختلف استفاده شده‌اند را در نظر داشت. همان‌طور که در **تصویر ۴** نیز ارائه شده است، تعمیر، نو ساختن، به‌روز رسانی و دوباره ساختن، مباحثی بوده که به‌عنوان این درجات مد نظر معماران بومی قرار گرفته‌اند (**جدول ۵**). این راه‌حل‌ها به‌نوعی تمهیدی برای حفظ اصول و باورهایی هستند که تحت عنوان ارزش‌های معماری می‌شناسیم و معماران سنتی تلاش داشته‌اند تا آنها را حفظ کنند. هم‌چنین این موارد دارای سطوح متفاوتی بوده که بسته به شرایط انتخاب می‌شوند و به‌ترتیب با تعمیر، به‌روز رسانی، نو ساختن و در نهایت با دوباره ساختن، مورد توجه معماران بومی قرار گرفته‌اند.



تصویر ۴. راهبردهای عمل-تعامل (نگارندگان)

جدول ۵. نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث در مصاحبه‌ها

موضوع	تعمیر	نو کردن	به‌روز رسانی	دوباره ساختن
نمونه متن مصاحبه	«... کارمون همین کارای تعمیرکاری بود...» «... کارای تعمیری مثل مسجد جامع...»	«... دیواراش گچ نبود، ما رفتیم دیگه گچ کردیم...» «... یک بار شاگرد آقای آذری بودم ایوون مسجد رو سفید کردم با گچ...»	«درخت گردو رو کردند و اون صوفه رو خرابش کردند، مسجد رو وسیع کردند...» «... زیادش کرد، کوچک بود بزرگترش کرد...»	«... خانه‌ها همچین که کمی خراب می‌شد، تخریب می‌کردن و می‌ساختند...» «... مسجد قدیمی بود که باز جدیدش کردند...»

(نگارندگان)

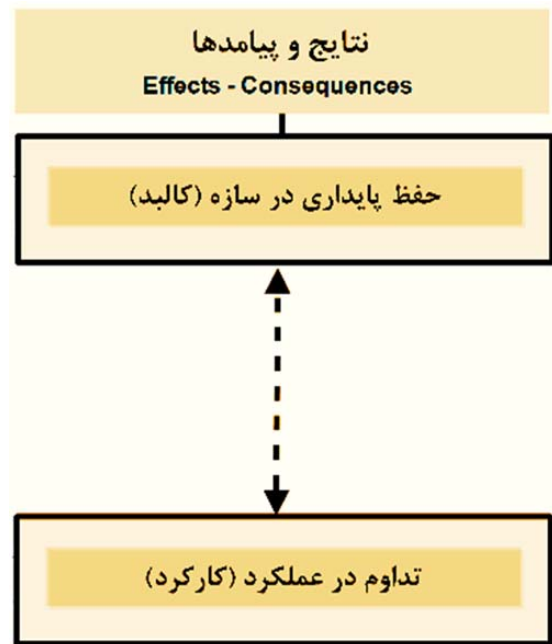
که برای اقدام عملی وجود داشته (شرایط علی) و در جهت پاسخ و حل آنها، راهبرد یا روش‌هایی را مد نظر داشته‌اند که تحت عنوان عمل و تعامل از آنها یاد شد. مجموع شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و دخیل (مجری اقدام حفاظتی)، مواردی بوده که در انتخاب روش برخورد متناسب، مؤثر بوده‌اند. می‌توان گفت این روش‌های برخورد، در پاسخ به شرایط علی شکل گرفته و تحت تأثیر شرایط زمینه و دخیل، تغییراتی را نیز با خود به‌همراه داشته‌اند. از طرفی، به‌دلیل این‌که ذهنیات و افکار معمار و اجراکننده (معماران بومی در این مطالعه) نمی‌تواند نادیده انگاشته شود، شخص معمار و ذهنیات وی بر این شرایط علی و انتخاب روش برخورد، تأثیر گذاشته و بخشی از تصمیم‌گیری برای روش برخورد انتخابی به نظر شخصی، تجربه و تخصص وی وابسته بوده است. آن‌چه تحت عنوان پیامدها و با دو عنوان «تداوم در عملکرد» و «حفظ پایداری در سازه» بحث شد، نیز مواردی هستند که معمار به‌عنوان نتیجه از اقدامات انتظار داشته است. رابطه بین این دو مورد با راهبردها نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین این دو (راهبردها و پیامدها) وجود دارد.

برای نیل به «تداوم عملکرد»، معماران اغلب از دو روش «به‌روز رسانی» و «دوباره ساختن» بهره گرفته‌اند و در راستای نائل شدن به «حفظ پایداری در سازه»، از «تعمیر» که به‌صورت دوره‌ای انجام می‌پذیرفته است، بهره برده‌اند. بحث «نو کردن» نیز نتایجی از هر دو نوع (عملکرد و ساختار) را در نظر داشته است. این ساختار که در تصویر ۶ ارائه شده، یک نظام و سامانه منظم در اقدامات حفاظتی را نشان می‌دهد که می‌تواند شرایط و عوامل مؤثر اولیه بر یک اقدام حفاظتی را ارائه نماید. همچنین مجموع آنها می‌توانند به‌عنوان جنبه‌های تأثیرگذار در تصمیم و اقدام عملی، مورد توجه باشند. علاوه بر آن‌چه با عنوان این نظام معرفی شد، تکمیل مباحث ارائه‌شده با نمونه‌ها و مصداق‌های موردی در مصاحبه نیز در متن مرور شد تا ارتباط ملموس‌تری با منطقه مورد مطالعه و مصاحبه‌ها صورت پذیرد.

باشد. البته لازم به‌ذکر است در بُعد پیامدهای مداخله، موارد دیگری مثل توسعه و گسترش آثار نیز ممکن است به‌عنوان پیامد به‌نظر برسند ولی اگر به‌دقت در اهداف آن بنگریم، حفظ همان عملکرد و کارکرد اثر مد نظر بوده که با راهبرد گسترش و توسعه، تلاش شده مهیا شود (در بخش گذشته تحت عنوان به‌روز رسانی و انطباق از این موضوع یاد شد).

نظام حاکم بر یک اقدام حفاظتی از منظر معماران بومی

مباحث مرتبط با اقدامات یا مداخلات که در قالب این مقاله مرور شد، با تجزیه و تحلیل داده‌ها، یک نظام در اقدامات حفاظتی را شناسایی نموده که توسط معماران به‌کار گرفته می‌شده است؛ نظامی هدف‌دار مبتنی بر پنج دسته، که از شرایط علی، دخیل و مبتنی بر زمینه (میانجی) آغاز و با بهره‌گیری از راهبردها برای رسیدن به پیامدها شکل می‌گرفته است. در نتیجه، معماران بومی با توجه به علت‌ها و دلایلی

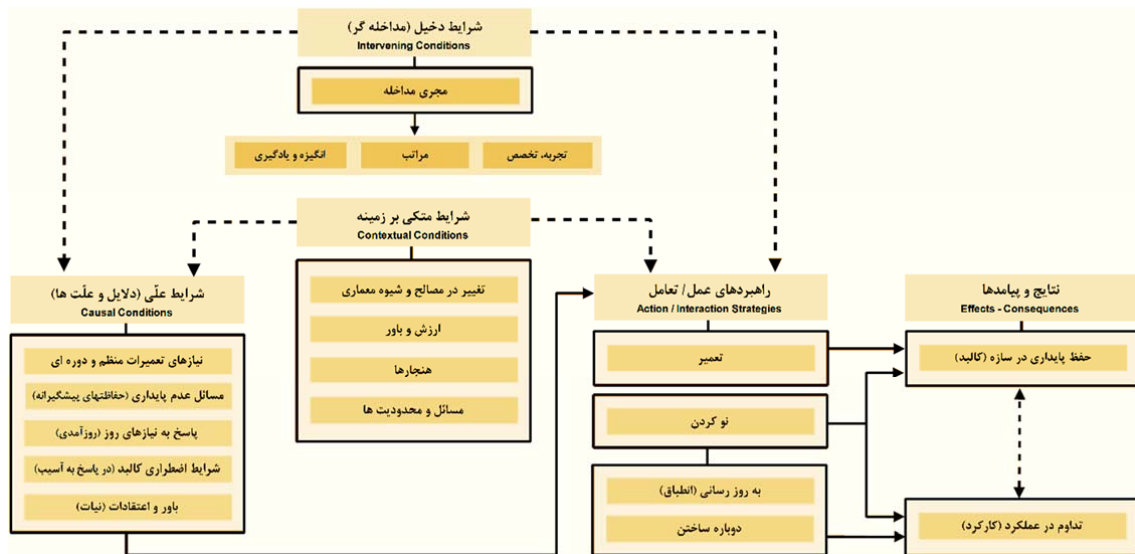


تصویر ۵. نتایج و پیامدها (نگارندگان)

جدول ۶. نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث در مصاحبه‌ها

موضوع	تداوم در عملکرد	حفظ پایداری در سازه
نمونه متن مصاحبه	«مسجد رقه پیش از این دارای عناصری بوده که در پی مداخلات صورت‌پذیرفته از بین رفته‌اند» و بدون توجه به ساخت دوباره یا حفظ باقیمانده‌های آن کلیت ساختار مسجد پابرجا مانده است (م ۳، وفائی، ۹۴۰۵۲۴) تا عملکرد مسجد حفظ شود.	«... بعضی وقت‌ها در هر دو رجش یک رج رو با گچ کار می‌کردند که مستحکم باشه» «... در هر جا سؤال کنید استاد عبدالله خاکسار برای محکم‌کاری پیدا نمی‌شه ...»

(نگارندگان)



تصویر ۶. نظام مداخلات حفاظتی معماران بومی در میراث معماری (نگارندگان)

بحث (حفاظت در عمل از نگاه معمار بومی)

علاوه بر آن چه به‌عنوان نظام حاکم بر اقدام حفاظتی از این مطالعه استنتاج شد، مبحث پیرامون تفکر حاکم و تصور معماران سنتی از مقوله آسیب و مرمت نیز قابل بحث است. این موضوع می‌تواند معرف تصویری باشد که از موضوع حفاظت و مرمت و برخوردهای حفاظتی با اثر با ارزش میراثی وجود داشته است؛ هم‌چنین خواهد توانست قرابت‌ها و تفاوت‌های بین نظام اقدامات حفاظتی و مرمتی گذشته و آن چه امروز در موضوع حفاظت ارائه می‌شود را مشخص تر نماید. هم‌چنین این موضوع در قالب تفاوت بین فکر و عمل حفاظت، قابل توجه است. به‌نظر می‌رسد مجری حفاظت با این که همراه با یک نظام تئوری عمل می‌کرده، کمتر توانسته از آن بهره بگیرد و بیشتر مجموعه عواملی که بر یک اقدام مؤثر بوده، در تصمیم و اجرای عمل نقش دارند. علت‌ها و شرایط زمینه، مواردی هستند که بسته به شرایط برای هر اقدام حفاظتی وجود خواهند داشت و هیچ اقدامی بدون آنها چه در گذشته و چه امروز شکل نمی‌گیرد؛ مواردی که در برخی مواقع خود موجب تغییرات اساسی در فرآیند یک عمل حفاظتی نیز خواهند شد. به‌بیان دیگر، هیچ‌گاه معمار در محیط بومی در عمل با تمام ایده‌آل‌ها تصمیم نمی‌گیرد و یا می‌توان گفت نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ زیرا با توجه به نتایج به‌نظر می‌رسد، انتظاری که در جامعه گذشته از معمار بوده در جهت تئوری امروز حفاظت نیست. جامعه گذشته نه تنها کمتر انتظار حفظ و ارتقای ارزش‌های اثر ارزشمند را از مجری عمل دارد، بلکه تداوم عملکرد و یا استفاده مداوم از اثر و یا استحکام سازه برای مردم گذشته بیشتر قابل تأکید و توجه است. لذا به‌روز رسانی و تخریب برای ساختن

اثر معماری جدید بر روی بقایای معماری تاریخی، نیز از نظر آنها ارزشمند انگاشته می‌شود؛ زیرا از نگاهی متفاوت و مثبت، اثر معماری تبدیل به بهتر شده است، نه این که دیگر این اثر آن ویژگی‌های معماری و تاریخی گذشته را با ایجاد سازه جدید و یا توسعه ساختار معماری از بین برده باشد. همین نگاه موجب می‌شود که امروزه نیز در بطن جامعه و به‌خصوص در مناطق روستایی، موضوع میراث فرهنگی، برخی مواقع در حاشیه قرار گیرد. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه به‌نظر می‌رسد، این موضوع به تصور افراد علی‌الخصوص در مناطق روستایی مرتبط باشد. با توجه به برداشت اولیه از نتایج به‌نظر می‌رسد، تصور افراد از محیط برخواسته و با توجه به شرایط و نیازهای آن جامعه شکل می‌گیرد تا این که به درک اهمیت و ارزش میراث فرهنگی توجه داشته باشد. وقتی شرایط زمینه در یک جامعه و هنجارها و باورهای آن، اولویت اول اقدام است و این هنجارها و باورها موضوع میراث فرهنگی را با آن چه امروزه از آن تعریف می‌شود متفاوت می‌پندارند، نمی‌توان انتظار داشت چه مردم و چه حتی معماران بومی که تنها مجری عمل بوده بتوانند اقدامی همسان با نگاه حفاظت امروز شکل دهند. این تصور متفاوت از موضوع اقدام حفاظتی در بین دو گروه نظریه‌پردازان و محققین و در طرف دیگر معماران و مردم بومی، تناقض نگاه را نشان می‌دهد، اگر چه شاید اشتراکاتی نیز در آنها دیده شود. این موضوع، ضرورت آموزش و ترویج موضوعات مرتبط با میراث فرهنگی را در بین مردم (علی‌الخصوص در محیط‌های کوچک‌تر روستایی) در اولویت اول قرار می‌دهد تا در قدم بعدی بتواند در عمل حفاظت مؤثر باشد؛ موضوعی که تا کنون مغفول مانده است.

نتیجه‌گیری

نظام و نگاه حاکم بر یک اقدام حفاظتی با بهره‌گیری از دانش ضمنی معماران در جنوب خراسان، به‌عنوان موضوع و مسأله پژوهش در این مطالعه مورد توجه است. این پژوهش که برخواسته از مصاحبه و مطالعه میدانی بوده، شرایط پیرامونی و نظام حاکم بر اقدامات را به‌عنوان هدف دنبال کرده است. خروجی‌های اولیه نشان داد که جامعه و محیط به‌عنوان شرایط زمینه موضوعی مؤثر بر اقدام عملی هستند و از این‌رو به‌عنوان تفکر حاکم، بخشی نیز به تحلیل تأثیر متقابل تفکر حاکم بر اقدام حفاظتی پرداخته شد. در مجموع از نگاه معماران بومی، مجموعه‌ای از علت‌ها و دلایلی که برای اقدام مرمتی وجود داشت، تحت عنوان شرایط علی (نیازهای تعمیرات منظم و دوره‌ای، مسائل عدم پایداری، پاسخ به نیازهای روز، شرایط اضطراری کالبد و باور و اعتقادات) از آنها نام برده شد. مجموع این شرایط علی تحت تأثیر شرایط زمینه (تغییر در مصالح و شیوه معماری، ارزش و باور، هنجارها و مسائل و محدودیت‌ها) و دخیل (مجری اقدام مرمتی) قرار داشته و این شرایط نیز در انتخاب روش برخورد متناسب، مؤثر بوده‌اند. این عوامل مؤثر، تفکر حاکم بر یک اقدام حفاظتی را نیز شکل می‌دهند که قبلاً درباره آن بحث شده است.

به‌دلیل این‌که ذهنیات و افکار معمار و مجری اقدام حفاظتی (معماران بومی در این مطالعه) نمی‌تواند نادیده انگاشته شود، شخص معمار و ذهنیات وی بر این شرایط علی و انتخاب روش برخورد، تأثیر گذاشته‌اند. در این راستا، بخشی از تصمیم‌گیری برای علت مداخله یا روش انتخابی علاوه بر این‌که به نظر شخصی معمار وابسته بوده، تحت تأثیر مستقیم شرایط جامعه نیز بوده و تفکر حاکم، بخش مهمی از فرآیند اقدام را تحت تأثیر قرار داده است. در تکمیل این نظام برخورد و با توجه به سؤالات پژوهش، تعمیر، نو کردن، به‌روز رسانی و دوباره ساختن در پاسخ به شرایط پیرامونی به‌عنوان راهبرد عملی، مورد توجه معماران قرار گرفته که تحت تأثیر شرایط زمینه و دخیل و بسته به آنها، تغییراتی را نیز با خود به‌همراه داشته‌اند. انتخاب این روش برخوردها بسته به موضوع تحت اقدام، تفاوت‌هایی را با خود به‌همراه داشته است. آنچه تحت عنوان پیامدها و با دو عنوان "تداوم در عملکرد" و "حفظ پایداری در سازه" بحث شد، نیز مواردی هستند که به‌عنوان نتیجه در اقدامات مد نظر قرار گرفته‌اند. رابطه بین این دو هدف با راهبردها نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین این دو (راهبردها و پیامدها) وجود دارد؛ زیرا برای نیل به "تداوم عملکرد"، معماران اغلب از دو روش "به‌روز رسانی" و "دوباره ساختن" بهره گرفته و در راستای نائل شدن به "حفظ پایداری در سازه"، نیز از "تعمیر" که به‌صورت دوره‌ای انجام می‌پذیرفته، بهره برده‌اند. بحث "نو کردن" نیز نتایجی از هر دو نوع (عملکرد و ساختار) را در نظر داشته است.

یافته‌های حاصل با توجه به برداشت آنها از دانش ضمنی معماران در ساده‌ترین حالت، مبتنی بر حفاظت بومی است و از طرفی، بر یک عمل برخواسته از تفکر حاکم تأثیر خواهد گذاشت. علاوه بر این، اهمیت نظام فکری از آنجا که می‌تواند در مقام ارزیابی از اقدامات انجام‌شده و شناسایی علت‌ها، راهبردها و یا عوامل محیطی مؤثر در یک تصمیم مرجعی مناسب باشد، نیز قابل توجه است. این مفاهیم اولیه با مقایسه و ترکیب با یکدیگر، می‌توانند مفاهیم ارتقا یافته‌ای را شکل دهند که هم از نظر بار مفهومی و هم دست‌یابی به سطوح بالاتری از بینش معماران گذشته قابل استناد هستند. این قیاس می‌تواند نسبت به پژوهش‌های نظری حوزه حفاظت و مرمت نیز مد نظر و جنبه‌های جدیدی از موضوع را ارائه نماید.

پی‌نوشت

1. از منظر مدیریت دانش، معمول‌ترین تقسیم‌بندی ارائه‌شده از دانش، دسته‌بندی آن به دو گروه دانش صریح یا آشکار (Explicit Knowledge) و ضمنی یا پنهان (Tacit Knowledge) است که از تعریف نوناکا و تاکئوچی گرفته شده است (Nonaka & Takeuchi, 2000: 181).

2. Paradigm
3. Theoretical sampling / Purposive sampling (Judgmental sampling)



۴. استفاده از واژه نظام فکری علاوه بر بررسی نظام ذهنی انسان‌ها (معماران)، بدین دلیل بوده که در روش نظریه زمینه‌ای (Grounded theory) از این تحلیل تحت عنوان پارادایم یاد شده است؛ برای نمونه نگاه کنید به (Strauss & Corbin, 1998: 123 & 127-142).
۵. منظور، مباحثی است که در نیمه قرن بیستم توسط برتالانفی (Ludwing Von Bertalanffy)، تحت عنوان نظریه سیستمی یا سامانه‌ای (General System Theory) ارائه شد و در راستای آن در حوزه معماری نیز از این سامانه‌ها و چهار سامانه ایجادگر یک اثر معماری بحث شد. در پژوهش‌های تکمیلی مفصلاً به ارتباط این موضوع و تحلیل و بررسی انجام شده در این مقاله پرداخته خواهد شد.
6. Grounded Theory
۷. این فرآیند با کدگذاری در نرم‌افزار Maxqda نسخه ۱۰ انجام پذیرفته است.
۸. نسخه کامل **جدول** مذکور که حاوی تمام کدها و دسته‌بندی‌ها می‌باشد، در قالب پیوست ۷ رساله دکتری نگارنده اول آمده است.
9. Sub-Categories
10. Axial Coding
۱۱. والیمان (Walliman, 2006: 137) این نظام را تحت عنوان یک شبکه در قالب شرایط ارائه می‌کند و از آن برای آزمایش و نمایش رابطه‌های علی بین متغیرهای اصلی (Important Independent) و متغیرهای وابسته (Dependent Variables)، علت‌ها (Causes) و نتایج (Effects) استفاده نموده است. برچسب‌هایی مثل علی (Causal Conditions)، دخیل (Intervening Conditions) و متکی بر زمینه (Contextual Conditions) که می‌توان برای این شرایط در نظر گرفت، بدین منظور است که تناسبات و روابط بین آنها را با راهبردهای عمل-تعامل (Action/ Interaction Strategies) منظم نمایند. هم‌چنین هر جا عمل-تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدها (Consequences) پدید خواهند آمد (Strauss & Corbin, 1998: 131-134).
12. Paradigm
13. Eugène Emmanuel Viollet-le-Duc
14. John Ruskin
15. Camillo Boito
16. Luca Beltrami
۱۷. برای نمونه نگاه کنید به (ICOMOS, 1993; ICOMOS A, 1999; ICOMOS, 2003).
۱۸. برای نمونه‌ای از تعاریف متنوع حفاظت نگاه کنید به (ICOMOS B, 1999) و هم‌چنین (فیلدن و یوکیلهتو، ۱۳۸۶: ۸۳).
19. Environmental control
20. Maintenance
21. Repair
22. Restoration
23. Renovation
24. Rehabilitation
25. Decision
26. Selection
27. Responsibility
۲۸. لازم به توضیح است دغدغه ما در مقام تحلیلگر، در پی نفس مفهوم علیت نیست، بلکه در پی دریافت شرایط و اشکال تلاقی این علت‌ها برای خلق وضعیت‌هایی است که به عمل/تعامل (در راستای عمل مداخله) می‌انجامند.
29. Reason
30. Cause
۳۱. فرق بین دلیل (علوم اجتماعی) و علت (علوم طبیعی) عبارت از این است که انسان موجودی است که به اندیشه‌های اخلاقی و حقوقی فلسفی خویش عمل کرده و به حوادث پاسخ می‌دهد (Response)؛ در حالی که طبیعت به داعی فلسفه یا اخلاق یا حقوق و امثال آنها عمل نمی‌کند، بلکه به‌طور ناخواسته تحت تأثیر علتی قرار گرفته و واکنشی (Reaction) نشان می‌دهد (سروش، ۱۳۶۷: ۵۸-۵۵).
۳۲. در شناخت پدیده‌های طبیعی، روش علت‌گرایی و در تحقیق از واقعیت‌های اجتماعی، روش دلیل‌گرایی به کار گرفته می‌شود. البته در این باب اختلاف نظرهایی بین محققین نیز وجود دارد؛ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به (آقانظری، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۵۴).
33. Social Science



- 34. Humanities
- 35. Natural Science
- 36. Functional
- 37. Religious
- 38. Structural
- 39. Anthropology

۴۰. در علوم اجتماعی، عواقب ناخواسته یا پیش‌بینی‌نشده (unintended consequences)، پیشامدهایی هستند که مقصود از یک اقدام هدفمند نبوده‌اند. این لفظ در قرن بیستم توسط رابرت مرتون (Robert K. Merton) جامعه‌شناس آمریکایی ترویج شد.

منابع و مأخذ

- آقائظری، حسن. (۱۳۹۳). علت و دلیل در علوم اجتماعی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۰(۸۱)، ۱۶۲-۱۵۱.
- ارژمند، محمود و امین‌پور، احمد. (۱۳۹۴). نقش مرمتگر در مرمت ابنیه حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی تأملی بر مبانی رویکردهای مرمتی در دانش مرمت بر اساس عامل انسانی مرمت. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۴)، ۹۸-۱۱۰.
- استراوس، انسلم ال و کوربین، جولیت ام. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، چاپ چهارم، تهران: نی.
- امین‌پور، احمد؛ اولیا، محمدرضا؛ عباسی هرفته، محسن و کلانتری، مائده. (۱۳۹۲). تداوم کارکرد؛ رویکرد غالب مداخلات حفاظتی در مسجد جامع اصفهان، گونه‌شناسی و تبیین رویکرد مداخلات حفاظتی از ابتدای شکل‌گیری مسجد تا دوره قاجار. مرمت و معماری ایران، ۳(۶)، ۲۷-۴۰.
- براندی، چزاره. (۱۳۸۷). تئوری مرمت. ترجمه پیروز حناچی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی و طایفه، احسان. (۱۳۹۱). معماری در دل ماست. چاپ اول، تهران: علم معمار رویال.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش).
- رحیم‌نیا، رضا؛ زمانی‌فرد، علی و قرائتی، مهران. (۱۳۹۶). بررسی تاریخی و تبیین جایگاه حرفه‌ای و نقش معماران سنتی در فرآیند تحولات معماری و مرمت با تکیه بر منابع مکتوب. مرمت و معماری ایران، ۷(۱۳)، ۱۹-۳۴.
- رحیم‌نیا، رضا. (۱۳۹۵). دانش معماران بومی در حفاظت از معماری؛ زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر مداخله در معماری خاکی از منظر معماران بومی در جنوب خراسان. رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
- رحیم‌نیا، رضا؛ محمودزاده، امین؛ تهرانی، فرهاد و زمانی‌فرد، علی. (۱۳۹۲). بازشناخت تجربیات معماری بومی در جنوب خراسان، جهت حفاظت و مرمت معماری خشتی. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۲)، ۱۹-۳۲.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۷). علت و دلیل در علوم اجتماعی. مطالعات جامعه‌شناختی، ۱(۱)، ۵۳-۷۲.
- صفائی‌پور، هادی. (۱۳۹۴). روش‌شناسی فهم و تبیین مراجع طراحی معماران سنتی معاصر ایران. رساله دکتری معماری. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- عباسی هرفته، محسن. (۱۳۹۲). تبیین سنت حفاظت در مسجد جامع اصفهان، انشای اصول مداخلات حفاظتی با تکیه بر شواهد سنت مداخله در این مسجد. رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
- فتحی، حسن. (۱۳۸۲). ساختمان‌سازی با مردم. ترجمه علی اشرفی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه هنر.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۳). باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- فیلدن، برنارد ملشیور و یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۸۶). راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی. ترجمه پیروز حناچی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- کشاورز، محسن. (۱۳۸۷). پیشینه آموزش مرمت معماری در ایران. گلستان هنر، سال چهارم(۱۱)، ۳۳-۳۸.
- ندیمی، هادی. (۱۳۸۶). کلک دوست: ۱۰ مقاله در هنر و معماری. چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

- Andjomshoaa, A.; Islami, S. G. & Mokhtabad-Amrei, S. M. (2011). Application of Constructivist Educational Theory in providing Tacit Knowledge and Pedagogical Efficacy in Architectural Design Education: A Case Study of an Architecture school in Iran. **Life Science Journal**, 8(1), 213-233.
- Baglioni, E.; Mecca, S.; Rovero, L. & Toniatti, U. (2013). Traditional Building Techniques of the Drâa Valley (Morocco). **digitAR - Digital Journal of Archaeology, Architecture and Arts**, 1(1), 79-87.
- Canada, P. (2003). **Standards and Guidelines for the Conservation of Historic Places in Canada**. <http://www.pc.gc.ca/docs/pc/guide/nldclpc-sgchpc.aspx>. (Retrieved 7 November. 2014)
- Castellanos-Verdugo, M.; Caro-González, F. J.; Oviedo-Garcia, M.; Richards, G. & Munsters, W. (2010). An application of grounded theory to cultural tourism research: Resident attitudes to tourism activity in Santiponce. **Cultural Tourism Research Methods**. UK: CAB International. 115-128.
- Cirinnà, C.; Mecca, S. & Maserà, M. (2006). (An ontology for the knowledge management of earthen constructions :the mix design of adobes. **Construction in the XXI century: Local and Global Challenges Joint International Symposium of Cib Working Commissions**. Rome. 12-22.
- Correia, M. (2009). **Conservation Intervention in Earthen Heritage :Assessment and Significance of Failure, Criteria, Conservation Theory and Strategies**. UK: Oxford Brookes University.
- Daengbuppha, J.; Hemmington, N. & Wilkes, K. (2006). (Using grounded theory to model visitor experiences at heritage sites :Methodological and practical issues. **Qualitative Market Research :An International Journal**, 9(4), 367-388.
- Dipasquale, L.; Silva, N. J. S. & Mecca, S. (2011). An Interdisciplinary Approach to a Cultural and Architectural Heritage :Earthen Dome Architecture in SyriaThe Safeguard of Cultural Heritage :a Challenge from the Past for the Europe of Tomorrow (COST strategic workshop). **U.d.S.d. Firenze**. Italy: Universita degli Studi di Firenze.
- Fakhra, A. J. (2012). **Conceptual Model of Design Creativity :Fostering Creative Cognition in Architecture and Design Pedagogy**. USA (Chicago): Illinois Institute of Technology, ProQuest Dissertations Publishing.
- ICOMOS. (1964). **International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (Venice Charter)**. https://www.icomos.org/charters/venice_e.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOSA. (1999). **Charter on the Built Vernacular Heritage**. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/vernacular_e.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS B. (1999). **The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance (Burra Charter)**. <https://australia.icomos.org/publications/burra-charter-practice-notes/burra-charter-archival-documents#/BC1999>. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS. (2000). **Principles for Conservation and Restoration of Built Heritage (Krakov Charter)**. <http://smartheritage.com/wp-content/uploads/2015/03/KRAKOV-CHARTER-2000.pdf>. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS. (2003). **Principles for the Analysis, Conservation and Structural Restoration of Architectural Heritage**. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/structures_e.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)



- ICOMOS. (2008). **The Interpretation and Presentation of Cultural Heritage Site (Quebec charter)**. [http://icip.icomos.org/downloads/ICOMOS_Interpretation_Charter_ENG_04_10_08 .pdf](http://icip.icomos.org/downloads/ICOMOS_Interpretation_Charter_ENG_04_10_08.pdf) . (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS. (2010). **ICOMOS New Zealand Charter for the Conservation of Places of Cultural Heritage Value (New Zealand Charter)**. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/ICOMOS_NZ_Charter_2010_FINAL_11_Oct_2010.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)
- Mecca, S.; Cirinnà, C. & Masera, M. (2008). A semantic web portal for supporting knowledge contribution, sharing, and management in the earthen architectural heritage domain. **Terra 2008: The 10th International Conference on the Study and Conservation of Earthen Architectural Heritage** .USA :Getty Publications . 114-119.
- Mecca ,s & .Dipasquale ,l.(2012). Building Culture of Corbelled Dome Architecture in Northern Syria. **Terra 2012: The 11th International Conference on the Study and Conservation of Earthen Architecture Heritage**. Lima, Peru.
- Muñoz Viñas ,S.(2005). **Contemporary Theory of Conservation**. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann.
- Muñoz Viñas, S. (2009). Minimal Intervention Revisited. **Conservation : principles, dilemmas and uncomfortable truths**. Richmond, A. & Bracker, A. (Eds.). UK: Routledge. 47-59.
- Nonaka, I. & Takeuchi, H. (2000). Classic work: Theory of organizational **knowledge creation**. **Knowledge Management: Classic and Contemporary Works**. Cambridge: MIT Press. 139-182.
- Petermans ,A ; Van Cleempoel ,K & .Vanrie ,J.(2011). Tacit knowledge in interior architecture: interior architects on the designer-paying client-user client relationship .In **International Association of Societies of Design Research Conference**. Delft, The Netherlands.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**. UK: Sage.
- Walliman ,N.(2006). **Social Research Methods**. UK: Sage.



تبیین نظام حاکم بر اقدامات حفاظتی معماران بومی با
بهره‌گیری از دانش ضمنی معماران در جنوب خراسان

تبیین مفهوم دل‌بستگی در محیط شهری بر اساس مفاهیم و متون اسلامی

لیلا رحیمی*

چکیده

تضعیف پیوند انسان با مکان‌های مسکونی به‌ویژه در محلات تاریخی در اثر افزایش نقل و انتقال ساکنین، مسائل جهانی‌سازی، تداخل فرهنگ‌ها و فقدان روابط اجتماعی و فرهنگی بین مکان‌ها نشان می‌دهند که مفهوم دل‌بستگی در محیط شهری دچار بحران است. پژوهش حاضر با بررسی منابع، اسناد، نظریات و نیز مطالعه نمونه موردی تاریخی، به عدم توجه به اندیشه‌ها و مفاهیم اسلامی به‌عنوان یکی از ضرورت‌های مهم در عرصه طراحی محیط‌های شهری اشاره دارد و در پی پاسخ به این سؤال است که چه معیارهایی در زمینه فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی مکان در محیط شهری (خانه، محله و شهر) بر اساس اندیشه اسلامی، کلیدی بوده و نقش و جایگاه آنها چگونه است؟ اهداف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و شناسایی مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان و شهر اسلامی بر اساس رهنمودهای اندیشه اسلامی و شناسایی عوامل مؤثر بر این دل‌بستگی در مقیاس‌های مکانی مختلف هستند. تحقیق به دور روش کیفی و کمی به‌شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومین و نیز بررسی محله تاریخی سرخاب تبریز انجام یافته است. مطالعات نشان می‌دهند که برای ایجاد دل‌بستگی در محیط‌های شهری، توجه به تأمین نیازهای سه‌گانه مادی، روانی و معنوی انسان در تعامل سه‌گانه با ابعاد رفتاری (عملکردی)، عاطفی (احساسی یا کالبدی) و شناختی (ذهنی یا معنایی) دل‌بستگی ضروری هستند. از طرفی، مؤلفه‌ها و ابعاد تشکیل‌دهنده دل‌بستگی به شهر اسلامی، شامل سه مؤلفه انسان (مؤمن) به‌عنوان وجه فکری و جهان‌بینی توحیدی، کالبد به‌عنوان وجه عینی و ارتباط اسلامی با عالم و رفتار نیز به‌عنوان وجه اخلاقی و رفتار اسلامی، به‌ترتیب متناظر با سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری دل‌بستگی هستند که به‌صورت دیاگرامی ارائه می‌شوند. نتایج آزمون‌های آماری spss نشان می‌دهند که از میان عوامل مؤثر بر دل‌بستگی (فردی، کالبدی و اجتماعی) در میان سه مقیاس مکانی خانه، محله و شهر، عوامل کالبدی بیشتر در مقیاس خانه و عوامل اجتماعی نیز در دو مقیاس محله و شهر حائز توجه و اهمیت هستند. این یافته، تأکید متون اسلامی بر برقراری تعاملات اجتماعی و جمعی بودن بر فردی بودن را تأیید می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: محیط شهری، اندیشه اسلامی، فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی مکان

مقدمه

بحران مکان به مفهوم بحران معنی اجتماعی از فضا و زمان، از بارزترین مشکلات شهرسازی معاصر است؛ بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، فاقد تاریخ و فاقد ارتباط، تبلور یافته است. امروزه در نگاه شهرسازی معاصر، رابطه انسان و فضا به انگاره‌ای مادی تقلیل یافته است و فضاهای عمومی تنها به مثابه فضایی برای تردد و حمل‌ونقل و نه جز این تنزل یافته‌اند و با این تعریف، برخی بر این باورند که انسان ادراک خود را از فضاهای گذشته از دست داده است؛ لذا رابطه انسان و فضا باید به دقت بازنگری شود که این خود به زیبا بودن هر چه بیشتر فضاها می‌افزاید (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱: ۱۸). در حال حاضر، یکی از دلایل عدم احساس تعلق خاطر به مکان و حس بی‌مکانی و بی‌هویتی در محیط‌های شهری، عدم توجه به اندیشه‌های اصیل اسلامی و مفاهیم انسان‌مدار تفکر اسلامی در شهرها است (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۶۸).

معماری و شهرسازی اسلامی، ارزش‌های معنوی و کالبدی را در یک کل همگرا ترکیب کرده‌اند. بخش اصلی زندگی در یک شهر اسلامی، در فضاهای جمعی آن نمود می‌یابد؛ محله‌های شهری گذشته، به صورت مناسبات رویاروی، حس تعلق اجتماعی را تقویت می‌کردند و مکان‌های جمعی محله‌ها، فضایی را برای ایجاد حس هم‌بستگی و تعهد اجتماعی بین ساکنین ایجاد می‌نمودند. در آیات و احادیث، توصیه‌ها و رهنمودهای فراوانی برای هدایت شدن به سوی کمال حقیقی در فرآیند دل‌بستگی، توصیه به انس داشتن با انسان‌های شایسته و مأنوس شدن با همه ارزش‌های اخلاقی و عملی، وجود دارند و در مقابل، دل‌بستگی به انواع ضد ارزش‌های اخلاقی و عملی نکوهیده شده است.

هدف تحقیق حاضر، شناسایی مؤلفه‌های دل‌بستگی به شهر اسلامی و بررسی عوامل مؤثر بر این دل‌بستگی در مقیاس‌های مکانی مختلف (خانه، محله و شهر) بر اساس متون اسلامی است و در پی پاسخ به این سؤال اصلی است

جدول ۱. رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی

که چه معیارهایی در زمینه فرآیند شکل‌گیری دل‌بستگی مکان در محیط شهری (خانه، محله و شهر) بر اساس اندیشه اسلامی، کلیدی بوده و نقش و جایگاه آنها چگونه است؟ تحقیق به روش کیفی با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، به مقایسه مفاهیم حس تعلق در مقیاس مختلف محیط شهری پرداخته است و هم‌چنین به شیوه کمی در نمونه محله تاریخی سرخاب تبریز، مورد آزمون و بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین ابتدا رویکردها و عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی و سپس مفهوم دل‌بستگی به شهر در احادیث و متون اسلامی بر اساس سه مقیاس مختلف، تشریح و به شکل جداول و نمودارهایی ارائه می‌شوند.

پیشینه تحقیق

«شهر اسلامی»، شهری است که دارای هویت ویژه فرهنگی، فضایی و تاریخی خاصی است. این «هویت فرهنگی و تاریخی و تمدنی نه تنها در مذهب، اخلاق، علم و تفکر، بلکه در روابط فضایی و هویت شهری نیز ملحوظ و از تجسمی عینی و خارجی و تعریف شده برخوردار است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۳). این شهر، «تجلی‌گاه اصول و ارزش‌های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان‌بینی سازنده خویش را معرفی می‌کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند، گواهی می‌دهد» (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۱۵). رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی را می‌توان در چهار رویکرد زیر طبقه‌بندی کرد (جدول ۱):

رویکرد انگیزه‌های سیاسی: از نظر پژوهشگران غربی (شرق شناسان)، شهر با داشتن نواحی مسکونی متمایز بر اساس عوامل نژادی، قومی و مذهبی، در اطراف مسجد جامع و بازار و تعدادی حمام عمومی در جوار آن، چیدمان یافته است. در این ساختار، الگوی خیابان‌های نامنظم تار عنکبوتی بر روابط فضایی شهر تسلط داشته است. همان‌طور که الصیاد عنوان می‌کند؛ از نظر این گروه «مرکزیت حاصل شده در ساختار شهر اسلامی، ناشی از مرکزیت سیاسی است» (۱۹۹۶: ۹۵).

صاحب نظران	رویکردهای مرتبط با مفهوم شهر اسلامی
الصیاد، ۱۹۹۶	- رویکرد انگیزه‌های سیاسی
لاپیدوس، ۱۹۶۷؛ ناصر، ۲۰۰۳؛ مدنی پور، ۱۹۹۸؛ اکبر، ۱۹۸۸	- رویکرد الزام‌های اجتماعی
اردلان و بختیار، ۱۹۷۳	- رویکرد الهام‌های فلسفی
رایموند، ۱۹۹۴؛ بیانکا، ۲۰۰۰؛ الارابی، ۱۹۹۶	- رویکرد اجتماعی-مکانی

مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعات

امکان را می‌دهد که هم‌زمان مشخصه‌های مشترک شهرهای مسلمانان را از مراکش تا افغانستان استخراج کنند و در عین حال به پیچیدگی‌های جغرافیایی که بستر هویتی هر منطقه را شکل می‌دهند، توجه نمایند (Raymond, 1994: 5). بیانکا^۲ نیروهای شکل‌دهنده به شهر اسلامی را در هر زمینه خاص به دو دسته عوامل داخلی و خارجی طبقه‌بندی نموده است (۲۰۰۰: ۸۵). از نظر وی، عوامل خارجی شامل سکونتگاه‌های موجود (قبل از شکل‌گیری شهر اسلامی)، امکانات در دسترس محلی و غلبه تغییر و تحولات، و عوامل داخلی نیز شامل اصول مورفولوژیکی نهاده‌شده در اجزای معماری هستند که در تکوین اجزای کالبد شهری نقش عمده‌ای داشته و عمیقاً از نقش و رفتار انسانی به‌عنوان کیفیات غیرمادی سرچشمه گرفته‌اند.

در شهر اسلامی، ارتباط ذاتی و ساختاری بین دین، فضای شهری و مناسبات اجتماعی وجود دارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۵). شهر اسلامی هم‌زمان با استفاده از شیوه‌های شهرسازی مرسوم در تمدن‌های مغلوب‌شده توسط اسلام و نیز با اتکا به شکل و الگوی فرهنگی جدید در شهرسازی که از دین نشأت می‌گیرد، ویژگی‌هایی دارد که در سرزمین‌های اسلامی، دارای وجوه اشتراک با یکدیگر و افتراق نسبت به سایر شهرهای غیراسلامی است. این ویژگی‌ها را می‌توان در سه حوزه اقتصادی، کالبدی و اجتماعی دسته‌بندی نمود. در حوزه اجتماعی، وجود تشکلهای صنفی و اجتماعی و واحدهای خودیار، توجه به عرصه‌های خصوصی شهر نسبت به عرصه‌های عمومی، وحدت ساکنان شهر در محدوده محله‌ها و نحوه اداره شهر توسط حاکمان، خصوصیات عمده شهر اسلامی را شامل می‌شوند. در حوزه کالبدی، نیز وجود کارکردهایی نظیر بازار، ارگ، قلعه، مسجد جامع و محله‌بندی‌های شهری و فضاهای جمعی دارای نمود کالبدی بوده و مشخصه فیزیکی شهر اسلامی هستند (تصویر ۱).

لذا یک شهر اسلامی در ارتباط با ساکنانش و ساکنان یک شهر اسلامی نیز در ارتباط با شهرشان، هویت‌مند می‌شوند. صحنه اصلی زندگی سیاسی و اجتماعی در یک شهر اسلامی، فضاهای جمعی آن است و لذا توجه ما به مفهوم اسلامی در فرآیند شکل‌گیری فضای شهری، باید بیشتر ناظر به جنبه‌های اجتماعی شهر باشد (جدول ۲).

روش تحقیق

بر اساس سؤال و هدف پژوهش که به دنبال شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل ارتقای دل‌بستگی به مقیاس‌های مختلف محیط شهری بر اساس اندیشه اسلامی است، نخست به‌طور

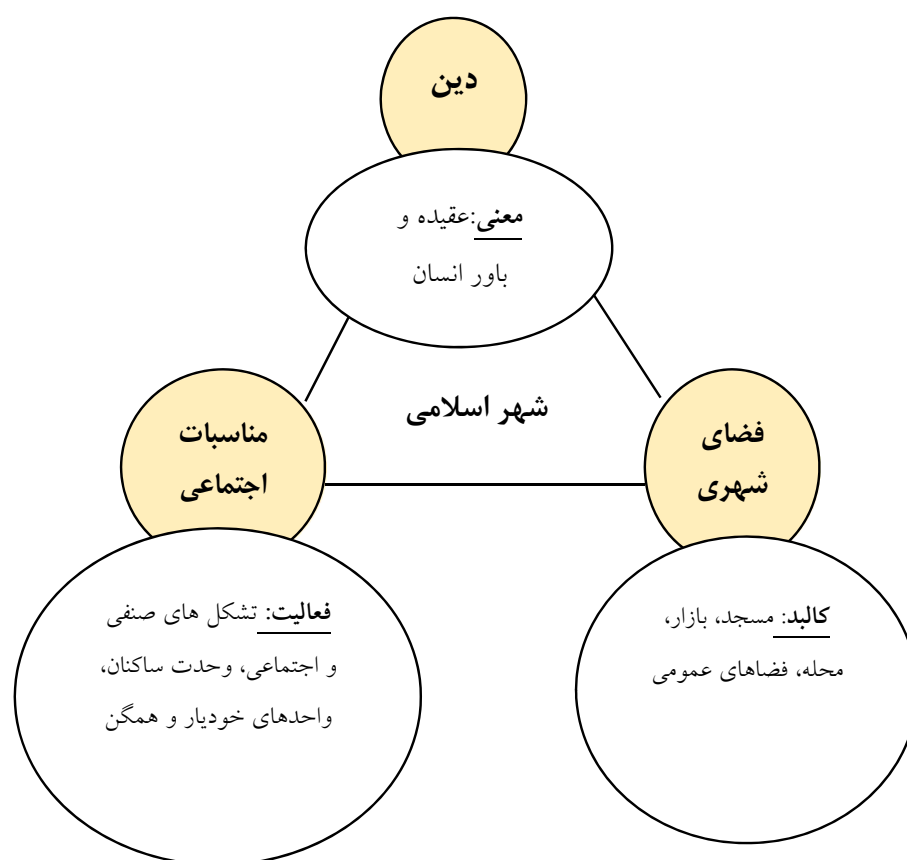
رویکرد الزام‌های اجتماعی: لاپیدوس^۱ به این نتیجه رسید که در ساختار شهرهای اسلامی، نوعی نظام گروه‌های مرجع هم‌چون نخبگان نظامی، رهبران مذهبی (علماء)، برجستگان محلی و تجار وجود دارند که جامعه را بدون نیاز به برخورداری از نظام اداری ویژه هم‌چون مدل شهر اروپایی، مدیریت و رهبری می‌کنند (۱۹۶۷: ۷۳). این بدان معنی است که «به‌واسطه حضور این گروه‌ها، منش زندگی اسلامی انتظام یافته و درجه‌ای از نظم و قانون در همه جوانب زندگی مدنی زمینه‌سازی شده است» (Nasser, 2003: 78). برای مدنی‌پور، هم‌بستگی گروه‌ها در سطح محله‌ها بیشتر منتج از پیوندهای خانوادگی، قومی، نژادی، مذهبی و هم‌ولایتی و در پاره‌ای موارد شغلی بوده‌اند؛ به‌طوری که آنها را در اطراف مسجد به‌عنوان عنصر همگراکننده به‌منظور انجام امور روحانی و دنیوی گرد هم آورده‌اند (۱۹۹۸: ۶۷). در شهر سنتی اسلامی، سازمان‌دهی جمعیت مطابق عوامل مطرح‌شده، جوامعی همگن را در سطح محله‌ها به‌وجود می‌آورد؛ به‌طوری که پیوستگی نزدیک آنها به همدیگر با محوریت شریعت اسلام، آنها را قادر ساخته تا بدون توسل به مدیریت رسمی، امور خود را به‌صورت واحدهای خودیار سازمان‌دهی نمایند. در نتیجه تصمیم‌ها نه به‌وسیله مسئولان دولتی، بلکه توسط کسانی که واقعیت‌های مکان را از نزدیک تجربه کرده‌اند، اتخاذ شده‌اند (Akbar, 1988: 104). برای اکبر، مسئولیت مشترک نسبت به فضا که منجر به تعریف قلمرو و سازمان‌دهی عرصه‌ها در سطح واحدهای همسایگی می‌شود، مهم‌ترین موضوع شهر سنتی اسلامی است.

رویکرد الهام‌های فلسفی: این رویکرد تأکید دارد که الهام‌های فلسفی حاصل از رویکرد عرفانی در اسلام، مشخصه‌های شهر اسلامی را مفهوم‌سازی کرده‌اند. در این دیدگاه، مرکزیت دو ارتباط با مفهوم وحدت در اسلام که به‌طور وسیعی در ادای فریضه روزانه نماز به‌سمت کعبه و نیز از لحاظ عملکردی در شکل شهرها به‌منظور دستیابی به کلیت، در تنوع تجلی یافته، دیده می‌شود؛ بنابراین وحدت به‌عنوان نیروی عمده اجتماعی برای همگرایی فضا و استفاده از فضا شناخته می‌شود (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۳۶).

رویکرد اجتماعی- مکانی: در این رویکرد، رایموند^۳ به دو عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شهرهای اسلامی اشاره می‌کند؛ از یک‌سو، بستر منطقه‌ای (از لحاظ جغرافیایی) که در آن شهر زاده شده و سیر تحول تاریخی خود را طی کرده است و از سوی دیگر، مبانی الهی- اجتماعی به‌همراه ساکنان شهر یا کسانی که اعتقادات، رسوم و نهادهايشان کاملاً بر اساس اصول اسلام است. این رویکرد، به محققان این

در محله تاریخی سرخاب تبریز بررسی شدند. جامعه آماری تحقیق، شامل ساکنین محله سرخاب با تعداد ۸۰ نمونه آماری (بر اساس فرمولی به کمک واریانس پیش‌آزمون) است که پرسش‌نامه‌ای با ۲۶ سؤال بر اساس سطح تحلیل فردی به روش انتخاب خوشه‌ای، در هر یک از گذرهای محله توزیع شد و برای تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه، از آزمون‌های آماری مختلف spss استفاده شد. اطلاعات، پس از شناخت، گردآوری و طبقه‌بندی، به صورت مقایسه‌ای در سه مقیاس مکانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و یافته‌ها بیشتر به صورت جداول و نمودارهایی ارائه شدند.

خلاصه به چگونگی پیدایش و شکل‌گیری «شهر اسلامی» در تمدن اسلامی پرداخته شده و رویکردها و ویژگی‌های آن در سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نوع روش‌شناسی حاکم بر تحقیق نیز، روش توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعه متون اسلامی و بررسی نمونه موردی است. تحقیق به روش کیفی و قیاسی با استفاده از آیات قرآن و احادیث، به مقایسه مفاهیم حس تعلق و دل‌بستگی به مقیاس‌های مختلف محیط شهری پرداخته است. همچنین عوامل مؤثر بر دل‌بستگی، بر اساس مطالعات متون اسلامی و نظرات محققان و اندیشمندان، به صورت مدل قابل‌سنجش



تصویر ۱. عناصر اصلی تشکیل‌دهنده شهر اسلامی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس نظریات

جدول ۲. ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی اسلام‌شهرهای ایرانی

مشارکت مردم در ساخت محلات؛ شرکت در مراسم مذهبی و حضور در مسجد؛ ساخت بناهای عام‌المنفعه توسط مردم (وقف)؛ خانواده‌های گسترده و هسته‌ای؛ حقوق همسایه؛ ثروتمند و فقیر در یک محله؛ نفی تبعیضات اجتماعی؛ همگونی اجتماع با تشابهات صنفی، مذهبی و ملی؛ اصل خودمختاری محلات؛	ویژگی‌های اجتماعی اسلام‌شهرهای ایرانی
محرمیت، اشرافیت؛ بافت فشرده؛ راه‌های بن‌بست؛ نظم بیولوژیک (بی‌نظمی شبکه شهر)؛ کوچه‌های پرپیچ و خم (مسائل امنیتی)؛ تفکیک فضایی بر اساس جنسیت.	ویژگی‌های کالبدی اسلام‌شهرهای ایرانی

مأخذ: نگارنده بر اساس جمع‌بندی نظریات

مفهوم دل‌بستگی به شهر در متون اسلامی

دین به‌عنوان مقوله‌ای در زندگی انسان، در تمامی شئون و روزنه‌های وجودی او اثر می‌گذارد و انسان نیز از آن متأثر می‌شود. این تأثیر و تأثر هم در جنبه‌های فردی انسان و هم در جنبه‌های اجتماعی است. با رشد ابعاد شناختی - عاطفی انسان و رویش انگیزه‌های متعالی در وجود آدمی، زمینه برای پیدایش نمودهای جدیدتر دل‌بستگی در انسان، مهیا می‌شود و انسان می‌تواند با گذر از دل‌بستگی‌های زمینی و موقت، به درجه دل‌بستگی پایدار و حقیقی دست یابد.

از این‌رو در آیات و احادیث، برای هدایت شدن به سوی کمال حقیقی در فرآیند دل‌بستگی، توصیه‌ها و رهنمودهای فراوانی مطرح شده‌اند؛ قرآن شریف به‌عنوان یک انتظار تحقق‌یافته از اهل ایمان می‌فرماید: «انسان‌های مؤمن، بالاترین دل‌بستگی را به خدا دارند» (بقره: ۱۶۵). بهترین و پایدارترین دوستی که انسان می‌تواند با او انس بگیرد و به او دل‌بستگی پیدا کند، خداوند متعال است؛ چنان‌که پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «لَا يَسْتَوْحِشُ مَنْ كَانَ اللَّهُ أُنَيْسَهُ»؛ کسی که خداوند مونس او است، ترس به خود راه نمی‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

افزون بر توصیه به انس داشتن با انسان‌های شایسته، در احادیث اسلامی، مانوس شدن با همه ارزش‌های اخلاقی و عملی (مانند انس گرفتن با قرآن، کتاب، علم، حق، تقوا، یاد نعمت‌های الهی، یاد آخرت) و نیز انس گرفتن با آن‌چه افراد جاهل از آن وحشت دارند، مورد تأکید قرار گرفته است. در مقابل، انس یافتن با افراد جاهل و ناشایسته و دل‌بستگی به انواع ضد ارزش‌های اخلاقی و عملی (مانند دل‌بستگی به هوسرانی‌های نامشروع و دل‌بستگی به دنیا)، از نظر اسلام نکوهیده است. «حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يَصِمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوْجِبُ أَلِيمَ الْعِقَابِ»؛ دل‌بستگی به دنیا، عقل را فاسد می‌کند، قلب را از شنیدن حکمت ناتوان می‌سازد و باعث عذاب دردناک می‌شود (نوری، ۱۳۶۷: ۴۱). در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: کسی که روز و شب را در حالی بگذراند که بیش‌ترین اهتمام وی مربوط به امور دنیوی باشد، خداوند، فقر را رویاروی وی قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۶۸). این حدیث شریف، بیانگر این حقیقت است که دل‌بستگی شدید مادی، مانع شکل‌گیری نظام دل‌بستگی کمال‌یافته می‌شود. امام حسن عسگری (ع) می‌فرماید: «مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ»؛ چه زشت است برای مؤمن، دل‌بستگی به چیزی که او را خوار می‌کند (الحرانی، ۱۳۸۱: ۵۲۰).

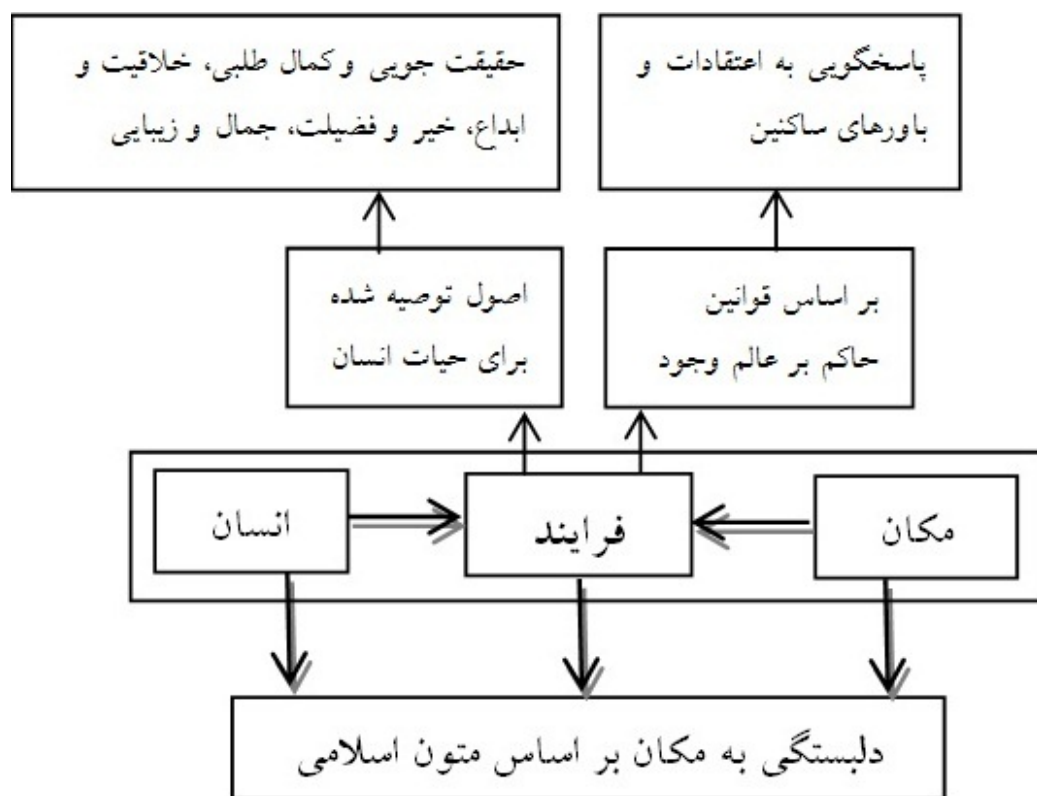
دل‌بستگی به مکان، متشکل از چارچوب سازمان‌یافته سه بعدی (شخص - فرآیند - مکان)^۴ است که بعد فردی دل‌بستگی

به مکان، به معانی و مفاهیم تعیین‌شده فردی یا جمعی بر می‌گردد. بعد روان‌شناسی فرآیند، عناصر عاطفی (احساسی)، شناختی (معنایی) و رفتاری (عملکردی) دل‌بستگی را شامل می‌شود و بعد مکان، بر ویژگی‌های مکان شامل سطح فضای، خصوصیات ویژه و برجستگی عناصر فیزیکی با اجتماعی تأکید دارد (2: Scannell et al, 2010). به‌طور کلی، دل‌بستگی به یک موضوع مثل شی، مکان، فرد و سایر موضوعاتی که فرد در زندگی روزمره خود با آن رو به رو است، مبتنی بر تجارب قبلی زندگی، ساختارهای رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی فرد است؛ چرا که افراد بر این اساس، طرح رفتاری، شناختی، حسی و اجتماعی از «خود»، ساخته و تمام تجارب و رویارویی‌های تازه خود را با موضوعی نو بر پایه این طرح، ادراک، ساماندهی و طبقه‌بندی نموده و به خاطر می‌سپارند. علاوه بر این، دل‌بستگی گاه در بستر سیستم‌های رفتاری و اجتماعی هم‌چون فرآیند اجتماع‌پذیری فرد نیز ایجاد شده و با تهدید امنیت، فعال می‌شود. (54: Goldberg, 2000)

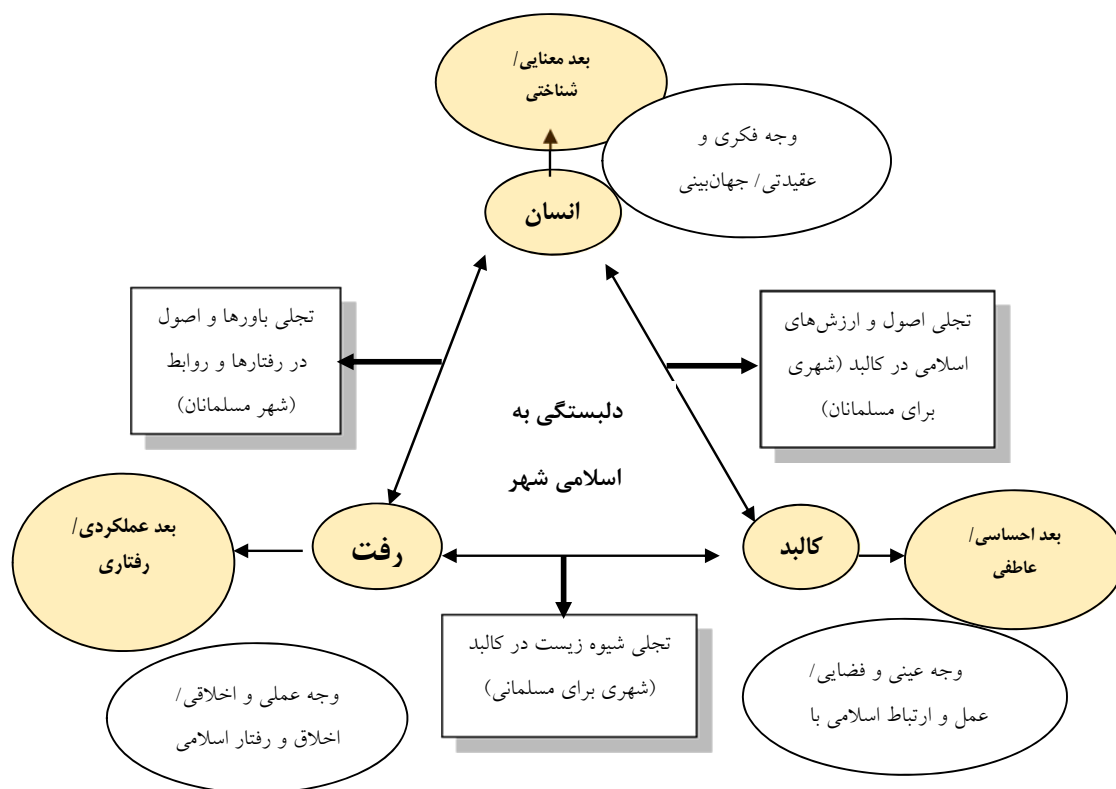
مدل دل‌بستگی به مکان با مراجعه به متون اسلامی، نیز بیشتر بر نقش انسان (مؤمن) و فرآیند تأکید دارد (تصویر ۲). فرآیند بر اساس قوانین حاکم بر عالم وجود، منجر به پاسخ‌گویی به اعتقادات و باورهای ساکنین می‌شود و هم‌چنین بر اساس اصول توصیه‌شده در متون اسلامی برای حیات انسان، منجر به اصول حقیقت‌جویی و کمال‌طلبی، خلاقیت و ابداع، خیر و فضیلت و جمال و زیبایی می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۶). در این چارچوب، تک‌تک شهروندان، باورها و اصول خود را در رفتارها و روابط متجلی کرده و دل‌بستگی به شهر را تقویت می‌نمایند.

بررسی‌ها و رویکردهای بنیادین در کلام پیامبر اسلام (ص) در مفاهیم شهری، کمک شایانی به شناخت عمیق و اصیل مفاهیم شهری در اندیشه اسلامی و شهرسازی اسلامی می‌کند. با توجه به مفاهیم مطرح‌شده در قرآن و کلام پیامبر، مباحث شهری از ابعاد اجتماعی، کالبدی - فضایی و روان‌شناختی، واجد اهمیت و ضرورت است. ضرورت روان‌شناختی موضوع با توجه به بسط دیدگاه‌های انسان‌گرایی در حوزه شهری اهمیت می‌یابد.

مطابق با تعاریف محققان و نظریه‌پردازانی هم‌چون اسکنل^۵ (۲۰۱۰: ۲) و گلدبرگ^۶ (۲۰۰۰: ۵۴)، چارچوب سه‌گانه دل‌بستگی به مکان، متشکل از شخص، فرآیند و مکان است و فرآیند دل‌بستگی انسان بر اساس سه بعد شناختی/معنایی، عاطفی/احساسی و رفتاری/عملکردی با مکان در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این پایه نظری و نیز مطالعه مفاهیم و متون اسلامی، تصویر ۳، عوامل و شاخص‌های تشکیل‌دهنده



تصویر ۲. چارچوب دل‌بستگی به مکان بر اساس متون اسلامی؛ مأخذ: نگارنده



تصویر ۳. ابعاد تشکیل‌دهنده دل‌بستگی به شهر اسلامی؛ مأخذ: (نگارنده بر اساس نظرات نقی زاده، ۱۳۸۵)

است و از سخنان حضرت است که منزل نیکو یکی از دو بهشت است (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶: ۷۶). این احادیث، نشان‌دهنده مسکن در نگاه اسلامی به دنیا است و بر این اساس می‌توان انتظار داشت که مسکن اسلامی باید نشانه‌ای از اعتقادات غالب بر جامعه اسلامی را در خود داشته باشد. سه اصل زیر در ارتباط با مسأله مسکن در اسلام از دیدگاه سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه قابل بیان است:

- بعد اقتصادی: پول خرید خانه باید حلال بوده و غصبی نباشد.
- بعد اجتماعی: توجه به روابط همسایگی از اولویت‌های فرهنگ اسلامی است.
- بعد کالبدی: وسعت و شکوه مسکن، مورد مذمت است؛ مگر این که در جهت برگزاری آیین‌های شرعی و خدمت به خلق مورد استفاده قرار گیرد (فلاح منشادی، ۱۳۹۰: ۸۰).

دیدگاه دین در باب خانه می‌تواند راهنمایی مهم در تعیین ارزش‌ها از حوزه متعالی باشد. مطالعات آیات قرآن و روایات نشان داده‌اند که اصولاً اولین تذکرها، به ایده خلوت به دین اسلام باز می‌گردد. در این جا می‌توان نمونه‌هایی را بیان کرد: خلوت حضرت موسی (ع) در سوره اعراف، خلوت حضرت زکریا در سوره مریم (آیات ۳-۱)، خلوت پیامبر اکرم (ص) در سوره مزمل (آیات ۸-۱) و بیانات امام صادق (ع) در مصباح‌الشریعه (طهرانی، ۱۳۴۵: ۱۳۹). از این رو در اسلام، داشتن حریم و خلوت، یکی از حقوق روحانی و مقدس افراد و اجتماع و هم‌چنین یکی از حقایق ادیان است. از فواید خلوت دین، حفظ آبرو و رهایی از گناهان مردم اشاره کرد. حفظ حریم و شأنیت مسلمانان از نظر جنس و سن موجب شده تا مسلمانان خانه‌های خود را ذیل توجه به این باور دینی بسازند و این در ساخت منازل مسکونی و اماکن عمومی به نوعی تقسیم‌بندی فضایی از نظر عملکرد منجر شده که در معماری، «سلسله مراتب فضایی» نام گرفته است (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰: ۷۲).

خلوت، از مهم‌ترین خصوصیات یک خانه مطلوب است که مرزی مکانی و زمانی برای آن در اندیشه معماران و طراحان عالم متصور نیست و در هر دوره و هر مکتب، به تقدس حریم خانه و خصوصی بودن آن، متناسب با فرهنگ موجود در آن مکان - زمان، توجه شده است. معنای خلوت، خالی کردن خود از غیر خدا و آزادی از قیدوبندهای دنیوی محیط اطراف است. وستین^۷ به درجات خلوت اشاره کرده و آن را در چهار نوع و چهار عملکرد، طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. از دیدگاه او

دل‌بستگی به شهر اسلامی را نشان می‌دهد که شامل سه مؤلفه انسان (مؤمن) به‌عنوان وجه فکری و جهان‌بینی توحیدی، کالبد به‌عنوان وجه عینی و ارتباط اسلامی با عالم و رفتار نیز به‌عنوان وجه اخلاقی و رفتار اسلامی، به‌ترتیب متناظر با سه بعد معنایی، احساسی و عملکردی است. در ارتباط انسان با کالبد، اصول و ارزش‌های اسلامی در کالبد (شهری برای مسلمانان) متجلی می‌شود و در ارتباط انسان با رفتار، باورها و اصول در رفتارها و روابط مسلمانان و در تعامل کالبد و رفتار، شیوه زیست در کالبد (شهری برای مسلمانی) متجلی می‌شود.

مؤلفه‌های مطرح‌شده در محیط شهری (مقیاس خانه، محله و شهر) برگرفته از متون اسلامی

مهم‌ترین موضوعی که در ارتباط با مسکن باید مورد توجه قرار گیرد، انسان است. انسان به‌تبع طبیعت ثلاثه خویش (متشکل از بدن، نفس و روح)، نیازهای سه‌گانه‌ای نیز دارد که هر یک از این نیازها به قلمرو خاصی از حیات تعلق داشته و فراهم آوردن زمینه تحصیل زندگی و حیاتی طیب و سازگار با طبیعت و فطرت انسان ضرورت دارد. در اسلام و آیات قرآنی، تأکید ویژه‌ای بر اهمیت و جایگاه خانه مسکونی جهت کسب آرامش روحی و معنوی شده است. مهم‌ترین نتیجه آرامش، تلطیف و معنویت فضای یک خانه، قابلیت تأمین و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و روحی انسان چون تفکر، حضور و آرامش قلب است. اعتقادات و باورهای دینی، بر مسکن سنتی ایران تأثیر گذاشته و در حکم نقشه پنهان عمل نموده است. برای مسکن و عوامل مربوط به مقوله سکونت، دو دسته ویژگی وجود دارد؛ ویژگی‌های اثباتی که رعایت کردن آنها توصیه می‌شود و دسته دوم، ویژگی‌های سلبی هستند که حذف یا عدم اجازه به ظهورشان ضرورت دارد که از جمله آنها عبارتند از صفات مسکن (مثل امنیت، ایمنی، خصوصیت، آرامش و مانند آنها)، امکانات مسکن (از قبیل زمینه امکان ارتباط انسان با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسانی و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها) و انتظارات از مسکن یا تأثیر مسکن بر مقولات اجتماعی (مانند ترجیح هویت جمعی به هویت فردی، احترام به حقوق دیگران، کمک به وحدت جامعه و مانند آنها) (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

امام علی (ع)، تأمین مسکن خلق را پرتوی از تدبیر الهی می‌داند و در این باره به مسکن دادن پرندگان گوناگون در لابه‌لای شکاف‌های زمین، دره‌های گشاده و قله کوه‌ها اشاره کرده و آن را نشانه‌ای از حقیقت توحید می‌داند (معادیکخواه، ۱۳۷۳: ۱۵۵) و یا در جای دیگر در توصیف خداوند به این اشاره دارد که او کسی است که خلق را در دنیا اسکان داده

نخستین نوع خلوت؛ تنهایی است که می‌توان از آن به خلوت فردی تعبیر کرد، دومین نوع خلوت؛ محرمیت است که جز با حضور دو نفر و یا بیشتر معنا نمی‌شود که می‌توان از آن به خلوت گروهی تعبیر کرد، سومین نوع؛ «گمنامی» یا گم شدن درون جمعیت و نوع آخر خلوت؛ خودداری یا توداری است (جدا شدن روانی از جمعیت) (آلمن، ۱۳۸۲: ۸۷). در تطابق این تفکیک‌ها با تقسیم‌های خلوت در تفکر اسلامی، خلوت جسمانی، مشابه با تنهایی و محرمیت عنوان شده در تفکیک‌های وستین است و خلوت روحانی بیشتر مطابق با نوع چهارم خلوت از دیدگاه وستین یعنی توداری است که در هر دو دیدگاه، این امر وابسته به پیشرفت روحی یک انسان برای حفظ خلوت درونی خود به نظر می‌رسد. در **جدول ۳**، مفاهیم مرتبط با مقیاس خانه در متون اسلامی ارائه می‌شود. حیات انسان در ابعاد مختلفی قابل بررسی است که هر بعد، نیازهای خاص خود را دارد. برای حیات انسان سه بعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است و به تناسب این سه

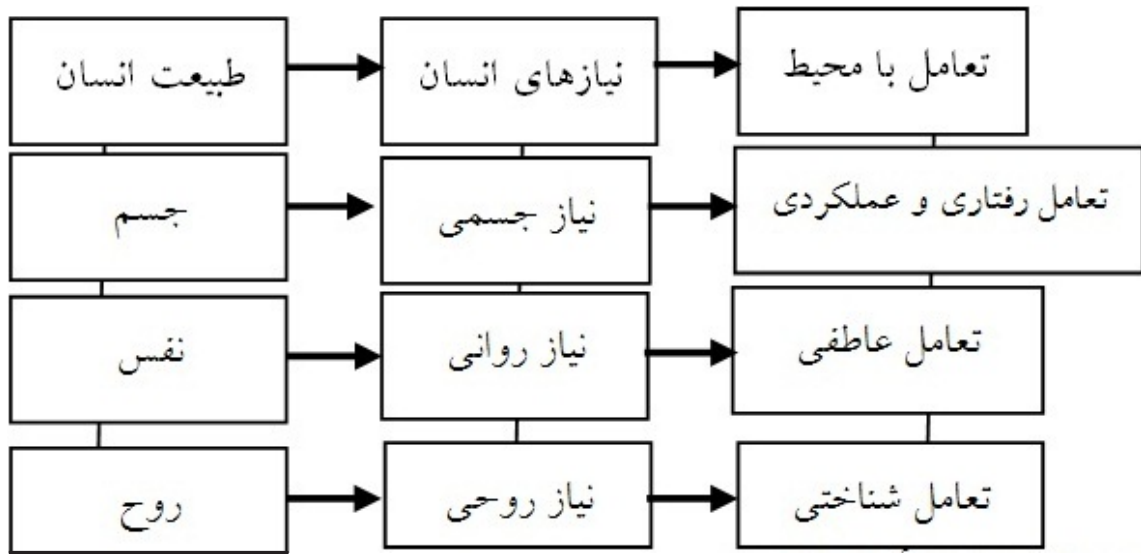
ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و مسکن و امثال آنها)، نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حبّ ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای روحانی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه) تقسیم‌بندی می‌شوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۶). ارتباط نیازهای انسانی با محیط را می‌توان در سه تعامل بیان کرد: تعامل عاطفی با محیط؛ پاسخگوی نیاز روانی انسان (بعد احساسی)، تعامل شناختی با محیط؛ پاسخگوی نیاز روحی انسان (بعد معنایی) و تعامل رفتاری و عملکردی با محیط، پاسخگوی نیاز جسمی انسان است (بعد عملکردی) (**تصویر ۴**).

آیات ۸۱ و ۸۲ سوره نحل، به لزوم تأمین نیازهای سه گانه انسان در خانه اشاره دارد: حفاظت از سرما و گرما (نیازهای مادی)، آزادی‌های فردی و آرامش (نیازهای روانی)، حفظ هویت فکری و اعتقادی (نیازهای معنوی). طبق **تصویر ۵**، ویژگی‌های اثباتی مسکن را می‌توان در سه خصوصیت صفات

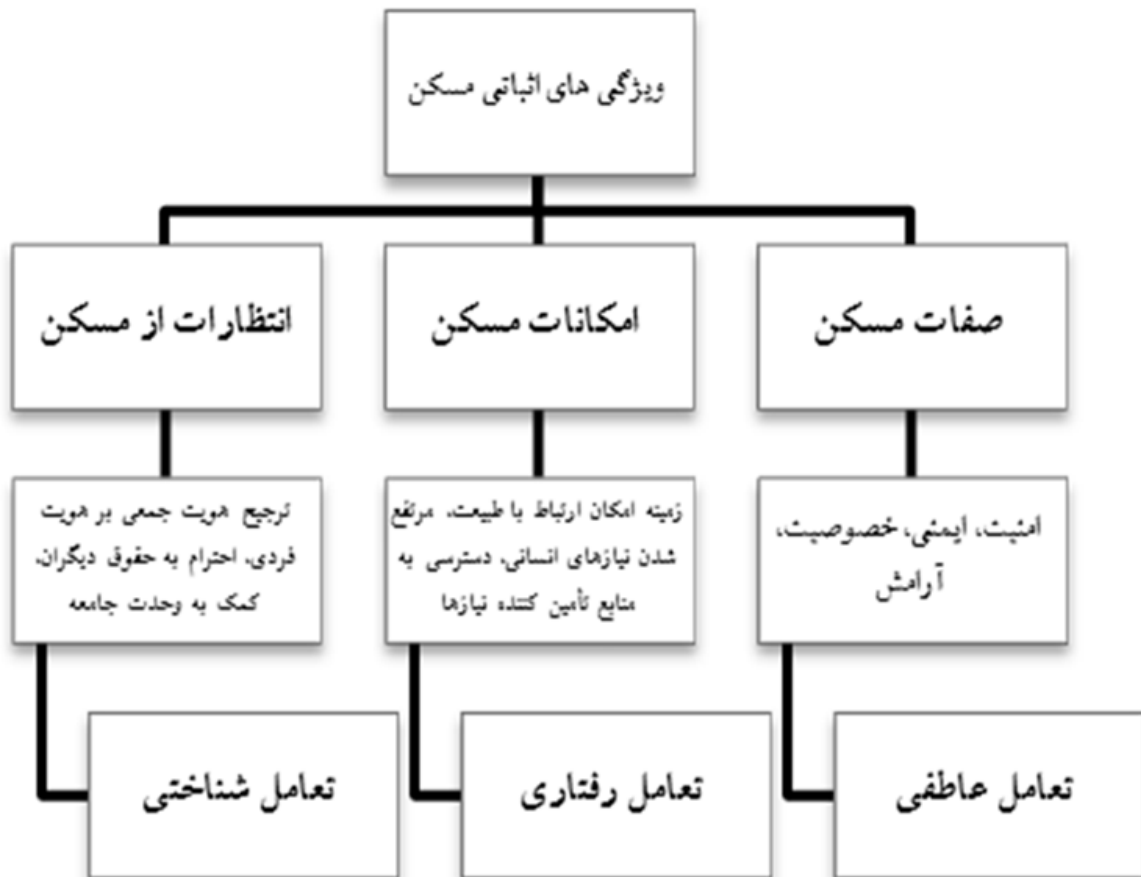
جدول ۳. مفاهیم مرتبط با خانه در احادیث و متون اسلامی

مؤلفه‌های استخراج شده در مقیاس خانه	احادیث مرتبط با مفاهیم خانه
آسایش و آرامش در خانه	فایده وجود بناهای شخصی حفاظت از سرما و گرما، سلامت ساکنان، تأمین آزادی‌های فردی، حفظ هویت فکری و اعتقادی و به گونه کلی برای آسایش و آرامش است (سوره نحل، آیات ۸۱ و ۸۲).
اندازه مسکن متناسب با نیاز	هر مقدار ساختمانی که بیش از اندازه است برای تو بال است، یکی برای خواب فرزندان و دیگری برای مهمان. البته به تناسب افراد فرق می‌کند ^۱ (الکافی، ج ۶: ۵۳۱). ساختمان بیش از مورد نیاز، مسئولیت در قیامت دارد ^۲ (المحاسن، ج ۲: ۶۰۸). «هر ساختمانی که به اندازه نیاز نباشد، عامل ناگوار زیستن صاحبش در روز واپسین خواهد گشت» (امام صادق(ع)، بحارالانوار، ج ۷۶: ۱۵۰).
دقت در انتخاب زمین یا مسکن	مسکن گرفتن خوش نمی‌گذرد مگر به سه چیز: هوای خوش، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصل خیز ^۱ (تحف العقول، ج ۲: ۳۲۰).
آرامش	خدا خانه‌هایتان را جای آرامستان قرار داد ^{۱۱} (نحل/۸۰).
حریم	«خانه هر کس حرم اوست» (رسول اکرم(ص)، نهج الفصاحه: ۳۳۱، حدیث ۱۵۸۲).
توجه به تعاملات و خدمت به خلق در خانه	«هر چیز زکاتی دارد و زکات خانه اتاق پذیرایی از میهمان است» (همان: ۴۷۸).
اندازه مناسب خانه	«سه چیز مایه سعادت است، همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار» (همان: ۲۶۰)
وسعت حیاط (فضای باز) و توجه به بعد اجتماعی خانه	«برای خانه شرافتی است و برکتی، شرافت آن در وسیع بودن حیاط، منزل و صالح بودن خانوار است. اما برکت آن در برتری نشیمن‌گاه، وسعت صحن و نیکو بودن همسایه‌هایش نهفته است» (حضرت علی، بحارالانوار، ج ۷۶: ۱۴۸).
توجه به حرمت و حریم خانه	«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیریید و بر اهل آن خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است. شاید متذکر شوید و اگر کسی در آن خانه نیافتید، داخل نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، بازگردید که برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است» (سوره نور، آیات ۲۷ و ۲۸).

مأخذ: نگارنده



تصویر ۴. ارتباط بین نیازهای انسانی و تعامل وی با محیط؛ مأخذ: نگارنده



تصویر ۵. ارتباط و تعامل ویژگیهای اثباتی مسکن با انسان؛ مأخذ: نگارنده

مسکن، امکانات مسکن و انتظارات از مسکن بیان کرد که هر ویژگی با یک بعد دل‌بستگی در تعامل است؛ تعامل عاطفی با صفات مسکن، تعامل رفتاری و عملکردی با امکانات مسکن و تعامل شناختی با انتظارات از مسکن، هماهنگ و متناسب است (در تصویر ۵ نشان داده می‌شود).

خانم علی ابراهیم، با توجه به احادیث، از روابط همسایگی نمونه نام می‌برد؛ چرا که این روابط، به تعیین اندازه ایده‌آل بنیاد شهر و مسافت و تراکم مناسب آن می‌پردازد. به نظر او، یک جماعت ۱۶۰ خانواری (۱۶۰ نفری) می‌تواند به‌طور هماهنگ، موجب تحکیم روابط همسایگی و هم‌بستگی شود. شرایط اجتماعات مسلمانان در شهرها، به پیدایش سطوح گوناگونی از پیوندها فرصت ظهور داده است. اهداف و منافع شغلی، اهداف همیاری، تعصب‌های محله‌ای، مذهبی و قومی، از جمله مهم‌ترین محورهای پیوند ساکنان شهرها با یکدیگر بوده‌اند (پور احمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۵).

تعصب محله‌ای در شهرهای اسلامی، از پیوندهای قومی، مذهبی و خاستگاه روستایی ساکنان نشأت می‌گرفت. «در شهرهای سنتی ایران، نواحی مسکونی به محله‌های مختلف و مجزا تقسیم می‌شدند و افراد با علایق مشابه یا سوابق یکسان در محله‌های خود برای تأمین راحتی، حمایت و امنیت بیشتر گرد هم می‌آمدند. تقسیم محله‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی یا خاستگاه شهری و روستایی بود» (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۶). «تعصب مذهبی

به همان اندازه که موجب هم‌بستگی داخلی بین پیروان یک مذهب و یا چند محله می‌شد، وجود محله‌هایی در تضاد و تقابل با یکدیگر در شهر، از خصیصه‌های بارز شهرها در دوره اسلامی بود. در آن زمان، ارتباط همه با سازمان اجتماعی عشیره‌ای خود در بیرون شهر از رابطه آن با محله‌های مجاور بیشتر بوده است» (حبیبی، ۱۳۸۳: ۴۹). در **جدول ۴** و ۵ به ترتیب، مفاهیم مرتبط با مقیاس محله و شهر در متون اسلامی ارائه می‌شوند.

در خصوص تأثیر اعتقادات و فرهنگ اسلامی بر دل‌بستگی افراد، مطهری به برخی از نتایج روان‌شناختی تفسیر دینی از زندگی اشاره دارد: ۱- بهجت‌آفرینی (خوش‌بینی)، ۲. روشن‌بینی، ۳. امیدواری، ۴. آرامش خاطر، ۵. اجتماعی بودن، ۶. روابط اجتماعی (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۲۳)؛ بنابراین زندگی مذهبی دارای دو صفت مهم است: اول این‌که زندگی دارای فضایی می‌شود که گویا رحمت محض است و به شکل یک زندگی سرشار از نشاط و سرور و بهجت در می‌آید، دوم این‌که یک اطمینان و آرامش باطنی و امیدواری ایجاد می‌شود که آثار ظاهری آن، نیکویی و احسان بی‌دریغ است و حس نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری نسبت به هم‌نوعان را در وجود آدمی ایجاد می‌کند که این مباحث در واقع همان نتایج موضوع دل‌بستگی مکانی است که در میان افراد مؤمن و دین‌دار، میزان دل‌بستگی به هم‌نوعان و دل‌بستگی به مکان افزایش می‌یابد.

جدول ۴. مفاهیم مرتبط با محله در احادیث و متون اسلامی

مؤلفه‌های استخراج شده در مقیاس محله	احادیث مرتبط با مفاهیم محله
اهمیت بعد اجتماعی بر بعد کالبدی همسایگی	«همسایه خانه، سزاوار به خانه همسایه است» (حدیث شماره ۱۳۵۵).
رعایت حق همسایگی	«حق همسایه آن است که ... و خانه خود را بالاتر از خانه او نسازی تا باد بر آن‌ها مسدود شود» (حدیث شماره ۲۱۸۳).
محدوده همسایگی	«چهل خانه از هر طرف (پیش و پشت و راست و چپ) همسایه است» (الکافی، ج ۲: ۶۶۹).
اهمیت فضاهای سبز	سه چیز مایه روشنی دیده‌اند: نگاه به سبزه و به آب روان و به روی نیکو (مستدرک الوسائل، ج ۱۳: ۴۶۰).
اهمیت حسن سلوک و رفتار نیکو در واحدهای همسایگی	بهترین همسایه نزد خداوند آن است که به همسایه خود بهتر باشد (حدیث شماره ۱۷۳۷).
توصیه به روابط همسایگی و اهمیت همسایه خوب	قبل از خرید خانه به دنبال همسایه خوب باشید (حدیث شماره ۲۱۷۷).
روابط همسایگی بهینه و اهمیت پیوندهای عاطفی	پیوند با خویشاوندان و خوش اخلاقی و خوب همسایگی کردن، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند (حدیث شماره ۲۳۸۱).
اهمیت روابط همسایگی خوب	داشتن همسایه خوب شهرها را آباد و عمرها را دراز می‌کند (حدیث شماره ۳۱۸۲).

مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعه احادیث

وحدت اسلامی، یکی از مباحث مهم مطرح شده در حوزه روابط اجتماعی است که تعالیم قرآنی بر آن تأکید ورزیده و مسلمین را به آن دعوت و ترغیب نموده است. نقی زاده، برای این وحدت نیز مختصاتی را برشمرده و به عواملی که باعث تقویت آن می شود، اشاره کرده است: تمسک به ریسمان الهی، همکاری بر مبنای تقوی، عبادت خدا، امر به معروف و نهی از منکر، برادری و حقوق همسایگی (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۴۸). بنابراین مطالب مطرح شده، تأکید بیشتری بر جنبه های اجتماعی احساس تعلق و دل بستگی به مکان نسبت به جنبه های کالبدی دارند. مؤلفه های استخراج شده از احادیث و متون اسلامی در سه مقیاس خانه، محله و شهر را می توان در دو عامل کالبدی و اجتماعی طبق جدول ۶ جمع بندی نمود.

فضای فکری که در محله سنتی ایرانی حاکم بوده، نقش مهمی در تعلق اجتماعی و هویت بخشی فضای محله ایفا نموده است. این فضای فکری که منبعث از ارزش های انسانی و بینش اعتقادی و اخلاقی اهل محله بوده، موجب ایجاد تعلق اخلاقی خاص و هم چنین مسئولیت پذیری نسبت به فضا و مکان گشته است. یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دل بستگی را شکل می دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۳۱۹). بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت اجتماعی وی را می سازد، مکانی است که خود را با آن شناسایی کرده و به دیگران نیز می شناساند؛ طوری که آن را می توان خودهمانی با فضا نامید و در این راستا، فرآیندهای اجتماعی در ایجاد تعلق مکانی بیش از کیفیت کالبدی اهمیت دارند (رضازاده، ۱۳۸۴: ۴۰).

جدول ۵. مفاهیم مرتبط با شهر در احادیث و متون اسلامی

مؤلفه های استخراج شده در مقیاس شهر	احادیث مرتبط با مفاهیم شهر
قاعده لاضرر و لاضرار در فضاهای شهری	«اذیت و آزار را از راه و مسیر مسلمانان صاف و هموار کن» (حدیث شماره ۸۶).
توجه به روابط اجتماعی مسلمانان (امت واحده اسلامی)	«کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان دور شود، خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می آورد» (حدیث شماره ۳۰۵).
لزوم همبستگی و زندگی اجتماعی و همراهی با امت	«برکت همراه جماعت است» (حدیث شماره ۶۲۸).
پرهیز از سد معابر شهری و اذیت شهروندان	بدترین جا برای نشستن، بازارها و در راه عبور و مرور مردم است (حدیث شماره ۵۳۲).
سفارش به نیکی در اخلاق شهروندی	با یکدیگر برابری کنید تا دل هایتان با یکدیگر برابر شود و باهم در ارتباط باشید و به داد هم برسید (حدیث شماره ۵۹۶).
عدالت در شهر	اگر یکی از شما به شهری داخل شد که سلطان عادل ندارد، اصلاً در آن جا اقامت نکند (حدیث شماره ۷۵۷).
سرزندگی و فضاهای تفریحی در شهر	«به تفریح رفته و بازی کنید زیرا من دوست ندارم تا در دین شما سختی خشک مقدسی دیده شود» (حدیث شماره ۹۶۲).
توجه به امور شهروندان و مشارکت	«کسی که صبح کند در صورتی که توجه به امور مسلمین نداشته باشد، مسلمان نیست» (حدیث شماره ۱۳۸۴).
نگهداری از محوطه ها و محیط های شهری	«از زمین محافظت کنید زیرا مانند مادر شماس است» (حدیث شماره ۱۹۸۰).
فضاهای پاک و سالم در محیط شهری	پاکیزه کردن خانه بی نیازی را به دنبال دارد (حدیث شماره ۱۳۵۶).
نظافت مسیرهای شهری	ایمان هفتاد و اندی شاخه و راه دارد. کمترین و آسانترین آن زدودن مانع و مایه اذیت از جاده و راه است (الجامع الصغیر ج ۱: ۴۷۸).
کمک به شهروندان در محیط شهری و نظافت آن	هر کس از سر راه مسلمانان موجبات آزار رهگذران را برآورد، خدا برای وی ثواب قرائت چهارصد آیه می نویسد که هر حرفی از آن، ده حسنه دارد (الأمالی، طوسی: ۱۸۳).
اهمیت چشم انداز در فضاهای شهری	شهر هایتان را به لحاظ مکان و نمای زیبا به گونه ای بسازید که چشم نواز بوده و چشم انداز داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳۴).

مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعه احادیث نهج الفصاحه

جدول مذکور نشان می‌دهد که عوامل کالبدی بیشتر در مقیاس خانه و عوامل اجتماعی نیز بیشتر در دو مقیاس محله و شهر، حائز توجه و اهمیت هستند. این موضوع هم‌چنین تأکید متون اسلامی بر برقراری تعاملات اجتماعی و جمعی بودن بر فردی بودن را تأیید می‌نماید.

بیش‌ترین تکرار معیار مورد سفارش در کلام پیامبر، مشتمل بر اهمیت و سفارش به همسایه و روابط همسایگی در فضاهای زیستی است (جدول ۷). در کلام پیامبر، علاوه بر تذکرات اخلاقی و احیای روح معنوی در فضاهای شهری نظیر موارد اخلاقی و حسن سلوک شهروندان و توجه به فضاهای عبادی و نیایشی، توجه به حرکت و ارتباطات فضاها، نظام فضای سبز، عمران و ساخت‌وساز شهری، فضای اقتصادی مناسب در شهر، امکان حضور آب و باد در فضاهای شهری، تشویق به نظام شهرنشینی، تفریح، آزادی، پاکیزگی، عرف، نظام رنگ و ... نیز مورد توجه پیامبر بوده است.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان از نظر محققان

عوامل فردی: داوی در این باره می‌گوید: «مکان‌ها، انعکاس‌دهنده هویت‌ها، تفاوت‌ها و رقابت در گروه‌های

مختلف بر اساس جنسیت، طبقه، مذهب، قوم، فرهنگ و نشان‌دهنده گرایش‌های سیاسی افراد، قدرت، آزادی، علائق، نظام اجتماعی و علائق مشترک در انگیزه مصرف هستند» (Dovey, 1999: 86). در تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه تعامل با مکان، به عوامل مختلفی چون سن، جنس، درآمد، وضعیت تأهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی و شغل اشاره شده است (Pretty et al, 2003: 285; Bonaiuto et al, 1999: 349). برخی از مطالعات حاکی از آن است که جنسیت، عامل تعیین‌کننده‌ای در دل‌بستگی به مکان نبوده است (Cohen et al, 1985: 114) و در مواردی که دل‌بستگی بیشتری در زنان مشاهده شده، علت آن، گذراندن زمان بیشتر با مکان، گزارش شده است (Marcus et al, 1986: 79). سطح درآمد فرد نیز عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری انتظارات او از مکان و در نتیجه انتخاب نوع خاصی از مکان توسط او گزارش شده است؛ به‌عنوان مثال، افراد با سطح درآمد پایین‌تر تمایل بیشتری به داشتن شبکه اجتماعی محلی در محل سکونت خود دارند (Sanoff, 1970: 146; Cohen et al, 1985: 124).

عوامل کالبدی: مطالعات انجام‌گرفته در حوزه دل‌بستگی به مکان، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که کدام

جدول ۶. جمع‌بندی مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون اسلامی در دو عامل کالبدی و اجتماعی در سه مقیاس خانه، محله و شهر

مقیاس مکان	عوامل کالبدی	عوامل اجتماعی
خانه	آسایش، اندازه مسکن متناسب با نیاز، دقت در انتخاب زمین یا مسکن، حریم، اندازه مناسب، وسعت حیاط (فضای باز)، پاکیزگی	آرامش، توجه به تعاملات و خدمت به خلق، توجه به حرمت
محله	محدوده همسایگی، اهمیت فضای سبز	رعایت حق همسایگی، اهمیت حسن سلوک و رفتار نیکو در واحدهای همسایگی، اهمیت همسایه خوب، اهمیت بعد اجتماعی بر بعد کالبدی، اهمیت پیوندهای عاطفی
شهر	سرزندگی و فضاهای تفریحی، نگهداری از محوطه‌ها و محیط‌های شهری، فضاهای پاک و سالم، نظافت مسیرهای شهری، پرهیز از سد معابر شهری، اهمیت چشم‌انداز در فضاهای شهری، فضای سبز	قاعده لاضرر و لاضرر در فضاهای شهری، توجه به روابط اجتماعی مسلمانان، لزوم همبستگی و همراهی با امت، سفارش به نیکی در اخلاق شهروندی، عدالت در شهر، توجه به امور شهروندان و مشارکت، حقوق شهروندی

مأخذ: نگارنده

جدول ۷. اولویت‌بندی سطوح اهمیت موارد سفارش پیامبر(ص) مرتبط با شهر طرح شده در نهج الفصاحه

سطوح اهمیت موارد مطرح شده	تعداد عناوین مورد اشاره	میزان تکرار در کلام حضرت رسول اکرم (ص)	موارد ذکر شده
سطح اول	۱ مورد	۳۲ بار	اهمیت و سفارش به همسایه و روابط همسایگی
سطح دوم	۱ مورد	۱۲ بار	توجه به اخلاق در شهر و روابط شهروندی
سطح سوم	۱ مورد	۱۰ بار	حسن سلوک در روابط شهروندی و توجه به حل مشکل مسلمانان

مأخذ: نگارنده

از تأثیرگذارترین و وسیع‌ترین آیین‌ها در میان شیعیان، مراسم سوگواری امام سوم است. مجتمع‌های زیستی سنتی در پی پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنان آن با مناسبات بسیار پیچیده، بنا شده‌اند. مجموعه در هم تنیده‌ای از عوامل محیطی، جغرافیایی، اقلیمی و آداب‌ورسوم و آیین‌ها، در شکل‌گیری ساختار شهرهای سنتی ایرانی نقش داشته‌اند. شهرهای واجد بافت سنتی، دارای نمادهای خاطره‌انگیز بسیاری بوده که سبب حس هم‌بستگی، تعلق به مکان، احساس هویت و تداوم خاطرات جمعی می‌شوند (حبیب و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۰). در تحقیق حاضر، سه عامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان (فردی، کالبدی و اجتماعی) در سه مقیاس مکانی (خانه، محله و شهر) در نمونه محله تاریخی سرخاب تبریز مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند. مدل عملیاتی تحقیق، بر اساس جمع‌بندی مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون اسلامی و نیز نظرات محققان و اندیشمندان (Lewicka, 2010: 46)، در **تصویر ۶** ارائه می‌شود.

یافته‌های عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان در محله تاریخی سرخاب تبریز

تأثیر عوامل فردی

تأثیر گروه‌های سنی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی: چهار گروه سنی (۳۰-۱۸)، (۴۵-۳۱)، (۶۰-۴۶) و (بالای ۶۱) برای آزمون میانگین در نظر گرفته شدند. نمودارهای زیر نشان می‌دهند که برای دل‌بستگی به خانه و شهر و گروه‌های سنی، رابطه خطی برقرار است (**تصویر ۷**)؛ یعنی با افزایش سن، دل‌بستگی به خانه و شهر افزایش می‌یابد. دل‌بستگی به محله و شهر در گروه سنی بالای ۶۱ سال، بیشترین و در گروه‌های سنی (۳۰-۱۸) کمترین میزان است.

تأثیر جنسیت: بین جنسیت و دل‌بستگی به سه مقیاس، تفاوت معنی‌داری است. نمودارهای **تصویر ۸** نشان می‌دهند که دل‌بستگی در مقیاس خانه و شهر در گروه زن بیشتر از مرد است، اما در مقیاس محله، دل‌بستگی در گروه مرد بیشتر است (نمودار **تصویر ۸** سمت چپ).

تأثیر وضعیت تأهل: بین وضعیت تأهل و دل‌بستگی به سه مقیاس، تفاوت معنی‌داری است. دل‌بستگی به هر سه مقیاس بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است (نمودار **تصویر ۸** سمت راست).

تأثیر شغل: بین دل‌بستگی به خانه و شهر در گروه‌های شغلی (خانه‌دار، دانشجو، شغل آزاد، کارمند)، ارتباط خطی برقرار است، اما برای دل‌بستگی به محله برقرار نیست. دل‌بستگی به خانه و شهر در میان گروه‌های خانه‌دار، بیشترین و در

نوع از مکان‌ها برای مردم اهمیت دارند و دلیل این احساس چیست؟ نتایج، حاکی از این است که ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان، هر دو به یک میزان در ایجاد دل‌بستگی به مکان نقش دارند. مطالعات استدمن، اشاره به نقش مستقیم بعد کالبدی مکان در رضایت‌مندی و نقش غیرمستقیم بر دل‌بستگی به مکان دارد که در عین حال متأثر از معانی نمادین مکان نیز است (Stedman, 2003: 678). لویکا در تحقیقی، عوامل کالبدی دل‌بستگی به مکان را شامل موارد زیر می‌داند: ۱. نوع مسکن (بلوک‌های آپارتمانی - ساختمان بلندمرتبه، خانه‌های فردی (مجزا یا ردیفی) و آپارتمان‌هایی با استاندارد بالا)، ۲. اندازه ساختمان (تعداد طبقات، تعداد آپارتمان‌ها در ساختمان و تعداد آپارتمان‌ها در حال ورودی مشترکین)، ۳. پیش‌بینی‌های ایمنی، ۴. بررسی آپارتمان، ساختمان و محدوده‌های ساختمان (Lewicka, 2010: 41). عوامل اجتماعی: برخی از محققین، دل‌بستگی به مکان را مبتنی بر مشارکت مردم در مکان، میزان اشتغال به شبکه‌های اجتماعی و تعاملات فرهنگی دانسته‌اند که نقشی مساوی و یا حتی مهم‌تر از کالبد مکان دارند (Marcus, 1992: 89). بر این اساس، دل‌بستگی به مکان با سه عامل بیان می‌شود: ۱. ویژگی‌های گروهی و فردی کاربران مکان، ۲. میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان، ۳. میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مراسم جمعی (Brown et al, 1985: 548). آن‌چه در این میان حائز اهمیت است، آن است که دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه، سبب توسعه و بهبود دل‌بستگی به مکان در آنها می‌شود (Fisher et al, 1977: 156; Cohen et al, 1985: 160; Rohe et al, 1994: 130). رایگر و لاوراکاس پیشنهاد داده‌اند که «دل‌بستگی اجتماعی» یا «هم‌بستگی»، شامل روابط اجتماعی، تعلق به محله و آشنایی با ساکنان و بچه‌های محله، و «دل‌بستگی فیزیکی» یا «ریشه‌داری»، با مدت سکونت، مالکیت و برنامه‌ریزی برای ماندن، قابل‌پیش‌بینی است (Riger et al, 1981: 61). لویکا نیز در تحقیق خود، عوامل اجتماعی دل‌بستگی به مکان که محدوده آنها از روابط نسبتاً دور (مانند احوال‌پرسی یا شناخت در خیابان) تا روابط خیلی نزدیک (مانند تحویل کلیدهای آپارتمان به همسایگان یا تقاضای کمک) است را شامل این موارد می‌داند: ۱. روابط محله، ۲. حس امنیت (Lewicka, 2010: 43). در **جدول ۸**، نتایج یافته‌های محققان درباره عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان ارائه می‌شوند.

ساختار شهرهای سنتی ایرانی، نشان از تطبیق کامل استخوان‌بندی و سازمان فضایی شهرها با آداب جمعی دارد.

میان دانشجویان، کمترین میزان است. در مقیاس محله، دل‌بستگی به محله در میان گروه‌های شغل آزاد، بیشترین و در میان دانشجویان، کمترین میزان است؛ بنابراین در میان دانشجویان، دل‌بستگی به هر سه مقیاس، کمترین میزان است. تأثیر تحصیلات: بین تحصیلات و دل‌بستگی به سه مقیاس، تفاوت معنی‌داری است. با افزایش تحصیلات، دل‌بستگی به شهر کاهش می‌یابد. دل‌بستگی به خانه و محله در گروه دیپلم، کمترین میزان و به ترتیب در گروه زیر دیپلم و بی‌سواد، بیشترین میزان است (تصویر ۹).

تأثیر مالکیت مسکن: بین دل‌بستگی به محله و شهر و مالکیت مسکن، ارتباط خطی برقرار است. در مالکیت شخصی، میزان هر سه دل‌بستگی، بیشترین میزان است؛ اما تأثیر آن بر دل‌بستگی به خانه، معنی‌دار نیست. تأثیر مالکیت ماشین: بین مالکیت ماشین و دل‌بستگی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. عدم مالکیت ماشین، باعث افزایش میزان دل‌بستگی به سه مقیاس می‌شود. نوع مسکن: نوع مسکن با همه مؤلفه‌ها ارتباط معنی‌داری دارد به جز دل‌بستگی به خانه. میزان دل‌بستگی به محله در

جدول ۸. نتایج یافته‌های محققان درباره عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان

عوامل مؤثر بر دل‌بستگی	نتایج یافته‌های محققان
عوامل فردی	وضعیت خانواده مانند داشتن فرزند یا ازدواج عامل مثبت ارتقاء حس سرمایه‌گذاری در محله (کمیل و لی، ۱۹۹۳)؛ سن، عامل مثبت دل‌بستگی به مکان؛ ارتباط مثبت با مالکیت خانه و حس امنیت (لویکا، ۲۰۰۹)؛ نوع مسکن ارتباط منفی با مدت سکونت؛ سطح شخصی سازی محوطه‌های ساختمان؛ نوع مسکن ارتباط مثبت با مالکیت آپارتمان؛ نگهداری از محوطه‌های ساختمان؛ حس امنیت؛ اندازه ساختمان ارتباط منفی با دل‌بستگی به مکان؛ حس امنیت؛ ظاهر محوطه ساختمان (لویکا، ۲۰۰۹)؛ وضعیت مالکیت، روابط محله و حس امنیت از عوامل مستقیم مثبت دل‌بستگی به مکان؛ وضعیت مالکیت، عامل مثبت دل‌بستگی به خانه؛ وضعیت مالکیت عامل منفی دل‌بستگی به شهر و ناحیه شهر (لویکا، ۲۰۰۹)؛ مدت سکونت و سن، همبستگی بیشتر با دل‌بستگی به مقیاس کوچکتر نسبت به مقیاس بزرگتر (شامای و ایلیتو، ۲۰۰۵)؛ تعداد جابجایی‌ها، شاخص مثبت دل‌بستگی به خانه (کوبا و هامون، ۱۹۹۳).
عوامل کالبدی	اظهار رضایت افراد مسن‌تر از سکونت در محلات حومه در مقابل محلات سنتی و بیان ترجیحات ساکنین حومه مرتبط با محیط اجتماعی محله خود (لاجوی، ۲۰۱۰)؛ انتقاد از الگوهای توسعه حومه، از جهت وابستگی به اتومبیل شخصی و نبود حس مکان مربوطه (دوانی، ۲۰۰۰)؛ تعداد بیشتر یادآورهای شهری و درصد بیشتر نسل مسن‌تر عامل مثبت دل‌بستگی مکانی (لویکا، ۲۰۰۸)؛ ترجیحات مردم به مکانهای تاریخی نسبت به معماری مدرن (نسر، ۱۹۹۸)، ایجاد حس پیوستگی با گذشته در محیط‌های تاریخی و تجسم سنت‌های گروهی (دیواین و رایت، ۱۹۹۷؛ های، ۱۹۹۸؛ هایدن، ۱۹۹۷) و تسهیل دل‌بستگی به مکان (لوو، ۱۹۹۲) دل‌بستگی قویتر ساکنین نواحی شهری با آثار تاریخی بیشتر به محله، ناحیه شهر و شهر نسبت به مناطق مدرن شهری (لویکا، ۲۰۰۸)؛ مزایای قابل توجه طرح شهرسازی جدید بر طرح سنتی از نظر دل‌بستگی به مکان (کیم و کاپلان، ۲۰۰۴)؛ تأثیرات متغیرهای کالبدی، بیشتر برای دل‌بستگی به ساختمان و محله (لویکا، ۲۰۰۹)؛ اندازه ساختمان یک عامل منفی دل‌بستگی به مکان؛ نگهداری از محدوده‌های ساختمان عامل مثبت دل‌بستگی به مکان (لویکا، ۲۰۰۹)؛ ویژگیهای کالبدی مانند مناطق آرام، وجود ساختمانهای زیبا و وجود مناطق سبز، شاخص مثبت دل‌بستگی به محله (بنیتو و دیگران، ۱۹۹۹)؛ ساکنین مناطق تاریخی دل‌بسته‌تر به نواحی نسبت به ساکنان آپارتمانهای مدرن (لویکا، ۲۰۰۸).
عوامل اجتماعی	ارتباط مثبت بین تصور ذهنی از محله و حس اجتماع (مانرینی، ۲۰۰۶)؛ افزایش حس اجتماع محلات طراحی شده نسبت به محلات حومه نمونه (راجرز و سوکولر اتانامتی، ۲۰۰۹)؛ استفاده از فضای بیرونی عمومی مشترک، عامل مثبت حس اجتماع (کیرنی، ۲۰۰۶)؛ طرحهای کلی محله با قابلیت ارتباط دهنده ساکنین به محیط طبیعی و هم‌دیگر، به‌عنوان عامل مثبت حس اجتماع بیش از عناصر فردی محله (گانز، ۱۹۶۲)؛ حس اجتماع بالاتر در میان ساکنین محلات با محوریت پیاده نسبت به محوریت اتومبیل (لوند، ۲۰۰۲)؛ وجود ارتباط بین فعالیتهای پیاده با تعاملات زیاد همسایگان و روابط اجتماعی (لوند، ۲۰۰۳)؛ رفتارهای همسایگی بیشتر در ساکنین اجتماع طراحی شده (براون و کراپر، ۲۰۰۱)؛ تفاوت ادراک ساکنین از امنیت خانه و محله در میان ساکنین محلات قدیمی و حومه (جنیز، ۲۰۰۷)؛ زندگی با مردم همگون در محیط مدرن، دلیل اصلی بر انتخاب اجتماع دروازه دار (ارکیپ، ۲۰۱۰)؛ عدم ارتباط بین خشونت ادراکی ساکنین از محله با دل‌بستگی به خانه؛ عدم ارتباط بین مالکیت خانه و خشونت مشاهده‌ای ساکنین از خانه با دل‌بستگی به محله (بنیتو و بونس، ۲۰۰۳)؛ معیارهای غیر کالبدی بیش از عوامل کالبدی، عامل شکل‌گیری خاطرات جمعی (میرمقتدایی، ۱۳۸۷)؛ تأثیرات متغیرهای اجتماعی برای دل‌بستگی به ساختمان، محله، ناحیه و شهر (لویکا، ۲۰۰۹).

مأخذ: نگارنده



تصویر ۶. عوامل تأثیرگذار بر مدل دل‌بستگی به مکان در سنجش تحقیق مأخذ: نگارنده

مسکن نوع ویلایی، بیشتر و میزان دل‌بستگی به شهر در مسکن نوع آپارتمانی، بیشتر است.

تأثیر وسیله حمل‌ونقل: وسیله حمل‌ونقل با دل‌بستگی به هر سه مقیاس، ارتباط معنی‌داری دارد. در گروه کاربران دوچرخه، دل‌بستگی به هر سه مقیاس، کمترین و در گروه پیاده، بیشترین میزان است.

مدت سکونت (آزمون هم‌بستگی زوجی): شهر < محله < خانه (مدت سکونت در شهر، بیشترین و در خانه، کمترین میزان است). بیشترین ضریب هم‌بستگی، بین مدت سکونت محله و دل‌بستگی محله برقرار است.

تأثیر عوامل کالبدی

بر اساس آزمون میانگین، ارتباط بین مؤلفه‌های عوامل کالبدی در سه مقیاس مکانی، به‌قرار زیر است:

مقیاس خانه: ارتباطات فضاها < اندازه > تناسب با نیاز <

چشم‌انداز (ارتباطات فضاها در خانه، بیشترین و چشم‌انداز، کمترین میزان است).

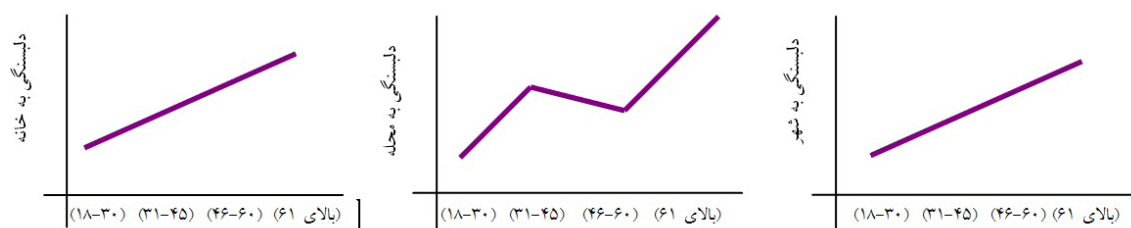
مقیاس محله: فضای سبز < سیمای محله < فضای جمعی < نگهداری از محوطه‌ها و پاکیزگی (فضای سبز در محله، بیشترین و نگهداری از محوطه‌ها و پاکیزگی، کمترین میزان است).

مقیاس شهر: پاکیزگی < سیمای شهر < فضای سبز < فضای جمعی (پاکیزگی در شهر، بیشترین و فضای جمعی، کمترین میزان است).

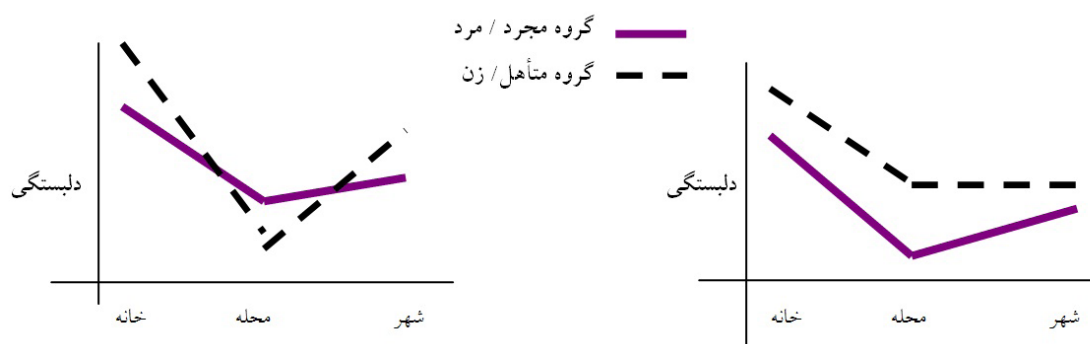
تأثیر عوامل اجتماعی

بر اساس آزمون میانگین، ارتباط بین مؤلفه‌های عوامل اجتماعی در سه مقیاس مکانی، به‌قرار زیر است:

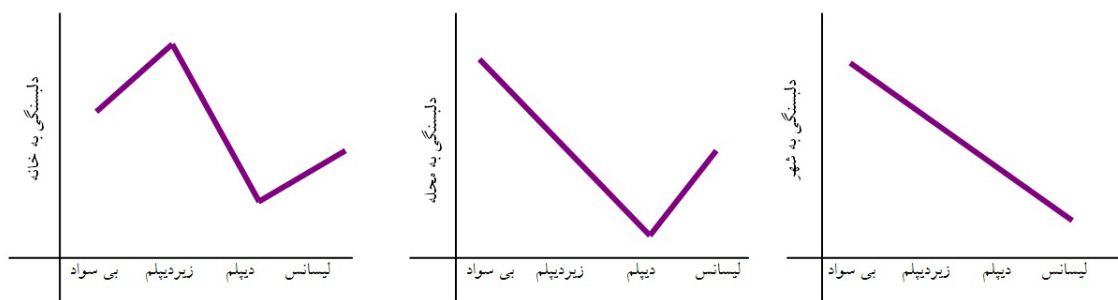
مقیاس خانه: روابط اجتماعی افراد < احساس آرامش < احساس امنیت < مشارکت افراد (روابط اجتماعی افراد در



تصویر ۷. نمودارهای تأثیر گروه‌های سنی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی



تصویر ۸. نمودارهای تأثیر وضعیت تأهل (سمت راست) و جنسیت (سمت چپ) بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی



تصویر ۹. نمودارهای تأثیر تحصیلات بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی

مقیاس خانه: از میان عوامل کالبدی و اجتماعی با توجه به ضرایب رگرسیون، عوامل کالبدی، تأثیر بیشتری بر دل‌بستگی به خانه دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل کالبدی، به ترتیب تناسب با نیاز، چشم‌انداز، سپس اندازه و سیرکولاسیون، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل کالبدی دل‌بستگی به خانه دارا هستند (تصویر ۱۰).

مقیاس محله: از میان عوامل کالبدی و اجتماعی با توجه به ضرایب رگرسیون، عوامل اجتماعی، تأثیر بیشتری بر دل‌بستگی به محله دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل اجتماعی، به ترتیب مشارکت، حس اجتماع، روابط اجتماعی و امنیت، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به محله دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل کالبدی، به ترتیب فضای سبز، نگهداری و فضای جمعی، سپس سیمای محله، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل کالبدی دل‌بستگی به محله دارا هستند (تصویر ۱۱).

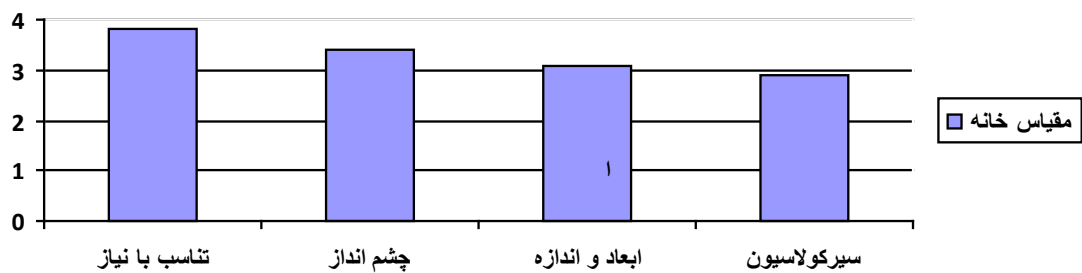
مقیاس شهر: از میان عوامل کالبدی و اجتماعی با توجه به ضرایب رگرسیون، عوامل اجتماعی، تأثیر بیشتری بر دل‌بستگی به شهر دارند. با بررسی مؤلفه‌های عوامل اجتماعی، به ترتیب حس شهر، مشارکت، روابط اجتماعی و امنیت، بیشترین اثرگذاری را بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به شهر دارند. از میان مؤلفه‌های عوامل کالبدی نیز، فضای سبز، فضای جمعی، سیمای شهر و پاکیزگی، به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر دل‌بستگی به شهر نشان می‌دهند (تصویر ۱۲).

خانه، بیشترین و مشارکت افراد، کمترین میزان است).
مقیاس محله: احساس امنیت < روابط اجتماعی افراد < مشارکت ساکنین < حس اجتماع (احساس امنیت در محله، بیشترین و حس اجتماع، کمترین میزان است).
مقیاس شهر: احساس امنیت < روابط اجتماعی افراد < مشارکت افراد = حس اجتماع (احساس امنیت در شهر، بیشترین و مشارکت افراد و حس اجتماع، برابر و کمترین میزان است).

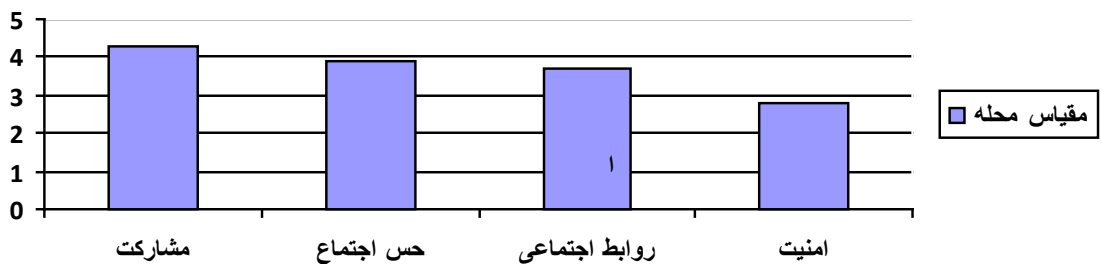
ویژگی‌های ساکنین محله و شهر: در محله سرخاب از دید ساکنین، بهترین مورد زندگی در محله، شامل صمیمیت مردم قدیمی، مرکزیت محله و وجود بازارچه است، اما حضور کفاش‌ها و قدیمی و کهنگی محله، وجود کوچه‌های باریک و بن‌بست و متراکم ناامن با کفسازی نامناسب و وضع فرهنگی مردم، به‌عنوان بدترین مورد زندگی در محله ذکر شده‌اند. برای خانه‌ها نیز، اندازه نامتناسب فضاهای خانه بیان شده است و ساکنین محله، صفت‌های خونگرم و مهمان‌نواز، چشم و هم‌چشمی و غیرتی بودن را از ویژگی‌های شهروندان تبریزی بیان کرده‌اند (مصاحبه با ساکنین محله سرخاب، ۱۳۹۴).

ارتباط بین عوامل کالبدی و اجتماعی

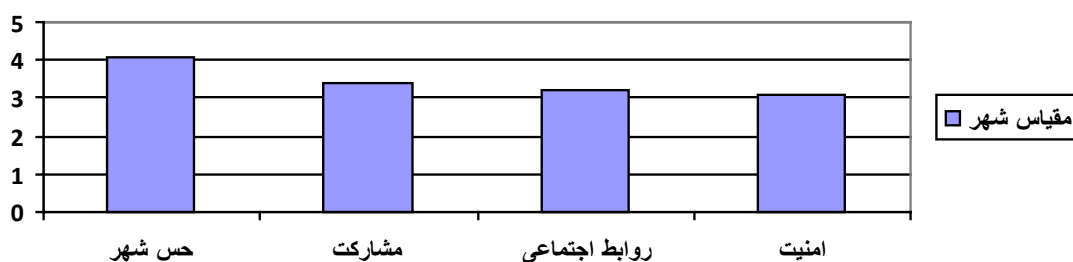
بر اساس آزمون رگرسیون، میزان اثرگذاری عوامل کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی، در زیر ارائه می‌شود:



تصویر ۱۰. نمودار میله‌ای اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر عوامل کالبدی دل‌بستگی به خانه



تصویر ۱۱. نمودار میله‌ای اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به محله

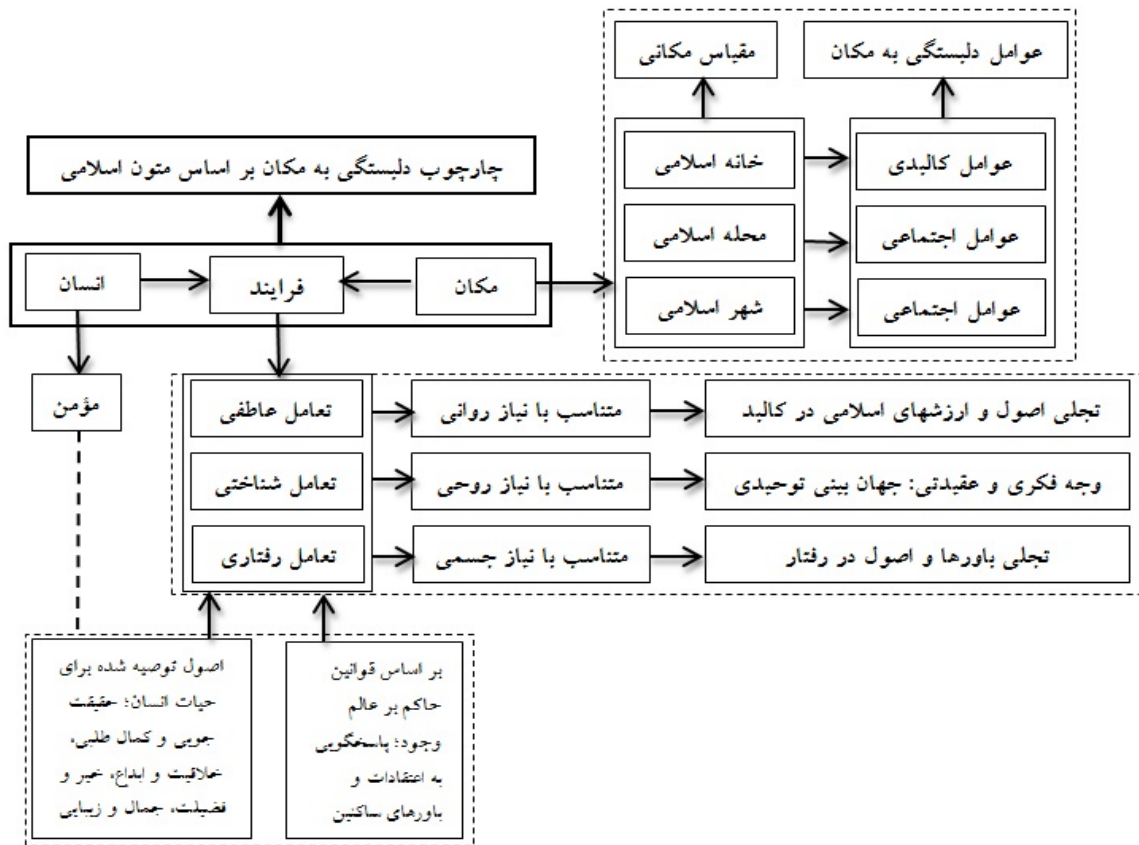


تصویر ۱۲. نمودار میله ای اهمیت اثرگذاری هر یک از مؤلفه ها بر عوامل اجتماعی دل‌بستگی به شهر

نتیجه‌گیری

عوامل تشکیل‌دهنده دل‌بستگی به شهر اسلامی، شامل سه مؤلفه انسان (مؤمن)، کالبد و رفتار است که در ارتباط بین مؤلفه‌ها، باید ارزش‌های اسلامی و شیوه زیست در کالبد، و باورها و اصول در رفتارها و روابط مسلمانان تجلی یابند. در این چارچوب، کالبد شهر با توجه به وجه عینی و فضایی و رفتارهای شهروندان با توجه به وجه عملی و اخلاقی، سبک زندگی مطلوب مسلمانی در شهر ایجاد شده و دل‌بستگی به شهر در ابعاد رفتاری و عاطفی تقویت می‌شود. تحقیق حاضر با مراجعه به گفتار پیامبر (ص) در نهج‌الفصاحه و دیگر احادیث و آیات قرآن، به دنبال استخراج مؤلفه‌های اساسی دل‌بستگی به مکان در مقیاس‌های مکانی مختلف (خانه، محله و شهر) است. در مقیاس خانه، مؤلفه‌های چشم‌انداز مناسب، احساس آرامش در فضاهای خانه، اندازه مناسب خانه و متناسب با نیاز ساکنین؛ و در مقیاس محله و شهر، رعایت حق همسایگی، سفارش به نیکی در اخلاق شهروندی، قاعده لاضرر و لاضرار در فضاهای شهری، توجه به روابط اجتماعی مسلمانان و لزوم هم‌بستگی و همراهی با امت مطرح می‌شوند. در آیات و احادیث، به لزوم تأمین نیازهای سه‌گانه انسان در فضاهای زیستی تأکید شده است؛ بنابراین در سه مقیاس خانه، محله و شهر باید نیازهای سه‌گانه مادی، روانی و معنوی انسان در تعامل سه‌گانه با محیط‌های شهری (عملکردی یا رفتاری، احساسی و معنایی) مرتفع شوند. در این میان، بیشترین معیار مورد سفارش در کلام پیامبر، مشتمل بر سفارش به همسایه و روابط همسایگی و توجه به اخلاق در شهر و روابط شهروندی در فضاهای زیستی است.

نتیجه مطالعات متون اسلامی (قرآن و نهج‌الفصاحه) و نظریات محققان (اسکنل، بنیتو، لویکا، رایجر و ...) و نیز یافته‌های مربوط به عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان (عوامل فردی، کالبدی و اجتماعی) در سه مقیاس مکانی در محله تاریخی سرخاب نشان می‌دهد که برای تأثیر عوامل فردی (گروه‌های سنی) بر دل‌بستگی به مکان، خانه، شهر و گروه‌های سنی، رابطه خطی مستقیم برقرار است؛ برای عامل جنسیت؛ دل‌بستگی در مقیاس خانه و شهر در گروه زن بیشتر از مرد است، اما در مقیاس محله، دل‌بستگی در گروه مرد بیشتر است، برای عامل وضعیت تأهل؛ دل‌بستگی به هر سه مقیاس بین افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است، برای عامل شغل؛ در میان دانشجویان، دل‌بستگی به هر سه مقیاس، کمترین میزان است، برای عامل تحصیلات؛ با افزایش تحصیلات، دل‌بستگی به شهر کاهش می‌یابد، برای عامل مالکیت؛ در مالکیت شخصی، میزان هر سه دل‌بستگی، بیشترین میزان است و برای مدت سکونت؛ بیشترین ضریب هم‌بستگی بین مدت سکونت محله و دل‌بستگی محله برقرار است. برای تأثیر نوع مسکن بر میزان دل‌بستگی به مکان؛ میزان دل‌بستگی به محله در مسکن نوع ویلایی، بیشتر و میزان دل‌بستگی به شهر در مسکن نوع آپارتمانی، بیشتر است و نیز وجود گروه پیاده و عدم مالکیت ماشین، باعث افزایش میزان دل‌بستگی به سه مقیاس می‌شود. نتایج آزمون رگرسیون در اثرگذاری عوامل کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی به سه مقیاس مکانی نشان می‌دهند که عوامل کالبدی (به‌ویژه مؤلفه تناسب با نیاز) در مقیاس خانه و عوامل اجتماعی نیز در دو مقیاس محله (به‌ویژه مؤلفه مشارکت) و شهر (به‌ویژه مؤلفه حس شهر)، بیشتر حائز توجه و اهمیت هستند. این یافته، تأکید متون اسلامی بر برقراری تعاملات اجتماعی و جمعی بودن بر فردی بودن را تأیید می‌نماید. در تصویر ۱۳، جمع‌بندی مطالب مطرح‌شده به صورت دیاگرامی ارائه می‌شود.



تصویر ۱۳. جمع‌بندی چارچوب سه‌گانه دل‌بستگی به مکان بر اساس متون اسلامی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس مطالعات

پی‌نوشت

1. Lapidus
2. Raymond
3. Bianca
4. Person-Process-Place
5. Scannell
6. Goldberg
7. Westin

۸. كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَىٰ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۹. مَنْ بَنَىٰ فَوْقَ مَا يَسْكُنُهُ كَلَفَ حَمْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
۱۰. لَا تَطْيِبُ السُّكْنَىٰ إِلَّا بِثَلَاثِ الْهُوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْعَذِيبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ.
۱۱. وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا.

منابع و مأخذ

- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام). ترجمه علی نمازیان، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ، چاپ اول، اصفهان: خاک.
- الحرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۱). تحف العقول عن آل الرسول. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- ابراهیمی، محمدحسن. (۱۳۷۵). مدخل بحث درباره شهر اسلامی. مجله آبادی، ۶(۲۲)، ۱۹-۱۲.

- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن. جلد ۲، چاپ اول، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳. چاپ اول، تهران: شهیدی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). مجموع سخنان و خطبه‌های رسول اکرم. تهیه و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی، اصفهان: خاتم‌الانبیاء.
- پور احمد، احمد و موسوی، سیروس. (۱۳۸۹). ماهیت اجتماعی شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۲)، ۱۳-۱.
- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر. (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری. جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات. تهیه و تنظیم حجج الاسلام محمدحسین فلاح‌زاده و دیگران، چاپ پنجاه و دوم، قم: اسراء.
- حبیب، فرح و دیگران. (۱۳۸۸). رویکردی تحلیلی به تعامل آیین‌های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای سنتی ایرانی. نشریه هنرهای زیبا، (۳۹)، ۱۲۶-۱۱۷.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۳). شهر بی‌خاطره، شهر بی‌هویت، شهرهای جدید. نشریه داخلی - تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، ۴-۳ (۱، ۲، ۳، ۴)، ۱۸-۱۴.
- خیرآبادی، مسعود. (۱۳۷۶). شهرهای ایران. ترجمه حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مانی، چاپ اول، مشهد: نیکا.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۶). غرر الحکم و درر الکلم. چاپ هشتم، تهران: فرهنگ اسلامی.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۴). کاربرد علوم محیطی در فرآیند مطالعاتی طراحی شهری. مجله هنرهای زیبا، (۲۴)، ۴۴-۳۷.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۸۷). الجامع الصغیر. دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۹). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار. ترجمه عبدالله محمدی و مهدی هوشمند، قم: دارالثقلین.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). الأمالی. چاپ اول، قم: دارالثقافه.
- طهرانی، سید محمدحسین. (۱۳۴۵). رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب. چاپ اول، مشهد: علامه طباطبائی.
- فلاح منشادی، الهام. (۱۳۹۰). مسکن در شهر اسلامی از نگاه نهج البلاغه. مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ۸۶-۷۷.
- کریمیان، حسن و عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۰). سلسله مراتب فضایی و حرمت و محرمیت در خانه‌سازی جهان اسلام. مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ۷۶-۵۹.
- کلینی رازی، محمد. (۱۳۶۵). الکافی. جلد ۶، چاپ چهارم، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۲). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). انسان و ایمان. چاپ اول، قم: صدرا.
- معادیخواه، عبدالمجید. (۱۳۷۳). قرآن کریم با ترجمه فارسی. مجله بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع))، (۲)، ۱۵۶-۱۵۴.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر. نشریه هنرهای زیبا، (۳۷)، ۱۶-۵.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۵). معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری). چاپ اول، اصفهان: راهیان.
- نوری، حسین. (۱۳۶۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- Akbar, J. (1988). *Crisis in the Built Environment: The Case of the Muslim City*. Singapore: concept media.
- Alsayyad, N. (1996). The Study of Islamic Urbanism; An Historiographic Essay. *Built Environment*, 22(2), 91-97.
- Bianca, S. (2000). *Urban Form in the Arab World: Past and Present*. Zurich: Vdf.
- Bonaiuto, M.; Aiello, A.; Perugini, M.; Bonnes, M. & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional



- perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the urban environment. **Journal of Environmental Psychology**, 19(4), 331-352.
- Brown, B.B. & Werner, C.M. (1985). 'Social cohesiveness, territoriality and holiday decorations'. **Environment and Behaviour**, 17(5), 539-565.
 - Cohen, Y.S. & Shinar, A. (1985). **Neighbourhoods and Friendship Networks**. Chicago: The University of Chicago, Dept. of Geography.
 - Dovey, K. (1999). **Framing Places: Mediating Power in Built Form**. London: Routledge.
 - Lapidus, I.M. (1967). **Muslim Cities in the in Later Middle Ages**. Massachusetts: Harvard university press, Cambridge.
 - Lewicka, Maria. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. **Journal of Environmental Psychology**, 30(1), 35-51.
 - Madanipour, A. (1998). **Tehran: the making of a metropolis**. Chichester, England: John wiley.
 - Marcus, C.C. (1992). **Environmental Memories**. Low, S.M. & Altman, I. (Eds.), New York: Plenum Press.
 - Marcus, C. C. & Sarkissian, W. (1986). **Housing as if People Mattered**. Berkeley: University of California Press.
 - Nasser, N. (2003). Cultural continuity and meaning of place: sustaining historic cities of Islamicate world. **Journal of Architectural Conservation**, 1(1), 74-89.
 - Pretty, G. H.; Chipuer, H. & Bramston, P. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: the discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. **Journal of Environmental Psychology**, 23(3), 273-287.
 - Raymond, A. (1994). Islamic city, Arab city, orientalist myths and recent views. **British Journal of Middle Eastern Studies**, 21(1), 3-18.
 - Riger, S. & Lavrakas, P. J. (1981). Community Ties: Patterns of Attachment and Interaction in Urban Neighborhoods. **American Journal of Community Psychology**, 9(1), 55-66.
 - Rohe, W.M. & Stegman, M.A. (1994). The impact of home ownership on the social and political involvement of low-income people. **Urban Affairs**, 30(1), 152-172.
 - Sanoff, H. (1970). **Residential Patterns of Racial Change: A Study of a Southern City**. Raleigh: Urban Affairs and Community Services Center.
 - Stedman, R. C. (2003). Is it really a social construction? The contribution of physical environment to sense of place. **Society and Natural Resources**, 16(8), 671-685.

جای نام: مکان ناملموس خاطره (تبیین رویکردی کل نگر به خوانش نام آثار معماری تاریخی در حفاظت معماری نظر به مقایسه تحلیلی کاراکتر نام و مکان)*

مینا راداحمدی** فرهنگ مظفر***

چکیده

شناخت میراث معماری و جنبه‌های گوناگون آن، همواره مورد تأکید نهادهای بین‌المللی مرمت بوده است. در دهه‌های اخیر، به‌رغم تلقی جای‌نام‌ها به‌مثابه بخشی از تاریخ زنده و میراث فرهنگی، این نام‌ها هم‌چنان در معرض تغییرات شتاب‌زده بوده‌اند. در منابع و مطالعات حفاظت معماری نیز بررسی سیر تحول نام آثار، رویکرد توصیفی تاریخی-جغرافیایی داشته و با غفلت از کاراکتر جای‌نام، عمدتاً بدون رویکردی حفاظتی-مرمتی یا بدون توجه به پویایی و اهمیت فرهنگی آنها صورت گرفته است. از آنجا که تغییر و تحول نام هر اثر معماری می‌تواند حاکی از تغییری در کلیت آن اثر تلقی شود، این تحقیق در نظر دارد ضرورت توجه به نام آثار معماری از این بعد را روشن سازد و رویکردی نظری به جای‌نام‌ها در نسبت با ارزش‌های یک مکان تاریخی تبیین کند. به‌منظور دستیابی به این هدف، این پرسش مطرح می‌شود که کاراکتر نام چه مشابهتی با کاراکتر مکان دارد و این دو چه نسبتی با خاطره، یعنی زمینه مشترک همه موضوعات تاریخی دارند؟

در این راستا، علاوه بر بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای حفاظتی، توپونیمی و پدیدارشناختی مکان، در تحلیل استنتاجی مصادیق عینی برای یافتن زمینه مشترک، بررسی کاراکتر و نسبت نام و مکان، ضروری می‌نماید. در نهایت، نتایج این تحقیق شامل زمینه‌های تعامل و تقابل صورت و معنای نام از منظر رویکرد توصیفی-تاریخی کنونی با رویکرد کل نگر پیشنهادی است که طی چند محور کلیدی در قالبی تطبیقی ارائه می‌شود و می‌توان آن را نگرشی نو به جای‌نام‌ها برای بازشناسی نام مکان‌های تاریخی در نظر گرفت. در این پارادایم، جای‌نام‌ها به‌مثابه صور ناملموس «مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی» و نه صرفاً وجهی تاریخی-زبان‌شناختی برای نامیدن آثار درک می‌شود و علاوه بر دلالت بر ارزش‌های فرهنگی که در نسبت با اثر و شرایط دیگر از آنها برخوردار شده، خود مکان (ناملموس) خاطره مکان است. در ارتباط با مواجهه با موضوع تغییر جای‌نام‌ها نیز، توجه به جایگاه جای‌نام در کلیت اثر و پویایی نسبت آن با مکان، مورد تأکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جای نام، مکان خاطره، آثار معماری تاریخی، حفاظت معماری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مینا راداحمدی با عنوان «آداب قرائت معماری در حفظ آثار تاریخی ایران» به‌راهنمایی دکتر مهدی حجّت و دکتر فرهنگ مظفر در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.

radahmadi@gmail.com

** دانشجوی دکترا، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

m.mozaffar@au.ac.ir

*** دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

مقدمه

از منظر حفاظت معماری، به‌عنوان هنری برای کنترل تغییرات، همواره به‌طریق گوناگون با مسأله تغییر موراث فرهنگی و جنبه‌های گوناگون آنها مواجه هستیم (Earl & Saint, 2015: 94). با بررسی شکل تغییرات عارض بر آثار معماری تاریخی، به نمونه‌های فراوانی بر می‌خوریم که علاوه بر شیئیت آثار معماری و مکان‌های تاریخی و شرایط پیرامون آنها، صورت نام آنها نیز در معرض تغییر بوده است. به‌ویژه در سده جاری، طی روند سریع تحولات فرهنگی-سیاسی-تاریخی کشور و بالطبع تغییرات شهری، هم‌زمان شاهد تغییرات بزرگ و بعضاً شتاب‌زده نام مکان‌های تاریخی و اسامی جغرافیایی بوده‌ایم (بیات، ۱۳۷۰: ۱۷۳). با این‌که در شناخت آثار معماری و به‌ویژه مکان‌های تاریخی، عمدتاً «وجه تسمیه» این آثار مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما چنین بررسی‌های جای نام‌شناختی معمولاً از منظر جغرافیای تاریخی و آن هم به‌مثابه یکی از وجوه عملکردی-تاریخی مکان‌های تاریخی، به جای نام‌ها نزدیک می‌شوند و فاقد رویکرد نظری-فلسفی یا نگاهی مرمتی-حفاظتی به نام آنها هستند (رفاهی علمداری، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۲).

به‌رغم اهمیت ویژه جای نام‌ها در منابع و ادبیات مرمت و معماری، شاهد نوعی فقدان رویکرد نظری در زمینه شناخت و مواجهه با آنها هستیم. بر این اساس، این تحقیق در نظر دارد رویکرد فعلی ادبیات حفاظتی به جای نام‌ها را مورد نقد و بررسی قرار دهد و زمینه نظری نوینی برای مواجهه با جای نام‌ها از منظر حفاظت معماری تبیین نماید. چنان‌چه ملاحظه خواهد شد، این زمینه در ارتباط با دو مبحث مهم حفاظتی-مرمتی یعنی اهمیت فرهنگی و تغییرپذیری در ارتباط است و انجام چنین تحقیقی به‌ویژه در مواجهه با مقوله تغییرپذیری و تکوین اهمیت فرهنگی جای نام‌ها، ضروری است.

در راستای دست‌یابی به هدف تحقیق، دو نوع پرسش مطرح می‌شود؛ پرسش‌های اولیه، متوجه ضرورت نگرش حفاظتی-مرمتی به جای نام و ارزش‌های آن در ارتباط با مکان‌های تاریخی بر طبق تعریف منشورهای بین‌المللی مرمت است و پرسش‌های ثانوی، ما را به‌سوی جستجو و مقایسه ویژگی‌های نام و مکان و چگونگی بازشناسی جای نام به‌شکلی فراتر از صورتی لفظی و ثانوی نسبت به اثر معماری بلکه به‌مثابه بخشی از کلیت آن هدایت خواهد کرد. به این ترتیب، پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

ضرورت نگرش حفاظتی-مرمتی به جای نام چیست؟
منظور از خاطره مکان چیست و کاراکتر نام و مکان چه نسبتی با خاطره دارند؟

در مواجهه با یک اثر معماری، چگونه می‌توان جایگاه جای نام را از وجهی ثانوی نسبت به اثر ارتقا بخشید؟
در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، با تحلیل استنتاجی و استخراج مفاهیم پایه از مصداق‌های عینی، ضمن بهره‌گیری از متون پدیدارشناسی مکان، با رویکردی کل‌نگر^۱ سعی در تبیین زمینه نظری نو برای خوانش مواجهه با جای نام‌ها خواهیم داشت. در ساختار این تحقیق، مواردی که در ادبیات و پیشینه تحقیق مطرح می‌شوند، در راستای پاسخ به پرسش‌های اولیه، به بررسی چستی جای نام‌ها و آسیب‌شناسی مطالعات جای نام‌شناختی پرداخته و زمینه‌ای برای روشن شدن شایستگی نام آثار تاریخی برای برخورداری از رویکردی حفاظتی-مرمتی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، در راستای روشن شدن این مطلب که چرا نام آثار تاریخی در ابتدا می‌تواند بستری برای ظهور و حمل اهمیت یا ارزش‌های فرهنگی و در نتیجه شایسته حفظ در نظر گرفته شود و با توجه به تغییرپذیری این ارزش‌ها چه ظرایفی باید مورد توجه یک مرمتگر باشد، انجام این تحقیق اهمیت دارد. به این منظور، بررسی کاراکتر نام و مکان در ارتباط با زندگی انسانی، رخدادها و معانی نسبت‌یافته به جای نام‌ها، ضرورت دارد. در نهایت، تلاش خواهد شد در قالبی تطبیقی با نقد رویکرد کنونی به جای نام‌ها، زمینه‌ای نو برای خوانش جای نام ایجاد شود که با مبانی مرمت، تجانس بیشتری داشته باشد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

تعاریف

با توجه به آن‌که در منابع اختصاصی مرمت و معماری، تضادهایی در کاربرد کلیدواژه‌های این تحقیق وجود دارند، برای روشن شدن فحوای این واژه‌ها در ابتدا تعریفی از آنها ارائه می‌شود:

جا، مکان^۲: «مکان» در اصل واژه‌ای عربی، صیغه اسم ظرف مشتق از «کون» (به‌معنی «بودن») است و به‌معنای موضع و محل بودن هر چیزی است؛ با این وجود در معنای مطلق «جا»^۳ کاربرد یافته که علاوه بر مکان و موضع، به مقام و محل اشاره دارد (برهان، ۱۳۴۲: ۵۵۱؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳: ۲۱۳۷۹؛ معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۱۷ و ج ۲: ۱۸۰۲). از منظر ادبیات مرمت، مکان، «کلیه محوطه‌ها، مناطق و مناظر فرهنگی و مجموعه بناها و دیگر آثار است و می‌تواند شامل محتوا، اجزای شاکله و فضاها و چشم‌اندازها باشد» (ICOMOS, 2000: 2).

نام، جای نام^۴: نام یا اسم، یکی از انواع واژه و از اجزای سخن است که هر چیزی را به‌کمک آن معین می‌کنند و

به صورت تخیلی و غیرعلمی» محدود بود (رفاهی علمداری، ۱۳۹۳: ۲۸). امروزه نیز شناخت نام هر چه در ارتباط با عوارض زمین است (چه طبیعی و چه ساخته دست بشر)، تحت دانش نوین توپونیمی^{۱۱} (در اصطلاح، علم شناخت نام عوارض زمین) یا وجه تسمیه علمی قرار دارد (همان: ۲۰). به این ترتیب، بررسی نام آثار معماری یا مکان‌های تاریخی در محدوده این دانش قرار دارد.

این نام‌ها، دال بر چگونگی پدیداری جاها هستند و شناخت آنها موجب روشن شدن علل و واقعیات فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی تخصیص نام‌ها و تاریخچه آنها می‌شود (ذکاء، ۱۳۵۶: ۳۸۲-۲۷۷). به منظور شناخت عمیق و دقیق یک جای نام در مطالعات تاریخ جغرافیای طبیعی و منابع جای نام‌شناختی، با توجه به حساسیت و اهمیت نام‌های تاریخی، دلایل تغییر و تحول آنها در فرآیندی شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرند که معمولاً به منطقه وسیع تری به بزرگی حکومت، کشور یا منطقه فرهنگی-تاریخی مربوط به آن، یعنی فراتر از محدوده امروزی آن مربوط می‌شود (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۱۰۶-۹۵؛ Tent & Blair, 2011: 69-70). بنابراین با توجه به آن که جای نام‌ها در گذشته‌های دور توسط مردمان نواحی مختلف وضع شده‌اند و در هماهنگی با تحول و تداوم جوامع تغییر یافته‌اند؛ لذا به لحاظ «میراث‌داری تاریخی محلی، منطقه‌ای، ملی، فراملی و بین‌المللی و فراروی آینده مکان‌های جغرافیایی در نقش جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها»، بسیار مهم و تغییر آنها نیز حساس تلقی می‌شود (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۲).

تلقی نام‌های جغرافیایی به مثابه میراث فرهنگی و بخشی از تاریخ زنده (خیراندیش، ۱۳۸۲)، نشان‌دهنده توجه روزافزون به جای نام‌ها به مثابه میراث فرهنگ بشری در سال‌های اخیر است (Brozović, 2008; Helleland, 2011; Lenzerini, 2011). هم‌چنین در تعاریف جهانی ادبیات حفاظت، جای نام‌های معماری به مثابه بخشی از میراث ناملموس یا وجه غیر کالبدی-زبان‌شناختی آنها در نظر گرفته می‌شوند (UNESCO, 2003). در همین ارتباط، بررسی نظری ارزش‌های فرهنگی نهفته در اصطلاحات معماری یا تلقی «میراث زبانی» به مثابه میراث فرهنگی ناملموس در زمینه وجوه فراکالبدی آثار ملموس، نیز گویای نوعی تغییر تدریجی در پارادایم شناختی نام‌های تاریخی و از جمله جای نام‌ها در ایران است (اولیاء، ۱۳۸۱؛ ابویی و دیگران، ۱۳۹۵). چنین مطالعاتی اگر چه اندک با اشاره‌ای ضمنی، پیش‌درآمد تغییر در شکل توجه به نام‌ها از مطالعاتی صرفاً توصیفی-تاریخی به رویکردهایی با محتوای فرهنگی-ارزشی خواهد بود و

به آن می‌خوانند. نام، هم‌چنین به معنای صورت ظاهری و شهرت، یاد و ذکر هر چیزی نیز به کار برده می‌شود (قریب و دیگران، ۱۳۶۳: ۲۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۲۳۷ و ۳۸ ۲۲۲؛ معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۹۰۴؛ عمید، ۱۳۸۹: ۱۲۸ و ۱۰۰۹). واژه «جای نام»، مرکب از دو سرواژه پهلوی «جا» و «نام» اضافهٔ مقلوب از ترکیب «نام جای»^{۱۲} است (MacKenzie, 1971). جای نام یا اسم مکان، یکی از انواع نام‌واژه‌ها است که در گذر زمان برای نامیدن مکان‌ها ایجاد شده است و بر محل دلالت می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۴۶۲؛ Merriam-Webster inc). به خاطر تنوع جغرافیایی و پیشینه تاریخی سرزمین‌ها، انواع گوناگونی از جای نام‌ها را بر می‌شمارند؛ برای مثال، انواع عوارض جغرافیایی طبیعی و مصنوعی، جای نام هستند (احدیان و بختیاری، ۱۳۸۹: ۱۸۱). خاطره^{۱۳}، مکان خاطره^{۱۴}، خاطره، هم‌معنا با یاد و حافظه است و به چیز، شخص، اندیشه یا رخدادی از گذشته اطلاق می‌گردد که به خاطر آورده می‌شود (معین، ۱۳۸۱: ۵۷۹ و ۶۱۰ و Ba'Albaki, 1995: 446؛ Merriam-Webster, 2013: ۲؛ inc)؛ لذا خاطره یک چیز، مجموعه همه تصورات ذهنی با مرکزیت آن در حافظه فردی یا جمعی است که قابل یادآوری باشد. به هر جهت، این موضوع، یکی از زمینه‌های کلیدی موضوعات با محوریت تاریخ است و بررسی‌های مربوط به آثار معماری تاریخی از مواجهه با این مسأله مستثنا نیستند. اصطلاح «مکان خاطره»، اولین بار در اشاره به هر چیزی که بخشی از خاطر جمعی هر اجتماعی را در خود مکتوم کرده و نگه می‌دارد، به کار رفته و چنین تعریف شده است: «هر واحدیت حائز اهمیتی با سرشت مادی یا غیرمادی که توسط اراده انسانی یا در اثر گذر زمان، به عنصری نمادین در میراث یادمانی جامعه تبدیل شده باشد» (Nora, 1984: 1004)^{۱۵}.

مروری بر پیشینه جای نام‌شناسی در حفاظت معماری

در گرایش‌های وابسته به معماری نظیر حفاظت معماری، بررسی نام آثار معماری و مکان‌های تاریخی؛ یکی از مقدمات شناخت معماری است. در گذشته، به‌ویژه به سبب وابستگی این گرایش‌ها به هر دو زمینه تاریخی و جغرافیایی، بررسی وجه تسمیه مکان‌های تاریخی، بیشتر پیرو رویکرد توصیفی-تاریخی مورد استفاده مطالعات جغرافیایی در زمینه نام‌شناسی^{۱۶} بود یا آن که مستقیماً از این منابع^{۱۷} بهره می‌جست (هنرفر، ۱۳۵۰؛ رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲؛ پاپلی یزدی، ۱۳۶۷). بنابراین روند شناخت این اسامی جغرافیایی طبق روال روش علمی وقت، به بررسی وجه تسمیه یعنی «توصیف چگونگی پدید آمدن شهرها و روستاها و نام پدیدآورندگان آنها و آن هم گاه

حاکمی از اهمیت خوانش جای نام‌ها در زمینه‌ای حفاظتی -
 مرمتی است.

روش تحقیق و روایی آن

در این پژوهش، با رجوع به منابع کتابخانه‌ای حفاظت، توپونیمی و پدیدارشناختی مکان، برای یافتن زمینه مشترک نام و مکان، ابتدا به بررسی کاراکتر و نسبت آن دو پرداخته و نهایتاً در قالب چند محور تحلیلی - تطبیقی کلیدی، از مقایسه تحلیلی رویکرد موجود با رویکرد پیشنهادی به شناخت جای نام‌ها، دیدگاهی کلنگر در زمینه‌ای حفاظتی با توجه به کلیت اثر معماری تاریخی ارائه خواهد شد. روند کار به این شرح است که با تحلیل استنتاجی روند مطالعات جای نام‌شناختی و نمونه‌های موردی، بر عدم تناسب رویکرد مورد استفاده در منابع مطالعات و حفاظت معماری به منظور شناخت اهمیت هستی‌شناختی جای نام‌های معماری، تأکید می‌شود. در راستای دست‌یابی به نگرش جدیدی به شناخت جای نام‌ها، با برداشتی مفهومی از زمینه‌های معرفتی - هستی‌شناختی کهن به «نام‌ها»^{۱۲}، مبتنی بر آن که نام‌ها علاوه بر جسمیت و معنای ظاهری، از نوعی معنای باطنی برخوردار بوده و محل ظهور این معانی تلقی می‌شده‌اند، تلاش خواهد شد نگرش نو برای مواجهه با جای نام‌های معماری به مثابه نوعی فرم یا صورت غیرمادی^{۱۳} از منظر حفاظت معماری فراهم شود. این امر، با بررسی تحلیلی - مقایسه‌ای کاراکتر نام و مکان در ارتباط با مفهوم خاطره، که به نظر می‌رسد وجه مشترک آنها باشد، دنبال خواهد شد.

امکان‌سنجی خوانش جای نام‌ها با رویکردی حفاظتی -
 مرمتی

از بررسی مطالعات اخیر مربوط به جای نام‌ها در حوزه حفاظت و معماری، چنین به نظر می‌رسد که با عبور از مطالعاتی توصیفی که عمدتاً بدون توجه به تکوین شرایط تأثیرگذار بر تغییر و تحول نام‌ها، به مثابه بخشی از روند شناخت پیشینه تاریخی آثار معماری انجام می‌شد، نگرش حفاظتی جدیدی به جای نام‌ها با توجه به محتوای فرهنگی - ارزشی آنها در حال شکل‌گیری باشد که علاوه بر طبقه‌بندی جای نام‌ها به مثابه وجهی زبانی، تاریخی و فرا کالبدی، نگرشی هم به محتوای فرهنگی - ارزشی خود جای نام‌ها و تغییرات آن داشته باشد. در **جدول (۱)** به اجمال، جمع‌بندی نگرش‌های موجود به جای نام‌ها و نتایج ضمنی رویکردهای اتخاذ شده ارائه می‌شود. مواجهه حفاظتی - مرمتی با آثار، مستلزم شناخت و توجه به جنبه‌های مختلف این آثار و چگونگی تکوین آنها است. در گذر زمان از یک‌سو، آثار معماری و مکان‌های تاریخی به‌طور مداوم در حال تغییر هستند و از سوی دیگر، نام آنها در حال تغییر و تحول است؛ بنابراین برای مواجهه با مقوله تغییر، توجه به جای نام‌ها حداقل به لحاظ تاریخی اهمیت خاصی دارد. هم‌زمان با دگرگونی‌های اجتماعی و افزایش ضربان تغییر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نام‌های آثار نیز هم‌چون خود آثار در معرض تغییر بوده‌اند. مصادیق زیادی از این قسم تغییرات را می‌توان در مقیاس‌های مختلفی از تغییر نام یک کوی، خیابان یا میدان یا شهر تا تغییرات بزرگ‌تر و حساس‌تری مانند نام عارضه

جدول ۱. جمع‌بندی روند مطالعات جای نام‌شناختی با توجه به رویکرد اتخاذ شده و نتایج ضمنی آنها

تحلیل نتایج ضمنی رویکرد	توضیح نگرش رویکرد به جای نام‌ها	رویکرد اتخاذی	منابع مورد بررسی	نوع مطالعات انجام شده
اهمیت تاریخی - معناشناختی	دال بر آثار و در درجه اهمیت هستی‌شناختی ثانوی نسبت به آنها در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی نام نشانی برای یک مکان ملموس است	رویکرد توصیفی - تاریخی و وجه تسمیه غیرعلمی	مطالعات جغرافیا و زبان‌شناسی تاریخی	بررسی موردی معناشناختی جای نام‌ها
اهمیت سبکی ارزش زبان‌شناختی تغییرپذیری و	وجهی زبانی و ساختارمند و قابل طبقه‌بندی است که حاکمی از تنوع شرایط تاریخی - جغرافیایی مربوطه است.	رویکرد زبان‌شناختی با توجه به تکوین	تاریخ شفاهی و زبان‌شناسی	سبک‌شناسی جای نام‌ها با توجه به زمینه‌های فرادست
اهمیت فرهنگی - ارزشی تغییرپذیری مکان‌ها و اهمیت فرهنگی	با توجه به شرایط وضع جای نام‌ها، انسان‌ها دخالت مستقیم بر تکوین آنها داشته‌اند و ممکن است با تغییر شرایط نام دیگری به این محل‌ها اختصاص دهند. بنابراین یکی از وجوه تاریخی - فرهنگی - عملکردی آثار است.	پیش‌درآمد نگرشی حفاظتی به جای نام‌ها با توجه به محتوای فرهنگی - ارزشی آنها	ادبیات حفاظت	بررسی نام‌ها به مثابه وجه فراکالبدی آثار ملموس

اصلی ترین اهمیت فرهنگی جای نام‌ها، در حمل معانی مکتومی است که خود حامل بخشی از خاطرات مربوط به زندگی و رویدادهایی هستند که در این مکان یا در ارتباط با آن به وقوع پیوسته‌اند.

از منظر حفاظت، «اهمیت فرهنگی» به «تمام ارزش‌های زیبایی‌شناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی یا معنوی مکتوم در خود مکان، بافت، زمینه و کاربرد آن، یا در نسبت‌ها، معانی، پیشینه و شواهد مربوط به آن و همچنین نهفته در مکان‌ها و اشیای مرتبط با آن» اطلاق شده است و شناخت آن «از راه‌هایی که مردمان گذشته، رویدادها و وجوه مختلف زندگی از طریق مکان با زمان حال نسبت و ارتباط پیدا می‌کنند» میسر می‌شود (ICOMOS, 2000: 1-2). بنابراین وقتی از چنین ارزش‌هایی سخن می‌گوییم که مستقیماً در ارتباط با سیر تاریخی تحول و تداوم آن مکان هستند، از این منظر، شناخت نام مکان‌های تاریخی می‌تواند راهی برای شناخت اهمیت فرهنگی آنها در نظر گرفته شود؛ به این معنا که با رجوع به قلمروهای فرهنگی-جغرافیایی-تاریخی و موضوعی-مفهومی-شناختی وسیع‌تر، در قیاس با شرایط و عواملی که بر تکوین نام‌ها تأثیر مستقیم دارند، امکان شناخت تأثیر زمینه‌های در حال تکوین فراهم می‌شود. در این جا مصداقی از پیچیدگی شناخت تعاملات و نسبت‌یافتگی‌های اهمیت فرهنگی جای نام ذکر می‌شود؛ برای فهم علل نام‌گذاری عمارت شاهی دربار صفوی ایران به «عالی قاپو» (معادل آستانه یا باب عالی در زبان ترکی)، به احتمال زیاد، بررسی علل فرهنگی-مفهومی تأثیرگذار بر نام‌گذاری «باب عالی» قلمرو عثمانی نیز می‌تواند مفید باشد. به عبارت دیگر، ترسیم نوعی نقشه فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی برای جای نام، هم‌زمان با درک نسبت‌هایی که با دیگر جای‌نام‌های آن نقشه فرهنگی وجود دارد، امکان آشکار شدن لایه‌های عمیق‌تری از تاریخ مکان و تغییرات قدرت‌های سیاسی-مذهبی-اقتصادی-فرهنگی و یا سایر قدرت‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری معماری و تغییرات مؤثر بر تغییر جای‌نام‌ها را ممکن می‌سازد.

پیامدهای تغییرپذیری جای نام‌ها از منظر حفاظت معماری

به‌خاطر اهمیت فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی و سیاسی جای نام‌ها، تغییر آنها، موضوعی است که نسبت به آن هم‌چنان حساسیت زیادی وجود دارد؛ تا حدی که کادمون می‌نویسد: نوع کاربرد اسامی جغرافیایی مناطق دارای تاریخ سیاسی-مذهبی پرتنش و حساس مانند ایران، ترکیه و پاکستان، گویای تداوم نوعی جنگ فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی یا استفاده ابزاری

جغرافیایی-سیاسی بزرگی چون یک کشور ذکر کرد (بیات، ۱۳۷۰: ۱۷۶-۱۷۲).

تا اواخر قرن بیستم، حمایت‌های قانونی از میراث فرهنگی عمدتاً بر وجوه ملموس آثار معماری تمرکز داشت. رفته رفته با گسترش مفهوم میراث فرهنگی، وجوه غیرملموس آثار مورد توجه قرار گرفتند (UNESCO, 2003). در منشور بورا، یکی از منابع مهم مربوط به حفظ مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی، حفظ آثار معماری و شهری به مثابه مکان‌های تاریخی و بخشی از میراث فرهنگی ملموس است که مورد تأکید قرار گرفته و ضرورت توجه به «مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی»^{۱۴} هم‌زمان با توجه به معانی مستتر و ارزش‌های مکتوم در آنها را مطرح نموده است (ICOMOS, 2000: 1-3; Feilden, 2003: viii)؛ چرا که «به اندازه شواهد و آثار تاریخی، بیان‌های ملموسی از هویت و تجارب گذشتگان هستند» (ICOMOS, 2000: 1). لذا آثار معماری تاریخی در این منشور، مکان‌های ملموس تاریخی دارای اهمیت و (ارزش) فرهنگی و شایسته حفظ معرفی شده‌اند. با این حال بر اساس این تعریف، اگر چه همه آثار معماری تاریخی دارای اهمیت فرهنگی هستند، اما مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی، به آثار و شواهد تاریخی ملموس نظیر وجوه کالبدی بناهای تاریخی محدود نشده و هم‌چنان امکان بسط و گسترش مفهوم آن وجود دارد. هم‌چنین با توجه به تعریف «مکان‌های تاریخی»، کلیه ویژگی‌های ارزشی مربوط به کلیت یک مکان تاریخی از جمله نام آن، با وجوه غیر کالبدی اثر نسبت می‌یابد و جای نام‌های معماری به مثابه بخشی از میراث ناملموس یا وجه غیر کالبدی-زبان‌شناختی میراث در نظر گرفته می‌شوند (UNESCO, 2003).

اهمیت فرهنگی جای نام‌ها

با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی-تمدنی، تنوع فرهنگی-اقلیمی و قرار گرفتن در مسیر ارتباط (تجاری، سیاسی و نظامی) جهان قدیم، ویژگی‌های مشترک گونه‌شناختی جای نام‌ها^{۱۵} در ایران از بازه موضوعی-مفهومی-شناختی گسترده‌تر و پیچیده‌تری نسبت به سایر سرزمین‌ها برخوردار هستند (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۷ و ۲۸). علاوه بر اطلاعات فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی مهمی که از مطالعات جای نام‌شناختی در خصوص خود مکان و واقعیت‌های تاریخی-اجتماعی-عملکردی شرایط پیرامونی این مکان‌ها و تحولات آنها حاصل می‌شود، هم‌چنین اطلاعاتی در ارتباط با گستره وسیع‌تری از تعامل‌های بینامتنی و فرامتنی زمینه‌های تاریخی-جغرافیایی-فرهنگی به دست می‌آیند که تا حدودی می‌توانند روشن‌کننده شرایط و گستره‌ای باشند که این نام‌ها زمانی در آنها معنا دار بوده‌اند.

از نام‌ها است (Kadmon, 2004: 85). در بسیاری مناطق جهان، نمونه‌های فراوانی از تغییر نام‌ها مشاهده می‌شوند؛ از تغییرات بزرگ کشوری گرفته تا تغییرات با مقیاس کوچک‌تر مانند تغییر نام محله‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها. در این میان، علاوه بر تغییر تدریجی جای نام‌ها که پدیده‌ای زبان‌شناختی و طبیعی است، چنین به نظر می‌رسد که گاه با تغییرات ناگهانی و شتاب‌زده این نام‌ها مواجه بوده‌ایم (بیات، ۱۳۷۰: ۱۷۲ و ۱۷۳). در ایران، به‌ویژه از میانه دوران پهلوی اول هم‌زمان با تحولات ملی-سیاسی کشور و پیرو آن بعد از انقلاب اسلامی، توسعه گسترده شهری با تغییر ناگهانی بسیاری از نام‌های جغرافیایی نیز همراه بوده است (همان: ۱۷۲ و ۱۸۳). به‌ویژه از سال ۱۳۴۱، ابتدا فرهنگستان و سپس هیأت دولت، صدها نام شهر و غیره را تغییر دادند که غالباً مخدوش‌کننده بوده است. در بررسی این نام‌ها و اسامی جغرافیایی، نام‌های «بی‌معنی شده» زیادی هستند که نه تنها به سبب جدایی از زبان تحول‌یابنده، از مصادیق و معانی اولیه خود دور مانده‌اند، بلکه توسط کسانی که از روی حسن نیت به جهت «معنادار شدن» دست به تغییر آنها زده‌اند، دچار دست‌کاری‌های عجیب و غریب شده‌اند که آنها را لگدمال، تحقیر و بی‌معنا نموده است (قرشی، ۱۳۸۹: ۱۷). به‌رغم این تغییرات وسیع و متعدد، اگر تغییرپذیری جای نام‌ها به خاطر تغییر نیروهای فعال تاریخی که در ابتدا یا هم‌زمان در تخصیص جای نام‌ها و ایجاد آثار معماری شرکت داشته‌اند، آشکار است، اما این پرسش مطرح می‌شود که با وجود تغییر دائمی آثار معماری و نام آنها، چرا این تغییرات از دیدگاه مرمتی می‌توانند مشکل‌ساز باشند؟ برای روشن شدن این موضوع، به تحلیل مصداق‌هایی از جای نام‌ها خواهیم پرداخت.

برای مثال، می‌توان به مواردی مانند تغییر نام کشور در دوران رضاشاه، کاربرد معاندانه خلیج یا خلیج عربی به جای خلیج فارس در برخی رسانه‌ها و یا حتی کاربرد دو گانه و چه بسا چند گانه نام‌های تحت ادعای بی‌زانس شرقی و امپراتوری اسلامی عثمانی ترکیه-یونان^{۱۶}، اشاره کرد که از سویی نشان‌دهنده نوعی تقابل میان قدرت نیروهای فعال با قدرت‌های تاریخی جامعه و از سوی دیگر، حاکی از پیچیدگی روابطی است که جای نام‌ها با دیگر لایه‌های زبانی و ارزشی دوران مختلف دارند. فارغ از چرایی تغییر جای نام‌ها، در هر یک از این تغییرات، شاهد نوعی انتخاب هستیم که با تحقیق گسترده و عمیق آشکار می‌شود. برای مثال، با بررسی تغییر نام کنستانتینوپل (قسطنطنیه) به اسلامبول و استانبول (پی‌نوشت ۱۶)، علاوه بر معانی تاریخی مکتوم، نوعی هم‌آهنگی صوری میان فرم واژگان ضرب‌شده نیز مشهود است یا در

تغییر نام میدان نقش جهان اصفهان (در اصطلاح عامه؛ میدان شاه) هم‌زمان با التهابات سیاسی-اجتماعی ناشی از شرایط انقلابی جامعه در آن زمان، تغییر از میدان «شاه» به میدان «امام خمینی»، انتخابی مبتنی بر گزینش «مهم‌ترین فرد» ساختار سیاسی-اجتماعی حاکم بر قدرت فعلی و قیام علیه حاکمیت قبلی، کاملاً مشهود است. در حالی که سطح مواجهه عمومی با نام این میدان در آن زمان، برگرفته از نگاهی عمیق به پیشینه تاریخی این مکان نبوده است؛ چرا که در آن زمان با رنگ باختن قدرت اجتماعی سیاسی شاه‌عباس از قدرتی سیاسی به قدرتی صرفاً تاریخی، تغییر نام میدان «شاه»، خواه ناخواه قدرت اجتماعی او را به حاکمیت پهلوی نسبت داده و رد می‌کند. از تغییر نام میدان نقش جهان/شاه (عباس) که بگذریم، تداوم این نوع تغییر در تخصیص نام میدان امام خمینی به میدان‌های توپخانه تهران و قزوین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این انتخاب‌ها بر تکوین دیگر نام‌های موجود در جامعه تأثیر گذاشته است^{۱۷}. سید حسین نصر در مورد انتخاب نام چند تن از مشاهیر ایران برای خیابان‌های تهران از جمله سهروردی، ملاصدرا و میرداماد و تداوم این روند پس از انقلاب چنین می‌گوید: «در سطح عام حتی نمی‌توانستید تصور کنید در سال ۱۹۶۰ نام میرداماد بر بلوار اصلی و نه خیابانی باریک و فرعی گذاشته شود. در آن روزگار چه کسی میرداماد را می‌شناخت؟ (خیابان ملاصدرا) هم‌زمان با وقوع انقلاب به خاطر وجود سازمان گوشت تهران (در آن خیابان) به نام خیابان سازمان گوشت مشهور شد» (Nasr & Jahanbegloo, 2010: 110-111). با این وجود، اگر چه این ابزار می‌تواند سطحی و معاندانه به کار گرفته شود، اما با ارتقای نام یک محله یا مکان می‌توان به ارتقای کیفیت کاراکتر مکان در اذهان و به مرور از بین بردن خاطره‌های جمعی ناخوشایند کمک کرد. با ذکر نمونه‌ها مشاهده کردیم علاوه بر آن که تغییر نیروهای اجتماعی-سیاسی-تاریخی-فرهنگی جامعه می‌تواند منجر به تخصیص یا تغییر جای نام‌ها شود، تغییر جای نام‌ها نیز می‌تواند نوع تعامل نیروهای فعال جامعه را تا حدی تحت‌الشعاع قرار دهد.

به‌رغم ضرورت «توجه به حیات و حفظ روح زنده آثار» (Forsyth, 2007: 3-4)، ممکن است چنین تصور شود که تغییر یک نام، آسیبی جدی برای یک اثر تاریخی در پی ندارد. این دیدگاه، از آنجایی می‌تواند نشأت گیرد که یکپارچگی جای نام با مکان تاریخی در کلیتی که آن را اثر معماری می‌خوانیم، مورد غفلت واقع شود؛ چرا که فارغ از نوع جای نام و روند تغییر آن، هر تغییری که در آن سهواً یا به‌عمد، به‌طور طبیعی یا مصنوعی، آگاهانه یا با شتاب‌زدگی

رفتن سرشت واقعی آن به هیچ‌یک از خصوصاتی که به آن شکل داده‌اند، تقلیل داد (Larice & Macdonald, 2013: 252)؛ اما در دیدگاه عارفی، بعدی خفی، ناملموس و در اصطلاح بی‌مکان به مکان داده شده که در تضاد با دیدگاه مفسرانی که آثار نوربرگ-شولتس را تفسیر نموده‌اند به‌نظر می‌رسد. در تعریف دیگر به‌نقل از ادوارد رلف^{۱۸}، مکان، ترکیبی از نظم انسانی و طبیعی معرفی شده است (Seamon & Sowers, 2008). بر اساس این تفاسیر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نمی‌توان مکان را بدون زمینه آن شناخت و در عین حال، یک مکان علاوه بر اشاره به محل جغرافیایی خاص، دارای کاراکتری ذاتی است که به‌واسطه آن از سایر جاها متمایز می‌شود. بر اساس این دیدگاه‌ها، به‌واسطه معانی و ارزش‌های مکتوم در این کاراکتر ذاتی، همواره کیفیتی از بودن و تشخیص در مکان برقرار است و هر نوع مداخله در آن نیز مستلزم شناسایی کاراکتری است که یا فی‌ذاته در مکان وجود دارد و یا به‌سبب نیات و تجارب انسانی در آن مکتوم می‌شود. بنا بر آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نه‌تنها وجود مکان و انسان (یا زندگی انسانی) به‌نوعی در هم آمیخته شده^{۱۹} بلکه این در هم آمیختگی به امتزاج مکان و خاطره نیز اشاره دارد. شاید بتوان یادآوری خاطره تجارب در دیدگاه کهن افلاطون را نقطه عطفی در شکل‌گیری زمینه‌های بحث در مورد خاطره انسان در مکان دانست؛ با این وجود برای شناخت اهمیت جامعه‌شناختی ارتباط پویای خاطره‌ها و مکان‌ها، مطالعه صرف مکان و خاطره به‌تنهایی کفایت نمی‌کند (Truc, 2011: 148). بنا بر دیدگاه پدیدارشناسانه نوربرگ-شولتس، نیز نمی‌توان معانی وجودی را به‌طور اختیاری به زندگی انسان‌ها افزود؛ چرا که معنا، بخشی از شاکله انتظام‌بخش فضا است و صرفاً امکان آشکار شدن آن در مکانی خاص وجود دارد و بنابراین کیفیتی پویا است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۱ به‌نقل از Schulz, 1975: 43)؛ از این‌رو، همواره بخشی از کلیت آن برای ما شناخته می‌شود و پیامد روشن شدن کاراکتر مکان به‌مرور می‌تواند این‌طور تعبیر شود که شناخت مکان نیز بر همین اساس پویا است. در مباحث روان‌شناسی محیطی نیز مکان برآیند نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی، مختلف است و ممکن است تحت تأثیر این نیروهای بیرونی به مکان دیگری تبدیل شود و مداخله انسانی می‌تواند موجب شکل‌دهی مجدد به سرشت مکان شود (Seamon, 1982: 130-131). شکل‌دهی مجدد یا تغییرپذیری مکان از این منظر، در وهله اول ممکن است با دیدگاه نوربرگ-شولتس مبتنی بر برخورداری مکان از کاراکتری فی‌ذاته و کیفیت آشکارشدنی آن متضاد به‌نظر

و انگیزه‌های معاندانه، چه برای افزودن، تغییر و ارتقا یا حذف و یا جایگزینی و پذیرش معنایی خاص در ارتباط با یک اثر یا مکان تاریخی صورت گیرد، نشان از حیات جای‌نام در ارتباط با کلیت اثر و شرایط پیرامون آن دارد و لازم است با حساسیتی در خور هر نوع دیگری از لوازم میراثی با آن برخورد شود.

خاطره‌مندی

با توجه به تاریخ‌مندی جای‌نام‌ها و آثار معماری تاریخی در ارتباط با مکان‌های تاریخی و نیز از آنجا که بر اساس تعریفات که در آغاز سخن ذکر شد؛ «خاطره‌مندی» یکی از مفاهیم مهم موضوعاتی با محوریت تاریخ محسوب می‌شود، برای روشن شدن ابعاد این مسأله، با نگاهی کل به جزء به بررسی کاراکتر و ماهیت مکان و نام و چگونگی نسبت یافتن این دو در ارتباط با مفهوم «خاطره» خواهیم پرداخت.

کاراکتر مکان

همان‌طور که در مفردات تحقیق اشاره شد، به‌لحاظ مفهومی، دو واژه «مکان» و «جا» تقریباً از یکدیگر متمایز هستند. برای مثال، گفته شده مکان، «جایگاه و سطح باطن جسم حاوی [در بر گیرنده] است که مشتمل بر محوی [در بر گرفته شده] است (افنان، ۱۹۸۶: ۲۶۳ و ۲۶۴) و یا چنین می‌خوانیم که «مکان صرفاً یک جا نیست، بلکه جایی خاص است که به‌خاطر امتزاج با ارزش‌های بشری خاص شده است... معنای آن در زبان روزمره وسیع‌تر از کاربرد آن در جغرافیا است؛ مکان، هدف و کانونی است که حوادث معنی‌داری در آن تجربه می‌شود؛ علاوه بر آن، مکان عرصه‌ای درونی است که با عرصه بیرون احاطه‌کننده‌اش در تقابل است و واجد ارزش‌های مهم احساسی، فرهنگی و تاریخی است» (پرتوی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۱ به‌نقل از Schulz, 1975: 431).

در دوران اخیر نیز مکان اکثراً به جایی با محدوده، محل استقرار و دارای ارتباط خاص اشاره می‌شود، اما در حقیقت تفسیر مشخصی از مکان نداریم؛ از یک‌سو، مکان می‌تواند مقیاسی به‌بزرگی یک قاره و از سوی دیگر می‌تواند به بنایی خاص اشاره داشته باشد. بنا به عقیده نوربرگ-شولتس، مکان، کلیتی از وجود است و همان چیزی است که هست؛ لکن عارفی، مکان را «سیال و فضای جریان‌ها و اطلاعات تلقی می‌کند و آن را بدون مرز و قابل‌اتساع می‌داند (Arefi, 1999: 18; Norberg-Schulz, 1980). بر اساس دیدگاه شولتس، مکان، چیزی بیش از یک محل انتزاعی و کیفیتی کلی است که عناصر آن، کاراکتری محیطی (سرشت مکان) ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان این کلیت را بدون از دست

برسد، اما باید این توضیح اضافه شود که وی، درک انسان امروز از «روح حقیقی مکان» را (به دلیل دور شدن از آگاهی‌های درونی) ناقص می‌داند و به این جهت، مداخله در مکان را در صورتی ممکن می‌داند که در ابتدا قابلیت مکان یا «کاراکتر» آن شناخته شود تا قالب انسانی، مداخله کیفیتی تحمیلی و شخصی (دل‌خواهی) به خود نگیرد و با کاراکتر درونی مکان هم‌خوان باشد (idem). معنای مکان در رابطه با فضا، در نظر رلف، با تجربه حاصل از حضور انسان‌ها به‌مثابه معنا و محتوای این کیفیت فضا (مکان) تعبیر می‌شود؛ به همین دلیل، کاراکتر اصلی مکان در قابلیت انتظام و ایجاد تمرکز بر نیت، تجارب و شمولیت رفتار انسانی در مکان جستجو می‌شود. هم‌چنین بنا بر دیدگاه او، اساساً مکان‌ها از طریق مواجهه‌های مکرر و تداعی‌های پیچیده در خاطر ایجاد می‌شوند و لذا هر نوع تجربه مکانی الزاماً زمان‌دار و خاطره‌مند است (Seamon & Sowers, 2008). در نگاه هایدگری، بودن-در-زمان، هر مکانی نیز زمان‌مند و خاطره‌مند است. خاطره در ارتباط با مکان، «بازسازی گذشته به کمک اطلاعاتی مربوط به زمان حال» تعریف شده است که برای آن که چیزی بیش از یک تصور تخیلی باشد، بایستی در مکانی رخ داده و تجربه شده باشد (Halbwachs, 1997: 38). بنابراین خاطره، کیفیتی کاملاً زمانی و در عین حال همان‌طور که قبلاً نیز بحث شد، وابسته به مکان است؛ چرا که در ابتدا هیچ انسانی (حداقل در شرایطی که به‌طور طبیعی می‌شناسیم) قادر نیست بدون به‌یاد آوردن و تصور مکانی که خاطره در آن روی داده است از وجود خاطره سخن بگوید. بر اساس آن چه سخن رفت، این کاراکتر درونی یا معنای مکان نه‌تنها مجموعه همه خاطرات گذشته، بلکه در حقیقت برآیند تأثیر و تأثرات همه رویدادها و تجارب عملی و شناختی است که در هر مکانی به‌طور مداوم در حال وقوع است و بخشی از ارزش‌های مکتوم در این مکان‌ها را شامل می‌شود.

کاراکتر نام: صورت و معنا

هر واژه‌ای دارای معنایی است که به‌صورت قراردادی با ویژگی‌های مختلفی در نسبت^{۲۰} قرار می‌گیرد (White, 1992: 81-82). در بررسی انجام‌شده، ملاحظه شد چگونه هر جای نام در گذر زمان با مسأله تغییر مواجه می‌شود. از آنجایی که برای شناخت معنای نام‌ها باید همان قراردادهایی را شناخت که موجب اختصاص این معانی توضیحی، فرضی یا اشاره‌ای به واژه شده‌اند (idem)، به‌لحاظ زبان‌شناختی، نسبت معنایی مختلف با صورت نام‌ها به‌گونه‌ای است که گویی نام‌واژه چون یک فرم^{۲۱} حامل معانی به‌خصوصی می‌شود.

چنان‌چه اشاره شد، نام نوعی واژه برای تعیین بخشیدن به هر چیزی است که با آن خوانده می‌شود (قریب و دیگران، ۱۳۶۳: ۲۰)؛ لذا هر نام، فرم یا صورتی زبان‌شناختی، برای اشاره به شیء، مفهوم یا امری است که به کمک آن تصور یا ذهنیتی از آن چیز در ذهن نقش می‌بندد.

از این تعریف که تصور با «نقش کردن هر چیزی در ذهن» است (شاملو، ۱۳۸۹: ۹)، چنین بر می‌آید که هر نامی (یا جای نامی) می‌تواند تصویری در خاطر ایجاد کند یا این‌که با آن به یاد مکان مشخصی بیفتیم؛ برای مثال «میدان نقش جهان»، «مسجد شیخ لطف‌الله»، «پل الله‌وردی خان یا سی‌وسه پل». میدان، مسجد و پل هر سه نام‌واژه‌هایی عام هستند که در کاربرد هم‌زمان با بخش دوم، خاص شده و تصویری مشخص را در خاطر مجسم می‌سازند. از واژه «میدان»^{۲۲}، تصویری در ذهن ما نقش می‌بندد که متمایز از تصویری است که از واژه «پل» در خاطر داریم. حال اگر واژه انگلیسی میدان را در زبان انگلیسی بدون هیچ زمینه‌ای به کار ببریم، دو معنا در نظر می‌آید؛ یکی میدان و دیگری مربع یا مستطیل. این‌که چرا فرم هندسی مربع و نه دایره یا مستطیل و ... در زبان انگلیسی معادل میدان نیامده، مستلزم شناخت دلایل تخصیص این نام در همان زمینه است؛ مثلاً این پرسش به ذهن نزدیک می‌شود که آیا نمونه‌های نخستین میدان همگی مربع/مستطیل شکل بوده‌اند یا خیر؟ اگر واژه «سی‌وسه» را در نظر بگیریم، این واژه در ریاضیات معنایی مشخص دارد؛ یک عدد است، اما هنگامی که «سی‌وسه» هم‌زمان در کنار واژه «پل» به کار برده می‌شود، تعیین دیگری می‌یابد. معمولاً اولین تصویری که در ذهن یک فرد اصفهانی یا ایرانی نقش می‌بندد، هیچ ربطی به تعداد قوس‌های این پل ندارد، بلکه (پل) «سی‌وسه پل»، اثر معماری مشخصی است که در خاطر ما نقش می‌بندد و ما مستقیماً به تصویر ذهنی معینی از همه چیزهایی که از آن در حافظه داریم متصل می‌شویم. سؤال بعدی که ممکن است مطرح شود آن است که چرا «سی‌وسه»؟ با توجه به آن‌که در محاسبه علم اعداد (حساب جُمَّل)، ارزش عددی حروف واژه الله معادل ۶۶ است، آیا جمع عددی سی‌وسه چشمه طاق با تصویر آنها در آب (۳۳+۳۳)، ارتباطی با نام دیگر این مکان یعنی «پل الله‌وردی خان» دارد؟ به‌عبارت دیگر، بعید به نظر می‌رسد که هم‌خوانی نمادین تعداد چشمه‌های این پل با نام بانی این بنا، انتخاب و گزینشی مشخص نبوده باشد. حال، وقتی نام مکانی مشخص به زبان آورده می‌شود، نیز تصویری در ذهن ایجاد می‌شود و طبیعتاً برداشت افراد مختلف بر حسب شرایط تعامل و ویژگی‌های فردی گوناگون آنها متفاوت است. احتمالاً تصویری که در خاطر یک فرد اصفهانی با شنیدن

با نام دیگری خوانده شود. به عبارتی، جای نام‌ها با بسیاری زمینه‌های دیگر موجود در فرهنگ، تاریخ و جغرافیایی که نام و مکان در آن شکل گرفته‌اند، دارای نسبت‌هایی تودرتو هستند و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای دسترسی به زمینه‌های خاطره‌مندی آنها، به دامنه‌ای بزرگ‌تر از بستر اولیه نام نیاز است. لذا، هیچ‌گاه نمی‌توان بدون فهم نیروهای تاریخی مؤثر بر تکوین نام‌های کهن و بدون توجه به برآیند کلی ارزش‌های زبان‌شناختی، فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی آنها، به نتیجه روشنی در درک چندوچون جای نام‌ها دست یافت. با این اوصاف، وقتی از ارزش‌هایی که هر نامی می‌تواند حامل آنها باشد سخن می‌گوییم، در حقیقت نام نیز حامل این ارزش‌ها یا خاطره‌ای از آنها است که خود آن خاطره نیز می‌تواند به شکلی در حال تغییر باشد. از این‌رو، نام، مکانی ناملموس برای تبلور این ارزش‌ها به‌مثابه خاطره مکان است. به عبارت دیگر، نام، حامل خاطره زندگی جریان‌یافته در مکان است. از آنجا که نام‌ها دارای اهمیت فرهنگی هستند، شایسته رویکردی حفاظتی-مرمتی هستند؛ لذا هر نوع تغییر شتاب‌زده و بدون رویکرد مرمتی به نام یک مکان و بدون بررسی نسبت‌هایی که با دیگر نام‌ها داشته است، ممکن است به اطلاعات مکتومی که از طریق نام می‌توان به دست آورد، لطمه وارد سازد.

پویایی نسبت‌یافتگی جای نام با مکان

آثار معماری تاریخی به‌مثابه مکان‌های ملموس دارای اهمیت فرهنگی، به‌طور مداوم در حال تغییر و تکوین هستند و ما با وجوه مختلفی از این آثار در بستر تحول و تداوم روبه‌رو هستیم. گاه دیده‌ایم نام یک مکان، یک گونه^{۲۴} معماری یا اثر تاریخی، باقی‌مانده و خود مکان از دست رفته است و یا برعکس، مکانی تاریخی وجود دارد در حالی که در گذر زمان نام آن نسبت به نام اولیه (پروتونام) تغییر یافته است و چه بسا آن نام‌ها دیگر به‌خاطر آورده نشوند. علاوه بر جای نام و مکان تاریخی، وجه اتصال جای نام و یک اثر معماری؛ یعنی نسبت میان آنها نیز در معرض تغییر است. بنابراین شناخت جای نام‌ها و به‌ویژه نام‌های کهنی که در گذر زمان با آثار معماری نسبت یافته‌اند، دارای محدودیت‌هایی است؛ چرا که بر تکوین و تغییر شکل تدریجی هر یک از جای نام‌ها یا مکان‌ها، گاه به یک‌باره نام دیگری به یک مکان اطلاق می‌شود. با این توصیف، می‌توان به‌شکل دیگری به موضوع تغییر نام نگریست؛ یعنی نسبت میان نام و مکان را مورد ارزیابی قرار داد. به عبارت دیگر، اگر چنین در نظر بگیریم که نام و جایی که به آن اطلاق می‌شود، هر یک به‌طور مجزا تکوین یابند و بنا به دلایلی تاریخی در نسبت با هم قرار گیرند، دیگر تصور

نام «میدان نقش جهان» نقش می‌بندد، ابتدا چیزی در مورد موضع فیزیکی و ویژگی‌های آن یا معنای شخصی خاصی است که در تعامل او با این «مکان تاریخی» به‌وجود آمده است و کمتر به معنای لفظی این واژه توجه می‌کنند^{۲۳}. یک اصفهانی با گفتن نام سی‌وسه پل، مکان مشخصی را به‌خاطر می‌آورد، اما کسی که نسبت به این مکان خارجی هیچ ذهنیتی نداشته باشد، به وجه معنایی این نام و به ساختار جمله دقت خواهد کرد؛ یا اگر چه با مطالعه وجه تسمیه شهری مانند اصفهان، دلایل عملکردی-اجتماعی و رویدادهای تاریخی-جغرافیایی و فرهنگی مربوط به آن، هر یک به‌نوعی بخشی از لایه‌های معنایی نسبت‌یافته با این مکان و نام آن هستند، بسیار نادر است که در کاربرد روزمره، کسی از شنیدن «اصفهان» به «سپاهان» (در معنای محل نگهداری سپاه) یا دیگر نام‌های کهن این شهر تاریخی بیندیشد و همه را یک‌جا به «خاطر» آورد. به‌نظر می‌رسد شهری تاریخی-صنعتی در مرکز ایران در نظر آید.

از این نمونه می‌توان چنین نتیجه گرفت که در پس پیچیدگی لایه‌های معنایی این تصور یا خاطره ذهنی، مستقیماً با شناخت کاربردی، تجربی و نظری که از آن در خاطر یا حافظه معنایی هر یک از ما ثبت شده، در ارتباط باشیم. بنابراین طبیعی است که کیفیت این خاطره، وابسته به همه ویژگی‌های معمارانه و معنای عملکردی، نمادین و تاریخی خاص فرم و گونه معماری، اطلاعاتی در مورد موضع، قدمت، مالکیت، عالم پدیدآورندگان آثار و حتی سیر تحول اتفاقاتی باشد که برای یک فرد یا جامعه مشخصی که این پدیده در آن شکل گرفته و به‌عبارت دیگر به کمک آنها تعریف شده است، معنادار شده باشد. به این ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فهم این نام‌ها بسیار به زبان‌ها، تاریخ و جغرافیا و عوامل متغیر فردی و اجتماعی دیگری وابسته است که همگی کیفیتی از خاطره دارند و اگر چه فهم زبانی معنای نام بسیاری آثار مانند سی‌وسه پل، منارجنبان و ... برای مردم محلی چندان دشوار نیست، اما نام مکان‌ها و جای‌ها در اقلیم کهنی هم‌چون ایران به‌راحتی قابل فهم یا تفسیر نخواهد بود (ابویی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۰؛ به‌نقل از اولیاء، ۱۳۸۱)؛ چرا که همه این خاطره‌ها یا نسبت‌هایی که در گذشته با سایر زمینه‌ها داشته‌اند، به‌راحتی به دست نمی‌آیند. به دلایل مختلفی هم‌چون تغییر حاکمیت، مذهب و سیاق زبان، با نام‌هایی مواجه می‌شویم که با توجه به کیفیت مداوم در حال تغییر زبان، از منظر زبان امروز، فاقد معنای کاربردی روشن و صریح باشند. به عبارت دیگر، ممکن است نام‌ها به‌مرور زمان از معنا یا معنای اولیه خود تهی شده و معنای جدیدی بر آنها افزوده شود یا صورت عینی مکان

ما از نام به مثابه وجهی ثانوی و صرفاً زبان شناختی برای یک مکان تاریخی یا اثر معماری نخواهد بود که فهم آن فقط با مسیری خطی قابل پی جویی باشد.

اگر هر نامی مانند نام خورشید، یک گیاه یا یک مکان به خصوص را در زبان‌ها و دوره‌های مختلف در نظر بگیریم، از تفاوت این نام‌ها در این زمینه‌های مختلف به این نتیجه خواهیم رسید که در هر زمینه بدون شناخت دلیل نام‌گذاری، به هیچ عنوان نمی‌توان دانشی تولید کرد (Feynman, 1973). با این حال، مطالعه تغییر نسبت یافتگی نام‌های مختلف با یک نمودی عینی مانند یک جای مشخص، در ارتباط با نوع خاطره (رویدادها، معانی و کیفیات زندگی در مکان)، واقعیات و اطلاعات تاریخی مهم و نکات مستوری را در همان زمینه زبانی روشن می‌کنند که لزوماً در کالبد فیزیکی مکان به چشم نمی‌خورند. بنابراین زمینه فرادستی که نام و مکان هر یک در سیر تاریخی مجزایی می‌پیمایند، به شکلی و به دلایلی قرین هم قرار می‌گیرند. با این وجود، نظم غیر تصادفی گزینش یک نام برای یک جا، نیز می‌تواند در معرض تغییر باشد. به عبارت دیگر، خود نام می‌تواند مکانی برای تبلور همه آن روابط و معانی باشد که از زندگی انسانی بر جای مانده است. از این موارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که نام نیز هم‌چون کالبد فیزیکی یک مکان، یا به بیان دیگر مانند مکان ملموس تاریخی، مکانی برای خاطره است؛ خاطرات در صورت ملموس مکانی نظیر یک اثر تاریخی به شکل «شواهد تاریخی» مکتوم می‌شوند و تغییر نسبت پویای جای نام‌ها با مکان‌ها نیز به نوعی با رخدادها، شواهد و منابع مربوط به خود اثر مرتبط است. پس در این حالت، نام، صورتی با جسمیت ملموس لفظی دارد که مملو از خاطره بوده و در معنا نیز می‌تواند به مثابه صورت ناملموس مکان خاطره یا به عبارتی مکان ناملموس خاطره در نظر گرفته شود. بر همین اساس، نام نه فقط به عنوان لایه‌ای تاریخی-زبان شناختی از یک مکانی، بلکه به مثابه صورتی ناملموس از آن؛ یعنی یک مکان (ناملموس)، حائز اهمیت است. اما تعامل و نسبت میان شیئیت ملموس نام و مکان نیز حائز اهمیت است. به عبارتی، اگر نام و مکان تاریخی (اثر)

را به مثابه «مکان» (به معنای کیفیتی فضا مند) حامل معنا و خاطره در نظر بگیریم، باید شناخت خاطره مکان را در گرو شناخت پویایی معنا و کاراکتر مکان و چگونگی تحول وجوه ملموس و ناملموس آن در گذر زمان دانست؛ چرا که این نسبت خاص با توجه به شرایط و عوامل تکوین نام و مکان‌ها به طور مداوم در حال تغییر است. لذا، نسبت میان اثر معماری و نام آن نیز خود لایه‌ای از ارزش‌های تاریخی-فرهنگی کلیت اثر است. در معماری، با توجه به آن که نام از حوزه زبان اتخاذ و بر مکان نهاده می‌شود، تا حدودی جای نام امری پیش‌انگاشته تلقی می‌شود؛ اما از آنجا که هر جای نام به واسطه شرایط و با هدفی مشخص به مکانی خاص نسبت یافته و سپس به همان شکل پیرو انگیزه‌ها و نیروهای تاریخی-جغرافیایی-فرهنگی به خصوصی تغییر یافته‌اند، از این رو، جای نام و نسبتی که با صورت ملموس مکان دارد، حامل ارزش‌ها و معانی مختلفی شده است که در مورد هر جای نامی منحصر به فرد است. لذا، شناخت همه امکانات زبان شناختی یک جای نام می‌تواند رویکردی اساسی برای شناخت و مواجهه آگاهانه با کاراکتر کیفیات نهان مکان باشد که البته این مسأله در عهده گروهی متشکل از آرا و زمینه‌های تخصصی متعدد و ورای بینشی فردی است. از طرف دیگر، از آنجا که جای نام‌ها با مکان و شرایطی که موجب پیدایش و تکوین این جای نام‌ها شده‌اند و چه بسا با دیگر نام‌های هم‌دوره خویش دارای نسبت‌هایی هستند که با تغییر یک باره و شتاب زده جای نام‌ها امکان از دست رفتن و خدشه دار شدن معنا و خاطره مکتوم در آنها به وجود می‌آید، باید در حفظ لایه‌های معنایی متعدد آنها کوشید؛ چرا که هر نوع مداخله و تغییر در جای نام با توجه به تأثیرگذاری آن در نسبت مکان و نام آن (صورت ملموس و صورت ناملموس مکان خاطره)، بر کلیت اثر و روابط تاریخی آن تأثیر می‌گذارد و باید تصمیمی آگاهانه و غیرشتاب زده باشد. تنها در این صورت با شناخت نسبتی که نام و خاطره مکان (اثر معماری) با هم دارند، می‌توان به تداوم آگاهانه تکوین هر دو کمک کرد.

نتیجه‌گیری

طبق تعاریف جدید میراث فرهنگی، اگر چه آثار دارای اهمیت فرهنگی، شایسته حفظ و مرمت شمرده شده‌اند، با تأکید بر اهمیت یا ارزش‌های مختلف فرهنگی جای نام و بحث در مورد ضرورت مواجهه مرمتی با آنها، مشخص شد نه تنها همه نام‌های تاریخی و از جمله جای نام‌های تاریخی، لوازم میراثی دارای ارزش‌های فرهنگی-تاریخی فراوان هستند، بلکه لازم است از منظری حفاظتی-مرمتی به کلیتی که اثر معماری خوانده می‌شود (متشکل از فرم، عملکرد و نام در بستر تاریخ)، مورد توجه قرار گیرند. هم‌چنین با توجه به ارزش‌های انسانی مکتوم در کاراکتر



مکان و نیز برخورداری جای نام از چنین کیفیتی که می‌تواند حامل معانی مربوط به ارزش‌های مزبور باشد، چنین نتیجه گرفته شد که برای تلقی یک صورت یا «قالب» به‌مثابه مکان، برخورداری از ملموسیت مکانی ضروری نیست. چه بسا بر خلاف رویکرد تاریخی رایج به جای نام‌ها در مرمت، می‌توان با توجه به معانی خاصی که هر جای نام در نسبت با شیئیت یک اثر معماری حمل می‌کند، با نگاهی کل‌نگر به اثر و نام آن، هم جای نام و هم شیئیت مکان تاریخی، هر دو را واجد کیفیت لازم برای مکان بودن یا «مکان بودن» دانست؛ برای مثال، یک اثر معماری دارای وجه ملموس مکانی است ولی نام آن اگر چه خود به‌شکل زبان‌شناختی وجود دارد، اما به‌لحاظ کالبدی می‌توان آن را مکان ناملموس حامل خاطره مکان دانست.

با توجه به آن که ضرورت شناخت و حفاظت از ارزش‌های فرهنگی جای نام و نسبت‌های پویایی که به‌مثابه عنصری تاریخی-زبان‌شناختی از یک سو با پیشینه فرم و عملکرد مکان و از سوی دیگر با زبان‌ها و دیگر زمینه‌های فرادست فرهنگی-جغرافیایی-تاریخی دارند، مشخص شد که حفاظت از جای نام‌های معماری در زمینه‌ای حفاظتی، مستلزم شناخت اهمیت هستی‌شناختی این جای نام‌ها و بازاندیشی در پارادایم خوانش آنها است. علاوه بر ایده ملموسیت مکان، مفهوم نام به‌مثابه قالب و حامل معنا نیز، ضرورت توجهی کلی‌نگر به مکان ملموس، جای نام و نسبت نام و مکان و در مجموع، اهمیت هستی‌شناختی نام در ارتباط با مکان و تأثیر آن دو را بر هم یادآور می‌شود. در راستای جمع‌بندی زمینه‌های کلیدی بحث، در قالب تطبیقی (جدول ۲) با روش تحلیلی-مقایسه‌ای، رویکرد کل‌نگر نوینی به جای نام و مکان ارائه می‌شود.

در نهایت، می‌توان چنین گفت که با نظر به تفاوت‌هایی که ذکر شد، نام نه تنها یک نشان برای وجه مکانی اثر و وجهی ناملموس از ارزش‌های آثار (مکان‌های تاریخی) است و در نتیجه در زمره میراث ناملموس دارای اهمیت فرهنگی محسوب می‌شود، بلکه می‌توان هر جای نام را حامل اهمیت فرهنگی و به‌عبارت دیگر، مکانی ناملموس برای حمل ارزش‌های گوناگون در نظر گرفت؛ بنابراین جای نام به‌مثابه صورت ناملموس مکانی، شایسته همان توجهاتی است که متوجه کالبد فیزیکی آثار (صورت ملموس) می‌شود. لذا، لازم است پیش از هر نوع مداخله در جای نام‌ها، بدانیم هر نام از کجا آمده و با چه معانی دیگری در قلمروهای فرهنگی-جغرافیایی-تاریخی در ارتباط بوده است؟ هم‌زمان با تحول و تداوم شرایط عامل، جای نام‌ها چگونه تکوین می‌یافته‌اند و از همه مهم‌تر، اعمال تغییر بر این شرایط چگونه می‌توانسته و می‌تواند بر معنا و چه بسا معانی نهفته در قالب‌های ملموس و ناملموس مکان تأثیر بگذارد؟ به‌عبارت دیگر، برای حفاظت از کلیت مکان‌های تاریخی، زمینه‌های پویای ارتباط نام با مکان ملموس و شرایط پیرامون، به خوانشی کل‌نگر نیاز دارند. پارادایم شناختی پیشنهادی، می‌تواند ما را از حد مواجهه صرفاً پس‌بینانه تاریخی با گذشته اثر و نام آن، به شناختی هستی‌شناختی از جای نام‌ها فراخواند؛ بنابراین، در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود علاوه بر ثبت، حمایت و حفاظت از اهمیت جای نام‌ها به‌مثابه مکان ناملموس خاطره، به بررسی هر چه بیشتر و شناخت عمیق‌تر زمینه‌های پویای ارتباط جای نام‌ها با مکان و شرایط حفاظتی خاصی که نام‌ها به‌مثابه «مکان» می‌توانسته‌اند از آن برخوردار باشند، پرداخته شود. هم‌چنین، شناسایی و تفسیر نسبت‌های جای نام‌ها در زمینه‌های موردی بر جای مانده کمک‌کننده به حفظ اتصال لایه‌های ارزشی جای نام‌هایی که در معرض خطر تغییرات سریع و سلیقه‌ای مردمی-منطقه‌ای هستند، می‌تواند در ایجاد هشیاری روزافزون همراه با مراتب قانونی و فرهنگ‌سازی عمومی نسبت به اهمیت هستی‌شناختی نام‌ها مفید باشد.

سپاسگزاری

از استاد گران قدر جناب آقای دکتر مهدی حجت به‌خاطر راهنمایی و زحمات بی‌شائبه ایشان، صمیمانه قدردانی می‌شود.

جدول ۲. مقایسه تحلیلی روپکرد موجود با روپکرد کلنگر پیشنهادی به اهمیت هستی‌شناختی جای نام‌ها

ردیف	تحلیل نگرش تاریخی به جای نام (نگاه فعلی)	روپکرد کلنگر به جای نام و مکان (نگاه پیشنهادی)	زمینه‌های کلیدی
۱	جای نام به‌مثابه نشان مکان (وجه ملموس)؛ یعنی ابتدا مکانی هست، سپس نامی به آن اختصاص یافته است؛ و نسبت به آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد.	جای نام به‌مثابه مکان (ناملموس)؛ نام پس از وضع و اختصاص به یک مکان ملموس، خود یک مکان (ناملموس) تلقی می‌شود که حامل لایه‌های معنایی مختلفی است. بنابراین نسبت میان صورت ناملموس مکان (جای نام تاریخی) و صورت ملموس آن (برای مثال، اثر معماری تاریخی) در درجه دوم اهمیت نسبت به وجود آن‌ها (صورت ملموس و ناملموس) است.	صورت ملموس و ناملموس «مکان خاطره»
۲	بررسی آفرینش و اختصاص و تکوین نام می‌تواند بخشی از فرایند ساخت مکان باشد.	آفرینش و تکوین مکان و نام در دو فرایند مجزا و درهم‌تنیده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و برای شناخت اهمیت فرهنگی نام‌ها و مکان‌ها توجه به نسبت میان نام و مکان و زمینه‌های آن‌ها در دوره‌های خاص ضروری است.	شرکت‌پذیری نام در فرایند ساخت مکان
۳	نام خود یکی از وجوه تاریخی-فرهنگی-عملکردی مکان است؛ بنابراین در صورت نیاز، نام در زبان زاینده یا از گنجینه موجود در آن اقتباس می‌شود؛ اما به‌مرور زمان با از دست رفتن کاربرد و قلمروهای معنایی‌اش ممکن است از معنای خود تهی شود و «بمیرد» و لذا نام دیگری برای مکان انتخاب شود.	نام یکی از وجوه هستی‌شناختی مکان است؛ و تناسب و رابطه نام و مکان یکی از وجوه اهمیت فرهنگی مکان است. ممکن است تناسب معنای نام با مکانی خاص در گذر زمان به فراموشی سپرده شود؛ اما فارغ از همراهی با مکان ملموس (یا شیء بیرونی)، نام به وجود آمده هیچ‌گاه از معنای خود تهی نمی‌شود، بلکه ممکن است معانی دیگری به آن افزوده و در درجه اهمیت بیش‌تری قرار گیرند.	نام و مکان: تحول و تداوم فرم (قالب و کالبد) و معنای نام در گذر زمان
۴	نام فرمی (قالبی) است که به‌مثابه تصویری منجمد در تاریخی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ قالبی که به‌مرور زمان ممکن است از معانی محمول خویش تهی شده باشد. بنابراین فاقد روح معناداری بوده و زنده نیست.	نام یک فرم است و به‌مثابه توالی تصاویر لحظات زندگی در گذر زمان، حاوی معنای سیال مکان است؛ این قابلیت نام را علاوه بر تحول‌پذیری فرم، دارای روحی سیال و شکل‌پذیر نسبت به فعالیت‌های انسانی می‌کند.	نام و معنا: تحول و تداوم در بستر ساختارهای مکان‌ساز
۵	مکان بدون نام اولیه، به حیات خویش ادامه می‌دهد. یعنی بر حسب عملکردهایی که در گذر زمان می‌گیرد، ممکن است بدون آنکه وجه ملموس مکان تغییری هستی‌شناختی کند، نام دیگری را بر خود حمل کند.	وجه ملموس نام و مکان ممکن است به‌طور مجزا از هم به حیات خویش ادامه دهند ولی با از دست رفتن نسبت‌یافتگی نام و مکان (یعنی با تخریب بنا یا تغییر نام)، تأثیر متقابل ارزشی این دو بر یکدیگر همچنان باقی است و هر یک می‌تواند به‌طور مجزا به‌عنوان یکی از لایه‌های اهمیت فرهنگی هر یک از آن‌ها تلقی شود و بر هویت هستی‌شناختی هم تأثیر بگذارند.	تأثیر هستی‌شناختی نام و مکان بر یکدیگر
۶	نسبت نام با مکان پویا نیست و تخصیص نام چه به سبب قرابت معنایی-عملکردی، چه تلاش برای ایجاد تصور چنین قرابتی (ادعای بنیان آثار مانند باب عالی و ...) همواره با تصور ثبات مکان نسبتی طولی دارد. به عبارت دیگر نام قائم به مکان بیرونی است و در صورتی که نسبت میان نام و مکان از دست برود، پروتونا صرفاً وجهی تاریخی-زبانی از مکان ملموس خواهد بود.	نسبت نام با مکان پویا است و با توجه به آنکه نسبت نام و مکان می‌تواند نشان‌دهنده دلایل تخصیص یک نام به خصوص باشد، در بررسی دلایل تخصیص نام، نام و مکان در ارتباط با زمینه‌های هر یک در جامعه، معماری و زبان پویا هستند. به عبارت دیگر نام مکان قائم به مکان نیست و نسبتی که با مکان دارد می‌تواند از بین برود و نام همچنان به حیات خویش ادامه دهد.	پویایی نسبت نام با مکان



1. Holistic approach
2. Place, locus, location, situation, position (Ba'Albaki, 1995: 1094).
۳. «جا» در واژه پهلوی «gyāg/gyāk» از مصدر سانسکریت «yā/gā» به معنای رفتن، هم‌ریشه با فعل «go» در انگلیسی ریشه دارد. هم‌چنان در اشاره به فعل امری، «جا» در برخی گویش‌های فارسی و در زبان هندی (و فرانسه) باقی مانده است (برهان، ۱۳۴۲، ج ۲: ۵۵۶؛ MacKenzie, 1971: 38). بنابراین از دو واژه «مکان» و «جا» به لحاظ ریشه‌شناختی، تقریباً معنای مشابهی برداشت می‌شود. با این حال چنین به نظر می‌رسد که رفته رفته وجه «وجودی» واژه «جا» در زبان فارسی کم‌رنگ شده و اکنون صرفاً به موضع و موقعیتی در عالم واقع اطلاق می‌شود.
4. Toponym, place-name
۵. معادل «توپونیم»، واژه‌ای با ریشه یونانی مشتق از دو بخش «top-/topo(s)» به معنای «مکان، جای» و «onyma, onoma» به معنای «نام»، در لغت به معنای نام‌های جغرافیایی است (Merriam-Webster inc).
6. Memory
7. Lieux de mémoire
8. «Toute unité significative, d'ordre matériel ou idéal, dont la volonté des hommes ou le travail du temps a fait un élément symbolique du patrimoine mémoriel d'une quelconque communauté» (Nora, 1984: 1004).
۹. به طور کلی، منابع موجود در زمینه نام‌شناسی با رویکردهایی تاریخی-جغرافیایی (جای نام‌شناسی علمی و غیرعلمی)، زبان‌شناختی-فلسفی (اشتقاق، اصطلاح‌شناسی) یا دینی-هستی‌شناختی (علم‌الاسماء و هرمنوتیک) است (ناتل خانلری، ۱۳۶۵؛ Bandmann, 2003).
۱۰. برای مثال، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، آثار ملی اصفهان، اثر و گنجینه آثار تاریخی اصفهان.
۱۱. یکی از دانش‌های پرکاربرد زمینه‌های تاریخی به‌ویژه جغرافیای تاریخی که از منظر زبان‌شناسی تاریخی، به تحلیل تکوین زبان‌شناختی و طبقه‌بندی نام مکان‌ها و اثبات معانی آنها می‌پردازد (رفاهی علمداری، ۱۳۹۳: ۱۵؛ Encyclopaedia Britannica, 2017).
۱۲. در این زمینه، ابن عربی، ابن خلدون، کندی و بسیاری از فیلسوفان و متکلمان اسلامی، تألیفات متعددی داشته‌اند. برای مثال، ابن عربی، اسما و صفات الهی را محل ظهور ذات یا هویت غیبی می‌دانسته و بر این باور بوده که با تغییر حروف نام‌ها، امکان دخل و تصرف در طبیعت وجود دارد یا «حروف، اعضای جسم لفظی نام‌ها هستند» (اذکائی، ۱۳۹۲، ج ۲۰: ۳۶۵ و ۳۶۹).
13. Form
14. Places of cultural significance
۱۵. از جمله ارتباط با «نام افراد، مکان‌های دیگر، فرهنگ‌های بومی/محلی، حوادث رخ داده در محل، توصیفی، اقلیمی، پوشش گیاهی و جانوری» (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۷ و ۲۸).
۱۶. قبرس (به ترکی Kypros و به یونانی Kibris)؛ استانبول (Istanbul)، کنستانتینپل / قسطنطنیه (Kostantiniyye / Constantinople)؛ الف شهر کنستانتین / قسطنطنیه (Constantine polis)، (ب) به سوی شهر (برگرفته از اصطلاح is-teen-poli)، اسلامبول (Islambul)؛ در اصطلاح ترکی یعنی مملو از اسلام یا «اسلام‌جویی»، در معنای پایتخت اسلام در دوران حکومت عثمانی (Avcioğlu, 2008: 192; Sakaoglu, 1994).
۱۷. در این خصوص، امروزه اگر چه در بسیاری از شهرهای بزرگ، برای تسهیل نام‌گذاری خیابان‌ها و به‌ویژه کوچه‌های جدید، از شماره و کدهای سری به‌عنوان نام یا پلاک آنها انتخاب می‌شود. هنوز در خاطره بسیاری از ما، درج شماره پلاک «۱+۱۲» بر خانه‌های مسکونی به جای «۱۳» به جای مانده و شاید حتی هنوز در برخی مناطق مرسوم باشد. به عبارتی در «نشان‌گذاری»، به‌شکلی از معنای ناخوشایندی که این شماره در باور این مردم داشته یعنی از «نحس بودن شماره ۱۳» پرهیز می‌کرده‌اند.
18. Edward Relph
۱۹. مبتنی بر آن که بدون مکان، نه زبان، نه عمل و نه هستی به‌شکلی که در آگاهی ما قابل ادراک باشند، هیچ‌یک وجود نداشت؛ چرا که مکان و انسان در هم تنیده‌اند (پرتوی همان: ۱۲۶ به نقل از Grange, 2000: ۷۱).
20. Association
۲۱. صورت، قالب
22. Square
۲۳. چندی پیش در کنار سی‌وسه‌پل خانمی اصفهانی پس از شمارش ردیف قوس‌های پایینی پل به همراهش می‌گفت «چه جالب، دقیقاً سی‌وسه تاست». این گفته می‌تواند مصداقی از این مسئله باشد که در کاربرد زبان روزمره، معنای ادبی نام‌ها در قیاس با اشاره‌کنندگی آن‌ها به یک مکان خاص در درجه اهمیت کمتری قرار دارد.
24. Type

منابع و مآخذ

- ابویی، رضا؛ یادگاری، زهره و افاقت، شهاب. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث فرهنگی. *نشریه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران*، ۱۱(۶)، ۴۰-۲۹.
- احدیان، محمدمهدی و بختیاری، رحمان. (۱۳۸۹). درآمدی بر جای‌نام‌شناسی ایران. *جستارهای ادبی*، ۴۲(۲)، ۱۹۹-۱۸۱.
- اذکائی، پرویز. (۱۳۹۲). *حروف اسرار. در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد ۲۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ۳۷۴-۳۵۹. (در صفحه آرایبی ۴ مورد تای گرد تصحیح شود)
- افنان، سهیل محسن. (۱۹۸۶). *واژه‌نامه فلسفی*. چاپ اول، بیروت: دارالمشرق (دارالمکتبه الکاتولیکیه).
- اولیاء، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران مطالعه موردی: یزد برای تحقیق، تعلیم و تربیت معماری*. رساله دکتری معماری. تهران، دانشگاه تهران.
- باستانی راد، حسن و مردوخی، دل آرا. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران. *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۲(۷)، ۵۰-۲۱.
- برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. تصحیح محمد معین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- بیات، محمد. (۱۳۷۰). *فرهنگستان و تغییر اسامی جغرافیایی در ایران*. نشر دانش، ۶(۶۳)، ۲۴-۱۳.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۶۷). *فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور*. چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهشی اسلامی آستان قدس رضوی.
- خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۸۲). *نامهای جغرافیایی به‌مثابه بخشی از میراث فرهنگی*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۷۴(۷)، ۴-۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۵۶). *کاروند کسروی*. چاپ دوم، تهران: فرانکلین.
- رفاهی علمداری، فیروز. (۱۳۹۳). *مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران*. چاپ اول، تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*. چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- شاملو، احمد. (۱۳۸۹). *نام‌ها و نشانه‌ها در دستور زبان فارسی*. چاپ سوم، تهران: مروارید.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تصحیح عزیزالله علیزاده، چاپ اول، تهران: راه رشد.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی پنج استاد*. چاپ سوم، تهران: مرکزی.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. چاپ چهارم، تهران: کتاب راه نو.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۵). *تاریخ زبان فارسی*. چاپ دوم، تهران: نو.
- هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان: آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی*. چاپ اول، اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
- Arefi, Mahyar. (1999). Non-place and placelessness as narratives of loss: Rethinking the notion of place. *Journal of Urban Design*, 4(2), 179-193.
- Avcioğlu, Nebahat. (2008). Istanbul: The Palimpsest City in Search of Its Architext. *RES: Anthropology and Aesthetics*, 53(1), 190-210.
- Ba'Albaki, R. (1995). *Al-Mawrid: Arabic-English*. Beirut: Dar El-Ilm.
- Brozović, D. (2008). Place names as intangible cultural heritage: the example of Croatia. *19th Session of the East Central and South-East Europe Division of the United Nations Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN)*. Zagreb, Croatia: Institute of Croatian Language and Linguistics.
- Earl, John. & Saint, Andrew. (2015). *Building Conservation Philosophy*. London & New York:



- Routledge.
- Encyclopædia Britannica Inc. (2017). **Toponymy**. <https://www.britannica.com/science/toponymy> (Retrieved 22 January. 2018).
 - Feynman, Richard. (1973). **Names Don't Constitute Knowledge**. <https://youtu.be/BY6VntTmtIo>. (Retrieved 22 January. 2018).
 - Halbwachs, Maurice. (1997). **La mémoire collective**. Paris: Albin Michel.
 - Helleland, B. (2011). Cultural aspects of place-names. In **Geospatial Information Management (GGIM)**. Seoul: COEX Convention Center.
 - ICOMOS, Australia. (2000). **The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance 1999: with associated Guidelines and Code on the Ethics of Co-existence**. Australia: ICOMOS Inc.
 - Kadmon, N. (2004). Toponymy and geopolitics: The political use and misuse of geographical names. **The Cartographic Journal**, 41(2), 85-87.
 - Larice, Michael. & Macdonald, Elizabeth. (2013). **The Urban Design Reader**. New York & London: Routledge.
 - Lenzerini, Federico. (2011). Intangible cultural heritage: The living culture of peoples. **European Journal of International Law**, 22(1), 101-120.
 - Merriam-Webster Inc. (n.d.). **Toponymy**. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/toponym> (Retrieved 22 January. 2018).
 - Nasr, S.H. & Jahanbegloo, R. (2010). **In Search of the Sacred: A Conversation with Seyyed Hossein Nasr on His Life and Thought**. California: Praeger (ABC-CLIO).
 - Nora, Pierre. (1984). Entre mémoire et histoire. In **Les lieux de mémoire**. Paris: Gallimard. 23-43.
 - Norberg-Schulz, Christian. (1980). **Genius loci: Towards a Phenomenology of Architecture**. New York: Rizzoli.
 - Sakaoğlu, Necdet. (1994). İstanbul'un adları. In **Dünden Bugüne İstanbul Ansiklopedisi**. Tarih Vakfı Ortak Yayını (Ed.). Istanbul: Türkiye Kültür Bakanlığı. 30-78.
 - Seamon, David. (1982). The phenomenological contribution to environmental psychology. **Journal of Environmental Psychology**, 2(2), 119-140.
 - Seamon, David. & Sowers, Jacob. (2008). Place and placelessness (1976): Edward relph. In **Key Texts in Human Geography**. Hubbard, P.; Kitchen, R. & Vallentine, G. (Eds.). UK: Sage. 45-52.
 - Truc, Gêrôme. (2011). Memory of places and places of memory: for a Halbwachsian socio-ethnography of collective memory. **International Social Science Journal**, 62(203-204), 147-159.
 - UNESCO. (2003). **Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage**. <http://portal.unesco.org/la/convention.asp?language=E&KO=17116>. (Retrieved 2 September. 2017).

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۳۱

ارائه مدل ارزش مبنا به جهت کاربست ارزش‌های میراث معماری در اتخاذ

شیوه‌های حفاظت مطالعه موردی: مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان*

مظفر عباس‌زاده** اصغر محمدمرادی*** آتش‌سا امیرکبیریان**** معصومه آیشم*****
الناز سلطان احمدی*****

چکیده

ارزش‌های میراث فرهنگی را می‌توان کلیدواژه جامعه معاصر در رابطه با مداخلات حفاظت از میراث فرهنگی نامید؛ به طوری که امروزه نقش ارزش در حوزه‌های مختلف میراث، به خصوص میراث معماری، از جمله مهم‌ترین مسائلی است که رویکردهای حفاظت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کنار مفهوم ارزش و در ارتباط با آن، مفهوم حفاظت مطرح است؛ مفهومی که قدمت آن به بلندای فرهنگ و تمدن بشری است. نظر به وجود تعدد و تنوع بین ارزش‌ها و تفاوت‌های بین جوامع در این رابطه، حفاظت از ارزش‌ها نیازمند شناخت درست و متناسب با جامعه هدف بوده و بدون توجه به این موضوع، امکان حفاظت صحیح محقق نخواهد شد. این پژوهش برای یافتن پاسخ به این سؤال که "چه رابطه‌ای بین ارزش‌های نهفته در میراث معماری ایران و شیوه‌های حفاظت از آن وجود دارد؟"، انجام شده و با این فرض که رابطه‌ای مستحکم بین شیوه‌های حفاظت و ارزش‌های میراث معماری برقرار است، تلاش دارد نسبت به بررسی و معرفی گونه‌های مختلف ارزش‌های میراث و شیوه‌های حفاظت اقدام نماید. هدف اصلی پژوهش، دست یافتن به مدلی است تا بر اساس آن بتواند بر مبنای ارزش‌های موجود در میراث، روش یا روش‌های متناسب حفاظت را اتخاذ کند. این مدل که با عنوان "مدل سه بخشی ارزش محور" معرفی می‌شود، ضمن ایجاد شرایط لازم برای استحصال و ارزیابی و اولویت‌بندی ارزش‌های مختلف میراث، امکان کاربست ارزش‌ها جهت اتخاذ روش‌های متناسب حفاظت را نیز فراهم می‌کند. به جهت آزمون، این مدل در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان به کار گرفته شده است. بهره‌گیری از این مدل می‌تواند بستر مناسبی در راستای تدوین منشور حفاظت معماری و شهرسازی در ایران فراهم آورد. نوع پژوهش حاضر، بنیادی-عملی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است.

۱۲۵

کلیدواژه‌ها: ارزش، حفاظت، میراث معماری، مدل سه بخشی ارزش محور، شیوه‌های حفاظت

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «نقش ارزش‌های میراث معماری در حفاظت و مرمت؛ مطالعه موردی: مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان» به راهنمایی دکتر اصغر محمدمرادی و دکتر محسن فیضی در دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد.

mo.abbaszadeh@urmia.ac.ir

** استادیار، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول).

m_moradi@iust.ac.ir

*** استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

m_moradi@iust.ac.ir

**** کارشناس ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

m.ayashm@tabriziau.ac.ir

***** دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

esoltanahmadi@yahoo.com

***** کارشناس ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

مقدمه

آثار تاریخی به‌جا مانده از گذشته هر سرزمین، نماد و سمبلی از هویت فرهنگی و تمدن غنی اجداد آن است که هر آینه به زندگی امروز ملت معنا می‌بخشد و موجبات تفاخر و عزت آن را فراهم می‌آورد. بدین سبب، هر کوششی در راستای بازنمایی و حفظ آن، در اصل کمکی به بقای فرهنگ و سنت‌های کهن یک سرزمین است. با توجه به این مهم، در این پژوهش هدف بر این است تا با بهره‌گیری از مبانی مطرح‌شده در حوزه ارزش، حفاظت و چگونگی استحصال ارزش‌ها در راستای حفاظت از میراث معماری، به تدوین مدلی جهت اتخاذ روش‌های حفاظتی بر پایه ارزش‌های موجود در هر مجموعه با ارزش و کهن پرداخته شود. در راستای سؤال و هدف پژوهش که مبتنی بر "چگونگی تأثیر و تأثر ارزش بر اتخاذ روش‌های حفاظتی" بوده، در بخش چارچوب نظری، سه محور مورد مطالعه قرار گرفته است؛ در بخش اول، چگونگی استحصال ارزش‌های میراث معماری، در بخش دوم، چگونگی اولویت‌بندی و ارزیابی ارزش‌های میراث معماری و در بخش سوم، کاربست ارزش‌های میراث معماری در اتخاذ روش‌های حفاظتی مطرح شده و در نهایت، به ارائه مدل سه بخشی در راستای اتخاذ شیوه‌های حفاظتی مبتنی بر ارزش‌های متصور در مجموعه‌های تاریخی و با ارزش پرداخته شده است.^۱ به جهت تبیین مدل به‌صورت اختصار، این مدل در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان مورد آزمون قرار گرفت؛ اما به‌واسطه محدودیت حجم مقاله، امکان ارائه کلیه فرآیند کاربست مدل و جداول مرتبط با آن میسر نشد. نوع پژوهش حاضر، بنیادی-عملی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اسنادی است.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش حاضر را نیز می‌توان در دو بخش جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد؛ بخش اول، در رابطه با مفهوم ارزش و حفاظت، رویکردها و شیوه‌های رایج در این حوزه بوده و بخش دوم پیشینه، نیز به مدل‌سازی‌های ارائه‌شده در تحقیقات پیشین پرداخته است. در خصوص بخش اول، می‌توان به کتابچه‌ای با عنوان "مقدمه‌ای کوتاه بر حفاظت از دارایی‌های فرهنگی" (Feilden, 1979) اشاره نمود. فیلدن برای مفهوم حفاظت، هفت درجه را مطرح کرده و بیان می‌کند که اتخاذ این هفت درجه چه تأثیری در ارزش بافت‌ها و یا اشیاء می‌تواند داشته باشد. وی در کتاب خود، به چگونگی استحصال و اولویت‌بندی این ارزش‌ها و چگونگی وجود این رابطه بین ارزش‌های مجموعه تاریخی و روش‌های

حفاظتی به‌وضوح اشاره نمی‌کند. راندال در مقاله خود با عنوان "ارزیابی ارزش‌ها در برنامه‌ریزی حفاظتی: (موضوعات و گزیده‌های رویه‌ای)" (۲۰۰۲)، در باب حفاظت سخن می‌گوید. وی، حفاظت و مدیریت حفاظتی را تحت تأثیر ارزیابی کامل ارزش‌های متصور در میراث معماری می‌داند و همه ابعاد ارزشی را در این ارزیابی مد نظر قرار می‌دهد؛ اما در این خصوص، به ارائه مدلی کامل و کارآمد دست نمی‌یابد. فیلدن با همکاری یوکیلتو (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان "ارزش‌گذاری به‌منظور حفاظت"، ابتدا به بررسی مفهوم میراث فرهنگی و میراث فرهنگی جهانی پرداخته و سپس نوع ارزش‌هایی که لزوم حفاظت و مرمت یک میراث را نشان می‌دهد، به تفصیل مورد بررسی و بحث قرار داده‌اند. در کنار مقالات منتشرشده، مؤسسه‌ای با نام گتی در حوزه ارزش‌های میراث معماری و شهرسازی، حفاظت، ارزیابی و مدیریت مجموعه‌های با ارزش، کتابچه‌هایی را به‌صورت الکترونیک در فضای مجازی منتشر کرده که مقالات بسیار با ارزشی را در این حوزه معرفی می‌نمایند. تیلور با همکاری کسر در مقاله‌ای با عنوان "بازنمایی و مداخله: رابطه هم‌زیستی حفاظت و ارزش" (۲۰۰۸)، به بررسی مفهوم ارزش و حفاظت و تأثیر نوع ارزش‌ها در گزینش رویکرد حفاظتی می‌پردازند. با توجه به مفاهیم و تعاریف گفته‌شده توسط این نظریه‌پرداز، انجام عمل حفاظت باید با شناخت کامل ارزش‌های بافت و یا شی همراه باشد. مطالعه مقاله وی، در زمینه پیشبرد اصول مبانی نظری می‌تواند کمک شایانی را ارائه کند. در بین نظریه‌پردازان و محققان ایرانی نیز می‌توان به کتاب حجت (۱۳۸۰) تحت عنوان "میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی" اشاره نمود. در این کتاب نیز به بررسی مفهوم ارزش پرداخته شده و سعی شده است این مفهوم در این کشور اسلامی در راستای حفاظت از میراث معماری و شهرسازی به‌کار برده شود. در مقاله "حفاظت از بناهای تاریخی" نوشته آیت‌الله‌زاده شیرازی (۱۳۸۲)، به بررسی مفهوم حفاظت در جهت جلوگیری از زوال بناهای ارزشمند پرداخته شده است. وی در این مقاله، در راستای تبیین مفهوم حفاظت گام بر می‌دارد. آیت‌الله‌زاده شیرازی، انجام مداخله را تحت لوای اولویت‌بندی ارزش‌ها و تأثیرگذاری آنها در رفتار مطرح می‌کند و با این تعریف، به وجود رابطه بین این دو مفهوم اشاره می‌کند. مظفر عباس‌زاده و همکاران در مقاله‌ای با عنوان "Specifying the Relation between the Concept of Value and Conservation in Cultural Heritage" (۲۰۱۶)، به تبیین چگونگی و کم و کیف

روش تحقیق

تبیین روش پژوهش را می‌توان مهم‌ترین گام در راستای پیشبرد صحیح اهداف تحقیق عنوان نمود. روش‌ها و گونه‌بندی‌های متعددی در این حوزه ارائه شده، اما می‌توان یکی از پرکاربردترین گونه‌های تعیین روش پژوهش را "گونه‌بندی بر اساس هدف" عنوان کرد. بر همین اساس و طبق اهداف و سؤالات، روش پژوهش حاضر، بنیادی-عملی است. راهبرد استفاده‌شده، راهبرد تفسیرگرایی و استدلال منطقی بوده و روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است. با توجه به نوع تحقیق و راهبرد آن، مقاله حاضر را می‌توان از جمله مقالات کیفی نامید. فرآیند پژوهش را می‌توان این‌گونه تصور کرد؛ ابتدا به بررسی مفهوم ارزش و تأثیر آن در فرآیند حفاظت از میراث معماری پرداخته شده، سپس مطالبی در راستای ارزیابی و چگونگی ارائه مدل، مطرح شده و در پایان با توجه به پیشینه پژوهش، مدل‌های پیشین و گونه‌بندی‌های متنوع موجود در این حوزه، مدل نهایی اتخاذ شیوه‌های حفاظتی بر اساس ارزش‌های نمودیافته در مجموعه‌های تاریخی، ارائه شده است. در تصویر ۱، فرآیند پژوهش آورده شده است.

چارچوب نظری

استحصالی ارزش‌های میراث معماری

واژه ارزش در حوزه‌های گوناگونی مطرح شده و به تبع آن در هر حوزه، تعریفی مشخص و خاص از آن ارائه شده است و این تعاریف، ناشی از نیاز هر حوزه و ضرورت پژوهش انجام گرفته‌اند. یکی از حوزه‌های مهمی که مفهوم ارزش در آن وارد شده، حوزه میراث فرهنگی است. امروزه مفهوم ارزش و ارزش‌مداری در حوزه میراث فرهنگی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مواجهه با آثار است؛ «آثاری که به‌عنوان میراث فرهنگی به‌دست ما رسیده است، به‌واسطه ارزش ذاتی یا جوهری خود و یا ارزشی که از طرف جامعه در طول زمان به آنها تعلق گرفته است واجد اهمیت و اعتبار می‌شود. آنچه امروز به‌عنوان میراث فرهنگی در اختیار ما قرار گرفته، امانتی است که باید ضمن حفظ ارزش‌ها با بهترین کیفیت و یافتن قابلیت مشارکت در زندگی معاصر، در اختیار آیندگان و نسل‌های بعد قرار گیرد» (فدایی‌نژاد، ۱۳۹۱). همان‌طور که قبلاً نیز مورد اشاره قرار گرفت، مفهوم ارزش در حوزه‌های متنوعی وارد شده و در هر حوزه به‌تبع نیاز حوزه و خاصه پژوهش، گونه‌بندی متفاوتی را به‌نمایش گذاشته؛ این امر، حاکی از منعطف بودن این واژه است. در جدول ۱، دسته‌بندی‌های متنوع ارائه‌شده از این مفهوم نشان داده شده‌اند.

رابطه بین مفهوم ارزش و حفاظت، با استفاده از اسناد بین‌المللی و نظریه‌پردازان این حوزه و شکل‌گیری رابطه پرداخته‌اند. چگونگی دگردیسی مفهوم حفاظت در طول زمان و ابعاد توجه به مفهوم ارزش در اسناد بین‌المللی، از جمله موارد مهم دیگری هستند که در این پژوهش به آنها اشاره شده‌اند. مقالات و پژوهش‌های دیگر که در این حوزه می‌توان به آنها استناد نمود شامل تیلور (۲۰۱۵)، ولز (۲۰۰۹) و (۲۰۱۰)، اورمی و همکاران (۲۰۰۰) و کتاب فیلدن و یوکیلتو در خصوص راهنمای مدیریت محوطه‌های میراث جهانی (۱۳۸۶) نیز است.

در بخش دوم پیشینه پژوهش، می‌توان به بررسی مدل‌های ارائه‌شده در این حوزه پرداخت. در این بخش به‌صورت کلی، به ارائه برخی از آنها پرداخته شده و در مبانی نظری پژوهش بخش مدل‌سازی نهایی، به‌طور کامل این مدل‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اورمی و همکاران (۲۰۰۰) در قالب متن گزارش پژوهش کتابی تحت عنوان "ارزش‌ها و حفاظت از میراث"، مدلی با هدف ارائه مراحل مختلف فعالیت بر روی منابع میراث از زمان شناسایی تا مداخلات حفاظتی را به‌نمایش می‌گذارند و در نهایت می‌توان به روش ارائه‌شده توسط محقق داخلی در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی در راستای دست یافتن به رابطه بین ارزش و حفاظت" اشاره نمود. در این روش، تلاش شده رابطه مستقیم بین ارزش‌های میراث رویکردهای حفاظت ایجاد شود؛ به‌طوری که این امکان را فراهم کند تا بتوان این رابطه را به‌نوعی مدیریت کرد. این مدل که از درون مطالعات پایه برای ثبت آثار، خارج شده، طیفی از ارزش‌های میراث در ارتباط با ارزش‌های جهانی، ملی، منطقه‌ای، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی را در یک فرآیند در کنار هم مورد ارزیابی قرار داده؛ به‌طوری که ماحصل آن، منجر به دو رویکرد کلی در راستای حفاظت می‌شود. پژوهش‌های دیگری نیز در این حوزه منتشر شده که به ارائه مدل و روشی در خصوص شیوه‌های حفاظتی و فرآیند و چرخه حفاظت پرداخته‌اند؛ در این خصوص، می‌توان به این مطالعات اشاره نمود؛ مامبریانی (۲۰۱۴)، راندال (۲۰۰۲)، ترولی (۲۰۰۵) و حجت (۱۳۸۰). با توجه به مدل‌های ارائه‌شده در رابطه با ارزش و تأثیر آن در فرآیند حفاظت از میراث معماری و شهرسازی، می‌توان به فقدان وجود مدلی یکپارچه و منسجم که بتواند بر اساس ارزش‌های متصورشده در مجموعه‌های تاریخی به اتخاذ شیوه متناسب بپردازد، به‌وضوح اشاره کرد. در این پژوهش، سعی بر این است تا بر اساس مطالعات پیشین، به ارائه یک مدل جامع در خصوص اتخاذ شیوه‌های حفاظتی ارزش‌محور پرداخته شود.



تصویر ۱. فرآیند پژوهش (نگارندگان)

جدول ۱. دسته بندی متنوع ارائه شده از مفهوم ارزش در حوزه میراث معماری

افراد	ارزش ها	مفهوم و زیرارزش ها
آیس ریگل	ارزش امروزی	هنری نسبی / تازگی / هنری / کاربردی
	ارزش یادبودی	یادبودی مورد نظر / تاریخی / قدمتی (Riegl, 1996)
برنارد فیلدن	ارزش احساسی	اعجاب / هویت / تداوم / روحانی و نمادین
	ارزش فرهنگی - تربیتی	اسنادی / تاریخی / باستان شناختی - قدمت / زیبایی شناختی و نمادین / معماری / فضای شهری - بوم شناختی / علمی و تکنولوژی
	ارزش کاربردی	ارزش کارکردی / ارزش اقتصادی / ارزش اجتماعی / ارزش آموزشی / ارزش قومی و سیاسی (Feilden, 2003)
راندال ماسون	ارزش اجتماعی - فرهنگی	هسته اصلی ارزش های حفاظتی که به یک شیء، بنا یا مکان ضمیمه شده و حفظ مفهوم آن برای مردم یا گروه های اجتماعی، در ارتباط با زیبایی، قدمت، هنر و پیوند آن با افراد یا وقایع مهم و نقش آن در وابستگی فرهنگی است. ارزش تاریخی / ارزش فرهنگی - نمادی / ارزش اجتماعی / ارزش روحانی - مذهبی / ارزش زیبایی شناسی
	ارزش اقتصادی	یکی از مهم ترین راه های شناخت جامعه، ارزیابی و تصمیم گیری در مورد ارزش نسبی اشیا، بناها و مکان ها است. ارزش کاربردی / ارزش غیر کاربردی / ارزش موجودیت / ارزش اختیاری / ارزش میراثی (Randall, 2002)
فیلدن و یوکیلتو	ارزش فرهنگی	این ارزش ها شخص گرایانه بوده و حدود علاقه مردم را به موضوع، محیط و تفسیر شاخصه های فرهنگی طبیعی و توسعه سیاست های اجرایی نشان می دهد. ارزش هویت / ارزش فنی یا هنری نسبی / ارزش نادر بودن
	ارزش اجتماعی - اقتصادی معاصر	ارزش های کاربردی مربوط به جامعه امروزی و زیرساخت های سیاسی و اقتصادی - اجتماعی هستند. ارزش اقتصادی / ارزش کارکردی / ارزش آموزشی / ارزش اجتماعی / ارزش سیاسی (فیلدن و یوکیلتو، ۱۳۸۲)

ادامه جدول ۱. دسته‌بندی متنوع ارائه‌شده از مفهوم ارزش در حوزه میراث معماری

افراد	ارزش‌ها	مفهوم و زیرارزش‌ها
Eduardo Rojas	ارزش اقتصادی	ارزش کاربردی
		ارزش غیر کاربردی
	ارزش اجتماعی-فرهنگی	ارزش‌های وجودی، ارزش‌های میراثی، ارزش‌های انسانی
Jeremy Wells	ارزش موضوعی	ارزش تاریخی/ارزش اطلاعاتی/ارزش هنری/ارزش یگانگی (ندرت)
	ارزش تجربی	ارزش قدمت/ارزش تازگی/ارزش مکانی/ارزش الحاقی
	ارزش اجتماعی-فرهنگی	ارزش نمادین/ارزش فنی/ارزش آموزشی/ارزش تفریحی/ارزش مذهبی (حسی)/ارزش کاربردی/ارزش هویتی/ارزش‌های الحاقی فرهنگی (wells, 2009)
David Throsby	ارزش زیباشناختی	زیبایی، چگونگی ترکیب اجزا
	ارزش معنوی	ادراک، روشننگری، بصیرت و درون‌بینی
	ارزش اجتماعی	تعاملات، هویت و احساس آن
	ارزش تاریخی	ارتباط با گذشته
	ارزش نمادین	اشیا به‌مثابه منابع انتقال مفاهیم و معانی (Throsby, 2000)
حناچی و پورسراجیان	ارزش تاریخی	ارزش‌های تاریخی حاصل از فرآیند ساخت اثر- ارزش‌های تاریخی تجدیدناپذیر و منحصر به فرد
	ارزش فرهنگی	ارزش اعتقادی/ارزش هویتی/ارزش ناشی از قدمت/ارزش تداوم خاطرات جمعی/ارزش وحدت در عین تنوع
	ارزش روز	ارزش اقتصادی و تجاری/ارزش عملکردی/ارزش مقطعی (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۱)
مهدی حجت	ارزش احساسی	ارزش‌های زیباشناختی و نمادین، روحانی، اعجاب
	ارزش تاریخی	ارزش‌های تداوم فرهنگی، هویت، قدمت و ندرت، ارزش‌های معمارانه، محیط شهری، محیط طبیعی
	ارزش علمی	ارزش‌های بوم‌شناختی، ارزش‌های اسنادی، ارزش‌های باستان‌شناختی (حجت، ۱۳۸۰)
محمد رضا رحیم‌زاده	ارزش تاریخی	فرآیند ساخت اثر، تجدیدناپذیر و یگانه
	ارزش فرهنگی	ارزش‌های اعتقادی، احساسی، هویتی
	ارزش روز	ارزش‌های اعتقادی، عملکردی، مقطعی (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۸).
احد نژاد ابراهیمی	ارزش با ماهیت کاربردی	ارزش‌های کاربردی به بررسی کالبد بناها و تصویر ذهنی متخصصان و مردم عادی و برداشت‌های آنان و تاریخ می‌پردازند./زیرارزش: ارزش آموزشی/ارزش گردشگری/ارزش اقتصادی/ارزش فنی-ساختاری/ارزش تاریخی/ارزش هنری
	ارزش با ماهیت معنوی	ارزش‌هایی با جنبه‌های غیرمادی و معنوی که به شناخت انسان و ابعاد جسمانی و روحانی او می‌پردازند./زیرارزش: ارزش سیاسی/ارزش اجتماعی/ارزش عاطفی/ارزش فرهنگی/ارزش هویتی (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲)

(نگارندگان)



در این خصوص، می‌توان اشاره کرد که هر کدام از این دسته‌بندی‌ها با توجه به بستر مطالعاتی خود ارزشمند بوده و از طرفی دیگر، این نکته حائز اهمیت است که این دسته‌بندی‌ها جامع و مانع نبوده و صرفاً به‌عنوان نقطه آغاز در ارتباط با ارزش‌های میراث فرهنگی ارائه می‌شوند. تنوع دسته‌بندی‌های گوناگون در این حوزه را می‌توان در واقع نمادی از گستردگی در نوع نگاه دانست.

گونه‌بندی جدید ارزش‌های میراث معماری

آنچه در شناخت و بررسی ارزش‌های میراث فرهنگی بسیار مهم و اساسی بوده، شناخت ارزش‌های میراث، نشأت گرفته از فرهنگ‌های متفاوت، نیازهای جامعه مورد بررسی به‌عنوان مکانیسم اصلی، وضعیت جامعه، اعتقادات و اولویت‌های ذهنی افراد نسبت به این موضوع که از چه زاویه و نظرگاهی و با چه هدف و برنامه‌های پژوهشی مورد بررسی قرار گیرد، است. از طرفی دیگر، توانایی در درک این ارزش‌ها تا حدی بستگی به آن میزان از منابع اطلاعاتی درباره آن ارزش‌ها دارد که می‌تواند درک شده، صادق و درست باشد؛ اما در حالت کلی، وجود دو نوع ارزش ذاتی و ابزاری همواره در تمام دسته‌بندی‌ها مشهود است. در این پژوهش نیز با توجه به هدف و فرآیند تحقیق، به ارائه گونه جدیدی از ارزش‌ها در راستای حفاظت از میراث معماری پرداخته شده است. با در نظر داشتن دو دسته اصلی در حوزه ارزش؛ "ارزش‌های ذاتی و ارزش‌های ابزاری" و اهمیت ویژگی‌های منتسب به بستر تاریخی هم‌عرض با فرهنگ نشأت گرفته از زمینه اجتماع، می‌توان دسته‌بندی مرتبط با این پژوهش را در قالب سه دسته عنوان نمود؛ ارزش‌های تاریخی، ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی و ارزش‌های روز؛ که ارزش‌های تاریخی ذیل عنوان ارزش‌های ذاتی و ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی و ارزش‌های روز ذیل عنوان ارزش‌های ابزاری قرار داده می‌شوند. در جدول ۲، تعاریف هر گونه ارزشی و زیرارزش‌ها عنوان شده‌اند.

ارزش‌های میراث فرهنگی هر جامعه‌ای بدون توجه به نظام ارزشی آن جامعه، قابل تعریف نیست و عدم توجه به این مهم، جریان شناخت ارزش‌ها را مخدوش خواهد کرد. آنچه مشخص است این است که به‌واسطه افراد، گروه‌ها، فرهنگ‌ها، باورها و جوامع، برداشت‌های متفاوتی از ارزش‌ها و ویژگی‌های آنها در مواجهه با میراث فرهنگی وجود دارند. برخی، ارزش‌های میراث را صرفاً در ارتباط با درک آن از طرف جامعه هدف تعریف کرده و به نسبی بودن آن باور دارند؛ در حالی که گروهی، ارزش‌ها را ذاتی میراث می‌دانند. در این میان، اکثریت نظریه‌ها بر نسبی و ذاتی بودن ارزش‌ها استوار

هستند. این تفاوت‌ها، عمدتاً ناشی از تنوع فرهنگی و بسته به وضعیت جامعه و اولویت‌های ذهنی آنها هستند؛ به‌طوری که موجب ارائه دسته‌بندی‌های گوناگون از این مفهوم شده‌اند. هم‌چنین با توجه به هدف و نوع پژوهش و مقتضیات هر حوزه، نیاز به طرح دسته‌بندی‌های متفاوتی بوده است؛ اما به‌رغم تنوع در دسته‌بندی‌ها، شاهد شباهت‌های بسیاری نیز می‌توان بود.

اولویت‌بندی و ارزیابی ارزش‌های میراث معماری

ضرورت اولویت‌بندی و ارزیابی

در لغت‌نامه دهخدا، اولویت از نظر لغوی، به‌معنای برتری، رجحان، تفوق، افضلیت، سبقت و تقدم است. اولویت در فرهنگ لغت لانگمن، به‌معنای امری در ذهن اهمیت داشته و نیازمند توجه، نسبت به امور دیگر است. به‌طور کلی، می‌توان هدف از اولویت‌بندی را مشخص کردن اهمیت گزینه‌های موجود و انتخاب مهم‌ترین گزینه دانست. در واقع با این امر، تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها با ضریب اطمینان بالایی انجام می‌شوند. اشاره به این مهم ضروری است که معیارها و مؤلفه‌های گزینش شده برای انجام اولویت‌بندی، مینا و اساس این فرآیند بوده که باید به‌درستی و متناسب با هدف اصلی انتخاب شوند. اولویت‌بندی را می‌توان جز امری دانست که در اکثریت حوزه‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. ساده‌ترین حوزه را می‌توان برنامه‌ریزی در زندگی فردی دانست که سرتاسر بر از اولویت‌دهی و گزینش مهم‌ترین امر است. از نظر لغوی، واژه ارزیابی به‌معنی تعیین ارزش چیزی است (معین، ۱۳۷۱). ارزیابی در حوزه‌های مختلف، از اهمیت بالایی برخوردار است و بدون انجام ارزیابی تعیین وضعیت، تداوم عملکرد و بازده و استفاده مورد انتظار از شیء، فعالیت و یا محصول را نمی‌توان حصول کرد. در حوزه فرهنگ و هنر نیز ارزیابی به‌منظور تعیین ارزش و جایگاه عناصر و فعالیت‌های فرهنگی و هنری و در راستای اهداف مختلف صورت می‌گیرد. یکی از حوزه‌هایی که در زمینه فرهنگ و هنر اهمیت دو چندانی یافته، حوزه میراث فرهنگی بوده که امروزه در سطح جهان به آن توجه مضاعفی شده است.

سنجش ارزش در همه اقدامات مرتبط با میراث فرهنگی، نقش اصلی را به‌عهده دارد؛ همان‌طور که فیلدن بیان می‌کند؛ قدم اول در فرآیند حفاظت، تعیین هدف و سپس تعیین اولویت ارزش‌های موجود به‌منظور درک و انتقال پیام آن اثر است (۲۰۰۳). آثاری که به‌عنوان میراث فرهنگی به‌دست ما رسیده، به‌واسطه ارزش ذاتی یا جوهری خود و یا ارزشی که از طرف جامعه در طول زمان به آنها تعلق گرفته است واجد

به نادیده گرفته شدن بسیاری از ارزش واقعی آثار می‌شود. آن‌چه مشهود است این است که نمی‌توان برای موضوعات و یا اهداف مختلف، از روش‌های واحد ارزیابی بهره برد، بلکه لازم است نسبت به شرایط موضوع و هدف آن، از روش یا روش‌های مختلف ارزیابی استفاده شود.

ارزیابی و اولویت‌بندی در مطالعات میراث معماری

ارزیابی و اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری، راهی برای رسیدن به شناخت درستی از ارزش‌های میراث فرهنگی است؛ به طوری که بتوان به جوهره اصلی آن دست یافت. این موضوع، امکان بهره‌برداری صحیح و آشکار شدن زوایای پنهان ارزش‌ها و کمک به انتخاب روش‌های مناسب رجوع به گذشته را فراهم می‌نماید. به عبارت دیگر، ارزیابی و اولویت‌بندی، این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان به شناخت صحیحی از ارزش‌ها دست یافت و این به نوبه خود، امکان بهره‌برداری یا استحصال از ارزش‌ها را آسان‌تر خواهد کرد. این امر کمک می‌کند تا شناخت ملموس‌تر و کاربردی‌تری از ارزش شکل بگیرد.

یکی از حوزه‌هایی که در آن به موضوع اولویت‌بندی اهمیت داده شده، میراث فرهنگی و ارزش‌های منابع میراث است؛ بدین دلیل که مسائل بسیار متنوع و متعددی در این خصوص

اهمیت و اعتبار می‌شود. این وظیفه ما است که در حفظ و انتقال پیام این آثار به آیندگان کوشا باشیم. آن‌چه امروز به عنوان میراث فرهنگی در اختیار ما قرار گرفته، امانتی است که باید ضمن حفظ ارزش‌ها با بهترین کیفیت و یافتن قابلیت مشارکت در زندگی معاصر، در اختیار آیندگان و نسل‌های بعد قرار گیرد (فدایی‌نژاد، ۱۳۹۱). با توجه به ماهیت متغیر و پویای ارزش، لازم است در هر دوره، برداشتی متناسب با ارزش‌های جامعه صورت گیرد تا امر حفاظت یا مداخله موجب خدشه‌دار شدن اثر نشود. در بعضی از موارد، تقویت برخی از ارزش‌های میراثی، موجب تضعیف برخی دیگر از ارزش‌های یک اثر شده است؛ در چنین شرایطی، درک مفهوم نسبی هر ارزش نسبت به کل ارزش‌ها در تصمیم‌گیری نهایی ضرورت دارد (English heritage, 2008). می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که در ارزیابی، توانایی استحصال شناخت و درک درست از ارزش‌ها مهیا می‌شود؛ به طوری که مسیر درست انتخاب ارزش‌ها و بهره‌برداری از آنها را آسان‌تر و هموارتر می‌نماید. برای استحصال و ارزیابی ارزش‌ها، با استفاده از یک روش و با تکیه بر یک جنبه از ارزش، نمی‌توان به ارزیابی کامل و جامعی از آن دست یافت؛ به طوری که این موضوع منجر

جدول ۲. گونه‌های ارزشی و زیرارزش‌ها

گونه ارزشی	زیرارزش‌ها		توضیحات
	ارزش‌ها با رویکرد مفهومی	ارزش‌ها با رویکرد کالبدی	
۱ ارزش‌های تاریخی	کیفیت ایده / کیفیت پدیده (طرح و اجرا)	ارزش‌ها با رویکرد کالبدی	ارزش‌های تاریخی به ارزش‌هایی گفته می‌شوند که در زمان خلق اثر در کیفیت و کمیت طراحی، نوع اجرا و مهارت‌ها و بسیاری از موارد دیگر منابع میراث ذخیره شده‌اند. این گونه ارزشی در دو دسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ ارزش‌های تاریخی با رویکرد مفهومی و ارزش‌های تاریخی با رویکرد کالبدی
	اصالت در مصالح/اصالت در طرح/ رابطه با بستر طبیعی و فیزیکی/ مهارت‌ها	ارزش‌ها با رویکرد کالبدی	
۲ ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی	ارزش دینی/ ارزش معنوی/ ارزش سنت‌ها/ ارزش نمادین و مذهبی	ارزش‌های اعتقادی	ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی به ارزش‌هایی گفته می‌شوند که به مرور و در یک بستری تاریخی در جریان زندگی از گذشته تا حال، در منابع میراث به‌ودیعہ گذاشته شده‌اند و امروزه در اتخاذ سیاست‌های حفاظتی بسیار اهمیت دارند. ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی را با توجه به موضوع پژوهش، می‌توان در قالب سه زیرارزش مطرح کرد؛ ارزش‌های هویتی، ارزش‌های اعتقادی و ارزش‌های احساسی.
	اعجاب/ ارزش هنری/ ارزش زیبایی‌شناسی/ ندرت/ قدمت	ارزش‌های احساسی	
	هویت اجتماعی - ملی و محلی/ هویت سکونتگاه	ارزش‌های هویتی	
۳ ارزش‌های روز	ارزش علمی - آموزشی/ ارزش گردشگری/ ارزش اقتصادی/ ارزش عملکردی/ ارزش سیاسی		ارزش‌های روز، ارزش‌هایی هستند که در زمان حال و جامعه امروزی به منبع میراث الحاق می‌شوند. بهره‌برداری متناسب با اصول مداخله استوار بر ارزش، می‌تواند شرایطی را در این راستا فراهم آورد که این ارزش‌ها مورد استفاده و بهره‌وری قرار بگیرند. ارزش‌های روز، علت حفاظت از منابع میراث نبوده، بلکه آنها را می‌توان ابزارهایی برای عرضه بهتر ارزش‌های منابع میراث و حفاظت دانست.

قابل طرح است. به‌عنوان مثال، در انتخاب آثار یا بخشی از عناصر مربوط به آن، مکان‌های میراث معماری و شهری، رویکردهای گردشگری و یا انتخاب یک منطقه گردشگری و ...، از اولویت‌بندی استفاده می‌شود. در انتخاب بناهای مهم در راستای حفاظت و اتخاذ رویکردهای حفاظتی و بسیاری از موارد دیگر، این حوزه اولویت کاربرد دارد. مسأله اولویت‌ها و اولویت‌بندی در حوزه ارزش‌های منابع میراث و به‌خصوص گونه‌های ارزشی نیز بسیار مهم و اساسی است. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین عوامل در مواجهه با میراث را نحوه تنظیم اولویت ارزش‌های موجود در آن عنوان کرد. در ارتباط با اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری، دو حالت کلی قابل تصور است. در مواقعی که آثار دارای ارزش‌های محدود به یکی دو مورد باشند، اولویت‌بندی برای این گروه از آثار بسیار آسان خواهد بود؛ اما چالش، زمانی پیش خواهد آمد که بحث اولویت‌بندی در رابطه با آثاری مطرح شود که واجد ارزش‌های متعدد و متنوعی است. در این حالت است که اولویت‌بندی ارزش‌ها به یک ضرورت بدل خواهد شد. میراث معماری دارای ارزش‌های متعددی بوده و به‌واسطه همین ارزش‌ها است که ضرورت حفاظت می‌یابند، اما این مسأله همیشه وجود داشته است که کدام گونه از ارزش باید در اولویت تصمیم‌های حفاظت قرار گیرد؛ چرا که از طرف گروه‌های مختلف ذینفعان مانند کارفرمایان، بهره‌برداران، حفاظت‌گران، مالکان و ... اولویت‌های متفاوتی قابل طرح هستند. به‌جهت ممانعت از اعمال سلاقی فردی، گروهی و یا حتی دستگاه حاکم بر موضوع، نیاز به طرح مؤلفه‌هایی خواهد بود. با علم به این موضوع که اولویت هر گونه ارزش به‌معنای نادیده گرفتن گونه‌های دیگر نیست، انتخاب معیارها، یا به‌عبارتی بهتر، مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرآیند اولویت‌بندی، اولین گام در این مسیر است. مؤلفه‌های اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری را می‌توان شامل سه محور نیازها، فرهنگ عمومی جامعه هدف و امکانات دانست. نیازها: منظور از نیازها، مجموعه انتظاراتی هستند که ذینفعان (تأثیرگذار، تأثیرپذیر و ...) از منابع میراث دارند. در واقع، نیازها در ارتباطی معنادار با قابلیت‌های میراث، باعث شکل‌گیری ارزش‌ها می‌شوند؛ لذا ارزش‌های میراث بدون در نظر گرفتن نیازها قابل تعریف نیستند. به‌عبارت‌دیگر، نیازها و ارزش‌ها در ارتباطی دو سویه و در تأثیر و تأثر از هم شکل می‌گیرند. از این جهت، این مؤلفه، نقش کلیدی در اولویت‌بندی ارزش‌ها خواهد داشت.

فرهنگ عمومی جامعه هدف: ارزش‌های منابع میراث در ارتباط با نظام ارزشی و ارزش‌های جوامع هدف، قابل تعریف است و بدون در نظر گرفتن مقتضیات فرهنگی (اعتقادات،

باورها، هنجارها و ...) جوامع، اولویت‌بندی ارزش‌ها مسیر نادرستی را طی خواهد کرد. چه بسا ممکن است بسیاری از ارزش‌های دارای اولویت به‌واسطه مؤلفه نیازها، با نظام ارزش جامعه ناسازگار بوده و در اولویت قرار نداشته باشد؛ لذا هم‌سویی برنامه‌های حفاظت و اولویت‌های ارزش‌های میراث با اولویت‌های جامعه هدف، بسیار ضروری بوده و کاربست مؤلفه فرهنگی عمومی جامعه را توجیه‌پذیر می‌نماید.

امکانات: مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، زیرساخت‌ها، ظرفیت توانایی‌های مالی، فنی و کارشناسی را در بر می‌گیرد که در ارتباط با حفاظت از منابع میراث، قابل تعریف است. اهمیت این موضوع از این باب است که علی‌رغم در اولویت قرار گرفتن برخی از ارزش‌ها به‌واسطه مؤلفه‌های نیاز و فرهنگ عمومی، ممکن است به‌واسطه محدودیت در امکانات، امکان پرداختن به ارزش‌های اولویت‌بندی شده وجود نداشته باشد؛ لذا طرح این موضوع در میان مؤلفه‌های اولویت‌بندی ارزش‌ها نیز ضروری خواهد بود.

حذف هر یک از مؤلفه‌های مطرح‌شده از فرآیند اولویت‌بندی، یقیناً این موضوع را مخدوش کرده و نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. کاربست هر سه مؤلفه به‌صورت هم‌زمان یا مرحله‌ای و به‌ترتیب، موضوع دیگر این بخش بوده و در حصول نتیجه، اهمیت بسیاری خواهد داشت؛ لذا کاربست مؤلفه‌ها در فرآیند اولویت‌بندی بدین صورت خواهد بود که ابتدا ارزش‌های احصا‌شده بر اساس نیازها اولویت‌بندی شده و سپس ارزش‌های اولویت‌بندی شده با مینای مقتضیات فرهنگی جامعه هدف تعدیل شده و در نهایت، با توجه به امکانات جامعه اولویت‌ها تثبیت می‌شوند. در صورتی که نیازها، فرهنگ عمومی جامعه و امکانات، در یک جهت قرار داشته باشند، ماحصل کار همیشه رضایت‌بخش بوده و اولویت‌بندی ارزش‌ها ضرورت چندانی نخواهد داشت؛ اما این موضوع در بین جوامع به‌ندرت اتفاق خواهد افتاد؛ لذا اولویت‌بندی ارزش‌ها غیرقابل اجتناب است. لازمه اجرای این فرآیند، کاربست روش یا روش‌هایی است که بتواند نقش گونه‌های مختلف ارزش‌ها را در ارتباط با مؤلفه‌های سه‌گانه، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. در این رابطه، از ابزارهای مختلف کمی و کیفی می‌توان بهره‌مند شد. در واقع این بخش، مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که بتوان ارزش‌های مختلف یک اثر را بر اساس مؤلفه‌ها و معیارهای مشخص، اولویت‌بندی کرد. برای این منظور، لازم است که از مدل‌های کمی یا کیفی مطرح یا ترکیبی از آنها استفاده شود؛ به‌طوری که در نهایت مشخص شود کدام گونه یا گونه‌های ارزش باید به‌جهت حفاظت مد نظر قرار گیرند.

مطالعات مشابه در این خصوص، به نظر می‌رسد دسته‌بندی که توسط فیلدن (۲۰۰۳) ارائه شده، کامل‌تر بوده و در این پژوهش، اساس روش‌های حفاظتی بر این دسته‌بندی نهاده شده است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در میان نظریه پردازان در حوزه واژه‌شناسی شیوه‌های حفاظت و اسناد بین‌المللی، در حالت کلی می‌توان شیوه‌های حفاظت و تعاریف دقیق آنها را در قالب جدول ۳ عنوان کرد.

تبیین رابطه بین مفهوم ارزش و حفاظت

معمولاً در راستای حفاظت از میراث فرهنگی، سه سؤال مطرح می‌شود؛ چه چیزی را حفاظت کنیم؟ چرا حفاظت کنیم؟ و در نهایت این که چگونه حفاظت کنیم؟ جواب هر سه سؤال در ارتباط با ارزش‌های موجود در میراث پاسخ داده می‌شود. به عنوان مثال، در جواب سؤال اول می‌توان گفت که چیزهایی را باید حفاظت کنیم که ارزش دارند و ...، اما جواب سؤال سوم نیز هم‌چنین به موضوع روش‌های گوناگون مداخله در میراث اشاره می‌کند و البته نباید از موضوع مهم و اساسی جریان حفاظت؛ یعنی جامعه هدف حفاظت که شامل تمام

کاربست ارزش‌های میراث معماری به جهت اتخاذ روش‌های حفاظتی

امروزه حفاظت و خاصه حفاظت از میراث فرهنگی، ابعاد بسیار وسیعی یافته و از قالب اشیا و مکان‌ها فراتر رفته و این امر به شکل‌های بسیار متفاوتی از آن چه پیش‌تر وجود داشته قابل تعریف است؛ به طوری که امروزه میراث فرهنگی به موضوعی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بدل شده که در این بین، نقش محوری نظام ارزشی جوامع و به طور خاص، ارزش‌های میراث فرهنگی در جهت‌گیری‌های حفاظت از میراث، بسیار مهم و تأثیرگذار جلوه می‌نماید. در ادامه این بخش، به اختصار به ارائه روش‌های حفاظت و سپس به تبیین رابطه مفهوم ارزش و حفاظت در میراث معماری پرداخته شده و در نهایت، مدل نهایی بر اساس مبانی نظری ارائه شده است.

روش‌های حفاظتی

با بررسی متون مختلف در رابطه با شیوه‌های حفاظت، شاهد تنوع دیدگاه‌ها و به تبع آن، طرح روش‌ها و شیوه‌های گوناگون با عناوین متنوع هستیم. با مطالعه و مقایسه تطبیقی بین

جدول ۳. شیوه‌های مختلف حفاظت بر اساس اهداف، حوزه عمل

روش حفاظتی		توضیحات
۱	جلوگیری از فرسایش و خرابی ^۲	جلوگیری از فرسایش یا خرابی، در حقیقت طولانی کردن طول عمر منبع میراث و با جلوگیری کردن از فعالیت عوامل فرساینده و تخریب‌گر است. در این روش، نگهداری و بازدید منظم از اثر می‌تواند بسیار مهم و تأثیرگذار باشد.
۲	حفظ و نگهداری ^۳	تثبیت وضع موجود به معنای حفاظت از منبع ارزشی در شرایط و موقعیت کنونی، با انجام حداقل تغییرات ممکن و بازنگری دائمی است. در این روش، عمل بازدید و بازنگری منظم، بابت ممانعت از آسیب‌های احتمالی عنوان می‌شود و از تحریف فرهنگی مکان منبع ارزشی، جلوگیری به عمل می‌آورد.
۳	حفظ یکپارچگی و استحکام بخشی ^۴	استحکام بخشی، به معنای افزودن کالبد و یا مصالح پشتیبان در راستای افزایش امنیت و قدرت و مانایی اثر و منابع ارزشی است.
۴	مرمت ^۵	مرمت را می‌توان الزامی حیاتی در حفاظت از منابع میراث عنوان کرد که در این روش، مفاهیم و ارزش‌های از دست رفته، کمرنگ و تحریف شده، بازگردانده و دوباره در کالبد و محیط منبع ارزشی آشکار می‌شوند. در این روش نیز می‌توان یکی از اهداف عمده را طولانی کردن عمر اثر و کند کردن فرآیند فعالیت عوامل فرساینده عنوان کرد.
۵	توان بخشی و احیا ^۶	توان بخشی، در واقع به معنی همگام کردن منبع ارزشی با استانداردهای امروزی بوده که با تزریق عملکرد به کالبد کهن انجام می‌شود. در این روش، اثر دوباره به سیستم پویای شهر و جریان زندگی بازگردانده شده و تجدید حیثیت صورت می‌گیرد.
۶	بازسازی ^۷	بازسازی به معنای بازگرداندن اثر به وضعیت شناخته شده آن به گونه‌ای که بر اساس شواهد و مستندات انجام گیرد و از آسیب رساندن به سایر مستندات موجود، ممانعت به عمل آورده شود. معمولاً عمل بازسازی، زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که بیش از نیمی از اثر از بین رفته باشد.
۷	بازآفرینی ^۸	در این روش، اگر منبع ارزشی در معرض خطر بوده و محیط نیز در حال تشدید عوامل تخریبی باشد، اثر به محیطی دیگر که مناسب بوده منتقل می‌شود. در این روش سعی می‌شود تا در محیط مقصد، شرایط محیط مبدأ فراهم و شبیه‌سازی شود.

(نگارندگان)

مقتضیات آن و مخاطبین و ذینفعان میراث فرهنگی است غافل شده؛ به طوری که این عامل را می‌توان پیونددهنده دو عامل دیگر؛ یعنی ارزش‌ها و روش‌های حفاظت مطرح کرد. جواب سؤال چگونه از میراث حفاظت کنیم را باید در ارتباط با سؤال چرا از میراث حفاظت کنیم جستجو کرد و این که چرا حفاظت کنیم، مستقیماً در ارتباط با ارزش‌های متعددی بوده که در منابع میراث ذخیره شده است. می‌توان در حالت کلی، ابزار و روش‌های دست‌یابی به چگونگی رابطه بین مفهوم ارزش و حفاظت و کم و کیف این رابطه را، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و اسناد بین‌المللی دانست. مطالعه این دو محور، به روشن شدن ابعاد این رابطه کمک بسیار زیادی می‌نماید. در مقاله‌ای با عنوان "Specifying the Relation between the Concept of Value and Conservation in Cultural Heritage"

سعی شده است این رابطه مورد بررسی قرار بگیرد. نتایج نهایی حاصل از بررسی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و اسناد معتبر بین‌المللی را می‌توان به‌اختصار در قالب موارد زیر عنوان کرد: ارزش‌ها، نقش مهمی در ایجاد رابطه بین جامعه هدف و اهداف حفاظت دارند.

حفاظت در ارتباط با ارزش‌ها، مانند شمشیر دو لبه عمل می‌کند.

ارزش‌ها هستند که حفاظت از میراث را توجیه می‌کنند. ارزش‌ها برای این که بتوانند در جریان حفاظت مؤثر باشند، باید اولویت‌بندی شوند. این موضوع، بر اولویت روش‌های حفاظت، تأثیر مستقیم دارد.

اتخاذ روش‌های مختلف حفاظت در ارتباط مستقیم با ارزش‌ها است.

حفاظت و ارزش، رابطه‌ای دیرینه با هم دارند و حفاظت در ارتباط با ارزش مفهوم می‌یابد.

رسالت حفاظت، درک و پاسداری از ارزش‌ها و تقویت آنها است.

هدف نهایی حفاظت، حفظ یک شیء به‌خاطر خود آن نیست، بلکه حفاظت درصدد حفظ و یا شکل‌دهی ارزش‌های توأم با میراث است (Abbaszadeh et al, 2016: 509).

با توجه به رابطه متصور بین مفهوم ارزش و حفاظت در میراث معماری، بین شیوه‌های حفاظت و گونه‌های ارزش نیز رابطه‌ای دو سویه حاکم خواهد بود. با اعمال هر یک از شیوه‌ها، برخی از ارزش‌ها آشکار و برخی از آنها، پنهان و یا حتی نابود می‌شوند. اتخاذ نامناسب شیوه‌های حفاظت بدون شناخت کافی از اهداف و حوزه عمل تنها می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری در ارزش‌های میراث داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، اعمال روش ثبت وضعیت موجود، یقیناً در حفاظت و بازنمایی بسیاری از ارزش‌های

تاریخی مانند اصالت کالبد، تأثیر مثبت خواهد داشت؛ اما این روش ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی مانند زیبایی‌شناسی، همان منبع میراث ناتوان است. در همین رابطه، اگر اولویت راهبردی حفاظت منطبق بر حفظ ارزش‌های اصالت است، اعمال این روش هر چند همراه با عدم بازنمایی ارزش‌های زیبایی‌شناسی هم باشد، مناسب خواهد بود. با بررسی و مقایسه ویژگی‌های هر یک از ارزش‌ها و اهداف شیوه‌های حفاظت و دقت در تأثیر و تأثر آنها، امکان دست یافتن به رابطه‌ای عملی بین ارزش‌ها و شیوه‌ها مقدور خواهد بود؛ بدین منظور که بتوان به یک ساختار اولیه در این ارتباط دست یافت که مشخص می‌کند هر یک یا هر گروه از ارزش‌ها برای حفاظت و آشکار شدن، نیاز به کاربردی کدام شیوه یا شیوه‌ها دارند و عدم اعمال آنها، باعث پنهان یا نابود شدن ارزش‌ها خواهد شد.

با توجه به تصویر ۲، زمانی که در یک اثر معماری و شهرسازی، ارزش‌های تاریخی در اولویت قرارگیری روش‌های حفاظتی اتخاذ شده، نباید در ارزش‌های کلیدی اثر و اصالت آن تأثیر منفی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال در چنین حالتی، باید متناسب با شرایط، از روش‌هایی مانند جلوگیری از زوال، تثبیت وضع موجود و یا استحکام‌بخشی استفاده کرد. در نتیجه، کاربردی روش‌هایی نظیر مرمت یا احیا به‌واسطه مغایرت اهداف و حوزه عمل آنها که با مداخله در کالبد اثر همراه است، اشتباه خواهد بود.

ارزش‌های فرهنگی نیز شیوه‌ها و روش‌های خاصی را طلب می‌نمایند. در صورتی که در یک منبع میراث، گونه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی در صدر اولویت‌ها قرار گیرند، روش‌های حفاظتی کاربرد خواهند داشت که به‌واسطه اعمال آنها، امکان حفاظت و آشکارسازی ارزش‌ها محقق شود. این شیوه‌ها عمدتاً با تغییرات کنترل‌شده و بر اساس شواهد و مستندات در کالبد همراه هستند؛ به‌عبارتی بهتر می‌توان گفت ارزش‌های فرهنگی نیازمند خواناسازی بوده و روش‌هایی که این مهم را به‌تحقق برسانند باید گزینش شوند؛ روش‌هایی نظیر مرمت، احیا و بازسازی از این جمله هستند. در این روش‌ها، ارزش‌های هنری-زیباشناختی افزایش یافته، اما به‌دلیل تغییرات حاصله در کالبد، از اصالت ارزش‌های تاریخی کاسته می‌شود. در این روش‌ها می‌توان به اهمیت یافتن کم‌وبیش ارزش‌های روز نیز اشاره نمود.

گونه سوم ارزش‌های میراث معماری، ارزش‌های روز هستند. در صورتی که در ارزیابی و اولویت‌بندی، ارزش‌های روز در اولویت قرار گیرند، روش‌هایی نظیر «احیا، بازسازی و بازتولید» پیشنهاد داده می‌شوند. در این روش‌ها، با توجه به تدبیرات گسترده اعمال‌شده در کالبد اثر، ارزش‌های تاریخی و

مدل‌سازی، میزان ریسک‌پذیری طرح‌ها و فرآیند را مشخص می‌کند.

مفاهیم حوزه مطالعاتی، توسط مدل‌سازی مستند شده و قابلیت بهره‌برداری مجدد را پیدا می‌کنند.

کارکردهای مدل‌سازی در فرآیند پژوهش‌های بنیادی در چهار مرحله عنوان می‌شوند؛ مرحله اول، «سازمان‌دهی»؛ به معنای توانایی مدل در تنظیم و مرتبط ساختن داده‌ها و نشان دادن شباهت‌های میان داده‌ها است، مرحله دوم، «اکتشافی»؛ مدل‌ها، ابزارهای اکتشافی بوده که احتمالاً به کشف واقعیت‌ها و روش‌های ناشناخته منجر می‌شوند، مرحله سوم، «پیش‌بینی‌کنندگی»؛ یک مدل می‌تواند پیش‌بینی کند که چه پدیده‌هایی رخ خواهند داد؛ این پیش‌بینی‌ها در محدوده ساده بله یا خیر و تا پیش‌بینی‌های کمی مثل چه هنگام و چه اندازه هستند و مرحله چهارم، «سنجشی»؛ داده‌هایی که توسط یک مدل به دست آمده می‌توانند مقیاسی برای سنجش یک پدیده باشند (URL: 1). با توجه به مفاهیم کلی اشاره شده در خصوص مفهوم و کارکردهای مدل‌سازی، ادامه پژوهش، به ضرورت و اهمیت ارزیابی، فرآیند مدل‌سازی و در نهایت به بررسی مدل‌های پیشین ارائه شده در خصوص تأثیرگذاری ارزش در اتخاذ شیوه حفاظت پرداخته شده است. این امر، بستری مناسب برای دستیابی به یک مدل جامع را فراهم می‌آورد.

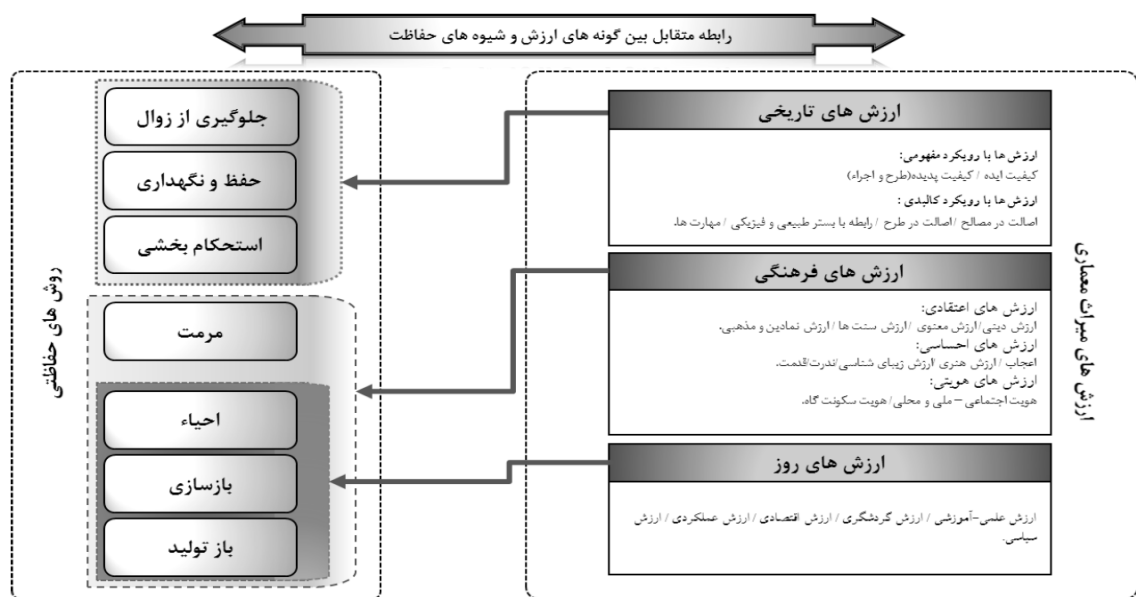
اصالت کاسته شده، ارزش‌های فرهنگی نیز به گونه‌ای افزایش یافته؛ اما ارزش‌های گردشگری، اقتصادی در این روش، در صدر تصمیم‌گیری‌ها قرار داده می‌شوند.

ارائه مدل نهایی سه بخشی در راستای اتخاذ روش‌های حفاظتی ارزش مینا

ضرورت مدل‌سازی در پژوهش‌های بنیادی

مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای اندازه، گرفته شده است. «مدل» در ساده‌ترین تعریف، دستگاهی است که بیانگر چگونگی فرآیند تعامل میان پدیده‌ها، مفاهیم، مصادیق و موضوعات است. با در اختیار داشتن چنین دستگاهی، می‌توان به راحتی اجزا یا کل یک مجموعه را به نقد کشید یا محتوای دیگری به آن داد و خروجی متناسب با همان را نیز دریافت کرد (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۸۹). مدل هم‌چنین به ما کمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم به طور مستقیم آنها را ببینیم، هدایت شویم. مدل، جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ بوده که از لحاظ کارکرد، با شیء واقعی یکسان است (گرچی و برخوردار، ۱۳۸۸: ۳۳). از طرفی دیگر، مدل‌سازی در کنار نمود جهان واقعی، ابزاری برای سنجش و ارزیابی نیز به شمار می‌رود. مدل‌سازی در پژوهش‌های بنیادی، به طور معمول می‌تواند فوایدی نظیر این موارد را به همراه داشته باشد:

منجر به شکل‌گیری دید روشن و واضح به حوزه مطالعاتی می‌شود و بسیاری از پیچیدگی‌ها و زوایای مبهم در حوزه مطالعاتی را رفع می‌نماید.



تصویر ۲. نمایش مؤثرترین ارتباطات بین گونه‌های ارزش و شیوه‌های حفاظت (نگارندگان)

چگونگی مدل‌سازی

مدل، رابط بین طرح نظری (تئوری) و کار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات است. در علوم اجتماعی، مدل‌ها شامل نشانه‌ها و علائم هستند؛ یعنی خصوصیات بعضی از پدیده‌های تجربی (شامل اجزا و ارتباط آنها) به‌طور منطقی از طریق مفاهیم مرتبط با یکدیگر بیان می‌شوند. بنابراین مدل، منعکس‌کننده واقعیت است و جنبه‌های معینی از دنیای واقعی را که با مسأله تحت بررسی ارتباط دارند، مجسم می‌سازد، روابط عمده را در میان جنبه‌های مزبور روشن کرده و سرانجام، امکان آزمایش تجربی تئوری را با توجه به ماهیت این روابط فراهم می‌کند. بعد از آزمایش مدل، درک بهتری از بعضی از قسمت‌های دنیای واقعی حاصل می‌شود. به‌طور خلاصه باید گفت که مدل، دستگاهی است متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌ها که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها را تسهیل می‌کند (ایران‌نژاد، ۱۳۸۲: ۵۰).

بررسی مدل‌های پیشین در خصوص اتخاذ شیوه‌های حفاظتی ارزش مینا

در حوزه میراث فرهنگی خاصه میراث معماری، در راستای توجه به مفهوم ارزش در بخش‌های مدیریتی-حفاظتی، مدل‌هایی (به‌طور دقیق‌تر هفت مدل) مطرح شده‌اند (پیشینه تحقیق) که در جدول ۴، به بررسی و ارزیابی این مدل‌ها پرداخته شده است.

روش‌های مطرح‌شده هیچ‌کدام به‌عنوان روش کامل، قابل طرح نبوده و در خصوص رابطه بین ارزش و حفاظت، بر اساس اهداف مقطعی و مطالعات موردی تدوین شده‌اند. چه بسا نتایج حاصل از مدل‌ها و هم‌چنین فرآیند رابطه در مدل‌های مختلفی که ارائه شده، بعضاً در تقابل با یکدیگر هستند. این نکته کاملاً مشهود است که کسی مدعی این که مدل ارائه‌شده، قابل تعمیم برای نمونه‌های مشابه یا اهداف و جوامع مختلف خواهد بود، نیست. با علم به این که رابطه‌ای مستحکم و معنادار بین ارزش‌های میراث و شیوه‌های حفاظت وجود دارد، مدلی جامع‌شمول در این خصوص قابل تصور نخواهد بود و این مهم، باید بر اساس اهداف جامعه هدف حفاظت، طراحی و اجرا شود. لذا دست یافتن به مدلی جامع و مانع، انتظار درستی نخواهد بود. در تمامی مدل‌های مطرح، ارزش‌ها به‌صورت عام بررسی شده و جزئیات و گونه‌های ارزش مد نظر قرار نگرفته و نیز رابطه بین گونه‌های ارزش و شیوه‌های حفاظت نیز به‌طور کامل بررسی نشده‌اند. آن چه مشهود است این که هیچ‌یک از مدل‌ها به‌صورت تخصصی،

ارزش‌های میراث معماری و رابطه آن با روش‌های متناسب حفاظت را مورد مطالعه و ارزیابی قرار نداده است.

جمع‌بندی و ارائه «مدل سه بخشی ارزش محور»

با توجه به مطالب اشاره‌شده در بخش‌های پیشین، ضرورت وجود رویکرد ارزش محور در راستای اتخاذ شیوه‌های حفاظتی، به منصفه ظهور می‌رسد. تدوین و شکل‌دهی به مدل نهایی متأثر از سه فرآیند کلیدی، به جهت محقق شدن اهداف پژوهش است. این سه فرآیند (همان‌طور که پیش‌تر در چارچوب نظری مورد بحث واقع شده‌اند) را می‌توان لازم و ملزوم یکدیگر عنوان نمود که به این شرح است؛ استحصال و ارزیابی ارزش‌های میراث معماری، اولویت‌بندی ارزش‌های میراث معماری و کاربست ارزش‌های میراث معماری به جهت اتخاذ روش‌های حفاظت. با توجه به مفاهیم گفته‌شده، مدل نهایی را می‌توان به‌صورت تصویر ۳ نشان داد.

اگر بتوان مدل‌هایی را در سطوح سیاست‌گذاری یا راهبردها (استراتژی)، راهکنش‌ها (تاکتیک) و راهکارها (تکنیک) یا طرح اجرایی) مطرح کرد، مدل ارائه‌شده در این پژوهش، در سطح راهبردی تنظیم شده که با اعمال تغییراتی حتی می‌تواند در سطح راهکنشی نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ به‌طوری که نتایج حاصل از آن، رویکردهای حفاظتی در این سطوح را در بر گرفته و مسائل مربوط به منابع میراث معماری را پوشش می‌دهد. همان‌طور که در تصویر ۳ نیز مشاهده می‌شود، مدل ارائه‌شده از سه بخش تشکیل شده است. کاربرد این مدل در ارتباط با هر یک از منابع میراث را می‌توان این‌گونه شرح داد؛ در بخش اول ابتدا به‌واسطه کاربست روش‌های کمی یا کیفی مرتبط، فهرستی از ارزش‌های موجود در اثر مورد نظر، تهیه و بر مبنای دسته‌بندی پیشنهادی این پژوهش (ارزش‌های تاریخی، ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی و ارزش‌های روز) تنظیم می‌شود. در واقع این مرحله از مدل، شامل مجموعه اقداماتی است که ماحصل آن، استحصال و دسته‌بندی ارزش‌ها است؛ به‌طوری که این مهم، اطلاعات لازم برای مرحله دوم مدل را فراهم می‌نماید. در بخش دوم از مدل که بر اطلاعات بخش اول استوار است، ارزش‌ها و زیرارزش‌های استخراج‌شده از میراث معماری در مرحله اول، به‌واسطه روش‌های مختلفی اولویت‌بندی می‌شوند. همان‌طور که پیش‌تر نیز توضیح داده شد، این موضوع بر اساس سه مؤلفه نیازها، فرهنگ عمومی جامعه هدف و امکانات انجام می‌شود. در این مرحله، با بهره‌گیری از تکنیک دلفی و تکنیک‌های تصمیم‌سازی، به اولویت‌بندی ارزش‌ها پرداخته می‌شود. در بخش نهایی مدل که به اتخاذ شیوه یا شیوه‌های حفاظت

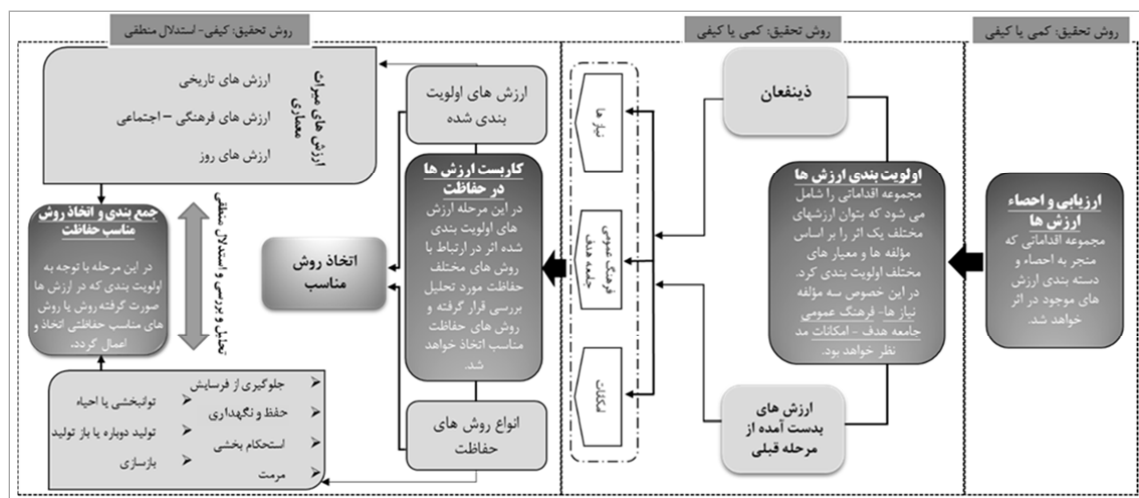
گرفته و پیرامون دریاچه‌ای که در وسط آن واقع شده، آثار معماری ارزشمند و منحصر به فردی وجود داشته که مربوط به دوره‌های متعدد تاریخی هستند. بر اساس شواهد تاریخی و فارغ از سکونت‌های موقت از دوره هخامنشی، اوایل اسلام بعد از دوره ایلخانی تا به امروز، آثار معماری بر جای مانده را می‌توان در دو دوره مهم شامل ساسانی و ایلخانی تعریف کرد. با توجه به اهداف پژوهش حاضر، محدوده مطالعاتی این پژوهش، محدود به محوطه اصلی مجموعه است. در حال حاضر، مجموعه تخت سلیمان جز آثار میراث جهانی است. این مجموعه به‌عنوان چهارمین اثر میراث جهانی در تیرماه سال ۱۳۸۲ ثبت شده است.

با توجه به جدول ۲، ارزش‌های میراث معماری در سه دسته مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند؛ ارزش تاریخی، ارزش فرهنگی-اجتماعی و ارزش روز. فرآیند احصای ارزش‌های مجموعه که در واقع منطبق بر بخش اول مدل است، بدین صورت بوده که ابتدا فهرستی از ارزش‌های مجموعه تهیه و سپس بر مبنای دسته‌بندی پیشنهادی (جدول ۲)، تدقیق و برای تصدیق، ارزیابی و اولویت‌بندی در اختیار گروه کارشناسی (تکنیک دلفی) قرار داده شد. این گروه، شامل ۵۵ نفر از کارشناسان آشنا به مجموعه تخت سلیمان بوده که در سه سطح محلی، منطقه‌ای و ملی و در ۴ گروه معماری و شهرسازی، حفاظت و مرمت، باستان‌شناسی و گردشگری انتخاب شده‌اند. سپس در راستای هدف، مؤلفه‌ها و گزینه‌های مورد بررسی ساختار شبکه‌ای بر اساس الگوریتم اجرایی منطبق بر روش تحلیل شبکه‌ای (ANP)، جهت تعیین وزن ارزش‌ها و زیرارزش‌ها در این مجموعه میراث جهانی ترسیم شدند. کلیه پرسش‌نامه‌ها

اختصاص دارد، با توجه به این موضوع که هر گونه ارزشی در ارتباط با روش یا روش‌های خاصی قابل تعریف است، لذا بر اساس اولویت‌های حاصل از بخش دوم، شیوه یا شیوه‌های حفاظتی مناسب اتخاذ می‌شود. با کاربست این مدل، در واقع امکان ایفای نقش کلیدی و محوری ارزش‌ها در تصمیم‌های حفاظتی، با دقت بیشتری صورت گرفته و اتخاذ روش‌های حفاظتی صحیح‌تری محقق خواهد شد.

بررسی اجمالی چگونگی اتخاذ روش‌های حفاظت در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان بر اساس مدل سه بخشی ارزش محور

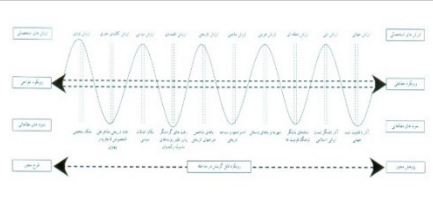
مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان در ۴۲ کیلومتری شمال شرقی تکاب و ۵۰ کیلومتری جنوب غرب شهر دندی از توابع استان زنجان واقع شده و به لحاظ تقسیمات کشوری، در شهرستان تکاب از استان آذربایجان غربی و حدوداً در ۲ کیلومتری روستای تازه کند (نصرت‌آباد) بخش تخت سلیمان واقع شده است. شرایط بسیار مساعد منطقه با چشمه‌های جوشان و منابع طبیعی و معدنی آن، باعث مسکونی بودن این منطقه از دوره‌های بسیار دور بوده؛ به طوری که می‌توان آن را جز مناطق مسکونی هزاره اول ق.م قرار داد. وجود محوطه‌های مسکونی متمرکز و پراکنده که ماحصل شرایط ذکر شده بوده و رونق و ثبات آن، باعث به وجود آمدن آثار معماری ارزشمندی شده است؛ از جمله آثار شاخص تاریخی مجموعه می‌توان به تپه‌های باستانی (تومولوس‌ها)، زندان سلیمان، دژ بلقیس و مهم‌تر از همه آثار معماری، محوطه اصلی محدوده برج بارو بر روی صفا پیرامون دریاچه اشاره داشت. بر روی صفا‌های طبیعی که به واسطه رسوبات آهکی شکل



تصویر ۳. فرآیند کلی مدل سه بخشی ارزش محور برای کاربست ارزش‌های میراث معماری در حفاظت (نگارندگان)

جدول ۴. بررسی روش‌های کاربست ارزش‌ها در فرآیند حفاظت

ردیف	عنوان مدل	هدف	ویژگی بارز مدل	تصویر
۱	فرآیند مدیریت بر پایه ارزش (Guidelines for Implementing Context Studies and Values-Based Management of Historic Places) (URL: 2)	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای حفاظت با توجه به ارزش‌های تاریخی میراث	تأکید بر کاربست ارزش‌های تاریخی در سیاست‌گذاری مداخله در میراث	
۲	اولویت‌بندی ارزش‌ها در سیاست‌گذاری حفاظت (حجت، ۱۳۸۰)	ارائه چارچوب اولیه برای تنظیم سیاست‌های امور میراث فرهنگی با استفاده از اولویت‌بندی ارزش‌ها	تأکید بر اولویت‌بندی ارزش‌ها قبل از ورود به جریان مداخله در میراث	
۳	خط مشی و شیوه حفاظت بر اساس ارزش‌ها (اورمی و همکاران، ۲۰۰۰)	اصلاح فرآیند رایج مداخله در میراث فرهنگی با تأکید بر رابطه متقابل بین مؤلفه‌ها	تبیین رابطه بین ارزش و حفاظت با استفاده از مؤلفه‌های مختلف به صورت یکپارچه در یک فرآیند مشارکتی	
۴	فرآیند روش‌شناسانه و برنامه‌ریزی (Randall, 2002)	برنامه‌ریزی به جهت مداخله در منابع میراث با کاربست مؤلفه‌های متعدد مؤثر در این رابطه	برنامه‌ریزی جامع با توجه به مفهوم فرهنگی و ارزیابی ارزش‌ها	
۵	چرخه حفاظت از میراث فرهنگی (Thurley, 2005)	ارائه چرخه حفاظت از میراث فرهنگی با محوریت ارزش	ارائه ساده‌ترین فرآیند چرخه حفاظت از میراث	
۶	رابطه بین ارزش و حفاظت (Taylor & Casser, 2008)	ارائه فرآیندی برای تبیین رابطه بین ارزش و حفاظت	بررسی دقیق‌تر رابطه ارزش و حفاظت به صورت چند مرحله‌ای	

ردیف	عنوان مدل	هدف	ویژگی بارز مدل	تصویر
۷	ارزش و رویکرد مداخله (نژاد ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲)	طرح و بررسی گونه‌های مختلف ارزش به جهت دست یافتن به رویکردهای مداخله	گونه‌های ارزش در کنار هم مطرح شده و دو رویکرد کلی برای مداخله حفاظتی پیشنهاد شده‌اند.	

(نگارندگان)

این رتبه به دست نیامده است. در همین راستا، ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی مجموعه در رتبه دوم و ارزش‌های روز نیز در رتبه سوم اولویت قرار می‌گیرند. اختلاف امتیاز نهایی ارزش‌های تاریخی نسبت به دو گونه ارزشی؛ ارزش فرهنگی - اجتماعی و ارزش روز، نشان از میزان و درجه اهمیت این گونه ارزشی در مجموعه تخت سلیمان دارد که باید در اتخاذ سیاست‌ها، برنامه‌ها، مداخلات و شیوه‌های حفاظتی، مورد توجه قرار گیرد.

بخش نهایی مدل ارائه شده، به اتخاذ شیوه یا شیوه‌های حفاظت اختصاص دارد. در جدول ۳، به بررسی دقیق درجات حفاظت پرداخته شده و در تصویر ۲، تأثیر و تأثر اتخاذ هر روش حفاظتی بر ارزش‌های میراث معماری، به تصویر کشیده شده است. نتایج حاصله از بخش دوم مدل در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان، حاکی از آن است که ارزش‌های تاریخی با فاصله محسوسی نسبت به دیگر ارزش‌های آن در اولویت قرار دارند. با توجه به این که مدل پیشنهادی در این پژوهش در سطح راهبردی تنظیم شده و فرآیند اعمال آن در مجموعه تخت سلیمان نیز بر همین اساس بوده است، لذا در تنظیم برنامه‌های راهبردی حفاظت و اتخاذ روش‌های «جلوگیری از زوال»، «حفظ و نگهداری» و «استحکام بخشی» در رابطه با کلیه بخش‌های مجموعه در اولویت خواهد بود؛ اما این موضوع، به معنی غفلت از سایر ارزش‌ها و به تبع آن، روش‌های دیگر نخواهد بود؛ چرا که در بسیاری مواقع، گونه‌های ارزشی میراث چنان در هم تنیده‌اند که نیاز به مذاقه و بررسی مورد به مورد را ضروری می‌نمایند. در همین راستا، به جهت اولویت زیرارزش احساسی از گروه ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی و هم‌چنین زیرارزش گردشگری از گروه ارزش‌های روز، اعمال روش‌های متناسب در این ارتباط در برنامه‌های راهبردی الزامی است؛ اما آن چه مشهود است این که بیشترین تمرکز فعالیت‌های حفاظتی باید در راستای حفاظت از ارزش‌های تاریخی صورت گیرد.

در نرم‌افزار سوپر دسیژنز برای تجزیه و تحلیل و اولویت بندی ارزش‌های مجموعه، مورد بررسی قرار گرفتند تا امتیاز نهایی معیارها به دست آید. نرخ ناسازگاری ۰،۰۵، نشان از قابل قبول بودن سازگاری سیستم و صحت محاسبات و نتایج حاصل از اولویت بندی در مدل است. با توجه به نتایج حاصله از پرسش نامه‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته با تکنیک ANP بر اساس مؤلفه‌های سه گانه ارزیابی (امکانات، فرهنگ عمومی جامعه هدف و نیازها)، می‌توان رتبه ارزش‌های میراث معماری مستتر در این مجموعه جهانی را در جدول ۵ نشان داد. در جداول ۶ و ۷ نیز امتیاز و رتبه نهایی زیرارزش‌ها و ارزش‌ها در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان قابل رؤیت است.

آن چه به واسطه تحلیل و بررسی جداول ۵ و ۶ قابل استنتاج است، این که کارشناسان بیشترین امتیازها را به مؤلفه نیازها داده‌اند؛ اما علی‌رغم نیازهایی که وجود داشته و هماهنگی و هم‌سویی آنها با فرهنگ عمومی جامعه هدف، در رابطه با مؤلفه امکانات به لحاظ پایین بودن امتیازها، به نظر می‌رسد موانعی وجود داشته باشند. با علم به این موضوع، مشخص است که صرفاً با اعمال امتیازهای یکی از مؤلفه‌ها یا حتی معدل هر سه مؤلفه به طوری که اهمیت آنها به صورت مساوی در نظر گرفته شود، فرآیند اولویت بندی نتیجه درستی ارائه نخواهد داد؛ لذا اتخاذ سلسله مراتبی نقش مؤلفه‌ها برای تصمیم‌گیری، ضروری می‌نماید؛ به طوری که لازم است ارزش‌ها ابتدا بر اساس مؤلفه نیازها اولویت بندی، سپس بر اساس مؤلفه فرهنگ عمومی جامعه تعدیل شده و نهایتاً بر مبنای امکانات، تدقیق و به کار گرفته شوند. با در نظر گرفتن نتایج مؤلفه‌ها به صورت منفرد در خصوص ارزش‌ها، ارزش‌های تاریخی مجموعه میراث جهانی را با توجه به این که بر اساس دو مؤلفه در رتبه اول قرار گرفته‌اند، می‌توان به عنوان اولویت اول ارزش‌ها معرفی کرد. این موضوع با اعمال سلسله مراتبی نقش مؤلفه‌ها نیز قابل حصول است، هر چند بر اساس مؤلفه فرهنگ عمومی،

جدول ۵. رتبه‌بندی ارزش‌های میراث در مجموعه جهانی تخت سلیمان در ارتباط با سه مؤلفه نیازها، فرهنگ عمومی جامعه هدف و امکانات

ردیف	ارزش‌ها	امکانات	فرهنگ عمومی جامعه هدف	نیازها
۱	ارزش تاریخی	۱	۳	۱
۲	ارزش فرهنگی-اجتماعی	۳	۱	۳
۳	ارزش روز	۲	۲	۲

(نگارندگان)

جدول ۶. امتیاز و رتبه نهایی زیرارزش‌های میراث در مجموعه تخت سلیمان

ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش	ارزش
تاریخی با رویکرد مفهومی	تاریخی با رویکرد کالبدی	اعتقادی	احساسی	هویتی	آموزشی و علمی	گردشگری	اقتصادی	عملکردی	سیاسی	ارزش
۰,۱۱۵۰	۰,۵۷۴۷	۰,۲۲۰۱	۰,۱۵۷۳	۰,۷۱۹۹	۰,۱۴۴۵	۱,۰۰۰۰	۰,۱۶۷۸	۰,۰۵۳۸	۰,۰۴۲۶	ارزش
۸	۳	۴	۶	۲	۷	۱	۵	۹	۱۰	رتبه

(نگارندگان)

جدول ۷. امتیاز و رتبه نهایی ارزش‌های میراث در مجموعه تخت سلیمان

ارزش روز	ارزش فرهنگی-اجتماعی	ارزش تاریخی	ارزش‌ها
۰,۱۰۹۴۵	۰,۳۰۹	۰,۵۸۱۵۵	امتیاز نهایی
۳	۲	۱	رتبه

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که مطالعات در خصوص رابطه ارزش و حفاظت در منابع میراث، به‌صورت کلی و عمومی انجام شده و چگونگی این رابطه، آن‌گونه که منجر به اتخاذ روش‌های حفاظت بر مبنای ارزش‌ها باشد، تا کنون با این ابعاد انجام نشده، لذا پژوهش حاضر، با کاربرست ابزارهای مختلف در ابعاد گسترده‌ای از منابع، ضمن بررسی رابطه دو مفهوم ارزش و حفاظت، با انجام مطالعات عمیق در خصوص ویژگی‌های ارزش‌های میراث و همچنین اهداف، رویکردها و حوزه عمل حفاظت در هر یک از شیوه‌های آن، چگونگی این رابطه را، مورد مذاقه قرار داده است. بررسی رابطه گونه‌های ارزش و شیوه‌های حفاظت به‌واسطه تعدد، تنوع و رابطه متقابل بین آنها، دارای پیچیدگی‌هایی است که بدون کاربرست روشی مناسب برای ارزیابی، محقق نخواهد شد. این پژوهش به‌واسطه کاربرست روشی کمی، به نتایج کیفی دست یافته که از اهمیت خاصی برخوردار است. برای مدیریت فرآیند تأثیر ارزش‌ها در اتخاذ شیوه‌های حفاظت، نیاز به طراحی مدلی بود که بتوان با اعمال سلسله اقداماتی، نقش ارزش‌ها را در تصمیم‌های حفاظتی به‌روشنی رصد کرد. مدل‌های مطرح در این رابطه، یا به‌صورت عمومی موضوع را بررسی کرده و وارد جزئیات ارزش‌ها و شیوه‌ها نشده و یا بر اساس اهداف مقطعی و مطالعات موردی تدوین شده‌اند. هم‌چنین عمده این مدل‌ها، بر روی بخشی از فرآیند رابطه ارزش و حفاظت تمرکز کرده و هیچ‌یک از آنها فرآیند کاملی از این رابطه را ارائه نکرده است، در حالی که تأثیر ارزش‌ها در حفاظت، مدیریت و کنترل بر کلیه فرآیند را طلب می‌کند؛ به‌طوری که نمی‌توان از آنها به‌عنوان مدل کامل یاد کرد. بر همین اساس و به‌جهت مرتفع کردن موانع و مشکلات مطرح‌شده، برای اولین بار در این پژوهش، مدلی با عنوان «مدل سه بخشی ارزش محور» ارائه شد که کلیه فرآیند استحصال، ارزیابی، اولویت‌بندی ارزش‌ها و اتخاذ شیوه‌های حفاظت را مدیریت می‌کند؛ به‌طوری که با کاربرست آن، احتمال اشتباه در تصمیم‌های



حفاظتی به حداقل می‌رسد. در این خصوص به جهت تدقیق و تبیین، مدل پیشنهادی در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان به آزمون گذاشته شد. کاربست مدل، امکان اتخاذ تصمیمات راهبردهای صحیح‌تری را در فرآیند حفاظت مهیا می‌نماید و این مهم می‌تواند بستر مناسبی در راستای تدوین منشور حفاظت در ایران باشد. ارزش‌های میراث معماری و رابطه آنها با شیوه‌های حفاظت در مواجهه با انواع میراث معماری و به‌خصوص دوره‌های تاریخی، عناصر کالبدی، فضایی و مواد و مصالح آن، دارای پیچیدگی‌هایی است که لازم است به‌صورت موردی مطالعه شود؛ لذا موضوع پیشنهادی برای مطالعات آینده، پرداختن به روش‌ها و مدل‌هایی است که با جزئیات بیشتری به رابطه ارزش‌ها و شیوه‌های حفاظت بپردازند؛ به‌طوری که بتوان برای همه ارزش‌ها و زیرارزش‌ها و جزئیات آنها، روش مداخله مناسبی را پیشنهاد داد. این مهم، بدون طراحی مدل و فرآیندی دقیق محقق نخواهد شد؛ فرآیندی که در امتداد مدل پیشنهادی این پژوهش قرار گرفته و در سطوح خردتر عمل می‌کند.

پی‌نوشت

۱. در راستای ارزیابی پایایی و روایی مدل پیشنهادی، در رساله دکتری نویسنده اول، در مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان به ارزیابی بر پایه مدل نهایی پرداخته شده که به‌دلیل محدودیت تعداد صفحات نشریه، مطرح نشده است.

۱۴۱

2. Prevention
3. Preservation
4. Consolidation Of Fabrics
5. Restoration
6. Rehabilitation
7. Reconstruction
8. Reproduction
9. Abbaszadeh ,Mozaffar ; Mohammadmoradi ,Asghar ; Faizi ,Mohsen & .Ayashm ,Masoumeh .(2016).Specifying the Relation between the Concept of Value and Conservation in Cultural Heritage ,International research journal of applied and basic science.

منابع و مأخذ

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. (۱۳۸۲). حفاظت بناهای تاریخی. هفت شهر، سال چهارم (۱۱)، ۱۳-۶.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. چاپ ششم، تهران: مدیران.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش).
- حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۱). احیای بافت تاریخی با رویکرد مشارکت. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم‌زاده، محمدرضا و نجفی، بهنام. (۱۳۸۸). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن. نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: سمیرا (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی). ۲۷۲-۲۴۱.
- فدایی‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۱). اصول و معیار حفاظت و توسعه یکپارچه در مجموعه‌های معماری تاریخی. رساله دکتری معماری. تهران، دانشگاه تهران.
- فیلیدن، برنارد و یوکیلتو، یوکا. (۱۳۸۲). ارزش‌گذاری به‌منظور حفاظت. مجله هفت شهر، سال چهارم (۱۲ و ۱۳)، ۲۵-۱۷.
- _____ (۱۳۸۶). راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی. ترجمه پیروز حناچی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- گرجی، ابراهیم و برخوردار، سجاد. (۱۳۸۸). مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی. چاپ اول، تهران: ثالث.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ معین. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

- نژاد ابراهیمی، احد؛ پور جعفر، محمدرضا؛ انصاری، محبتی و حناچی، پیروز. (۱۳۹۲). ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی. فصلنامه علمی و پژوهشی مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)، سال سوم (۶)، ۷۹-۹۸.
- Abbaszadeh, M.; Mohammadmoradi, A.; Faizi, M. & Ayashm, M. (2016). 'Specifying the Relation between the Concept of Value and Conservation in Cultural Heritage'. **International Research Journal of Applied and Basic Science**, 10(5), 499-510.
 - Avrami, E.; Mason, R. & La Torre, M. (2000). **Values and Heritage Conservation (Research Report)**. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
 - Feilden, B. (1979). **An introduction to Conservation of Cultural Property**. London: United Nations Educational Scientific and Organization.
 - Feilden, B.M. (2003). **Conservation of Historic Buildings**. London: Butterworths & co (publishers) Ltd.
 - Randall, M. (2002). Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices. **Assessing the Values of Cultural Heritage**. Los Angeles: Research Report, The Getty Conservation Institute. 5-30.
 - Riegl, A. (1996). 'The Modern Cult of Monuments': Its Character and Its Origin. **Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage**. In Price.N et al (Eds.). Los Angeles: The Getty Conservation Institute. 18-32.
 - Rojas, E. (2002). 'Urban Heritage Conservation in Latin America and the Caribbean A Task for All Social Actors'. **Inter-American Development Bank Washington, D.C. Sustainable Development Department Technical Papers Series**. Inter-American Development Bank, Felipe Herrera Library. 3-14.
 - Taylor, J. & Cassar, M. (2008). 'Representation and Intervention: The Symbiotic Relationship of conservation and Value'. **Centre for Sustainable Heritage**. University College London: Bartlett School of Graduate Studies. 1-10.
 - Taylor, J. (2015). 'Embodiment unbound: moving beyond division in the understanding and practice of heritage conservation'. **Studies in Conservation**, (1), 65-77.
 - Throsby, D. (2000). Economic and cultural value in the work of creative artists. **Values and Heritage Conservation**. In la Torre, M. et al (Eds.). Los Angeles: Getty conservation institute. 26-31.
 - Wells, J. (2009). 'Historic Preservation Challenges to Collaboration with Other Disciplines'. **The Ethical Design of places**, edra 40, 83-91.
 - URL 1: www.iranresearches.ir (access date: 2017/04/15).
 - URL 2: www.for.gov.bc.ca/heritage. (access date: 2016/10/22).
 - Mambriani, Carlo; Coission, Eva & Fappa, Elisabetta. (2014). The Management of Vulnerabilities in Cultural Heritage. **Best practice in From the world to Pompeii**. XII international Fourm, Aversa/Capri, 12-14 June 2014.
 - Throly, D. B. (2005). Challenges for Heritage Conservation and the role of research on Values. **Values and Heritage conservation Research report**. Los Angeles: The Getty Conservation Institute. 65-67.
 - Wells, Jeremy. (2010). Valuing historic places: Traditional and contemporary approaches. **preservation and rehabilitation of Iraqi city centers Conference**. Baghdad, Iraq. March 22-27.

ارزیابی کمی خط آسمان در مناظر شهری به عنوان لبه شهر (با تأکید بر ابزارهای نوین تحلیل منظر شهری)

مریم اسفندیاری* سارا اسفندیاری ظهیر** دکتر محمدمهدی حقیقت بین***

چکیده

خط آسمان می‌تواند مؤلفه مؤثری در تبیین ویژگی‌های مکانی و کیفی منظر شهری باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر بر آن است که "خط آسمان" را با روش تحلیل بعد فرکتال بررسی نموده و اثرات آن را در کیفیت منظر شهری ارزیابی نماید. این تحلیل، بر اساس تعاریف موجود در حوزه منظر شهری و ابزارهای تحلیل بصری صورت گرفته است. خط آسمان علاوه بر این که می‌تواند با شاخص‌های کمی جهت تحدید و هویت‌بخشی منظر شهر یا خیابان مورد مطالعه قرار گیرد، می‌تواند به عنوان یک لبه شهری و در زمره عناصر بصری شکل‌دهنده به منظر شهر بررسی شود. با توجه به نتایج، پاسخ‌هایی عملی و مستند به این دغدغه داده می‌شود که چگونه "خط آسمان" می‌تواند یک مؤلفه مؤثر در ارتقای کیفیت منظر شهری باشد. با بررسی اثر ارتفاع، فرم، عناصر مصنوع و طبیعی در عدد بعد فرکتال خط آسمان و تطابق آن با مفاهیم کیفی، یافته‌هایی عملیاتی در جهت ارتقای کیفیت بصری منظر شهر حاصل می‌شوند. با استفاده از این فرضیه (کارکردی بودن خط آسمان در امر ارتقای کیفیت فضایی)، می‌توان با مقایسه خط آسمان (ویژگی بعد فرکتال آن) در چند سکانس مختلف شهری، به معیارهایی برای لبه‌های بالایی شهر دست یافت و سازوکارهای زیست‌شهری را به وسیله ویژگی‌ها و عناصر منظر شهری بهبود بخشید. این مقاله، تحقیقی کمی و پژوهشی کتابخانه‌ای است که با استفاده از مفاهیمی در حوزه ریاضیات جدید و نرم‌افزارهای مربوط (Matlab-Benoit)، خط آسمان را به عنوان پدیده‌ای فرکتال در شکل‌گیری سیمای شهر تحلیل می‌کند. این مطالعه با بررسی ویژگی‌های پیچیدگی و عددی در تصاویر، "تحلیل عدد بعد فرکتال" را به عنوان روش جمع‌آوری داده انتخاب کرده که در این روش، عدد بعد فرکتال خط آسمان در هر تصویر محاسبه شده است و این عدد در مقایسه با بعد دیگر سکانس‌ها، ویژگی‌های مکانی و کیفیت فضایی را مشخص می‌کند.

کلیدواژه‌ها: منظر شهر، بعد فرکتال، خط آسمان، سکانس شهری، لبه‌های شهر

مقدمه

آنچه تا کنون در بحث منظر شهری مطالعه شده، اغلب شامل مباحثی کیفی در عناصر سازنده آن است، در حالی که بر اساس مطالعات گوردن کالن (۱۳۹۵)، منظر شهر از سرفصل‌های اساسی و تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت زندگی شهری مطرح شده است که افزایش پتانسیل‌های اجرایی در آن که قابلیت کنترل داشته باشد، ضروری به‌نظر می‌رسد. این موضوع، کاربرستی در تحلیل‌های کیفی دارد که وقتی روش‌های کمی و علمی در تأیید فرضیه مورد نظر به کار بسته شود، منجر به نتایجی قابل‌ارائه خواهد شد.

ابتدا باید مفاهیم اصلی هم‌چون منظر و سیمای شهری، عناصر سازنده منظر شهر، خط آسمان^۱ و مفهوم لبه شهری بررسی شوند. این بررسی‌ها نشان خواهند داد که منظر شهر در طرح‌های توسعه شهری، جایگاه قابل‌توجهی دارد. در اسناد طرح توسعه شهرها، این تعریف محدود به سیمای شهری نیست و باید علاوه بر طرح و برنامه‌ریزی اجرایی، "مدیریت کنترل‌کننده" را نیز در خود داشته باشد (مشاور کریمی، ۱۳۹۳: ۲۲). طرح‌های جامع شهر تهران، این مفهوم را کم‌وبیش در خود داشته و در طرح‌های اخیر که رویکردی هویت‌گرایانه دارند، تغییرات و برنامه‌هایی در نظر گرفته شده‌اند (محملی ابیانه، ۱۳۹۰: ۱۲). مسأله اصلی این پژوهش این است که این کنترل باید توسط ضوابط دقیق عددی قابل‌توصیه باشد، در حالی که جای راهکارهای عملیاتی مناسب تا کنون خالی به‌نظر می‌رسد. جهت تحقق این امر، علاوه بر تحلیل‌های کیفی، سازوکارهای راهبردی در عرصه واقعی، از ابزارهای اساسی به‌شمار می‌روند. هم‌چنین هدف عمده این مقاله نیز این است که با استفاده از یکی از روش‌های نرم‌افزاری کیفیت، خط آسمان را یکی از عوامل کیفیت منظر شهر برشمرده و با معیارهای عددی، امکان ارزیابی و برنامه‌ریزی کمی آن را فراهم آورد تا منظر خوب یا افق خوشایند، قابل‌ارائه و دفاع علمی باشد و هم‌چنین بتوان به شاخص‌های کنترل‌کننده در مدیریت منظر دست یافت. از طریق مقایسه ویژگی‌های خط آسمان و دیگر عناصر سیمای شهری، باید دانست چگونه خط آسمان از عناصر منظر شهری محسوب می‌شود و چطور قابل‌ارزیابی است؟ به‌عبارت‌دیگر، چگونه می‌توان در دو سکانس شهری متفاوت، خوشایندی و کیفیت خط آسمان را تحلیل و مقایسه کرد؛ به‌گونه‌ای که این تحلیل صرفاً از مباحث کیفی و زیبایی‌شناسانه بهره نبرده و قابلیت کنترل و ارزیابی داشته باشد؟

در راستای نیل به این اهداف، مطالعه روش‌های مختلف صورت گرفته است که یکی از این روش‌ها این بوده که خط

آسمان را به‌عنوان پدیده‌ای فرکتال تعریف کرده که عدد فرکتال در ترسیم الگوی پیچیدگی آن نقش ایفا می‌کند و قابل‌اندازه‌گیری است. داده‌ها توسط تصاویر سکانس‌های شهری در محدوده برخورد عناصر ساختمانی و آسمان جمع‌آوری می‌شوند تا عدد فرکتال آن به‌وسیله نرم‌افزار استخراج شود. این عدد طی فرآیندی تحلیلی می‌تواند معیاری قابل‌کنترل در بازیابی کیفی فضا باشد. از این روش‌ها و رویکردهای تحلیلی در اغلب کشورهای توسعه‌یافته، برای برنامه‌ریزی، مدیریت و قانون‌گذاری‌های شهری استفاده شده و مورد اتکا قرار گرفته و البته جای خالی آن به‌شدت در طرح‌های شهری امروز کشور؛ خصوصاً در کنترل و معیارهای سنجشی، محسوس است.

پیشینه تحقیق

در حوزه مطالعات شهری و منظر شهری، مطالعاتی بومی به‌عنوان ادبیات نظری مسأله انجام شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله جهان‌شاه پاکزاد (۱۳۸۵) با عنوان "سیمای شهر آن چه لینچ از آن می‌فهمید" در نشریه آبادی اشاره کرد که به بررسی مفهوم منظر شهری از دیدگاه لینچ پرداخته است و منظر عینی و ذهنی را با ویژگی‌های آن معرفی می‌کند. گلکار (۱۳۸۰) در مقاله "مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری"، خوانایی و هویت را مؤثر در ارتقای کیفیت فضا و منظر شهری عنوان نموده و هویت مذکور را در انحصار ویژگی‌هایی تعریف می‌کند که می‌تواند در تبیین خط آسمان شهری در تخصیص این هویت، نقش مهمی ایفا نماید. هم‌چنین در خصوص بررسی خط آسمان در مناظر شهری به‌شکلی کیفی، مقالاتی در ضمن پژوهش‌های شهری انجام پذیرفته‌اند. جای آن دارد که به‌شکلی مستقل و خاص، این کیفیت مهم شهری مورد بررسی قرار گیرد؛ خصوصاً این که این مؤلفه از نظر شهرسازان و معماران شهرهای تاریخی ایرانی، دور نمانده است و شهرها دارای شخصیتی منبعت از ویژگی‌های خط آسمان خود هستند؛ هم‌چون خط آسمان در شهرهای منطقه مرکزی ایران، یزد، اصفهان و ... استفاده از عناصر سبز یا شهری، در راستای تأکید یا تلفیق با این خط آسمان‌های شهری، کاملاً هدفمند دیده شده است. مشاور کریمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام "شیوه، فنون و ابزارهای تحلیل بصری در شهر"، روش و رویکردهای تحلیل منظر شهری را برای مقایسه منظر شهرهای امروزی معرفی کرده است که در آن به شکل آسمانه شهرها در گذشته اشاره می‌نماید که معماری شده‌اند. این پژوهش بر آن است که روش‌های کمی معتبر را در ارزیابی‌های کیفی طراحی شهری بازیابی نموده و به مزیت و امکان‌های آن بپردازد. ذکاوت (۱۳۸۵) در مقاله

حوزه ریاضیات کاربردی به عنوان ابزارهای گردآوری اطلاعات و مطالعات میدانی و پیمایشی استفاده می‌شود. گردآوری اطلاعات، بعد از اسناد کتابخانه‌ای، به صورت میدانی توسط تصاویر عکاسی شده از سکناس‌های منتخب جهت تحلیل و مقایسه خط آسمان‌های آنها انجام شده، سپس این تصاویر با نرم‌افزار Matlab-Benoit مورد بررسی قرار گرفته و عدد "بعد فرکتال" آن تعیین می‌شود. این عدد، بر اساس ویژگی‌های خط مشخص شده به عنوان "خط آسمان" به دست می‌آید.

عدد بعد فرکتال می‌تواند بر اساس تعاریفی که کارشناسان مطرح کرده‌اند، مورد تحلیل‌های کیفی در میزان خوشایندی، تناسب، زیبایی و انتخاب قرار گیرد و از این طریق، سکناس‌ها بر اساس این فاکتورها دسته‌بندی و ارزیابی شوند تا بتوان در مقایسه با هم، سکناس موفق‌تر یا باکیفیت‌تر را تعیین کرد. از طریق بعد فرکتال، می‌توان به معیارهای قابل کنترل و توصیه‌ای جهت برنامه‌ریزی‌های منظر شهری دست یافت که شاخص‌هایی همچون ارتفاع، بافت، جنس و... از ویژگی‌های ساختمان‌ها و عناصر مصنوع و طبیعی را در یک سکناس یا فضای شهری مشخص می‌کند.

انگاره‌های منظر شهر

بررسی نظریه‌های موجود در این زمینه، علاوه بر این که تعریف منظر شهری را روشن کرده، عناصر سازنده این کیفیت را نیز مشخص کرده است تا در این راستا به تفکیک بتوان گفت چگونه خط آسمان در عناصر سازنده کیفیت منظر شهر می‌گنجد. مناظر شهری به شدت متأثر از اقلیم و پدیده‌های زیست‌محیطی هستند. این فاکتورها و بسیاری عوامل در ترکیب با یکدیگر، «خصوصیات مکانی» را تعریف می‌کنند که دارای «پیچیدگی مکانی» همراه با تنوع و نامنظمی و گاهی آشفتگی است (Heath et al, 2000: 6)؛ این تنوع دارای ماهیتی بوده که طراحان در جست‌وجوی طرح‌ریزی و قاعده‌مند کردن آن هستند و احتمالاً این همان بی‌نظمی بوده که در نظریه الکساندر^۲ (۱۳۸۱) با نام «کیفیت بی‌نام» از آن یاد شده است (cooper, 2000: 2).

کالن^۳ (۱۳۹۵)، منظر شهر را منطری پیوسته می‌داند که هنر یکپارچگی بخشیدن ساختاری و بصری به مجموعه ساختمان‌ها و خیابان‌ها و مکان‌ها است که از آن به "محیط شهر" تعبیر می‌شود. گلکار (۱۳۸۰) معتقد است تماس عینی و ذهنی انسان با پدیده شهر جدا نمی‌شود و منظر شهر را رابطه انسان و شهر می‌داند که علاوه بر این قرائت، امکان آسیب‌شناسی را هم فراهم می‌کند. پاکزاد (۱۳۸۵)، منظر شهر را واقعیت عینی می‌داند که این توصیف از واقعیت کالبد،

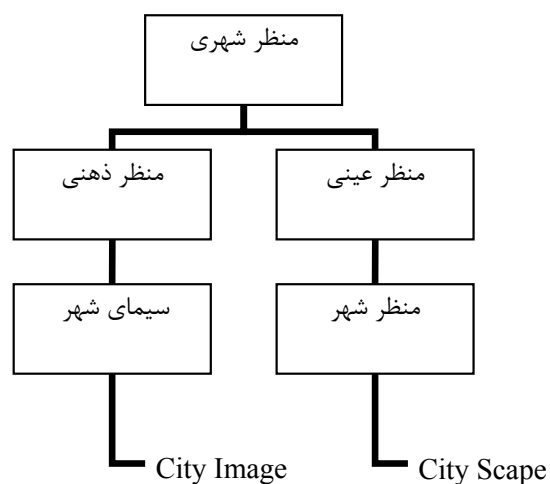
خود با عنوان "چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر"، خط آسمان و منظر شهری را از جمله عوامل مهمی که باید در برنامه و طرح شهری در نظر داشت، معرفی نموده و به ویژگی‌های آن اشاره دارد. از دیگر سو، مطالعات غیرفارسی نشان می‌دهند که علاوه بر ابزارهای تحلیل کمی و کیفی، ابزارهای کنترل‌کننده‌ای بر اساس واسطه‌های ارزیابی‌کننده برای برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای شهری و معماری وجود داشته که تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در راستای اهداف کلان را اجرایی و راهبردی می‌کنند.

ابتدا در سال ۲۰۰۰ کوپر، موضوع جایگاه تحلیل‌های فرکتال را در طراحی شهری مطرح نمود و به برخی از ویژگی‌های طراحی منظر شهری پرداخت که قابلیت تعریف بعد فرکتال را دارد، پس از آن کوپر طی مقاله‌ای، خط آسمان را به عنوان کاراکنتری از شهر نشان داده که به وسیله بعد فرکتال آن، تعریف و ارزیابی می‌شود. در همین زمان، هس و همکاران (۲۰۰۰) نسبت ساختمان، معماری و شهر را با تعریف خط آسمان بررسی نموده و ادراکات محیطی را بر اساس اثر بصری خط آسمان در خیابان‌های مورد مطالعه، تحلیل می‌نمایند. پس از آن هگرهال و همکاران (۲۰۰۴)، بعد فرکتال را به صورت مشخص در منظر شهری و منظر طبیعی به کار برده که طرح‌های توسعه را بر اساس عدد بعد فرکتال جایز و متناسب می‌دانند و با تعیین منظر شهری به عنوان پدیده‌ای نامنظم، خطوط و نماهای ساختمانی را در حوزه این علم وارد نموده و در حوزه منظر شهری، بر جنبه‌ای به نام خط افق تأکید و تمرکز داشته و با مؤلفه‌ای با نام «بعد فرکتال» آن را اندازه‌گیری کرده‌اند. این موضوع در جایگاه استفاده از ابزارها و روش‌های تحلیل بصری منظر شهری و هم‌چنین رویکردهای مشارکتی کمی و کیفی طراحی منظر، به تازگی در مجامع حرفه‌ای مطرح و به کار گرفته شده است. بسیاری از کلان‌شهرهای مطرح در دنیا (از جمله لندن، پاریس، وین و...) با استفاده از این تکنیک‌ها توانسته‌اند به شیوه‌هایی محدودکننده و راهگشا، به مدیریت منظر شهری بپردازند (محملی ابیانه، ۱۳۹۰: ۱۲). بدین منظور، این پژوهش با بررسی این رویکردهای بدیع به وسیله یکی از ابزارهای مطرح‌شده، به شیوه حل یکی از مهم‌ترین معضلات منظر شهری می‌پردازد.

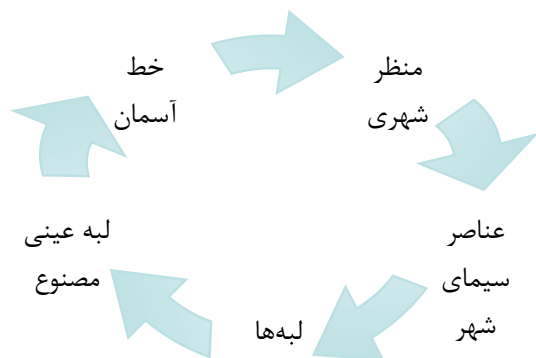
روش تحقیق

این مقاله، پژوهشی کاربردی است که علاوه بر این که از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌کند، در ارائه مقدمات، به شیوه‌ای توصیفی با بررسی نمونه موردی پیش می‌رود. در این راستا برای نیل به اهداف پژوهش، از تصویربرداری و نرم‌افزارهایی در

فارغ از تجربیات فرد مشاهده‌کننده در ذهن او نقش می‌بندد. در مبحث منظر شهری، کنترل دید و ارکان بصری، علاوه بر طراحی و برنامه‌ریزی، در زمینه کنترل و مدیریت نیز مطرح است؛ تا جایی که در بسیاری از پژوهش‌های بین‌المللی، شبیه‌سازی محیط شهری، رویکردی برای کنترل بصری انسان‌ها پیشنهاد می‌شود. سیت^۴ (۱۳۹۰)، اصول طراحی شهری را "مدیریت منظر شهری" و ارتقای آن معرفی می‌کند. به‌طور کلی، منظر شهری دارای دو وجه اصلی بر اساس منبع دریافت است؛ منظر عینی و منظر شهری. منظر عینی بر اساس عناصر حسی و بصری، به جمع‌آوری مجموعه‌ای از اطلاعات منبعت از محرک‌های محیطی اشاره دارد که ویژگی‌های قابل ترسیم و طراحی در منظر شهر را تعریف می‌کنند و در ادبیات تخصصی همان "منظر شهر"^۵ نام دارد (نمودار ۱). از دیگر سو، منظر عینی بر اساس مجموعه تجارب و انگیزش‌های درونی، به‌صورت منحصر به‌فرد تعریف می‌شود و به تصویری اشاره دارد که از تجربه حضور در یک شهر یا فضای شهری در خاطر به‌جا مانده است و به‌صورت مشخص "سیمای شهر"^۶ نام می‌گیرد تا ویژگی‌هایی جز منظر شهری را تعریف کند. عناصر سازنده سیمای شهر شامل راه، لبه، گره، محله و نشانه است (لینچ، ۱۳۵۵: ۶۷). این عناصر علاوه بر شکل عینی و تبلور کالبدی، دارای جنبه ذهنی یا معنایی نیز هستند (جدول ۱)؛ به‌طوری که ممکن است یک اتفاق یا گذشت زمان، این عنصر را به‌وجود آورده باشد و نه صرفاً برنامه‌ریزی و طراحی شهری. هر یک از این عناصر سازنده سیمای شهر دارای ویژگی‌های عملکردی و رفتاری است که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند.



نمودار ۱. مفاهیم منظر شهر (نگارندگان)



نمودار ۲. خط آسمان عنصری سیمای شهری (نگارندگان)

لبه‌های شهری و خط آسمان

در میان این عناصر، با تعریف «لبه» می‌توان با هم‌پوشانی ویژگی‌های خط آسمان به نتایجی دست یافت که خط آسمان، لبه‌ای در منظر شهر است که از عناصر سازنده سیمای شهر خواهد بود (نمودار ۲). لبه‌ها از لحاظ ماهیت، در دو دسته عینی و ذهنی قابل بررسی هستند. لبه عینی به دو دسته طبیعی و مصنوع تقسیم می‌شود؛ لبه‌های طبیعی مانند دشت، کوه و ... و لبه‌های مصنوع مانند راه‌آهن، بزرگراه‌ها و ... لبه‌های ذهنی کالبد نداشته، اما در ذهن شهروندان دو نقطه شهری را به هم متصل می‌کنند.

بریدگی که خطوط راه‌آهن در شهر به‌وجود می‌آورد و هم‌چنین حدود و حصارهای مجموعه‌ای ساختمانی را می‌توان به‌عنوان مثال‌هایی از لبه در سیمای شهر ذکر کرد. لبه‌ها، عوامل جانبی بوده و نه محورهای توازن و تقارن که مرز مابین

اساس شکل سقف ساختمان‌های شهر و محل قرارگیری ناظر، به‌شکلی دو بعدی از نگاه اول و سپس با ایجاد تعامل میان چشم و افق به‌شکلی پویا نمایان می‌شود؛ به‌گونه‌ای که پرسپکتیو طرح یک سکانس با ظهور آسمان شکل می‌گیرد. امروزه همان‌طور که مسأله سیمای شهر با بررسی عناصر آن و ارائه راهکار جهت مدیریت و کنترل آن مطرح است، خط آسمان به‌عنوان یکی از لبه‌هایی بوده که در منظر شهر به‌شکل عینی و در سیمای آن به‌صورت ذهنی تأثیرگذار است و می‌تواند در کیفیت و خوانایی شهر و تصویر محیطی آن نقشی به‌سزا ایفا کند و در طراحی شهر، تحلیل کمی و کنترل آن هم‌چون دیگر عناصر سازنده سیمای شهر، ضروری به‌نظر می‌رسد.

بر اساس آن چه گفته شد، وقتی ویژگی‌های خط آسمان به‌عنوان عنصری کالبدی در منظر شهری و هم‌چنین لبه‌های شهری به‌عنوان عنصر سازنده منظر یا سیمای شهری هم‌سو

خط ترکیب، حد نهایی جداره و افقی بوده که به‌عبارتی، عقب‌نشستگی یا مرز بام قابل‌رؤیت در زمینه آسمان است (Heath et al, 2000: 11). خط آسمان با توجه به آن چه ذکر شد، کیفیتی از فضا و بدنه شهری را به‌وسیله عناصر مصنوع و طبیعی تشکیل می‌دهد. به‌عبارتی‌دیگر، خط آسمان در هر زمان و مکان دارای کیفیتی منحصر به‌فرد است و قابلیت همانندسازی را به‌سختی فراهم می‌کند، پس ارزیابی آن نیز به‌شیوه پدیده‌های زیستی و فرکتال قابل‌انجام است؛ زیرا این دسته از پدیده‌ها نیز کیفیتی منحصر به‌فرد داشته و در هر زمان، قابلیت‌های متفاوتی را بروز می‌دهند (جدول ۲). این عنصر کالبدی، شامل مجموعه احجامی است که در ترکیب بام بناها با ابنیه بلندتر مستقر در پشت جداره دیده می‌شود. عنصر کالبدی خط آسمان، تجلیگاه ترکیب فرم در کالبد خیابان به‌شمار می‌رود و نماد نظم یا تنوع در سیمای خیابان است (ذکاو، ۱۳۸۵: ۴۶). خط آسمان بر

جدول ۱. ویژگی‌های عناصر شهری

عناصر سازنده سیمای شهری	عملکرد	رفتار
راه	اتصال نقطه‌ای به نقطه دیگر	حرکت بصری و کالبدی میسر است
لبه	جداکننده اصلی دو حوزه و تحدیدکننده آنها	عامل خطی - تعریف مرز
گره	ذهنی: پاتوق - تجمع (دربدارنده معنا یا اتفاق) عینی: تقاطع مسیرها (کالبدی-عملکردی-معنایی)	تلاقی - تمرکز - تراکم
محله	مجموعه‌ای همگن (فرهنگی-اجتماعی) و خصوصیات یکپارچه	احساس ورود به حوزه و قابل تمایز با بیرون آن
نشانه	ذهنی: اتفاق یا معنایی خاص عینی: تضاد- تسلط- عملکرد و منحصر به‌فرد	نقطه «عطف ذهنی» را در بر دارد

(نگارندگان)

جدول ۲. مقایسه ویژگی‌ها بر اساس اطلاعات سیمای شهری

نتیجه	مقایسه ویژگی‌های خط آسمان و یک لبه شهری	
	ویژگی‌های لبه	ویژگی‌های خط آسمان
لبه ارتفاعی شهر	ویژگی‌های لبه	ویژگی‌های خط آسمان
دارای شکل	عاملی خطی	عاملی خطی بر اساس شکل سقف‌ها
تحدید و مرزبندی	تعیین مرز بین دو قسمت	تعیین مرز ساختمان و آسمان (افق و شهر)
دارای امتداد	در امتداد طول	در امتداد عرض (موازی با خیابان و طول آن نیست)
ایجاد اتصال و پیوستگی	ایجاد بریدگی	بریدن به‌وسیله عناصر مصنوع (ساختاری)
دارای ابعاد- زاویه دید	عوامل جانبی نه محور تقارن و توازن	جانب ارتفاعی و عدم تقارن

(نگارندگان برگرفته از لینچ، ۱۳۵۵: ۴۵)

با یکدیگر بررسی می‌شوند، می‌توان به معانی کارکردی و معیارهای دقیق‌تر دست یافت. به‌عبارت‌دیگر، هم خط آسمان و هم لبه‌های شهری، هر دو عواملی "خطی" با ویژگی‌های فرمی بوده که در مرزبندی و تعیین حدود شهری و فضایی نقش ایفا می‌کنند. هم‌چنین، این خط‌ها با ایجاد بریدگی و اتصال در امتداد "طولی" شهر، واجد ویژگی‌هایی هم‌چون تقارن، توازن، ارتفاع، پیوستگی و بعد هستند. با توجه به آن چه آمد، می‌توان خط آسمان را در زمره لبه‌های شهری با ساختار التقاطی طبیعی-مصنوع بازتعریف کرد.

تحلیل کمی خط آسمان

در تحلیل کیفی خط آسمان، چنین نتیجه گرفته شد که خط آسمان، پدیده‌ای خطی و پیچیده با ویژگی‌هایی منحصر به خصوصیات مکانی و زمانی هم‌چون پدیده‌های زیستی است. وظیفه سخت طراح این است که چگونه این نامنظمی پیچیده پدیده‌هایی چون منظر شهری را جایگزین کرده و با رویکردی مثبت از تنوع، آن را از سردرگمی و ناخوانایی دور کند. یک راه‌حل ساده برای این مسأله این است که سعی شود پیچیدگی و خصوصیات مکان‌هایی را که حوزه کار طراحی محسوب می‌شود، درک کرد تا بتوان طرح پیوسته و یکپارچه‌ای با سطحی مشابه از نامنظمی و نه بی‌نظمی را تولید و نه کپی کرد (نمودار ۳).

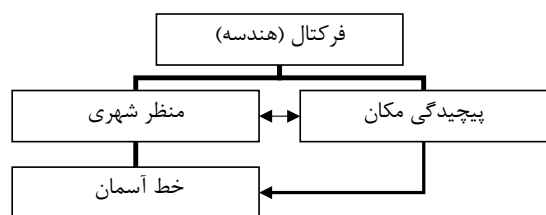
روشی که می‌توان با آن نامنظمی با تعاریف پیچیدگی را ارزیابی کرد، در ریاضیات غیرخطی و "هندسه فرکتال" بیان می‌شود که محاسبه بعد فرکتال را میسر می‌کند؛ این نظریه را ماندلیبورت^۷ (۱۹۸۳) در زمینه طراحی شهری مطرح کرده است (Hagerhall et al, 2004: 250) که به طراح امکان داد تا نامنظمی و پیچیدگی عناصر ترکیب‌شده را اندازه‌گیری کند و برای توسعه همگن و درست در همان بستر، دست به ارائه طرح و پیشنهاد زند.

از جمله عوامل تأثیرگذار بر این اطلاعات منظر شهری، خط آسمان معرفی شده و عاملی بصری خواننده می‌شود که در بستر تغییرات، نیازمند کنترل و هدایت مطلوب است

(Stamps, 2002: 169). در همین راستا، توصیفات عددی و قابلیت‌هایی کمی وجود داشته که بر اساس علوم جدید مطرح بوده که با توجه به تعریف پیچیدگی شهر و منظر شهری، پدیده‌ای پیچیده محسوب می‌شوند و بنابراین واجد خصوصیات فرکتال، دارای اجزا و تعاریفی بوده که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بنا به رویکرد یا کاربرد، خط آسمان می‌تواند ویژگی‌های دیگری نیز پیدا کند؛ دید خط آسمان از فضاهای شهری هم‌چون خیابان و معابر و یا دید و دورنمای شهری در هر دو رویکرد الگوی پیچیدگی مطرح بوده و در برنامه‌ریزی‌ها و کنترل دید مؤثر است (جدول ۳).

خط آسمان در این رویکرد، دارای بعدی کمی به‌نام بعد فرکتال است که با اندازه‌گیری آن می‌توان به پتانسیل‌هایی دست یافت که در تبیین ویژگی‌های فیزیکی مؤثر خواهد بود (Cooper, 2000: 73). محاسبه بعد فرکتال، به‌وسیله خصوصیات فیزیکی سازنده خط آسمان صورت می‌گیرد؛ اظهارات و فرضیه‌هایی درباره استفاده از این تکنیک برای مقایسه مکان‌ها وجود دارند (همان). در حقیقت، این عدد، مقیاسی به‌دست می‌دهد که در شکل شناسایی و تمایز ویژگی‌های مکانی سکانس‌های شهری در ترکیب با دیگر ویژگی‌ها تأثیرگذار است.

بنابراین محاسبه بعد آسمان، به‌عنوان شاخصی در تعریف، بازنمایی و توصیف عددی یک مکان می‌تواند به کار رود که پتانسیل ارائه مقادیری متأثر از میزان پیچیدگی مکان را دارد. در محدوده‌ای مشخص که امکان برداشت تصاویر به‌عنوان منبع اطلاعات باشد، باید تعاریف فوق آرموده شود. این محدوده در منظر شهر می‌تواند خیابان و جداره‌های شهری بوده تا در سطوح مختلف، قابل رؤیت و برداشت باشد. مفهوم و مقیاس



نمودار ۳. تحلیل فرکتالی (نگارندگان)

جدول ۳. رویکردهای دید خط آسمان

ردیف	رویکردهای ارزیابی خط آسمان	کاربرد
۱	دورنمای خطوط آسمان شهر	طرح منظر شهر و تعیین الگوی پیچیدگی
۲	دید از خیابان	برای طراحی و برنامه‌ریزی کیفیت بصری فضاهای عمومی

یکی از ابزارهای مهم در گرافیک رایانه‌ای نام می‌برند و به‌طور کلی، به پدیده‌ای به‌لحاظ هندسی فرکتال می‌گویند که دارای سه ویژگی اصلی باشد؛ ۱. خودمتمشابه باشد، ۲. پیچیده در خرد تا کلان باشد، ۳. بعد عددی آن، عدد صحیح نباشد (Keller et al, 1989: 161).

محاسبه بعد فرکتال خط آسمان

نسبت شاخص آماری پیچیدگی که در الگوی فرکتال (چگونگی تغییرات طی بزرگ شدن) مورد ارزیابی قرار گرفته و به‌صورت عددی ارائه می‌شود، بعد فرکتال نام دارد. استفاده از مفاهیم نظری فرکتال و محاسبات آن، امکان طراحی و تصور خطوط بی‌نهایت و پیچیده را در فضای نامتناهی می‌دهد. خطوط چند لایه و نامنظم نامتناهی که در مقیاس‌های کوچک در حال رشد هستند، طول آنها می‌تواند در میان همین رشد نامنظم، محدود و تعریف‌شده باشد تا تراکم آن نیز در میان فضای محدود افزایش یابد؛ از جمله این خطوط می‌توان از خط محیطی توسعه شهرها، خطوط ساحلی و خط آسمان نام برد که بر اساس این تعاریف، حائز ویژگی‌های فوق نیز هستند (Cooper, 2000: 81). مفهوم بعد فرکتال، درجه نامنظمی یک شکل یا شیء را اندازه‌گیری کرده و آن را به‌صورت عددی نمایش می‌دهد؛ این عدد که با D معرفی می‌شود، مقداری بین اعداد ۱-۲-۳ است. به‌عنوان مثال، بعد فرکتال یک خط نامنظم مانند خط ساحلی ممکن است بین عدد ۱ و ۲ باشد و اگر چه این خط یک بعدی بوده، برای پدیده‌های دو بعدی و سه بعدی نیز بعد فرکتال مصداق دارد و یک طرح فراگیر است. هم‌چنین بعد فرکتال، عددی غیر صحیح و اعشاری است، در حالی که هندسه اقلیدسی بر مبنای عدد صحیح محاسبه می‌شود. بعد فرکتال ضرورتاً بر مبنای این است که یک شیء خاص چگونه فضای طراحی شده خود (فضایی که در آن قرار دارد) را پر می‌کند (جدول ۴).

به‌عبارت‌دیگر، اگر بگوییم بعد خط، برابر یک و نیز بعد صفحه برابر دو باشد و هم‌چنین بعد فضا با عدد سه معرفی شود، وقتی که گفته می‌شود بعد یک فرکتال ۱,۲ است؛ این بدین معنی بوده که از خط پیچیده‌تر و از صفحه ساده‌تر است. محاسبه این بعد، از یک سری فرمول‌های لگاریتمی به‌دست می‌آید که بررسی آن از حوصله این بحث خارج است. در عین پیچیدگی که فرم‌های فرکتال دارند، نباید فراموش کرد که فرکتال، یک هندسه است و از انجام محاسبات هندسی به‌دست می‌آید و از آن به‌منظور تسهیل در امور مربوط به مدل‌سازی پیچیدگی در زمینه‌های گوناگون علمی و مهندسی استفاده می‌شود. هم‌چنین، جهت تبیین و مقایسه هر چه بهتر ویژگی‌های خط آسمان (در دو

فرکتال خطوط آسمان را آکو در سال ۱۹۹۰ در رابطه با دورنمای خطوط آسمان در عرصه‌های شهری مطرح کرد و بنابراین دو عرصه (نگاه منظرین) برای ارزیابی خط آسمان مطرح شد؛ ۱. دورنمای خطوط آسمان شهر، ۲. دید از خیابان با خط آسمان (جدول ۳).

دید از داخل یک خیابان برای طراحی و برنامه‌ریزی کیفیت بصری فضاهای عمومی شهر، مورد استفاده بیشتری قرار می‌گیرد و در نهایت برای تحلیل کمی پدیده منظر شهر و نقش عناصر در آن، به‌عنوان الگویی پیچیده مطرح می‌شود که نیازمند تعریف رفتارهای محاسباتی پدیده‌های پیچیده و ابعاد فرکتال است. در پدیده منظر شهر با رفتاری غیر خطی، با تعریف بعد فرکتال عناصر در آن مواجه شده و تحلیل کمی فوق، با استفاده از مفهوم فرکتال، پیچیدگی و بعد فرکتال انجام می‌گیرد.

پیچیدگی

با آن‌که هنوز تعریف فراگیر و عامی برای این پدیده همه‌جاگیر و عام میسر نشده است، شاید رایج‌ترین تعریف تقریبی پیچیدگی را بتوان این‌گونه بیان کرد: هر گاه مجموعه‌ای متشکل از عوامل متعدد و گوناگون در مقیاس‌های متفاوت، با اتکا و وابستگی ذاتی و جدایی‌ناپذیر عوامل بر همدیگر وجود داشته باشند و بالاتر از همه این‌ها، اگر نشود با حذف و قطع برخی از مؤلفه‌ها و اعضا، به کوچک‌تر ساختن آن مجموعه پرداخت، پیچیدگی اتفاق افتاده است. هم‌چنین، غیر خطی بودن رفتار مجموعه در همه مقیاس‌ها، از شرایط لازم برای وجود پیچیدگی است. شاپان اشاره و تأکید بوده که آثاری از گونه حیات و زنده بودن نیز از خصایص بارز در بیشتر پدیده‌های پیچیده است (Hagerhall et al, 2004: 250). بنابراین پدیده شهر و خط آسمان، پدیده‌ای پیچیده است که می‌توان از این مفهوم در طرح و مطالعات استفاده کرد.

هندسه فرکتال، بیان ریاضی از معماری طبیعت است

فرکتال یا فراکتال^۱ یا برخال، ساختاری هندسی است متشکل از اجزایی که با بزرگ کردن هر جزء به‌نسبت معین، همان ساختار اولیه به‌دست می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، برخال، ساختاری بوده که هر جزء از آن با کلس همانند است. فرکتال‌ها، شکل‌هایی بوده که بر خلاف شکل‌های هندسی اقلیدسی به‌هیچ‌وجه منظم نیستند (Ostwald et al, 2007: 20). این شکل‌ها اولاً سرتاسر نامنظم هستند، ثانیاً میزان بی‌نظمی آنها در همه مقیاس‌ها یکسان است و جسم فرکتال از دور و نزدیک یکسان دیده می‌شود؛ به‌تعبیر دیگر، «خودمتمشابه» هستند (Ibid, 2008). از فرکتال‌ها به‌عنوان

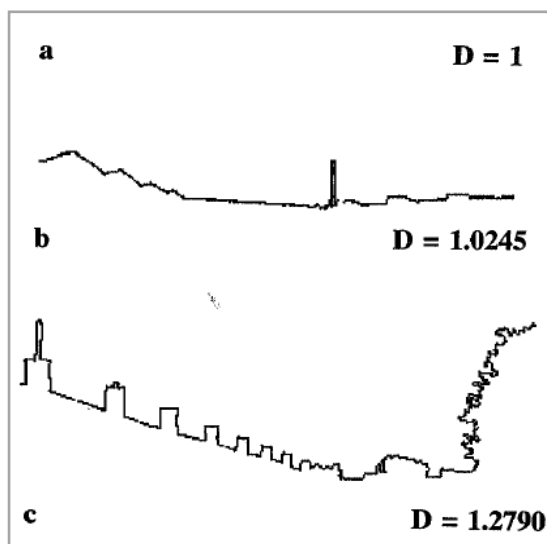
رویکرد آن) و اشکال فرکتال، هر دسته از این ویژگی‌ها در جدول ۴ گردآوری شده است.

بررسی نمونه موردی

با توجه به آن‌چه تا کنون مطرح شد، با برداشت تصویر از سکناس شهری شامل خط آسمان، می‌توان بعد فرکتال آن را محاسبه کرده و به‌وسیله آن، تحلیل‌های کیفی صورت می‌گیرد. نمونه عملی آن در تصاویر به‌عنوان مثال خواهد آمد تا نشان داده شود از این روش می‌توان در برداشت و مقایسه هر سکناسی از شهر یا شهرها جهت ارزیابی کیفیت بصری و کنترل دید بهره برد. در راستای موضوع مورد بحث در تصویر ۱، این مفهوم با مقایسه یک خط مستقیم ساده با دو خط آسمان ترسیم شده است و نشان می‌دهد چگونه رشد ناهمگون و غیرخطی یک خط می‌تواند به‌صورت عددی مانند D نمایش داده شود. با این نمونه‌ها، انتظار می‌رود بتوان نقش عناصر مختلف شهری با ویژگی‌های فرمی، طبیعی و مصنوع را در خط آسمان شناسایی کرد.

خط a که یک خط مستقیم تک بعدی است $D=1$ دارد. خط b دارای میزانی از ناهمواری و نامنظمی است، در حالی که یک خط صاف نیست و مقدار D در آن برابر است با $1/5420$ و D در خط c با میزان بیشتری از بی‌نظمی و ناهمواری برابر است با $1/3$. بنابراین این نمونه‌ها نشان می‌دهند که مقدار D چگونه می‌تواند به‌شکل کمی، میزان ناهمواری و نامنظمی خط را نشان دهد. عملیات فوق توسط نرم‌افزاری به‌نام Benoit انجام می‌شود؛ Benoit امکاناتی را فراهم می‌کند که تجزیه و تحلیل فرکتال نمی‌تواند به‌وسیله کامپیوتر انجام شود و قادر است بعد فرکتال را بر اساس مجموعه داده‌ها و با استفاده از انتخاب‌هایی

از این مجموعه به‌روش مشاهده، محاسبه کند؛ هم‌چنین توان ردیابی الگوهای خودتکرار و الگوهای مشابه را دارد و به‌وسیله موتوری به‌نام فیلتر نویز سفید، توان توسعه فرکتال پدیده را تخمین می‌زند. "بنوا" یکی از نوار ابزارهای matlab نسخه ۶.۵ و بالاتر نیز بوده (Matlab, 1992) و می‌توان گفت، یکی از موفق‌ترین نرم‌افزارهای تحلیلی در این زمینه است (Stamps, 2002: 171). این کشف بزرگ ماندلبورت، برای بسط و توسعه مفهوم فرکتال در علوم محیطی کفایت می‌کرد تا از این مفهوم در امور گسترده‌تری هم‌چون خط آسمان و دیگر حوزه‌های مشابه استفاده شود. این امر، هدف اصلی پژوهش حاضر است تا از این امکان بتوان به‌مسأله پژوهش؛



تصویر ۱. تبیین بعد فرکتال تصویری از یک خیابان (سکناسی شهری)^۹
 (Cooper, 2003: 83)

جدول ۴. بر اساس مقایسه ویژگی‌های خط آسمان و اشکال فرکتال

ویژگی‌های اشکال فرکتال	ویژگی‌های خط آسمان یک خیابان	ویژگی‌های خط آسمان یک شهر
غیرمنتظره	بر اساس زمان و ساختار ساختمان‌ها و زاویه دید	با گذشت زمان و زاویه دید و رشد عناصر طبیعی و مصنوع متغیر
تکامل هم‌زمان	تکامل در طی فصول و رشد عناصر مصنوع و طبیعی	توسعه ارتفاعی شهر- حرکت ناظر- رشد عناصر طبیعی
جایگزینی بهینه	پوشش گیاهی- سقف‌های شکل‌دار	گسترش عرضی بیش از ارتفاعی- پوشش گیاهی
ضرورت تنوع	متنوع و خودمتشابه بر اساس زاویه دید و شکل بام‌ها	ساختمان‌های بلندمرتبه- فضاهای باز و پوشش گیاهی
سیستمی تو در تو	پویا و فرآیندی خودزا	پیچیده و زنده
شکل‌گیری فرم از تکرار	شکل سقف- پوشش گیاهی- زاویه دید	عرصه گسترش شهر- ساختمان‌های بلندمرتبه و فضاهای سبز

(نگارندگان)

عوامل فوق در آن تأثیرات دائمی و تکرارشونده دارند (Cooper, 2003: 79). البته علاوه بر موارد فوق که به‌طور خاص میان سکناس‌های خیابان و شهر مشابه بوده، عوامل زیست‌محیطی و ارتفاعات طبیعی موجود در شهر و توپوگرافی و فضاهای سبز، در کیفیت بصری خط آسمان مؤثر هستند. در این مرحله این سؤال مطرح است که عدد حاصل از بررسی بعد فرکتال هر خط آسمان، چه ارتباطی با کیفیت بصری - فضایی آن دارد؟ در ادامه به این سؤال پاسخ می‌دهیم.

تأثیر بعد فرکتال بر کیفیت فضا

بازبینی مطالعات انجام‌گرفته در خصوص ادراک بصری بیان می‌دارد که انسان‌ها به‌وسیله علم زیبایی‌شناسی، الگوهای ابعاد فرکتال متوسط را ترجیح می‌دهند (Taylor, 2006: 48). این مشاهده، توسط آزمایش‌های روان‌شناسی بر اساس اندازه‌گیری کمیتهی به‌نام هدایت پوستی^{۱۰} در مطالعات دانشمندی به‌نام تی‌لور ثبت شده است که بیان می‌دارد، ابعاد فرکتال متوسط دارای تأثیر مثبتی بر استرس افراد هستند. در حصول این نتیجه که به‌لحاظ روان‌شناختی و فیزیولوژیکی مطالعه شده، برای دریافت پاسخ قشر مغزی افراد (که تغییرات کنترل‌شده بعد فرکتال آنها مورد توجه بوده)، از الکتروانسفالوگرافی (q EEG) استفاده شده است. نتایج این مطالعه تأیید کردند که ابعاد متوسط فرکتال (کنترل‌شده) می‌توانند نقش منحصر به‌فرد و قابل‌کنترلی را در ادراک بصری ایفا کنند (Hagerhal et al, 2004: 250). این در حالی است که تأثیر کیفیت فضایی علاوه بر ایجاد حس خوشایندی، سرور و رضایت، کاهش استرس، ایجاد تعلقات و ارتقای روابط اجتماعی، در تمامی شئون زندگی اجتماعی و فردی امری پذیرفته‌شده و از جمله عوامل بسیار مهم در برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های شهری است. کیفیت محیطی یا کیفیت فضایی که مطالبه اصلی کاربران است، زیبایی و تناسبانی بوده که از دل الگوواره‌هایی در خوانش زمان و مکان استخراج شده و تداوم و تکوین گذشته تا حال است.

یعنی ارتقای کیفیت فضای شهری به‌وسیله منظر شهری و عناصر آن، پاسخ مناسب داد.

بدین جهت، باید رابطه این عدد حاصل از آنالیز نرم‌افزاری با ویژگی‌های مکانی مورد بررسی قرار گرفته و منجر به استخراج عوامل و زیرعوامل سازنده کیفیت محیطی شود. این عدد، حاصل ویژگی‌های بصری لبه‌های ساختمان‌ها و آسمان است و معیارهایی هم‌چون ارتفاع فرم و عناصر طبیعی در آن نقش دارند. برای استخراج این نقش‌ها و میزان اثرگذاری هر یک از این معیارها، می‌توان در گام‌های بعد، عدد بعد فرکتال خط آسمان‌های مختلف را مقایسه نموده و نسبت هر یک از این ویژگی‌ها را دریافت؛ از این‌رو در بخش بعدی، به ویژگی‌های فیزیکی مکانی و بعد فرکتال (هندسی - فیزیکی) خط آسمان پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های فیزیکی مکان و بعد فرکتال خط آسمان

خطوط آسمان (افق) شهری، ترکیب عناصر مصنوع و طبیعی با ۵ مورد زیر بوده که به‌نظر می‌رسد دارای ارتباطات بالقوه‌ای با بعد فرکتال این خطوط هستند. به‌عبارت‌دیگر، ویژگی‌های برخالی هر یک از این ۵ مورد می‌توانند در کیفیت خط آسمان و در نهایت منظر شهری مؤثر واقع شوند:

۱. میزان پوشش گیاهی موجود در سکناس شهری
۲. میزان سطوح صاف (سقف‌ها) نمایش داده شده در آن سکناس
۳. ارتفاع اثر - طرح (ارتفاع ساختمان‌های جانبی یا بلندمرتبه‌ها در شهر)
۴. طول اثر (عرض خیابان - گستردگی شهر)
۵. نسبت ارتفاع به طول (طول ارتفاع)

(Heath et al, 2000: 552)

هر یک از این پارامترها برای هر خط آسمان اندازه‌گیری شده و با نتایج حاصل از محاسبه بعد فرکتال مقایسه می‌شود. خط آسمان، تابعی پویا و فرآیندی خودمتشابه است که

نتیجه‌گیری

مطالعه فوق، با هدف بررسی کمی و کیفی خط آسمان به‌وسیله ابزارهای نوین تحلیل‌های بصری در جهت ارتقای کیفیت منظر شهری شکل گرفت. مطالعه ویژگی‌های خط آسمان، آن را پدیده‌ای فرکتال، دارای الگوی پیچیدگی و عدد برخال معرفی کرد که می‌تواند هم‌چون یک پدیده زیستی به‌وسیله تکنیک‌های آزمایشگاهی مورد آزمون قرار گرفته و به مؤلفه‌های ساختاری - نظری دست یابد. ابزارها و تکنیک‌های فوق به‌وسیله کارشناسان حوزه مطالعات شهری و ریاضیات جدید، ارائه و آزموده شده و در برخی نمونه‌ها به‌صورت عملیاتی وارد عمل شده‌اند. بررسی‌های فوق نشان می‌دهند در تعریف و کنترل، خط آسمان شهری چه از دید خیابان و چه دورنمای شهری، به مؤلفه‌هایی

مصنوع و طبیعی وابسته است. از دیگر سو، خط آسمان به‌عنوان یک لبه شهری را می‌توان یکی از عناصر سازنده منظر شهری دانست که در تحدید، هویت‌بخشی و کیفیت زیست‌شهری نقش مهمی دارد.

به‌طور کلی یافته‌های نظری این مقاله، ۴ مورد ذیل بوده که می‌توانند در ادامه مطالعه کمی تعیین‌کننده باشند؛

۱. خط آسمان از جمله عناصر بصری است که در کیفیت منظر شهر تأثیرگذار بوده و بر اساس ویژگی‌های فیزیکی خود، قابلیت تحلیل و طراحی دارد، به منظر شهری، شخصیتی منحصر به فرد و غیرقابل تکرار می‌بخشد، هم‌چنین در زمره لبه‌های شهری در دسته‌بندی‌های عناصر سازنده شهری می‌گنجد.

۲. خط آسمان، پدیده‌ای فرکتال است که به‌وسیله علوم هندسی، قابل‌ارزیابی و تخمین میزان پیچیدگی بوده؛ زیرا واجد شرایط پیچیدگی است، پس هر خط آسمان، یک عدد بعد فرکتال دارد که مشخص‌کننده ویژگی‌های کیفی آن است.

۳. با محاسبه بعد فرکتال خط آسمان، می‌توان برای مقایسه ویژگی‌های مکانی و کیفی فضاها با رویکردی کمی برخورد کرد (مقایسه عددی چند خط آسمان در چند سکانس با بعد متوسط) تا اثر فاکتورهای مختلف سازنده آنها مقایسه و ارزیابی شود.

۴. تعیین بعد فرکتال می‌تواند در نهایت، در ایجاد مکان‌های جدید و یا توسعه مکان‌های فعلی با سطحی مشابه از نامنظمی و ویژگی‌های متشابه (نه کپی و عین آن) به کار آید که مفهوم کیفیت را به‌شکل عددی به کار گیرد. این موضوع، در ایجاد تناسب زیبایی‌شناسانه نقش داشته است و فضا را قابل‌پیش‌بینی می‌کند.

بر این اساس، با تعیین و مقایسه بعد فرکتال خط آسمان در چندین تصویر از یک خیابان و چندین تصویر از چند خیابان در پژوهش‌های متخصصان، عواملی که در زیر آمده، از جمله موارد تأثیرگذار بر نتیجه تعیین بعد فرکتال خط آسمان هستند:

۱. میزان پوشش گیاهی در یک سکانس

۲. زاویه دید

بدین معنا که میزان این پوشش و نسبت طول و عرض ساختمان و خیابان و زاویه دید به آنها و هم‌چنین شکل سقف، از جمله عوامل مؤثر بر مقدار عددی فرکتال و در نهایت کیفیت بصری خط آسمان هستند. هم‌چنین از جمله نتایج قابل توجه در این مطالعه، این امکان است که از مقایسه بعد فرکتال خط آسمان در هر سکانس شهری با بعد متوسط به‌عنوان معیار کیفیت زیبایی‌شناسی و خوشایندی، می‌توان تحلیل کیفی انجام داد و به‌عنوان یک راهبرد در کنترل و مدیریت دید از آن بهره برد. این موضوع به‌صراحت سؤال پژوهش را پاسخ می‌دهد که چگونه خط آسمان می‌تواند در کیفیت منظر شهری مربوطه مؤثر واقع شود؟

با توجه به تعاریفی که از کیفیت خط آسمان بیان شده، می‌توان گفت ویژگی‌های خط آسمان در دو وجه اصلی قابل مطالعه هستند یا به‌عبارتی، عوامل زیر در تعریف ویژگی‌های فرکتالی خط آسمان و در نتیجه منظر شهری نقش اساسی داشته که در جدول ۵ آمده‌اند.

این پژوهش با استفاده از روشی که برای بررسی و تحلیل خط آسمان معرفی شده و امروزه در مطالعات جهانی مورد استفاده است، می‌تواند نقطه آغازی بر مباحث بیشتر و تحلیل‌های اجرایی و کمی در حوزه‌واژه‌شناسی شهری، منظر، کنترل ارتفاع، کنترل دید و چشم‌اندازهای شهری (خیابان‌ها) باشد. هم‌چنین، از این تحلیل به‌صورت بالقوه می‌توان در ارائه پیشنهادهایی در حوزه‌های طرح زمین و ایجاد حداکثر جذابیت و ارتقای کیفیت محیطی بر اساس معرفی متغیرها و ترکیبات ویژه آنها استفاده کرد. آن‌چه در مطالعات آینده انتظار می‌رود، مقایسه سکانس‌های شهری با ویژگی‌های متفاوت تاریخی، اقلیمی، کارکردی-اجتماعی و ... است تا از این مقایسه، معیارهای کنترلی و پیشنهادی بیشتری ارائه شوند.

مؤلفه‌های مؤثر بر تبیین ویژگی‌های خط آسمان شهری	
ابعاد محیطی	ابعاد هندسی - فرمی
میزان پوشش گیاهی	۱. میزان سطوح صاف - شکل سقف‌ها
ارتفاع پوشش گیاهی	۲. ارتفاع طرح‌ها در مجاورت و هماهنگی
ارتفاع و توپوگرافی منطقه	۳. طول اثر در مجاورت و پیوستگی
عوارض طبیعی زمین	۴. نسبت ارتفاع به طول اثر

(نگارندگان)

پی‌نوشت

1. Skyline
2. Christopher Alexander
3. Gordon Cullen.
4. Camillo Sitte
5. City Scape
6. City Image
7. Mandlebort
8. Fractal
9. Fractal assessment of streetlevel skylines
10. Skin-conductance

منابع و مآخذ

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). *معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن)*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). *سیمای شهر آن چه لاینچ از آن می‌فهمید*. آبادی، ۳(۱۸)، ۲۵-۲۰.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۵). *چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر*. آبادی، ۳(۱۸)، ۴۴-۳۰.
- سیت، کامیلو. (۱۳۹۰). *ساخت شهر بر اساس مبانی هنری*. ترجمه فریدون قریب، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- کالن، گوردن. (۱۳۹۵). *گزیده‌ی منظر شهری*. ترجمه منوچهر طبیبیان، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۰). *مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری*. *نشریه علمی-پژوهشی صفا*، ۱۱(۳۲)، ۶۵-۳۸.
- لاینچ، کوین. (۱۳۵۵). *سیمای شهر*. ترجمه منوچهر مزینی، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محملی ابیانه، حمیدرضا. (۱۳۹۰). *ارزیابی مفهوم منظر در طرح‌های شهری (تهران، لندن و جدّه)*. *باغ نظر*، ۸(۱۷)، ۲۱-۱۰.
- مشاور کریمی، مهرداد. (۱۳۹۳). *شیوه، فنون و ابزارهای تحلیل بصری در شهر*. *باغ نظر*، سال یازدهم(۲۹)، ۲۵-۱۸.
- Cooper, J. C. (2000). *The Potential of Chaos and Fractal Analysis in Urban Design*. Oxford: Joint Centre for Urban Design, Oxford Brookes University.
- Cooper, J. C. (2003). Fractal assessment of streetlevel skylines – a possible means of assessing and comparing character. *Urban Morphology*, 7(3), 73–82.
- Hagerhall, C. M.; Purcell, T. & Taylor, R. P. (2004). Fractal dimension of landscape silhouette as a predictor of landscape preference. *The Journal of Environmental Psychology*, 24(2), 247–255.



- Heath, T.; Smith, H. G. G. & Lim, B. (2000). Tall buildings and the urban skyline: The effect of visual complexity on preferences. **Environment and Behavior**, 32(2), 541–556.
- Keller, J. M.; Chen, S. & Crownover, R. M. (1989). Texture description and segmentation through fractal geometry. **Computer Vision, Graphics, and Image Processing**, (45), 150–166.
- Mandelbrot, B. B. (1983). **The Fractal Geometry of Nature**. New York: W. H. Freeman.
- Matlab. (1992). **User's Guide**. <http://www.mathworks.com/>, (Retrieved 10 January 2008).
- Oku, T. (1990). On visual complexity of the urban skyline. **Journal of Planning, Architecture and Environmental Engineering**, 412(3), 61–71.
- Ostwald, M. J. & Tucker, C. (2007). Reconsidering Bovill's method for determining the fractal geometry of architecture. **Towards solutions for a liveable future**. In: Coulson, J.; Schwede D., & Tucker R. (Eds.). ANZAScA. 182-190.
- Ostwald, M. J.; Vaughan, J. & Tucker, C. (2008). Characteristic visual complexity: Fractal dimensions in the architecture of Frank Lloyd Wright and Le Corbusier. **Architecture and Mathematics**. In: Williams K. (Ed.). Turin: K. W. Books and Birkhäuser. 217-232.
- Stamps, A. E. (2002). Fractals, skylines, nature and beauty. **Landscape and Urban Planning Journal**, 60(3), 163-184.
- Taylor, R. P. (2006). Reduction of physiological stress using fractal art and architecture. **Leonardo**, 39(3), 25–251.



Received: 2016/04/02

Accepted: 2018/03/13

Quantitative Assessment of the Skyline in Urbanscapes as the Edge of the City (Emphasizing the Modern Tools of Urbanscape Analysis)

Maryam Esfandiyari* Sara Esfandiyari Zahir**
Mohammad Mahdi Haghighatbin***

Abstract

Skyline is an effective factor in defining urbanscape features. This research examines the skyline with fractal dimension analysis and evaluates specified effects on urbanscape quality. This analysis is based on the definitions of urbanscape and visual analysis tools. The skyline can be studied as quantitative indicators to restrict and identity the cityscape or streetscape, it can be checked as a city brim and in the form of visual elements of the cityscape as well. According to the results, practical and documented responses to this concern are provided that how the "skyline" can be an effective component in improving the quality of the cityscape. This study evaluates the effect of height, form, and artifact and natural elements on the number of the fractal dimension of the skyline to match it to qualitative concepts. Using this hypothesis, by comparing the skyline (its fractal dimensional feature), in several different urban sequences, researchers can achieve criteria for the upper edges of the city. Also improves the urban ecosystem through its architectural features and urban landscape elements. This is a quantitative research based on libraries documents that is trying to analyze the Skyline as a fractal phenomenon by using concepts in the field of new mathematics and related software (Matlab-Benoit). In this study, the survey of the complexity and numerical properties of the "fractal dimension number analysis" about images has been selected as data collection method. In this method, the fractal number of the skyline is calculated in each image and this number specifies the spatial features and the space quality, in comparison to other sequences.

Keywords: Urbanscape, Fractal Dimension, Skyline, Urban Sequence, Urban's Edges

* Researcher, Art Faculty, Tarbiyat Modares University. (Corresponding Author)

** M.A., Danesh Pajoohan Faculty, Isfahan University.

*** Assistant Professor, Art Faculty, Tarbiyat Modares University.

Received: 2017/04/10

Accepted: 2017/08/22



Providing Value-based Model for Application of Architectural Heritage Value in Adopting Conservation Practices Case Study: Takht-e Soleiman World Heritage Collection

Mozaffar Abbaszadeh* Asghar Mohammadmoradi** Atashsa Amirkabirian ***
Masoumeh Ayasham **** Elnaz Soltanahmadi*****

Abstract

The values of cultural heritage can be considered as a key word in interventions in conservation of cultural heritage. Nowadays, the role of value in various fields of heritage, especially in architecture heritage, is one of the most important factors that affects the conservation approaches. Along with and related to the concept of value, lies the concept of conservation, one as old as human civilization and culture. Due to variety and differences among values in different societies, conserving the values has to precisely identify the needs in each society, without concerning this matter, it is not possible to carry out an accurate conservation. This study aims to determine the relationship between the hidden values of architectural heritage in Iran and the ways of conserving them, and by assuming that there is a direct relationship between them, this study attempts to explain this relationship and introduce various kinds of heritage values and ways of conserving them. The main purpose of this thesis is to obtain a model based on which we can find ways of conservation regarding the values in architecture heritage. This model, known as the value-based three parts model, provide the suitable context to extract, assess, and prioritize various heritage values; it also makes the application of the values possible in order to carry out appropriate methods of conservation. In order to test, the model has been used in the world heritage collection of Takht-e Soleiman. Using this method resulted in a better decision making process in the field of conservation, and this can make a good opportunity to codify a charter of architecture conservation in Iran. The present paper applies the fundamental scientific process, and documentary and library methods are used to gather data.

Keywords: Value, Conservation, Architectural Heritage, Value-based Three-parts Model, Conservation Approaches, Takht-e Soleiman World Heritage

* Assistant Professor, Faculty of Architecture, Urban Planning, and Art, Urmia University, Iran.

** Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology.

*** M.A., Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology.

**** PhD Student, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University.

***** M.A., Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University.



Received: 2017/07/21

Accepted: 2018/10/21

The Place-Name as an Intangible Place of Memory (A Holistic Approach in Reading the Place-Names through a Comparative-Analytical Study on the Character of Name and Place)

Mina Radahmadi* Farhang Mozaffar**

Abstract

Understanding architectural heritage and their various aspects has always been a subject of focus for the international conservation organizations. During the recent decades, eventhough the place-names are part of the live history as well as cultural heritage, they have still constantly been facing hasty changes. As such, in the conservation literature, most studies have skipped addressing this phenomenon other than through a historic-geographical approach; thus, neglecting the specific character of place-names in the context of Architecture and also have not analyzed them with a conservational approach apt for revisiting their cultural significance and dynamism. Since any changes regarding the places' names is a form of change in the totality of the object named, this study attempts to firstly discuss the propriety and necessity of regarding place-names through the perspective of Conservation, and eventually provide a theoretical approach to understand them in the light of a new holistic approach in which a place-name can be depicted with a spatial aspect. With this objective, we will evaluate the definitions of a "name" and a "place" and an architectural edifice in its place, where the following questions of "what is the resemblance between the character of a name and that of a place" and "how these characters relate to the memory of place" could be addressed.

In this regard, by exploring the toponymical resources and those references related to the phenomenology of place, along with few place-name examples, the character of name and place will be represented in relation to life, events, and the associated meanings to them. At last, the results will be demonstrated in a comparative format between the current historical and the proposed holistic approach, within a few major principles as a new way to re-reading of the place-names. This comparative paradigm, that is, the explanation of a new conservational approach to the place-names, can be viewed as providing a theoretical context to view the names of historic sites and architectural edifices as intangible forms for the "places of cultural significance" and not just as historical-linguistic aspects to name a location. Moreover, these deductions also provide a concrete foundation as to why a place-name must be seen in the light of contemporary conservation discourses, seen to be also focusing on the name character as an intangible form of place, and on the dynamics of names' association to the objects of architecture over time.

Keywords: Place-name, Place of Memory, Historic Architectural Edifices, Conservation

* PhD candidate in Architectural Conservation at the Art University of Isfahan, Faculty of Conservation, Isfahan, IRAN

** Associate Professor, Department of Architecture, University of Science & Technology, Tehran, Iran.

Received: 2016/05/02

Accepted: 2018/07/01



The Explanation of the Attachment in Urban Environment based on Islamic Texts and Concepts

Leila Rahimi*

Abstract

One of the reasons for the lack of sense of place and identity in urban environments is the lack of original ideas and human-oriented concepts of Islamic thoughts in the cities. Therefore, paying attention to the sense of place in the traditional environments and its extension to today's neighborhoods is one of the most important requirements in designing residential environments.

The main objective of this research is first to investigate and identify the components of attachment to the Islamic city and then promote attachment to the residential environments based on the guidelines of Islamic texts as well as to identify factors influencing the attachment at different space scales. This research uses the qualitative and quantitative approaches and compares the concepts of sense of belonging at different scales of residential environments based on content analysis and logical reasoning. The method used in this research is descriptive-analytical. Moreover, its characteristics and approaches in terms of physical, functional and meaning components have been studied. The results of findings show that the neighborhood and the city, the three physical, mental and spiritual needs of human should be satisfied in interaction of functional or behavioral, emotional and cognitive with residential environments, in order to create the sense of belonging in the scale of the house. The investigation of Islamic texts and Hadiths show that physical factors in the scale of house and social factors in the scale of neighborhood and the city are important. For example, the most indicated instruction by the Prophet is about taking care about the neighborhoods and communication with them and paying attention to ethics in the city and civil relationships in residential environments. Therefore, in the process of formation of the Islamic concept of urban space we should be more concerned with the social aspects of the city.

Keywords: Urban Environment, Islamic Thought, Process of Formation of Attachment to Place

* Assistant professor, Urban Development Faculty, Tabriz University, Iran



Received: 2017/07/10

Accepted: 2018/04/07

Describing the Paradigm of Masons' Conservation Intervention by Using Masons' Tacit Knowledge in Southern Khorasan

Reza Rahimnia* Mehran Gharaati** Ali Zamanifard***
Saied Saiedpour****

Abstract

Throughout the history, interventions by masons and local builders have played a major role in the creation and continuity of Iranian architecture. Masons' understanding and knowledge of conservation and architecture have been derived from experience and practice over the years. Nonetheless, conservation researchers have paid little attention, if any, to the masons' knowledge, which can be seen in the contemporary literature of conservation. Moreover, local knowledge or indigenous know-how is often not registered except in the masons' mind, which greatly contributes to the problem that the knowledge of this field is gradually fading away and we seem to be moving towards losing this invaluable information. Presently, and for different reasons, the remaining generation of vernacular architects or masons in Iran is at risk of disappearing. Furthermore, paying attention to masons - as one of the architecture and conservation's oral resources- can be a valuable reference for identifying and explaining the paradigm, fundamentals and criteria of conservation intervention in the past, since this tacit knowledge could be extracted and possibly applied in today's conservation. This research focuses on masons' tacit knowledge and conservation interventions. This paper seeks to answer the following question: "What have been the criteria-that has made the masons' decisions-for intervention conservation?" Therefore the research aims to explain the paradigm of conservation intervention in the past". To do so, a group of experienced masons (20 Persons) in southern Khorasan, Iran, were identified, from whom data was collected through conversation as well as semi-structured interviews. Enjoying a combination of historical, descriptive, survey, and field study research methods, data were gathered through and then analyzed by using Grounded Theory (GT) approach. This was done through coding interviews' text, using MAXQDA 10 software. A wide spectrum of intervention could be identified by analyzing the masons' tacit knowledge, which in general can be classified into three categories: namely "conditions", "strategies", and "consequences". Each of which are further described and categorized. The toned for periodic repairs and maintenance, preventive conservation and stabilization, changes to accommodate changing life styles, emergency conservation, and beliefs are example of causal conditions. Contextual conditions also are: materials and architecture changing, values, norms, and problems and limitations. Degree and level of masons -that provided by their practices in architecture and conservation- and education process are the intervening conditions. Among other measures, conservation strategies include repair, adaptation, renovation, and reconstruction. Continuity in function as well as structural stability can be considered as the main aims of conservation intervention.

Keywords: Architectural Heritage, Conservation Intervention, Tacit Knowledge, Mason's Paradigm, Southern Khorasan

* Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Development, Imam Khomeini International University, Iran.

** Assistant Professor, Faculty of Architecture, Art University of Isfahan, Iran.

*** Assistant Professor, Faculty of Conservation and Restoration, University of Art, Iran.

**** M.A in Iranian Studies (Iranology), Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Southern Khorasan, Birjand, Iran.

Received: 2016/12/19

Accepted: 2018/06/24



Evaluation the Methods of Confidentiality in Three Peymoon of Large, Small and Breack in the Articulation of Iranian-Islamic Housing Using Space Syntax Techniques

Ali Akbar Heidari* Yaghub Peyvastegar**
Sara Mohebinejad*** Maryam Kiyae****

Abstract

Professor Pirnia classified house space in three spatial systems; large, small and breack Peymoon which the basis of these categories is the spatial scale, number and arrangement of different spaces in them. Despite the nominal researches, specific researches have not been carried out about the introduction of spatial features and patterns ruling over them. The present study introduces the concept of confidentiality, as a principle in Islamic architecture, and additionally analyzes the spatial structure of three spatial systems and the way of responding to this principle. To do so, the method of "space syntax" is used. After the introduction of the originator of privacy architectural elements in space, such indicators are defined which are used to analyze and assess each of these factors. Then six samples of traditional houses of three Peymoon in the cities of Kashan and Isfahan were selected and above factors were measured for any of the houses. The method used in this study was quantitative, and method of data analysis was descriptive-analytic. The data gathering and analysing tools include justification charts, mathematical relationships and Depthmap software and any index was analyzed on its own device. The results show that confidentiality is a principle in all three systems of the house and has always attracted the attention of their creators. However the way of being flexible was different in the three spatial system. The comparison of spatial structures in response to confidentiality shows similar behavior in two different cities about the indicators such as introversion, privacy, hierarchy, and location houses. While there were differences regarding forbidding the nobility and the hierarchy of orders from outside to inside the house between the cities.

Keywords: Traditional Housing, Privacy, Peymoon, Space Syntax Techniques

* Assistant Professor, Technical Engineering Faculty, Yasuj University, Iran.

** Assistant Professor, Engineering Faculty, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

*** PhD Student, Engineering Faculty, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

**** PhD Student, Engineering Faculty, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.



Received: 2019/05/17

Accepted: 2017/06/24

Assessing the Prioritization of Cultural and Urban Heritages Values of Naghshe- Jahan Square in Isfahan

Mahmoud Ghalehnoee* Mohammad Taghi. Pirbabayi**
Elnaz Soltanahmadi*** Nassrin Mohsen Haghighi****

Abstract

Each country's cultural heritage indicates culture, history, and background of a nation, which has different social, economic, and historical values. However, the evaluation of the heritages does not take place considering the hidden values in them. Therefore, some values may be ignored in planning for preservation or exploitation of these heritages. On the other hand, budget, time, and workforce constraints necessitate a prioritized action plan. In this regard, it is necessary to provide a special priority of hidden values in heritages from experts' view point in the field of construction, architecture and urbanism to analyze the values of architectural and urban planning values. Naqshe Jahan Square in Isfahan as a valuable heritage with historical, social, cultural, and economic significance should be investigated to determine the priorities of its conservation and planning for its elements. In this regard, the present study with a descriptive – analytical approach and using the questionnaire and by ANP method was tried to identify and prioritize the values of architectural and urban planning values considering the expert's view. The results of this study shows that the urban space of Naghsh-e Jahan square is the first priority, Ali Qapu Palace is the second one, Sheikh Lotfollah mosque is the third priority, the fourth one is Imam mosque, and Qeisariyeh Bazaar is on the fifth place. The value priority of each heritage sites indicates the priority of intervention regarding policy making, planning, and implementing projects.

Keywords: Urban Planning and Architecture Heritages, Intervention Priority, Value Prioritization, Naghshe Jahan Square Elements

* Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

** Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University

*** M.A., Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University

**** M.A., Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

Received: 2018/04/04

Accepted: 2018/09/26



Presentation of Economic Regeneration Model in Historical Texture Based on Order in Structural Functionalism Theory

Mahmood Mohammadi* Shahriar Nasekhian** Arezoo Izadi***

Abstract

Historical texture can play an important role in the development of cities. Urban sustainable regeneration is one of the recent approaches in historical texture. In this approach, all indicators of sustainable development including economic, social, cultural, management and environmental dimensions have been used in conservation of the historical texture. All the principles of sustainable development have been proposed in regeneration. This research aim is explaining the model of economic regeneration in historical texture based on Parsons Structural Functionalism. Structural Functionalism Theory has identified social system into subsystems which have A (Adaptation functions), G (Goal gratification functions), I (Integration functions), and L (Latent pattern maintenance functions). This theory was based on the concern for the stability or maintenance of social system. This paper merges structural functionalism theory with economic regeneration in historical texture. Documents and statements of regeneration have been restored since the 1990s. The Methodology of this research is documentary method and qualitative content analysis in method. The model has been explained by analyzing documents, statements, charter and previous research. The reliability of the research has been confirmed with a scorecard of 87.6% in the Scott test by the professors and conservation and restoration experts. Economic regeneration was characterized by four dimensions: Economic value, investment, Economic activity in historical texture and Branding. The results of the paper indicate that economic value has the adaptation function; investment has the duty of goal gratification, the function of economic activities in historical texture is integration function and branding has the duty of maintaining latent patterns of economic regeneration in historical textures..

Keywords: Regeneration, Economic Regeneration, Historic Texture, Parsons Structural Functionalism, Social Order

* Assistant Professor, Architecture and Urban Planning Faculty, Art University of Isfahan.

** Assistant professor, Restoration and Conservation Faculty, Art University of Isfahan.

*** PhD Candidate, Restoration and Conservation Faculty, Art University of Isfahan.



Received: 2017/05/29

Accepted: 2018/07/04

A Novel Drawing Method for Innovative Design of Karbandi Case Study: The Karbandis of Tabriz Historic Bazaar

Mazyar Asefi* Ahad Nejad Ebrahimi** Amir
Amjad Mohammadi***

Abstract

Karbandi is a common structural and covering pattern for arched surfaces in Persian architecture, which is rooted in the precise methods of descriptive geometry. These methods, due to their strict geometry, do not have much flexibility and have been used only in specific fields in Iranian architecture. Therefore, the questions arise: what are the limitations and requirements of common drawing methods of Karbandi design? And by discovering these limitations and requirements, how can Karbandi applications be expanded? This research aimed at answering the mentioned questions. For achieving the first purpose the geometry of Karbandis of Tabriz historic bazaar, as the salient samples in Persian architecture, have initially been analyzed. Then, according to the found limitations and requirements, it has investigated the possibility of Karbandi design on innovative and novel bases. This research has been carried out through a logical argumentation method by means of direct observation, corpus analysis and computer modeling to present solutions to increase the variety of Karbandi fields. The results of the research suggest that the conditions and adequate requirements for the geometric execution of an n-lateral Karbandi on the bases of regular or irregular quadrilaterals can be summarized in the three categories as follows:

1. The two facing angle of the base quadrilateral must be complementary.
2. All the four angles resulting from drawing either of the diameters must be a multiple of the result of dividing 180 (degrees) by the number of sides ($\frac{180^\circ}{n} \times$).
3. The Shamsheh of Karbandi must be formed inside the base. The latter condition is met only when the center of the circumscribing circle is located inside the base.

It was also determined that apart from rectangular and regular bases, the geometry of some types of Karbandi can also be accurately implemented in a group of irregular bases. Finally, according to the above conditions, a method was figured out through which it is possible to accurately calculate and draw the Karbandi geometry in accordance with the base geometry with the least error rate possible.

Keywords: Karbandi, Karbandi Geometry, Cross-ribbed Vaulting, Vault Coverture, Tabriz Historic Bazaar

* Associate Professor, Architecture and Urban Planning Faculty, Tabriz Islamic Art University, Iran. (Corresponding Author).

** Associate Professor, Architecture and Urban Planning Faculty, Tabriz Islamic Art University, Iran.

*** M.A, Architecture and Urban Planning Faculty, Tabriz Islamic Art University, Iran.



Contents

- **A Novel Drawing Method for Innovative Design of Karbandi Case Study: The Karbandis of Tabriz Historic Bazaar** 1
Maziyar Asefi, Ahad Nejad Ebrahimi, Amir Amjad Mohammadi
- **Presentation of Economic Regeneration Model in Historical Texture Based on Order in Structural Functionalism Theory** 21
Mahmood Mohammadi, Shahriar Nasekhian, Arezoo Izadi
- **Assessing the Prioritization of Cultural and Urban Heritages Values of Naghshe- Jahan Square in Isfahan** 39
Mahmoud Ghalehnoee, Mohammad Taghi. Pirbabayi, Elnaz Soltanahmadi, Nassrin Mohsen Haghighi
- **Evaluation the Methods of Confidentiality in Three Peymoon of Large, Small and Breack in the Articulation of Iranian-Islamic Housing Using Space Syntax Techniques** 51
Ali Akbar Heidari, Yaghub Peyvastegar, Sara Mohebinejad, Maryam Kiyae
- **Describing the Paradigm of Masons' Conservation Intervention by Using Masons' Tacit Knowledge in Southern Khorasan** 69
Reza Rahimnia, Mehran Gharaati, Ali Zamanifard, Saied Saiedpour
- **The Explanation of the Attachment in Urban Environment based on Islamic Texts and Concepts** 87
Leila Rahimi
- **The Place-Name as an Intangible Place of Memory (A Holistic Approach in Reading the Place-Names through a Comparative-Analytical Study on the Character of Name and Place)** 109
Mina Radahmadi, Farhang Mozaffar
- **Providing Value-based Model for Application of Architectural Heritage Value in Adopting Conservation Practices Case Study: Takht-e Soleiman World Heritage Collection** 125
Mozaffar Abbaszadeh, Asghar Mohammadmoradi, Atashsa Amirkabirian , Masoumeh Ayasham , Elnaz Soltanahmadi
- **Quantitative Assessment of the Skyline in Urbanscapes as the Edge of the City (Emphasizing the Modern Tools of Urbanscape Analysis)** 143
Maryam Esfandiyari, Sara Esfandiyari Zahir, Mohammad Mahdi Haghighatbin

Conservation and Architecture in Iran (Maremmat va M'emari-e Iran, Scientific Journal - Biannual)

Vol 8. No.16 .Full & Winter 2018-2019

Concessionaire: Art University of Isfahan

Editor-in-charge: Farhang Mozaffar (Ph.D.)¶

Editor-in-chief: Ahmad salehi kakhki (Ph.D.)

Editorial Board (in alphabetical order)

Hossein Ahmadi

Assoc. Professor, Art University of Isfahan

Mohammadreza Bemanian

Professor, Tarbiat Modarres University

Akbar Hajebrahim Zargar

Professor, Shahid Beheshti University

Mostafa Kiani

Assoc. Professor, Art University of Isfahan

Seyed Amirmehrdad Mohammad Hejazi

Assoc. Professor, Isfahan University

Farhang Mozaffar

Assoc. Professor, University of Science and Technology

Behnam Pedram

Assoc. Professor, Art University of Isfahan

Ahmad Salehi Kakhki

Assoc. Professor, Art University of Isfahan

Abolfazl Semnani

Professor, Shahrekord University

Hasan Talaie Moghanjoghi

Professor, Tehran University

Coordinator: Karim Nasrolahi

Logo type: Hamid Farahmnad Boroujeni

Cover designing: Afsaneh Nazeri

Layout: Khadijeh Saedi

Persian editor: Maryam Sharqi

English editor: Pegah Bahadoran

Address: No. 17, Pardis Alley(31), Chahar baq -e- paen St. Isfahan. Iran, Vice-Chancellor of Research, Art University of Isfahan

Postal code: 8148633661

Phone: (+9831) 34460755-34460328

Fax: (+9831) 34460909

E-mail: mmi@au.ac.ir

Website: <http://mmi.au.ac.ir>

ISSN: 2345-3850

Referees and Contributors

Dr Reza Abouei

Dr Ferial Ahmadi

Dr Maziar Asefi

Dr Rasol Bidram

Dr Mehran Gharaati

Dr Maryam Ghasemi

Dr Mehرداد Hejazi

Mr Nasim Jafari

Mr Mojtaba Kavian

Dr Shahryar Nasekhian

Mr Farhad Nazari

Dr Behnam Pedram

Mr Hossien Pournaderi

Dr Ahmad Shahivandi

Dr Nima Valibeig

The author(s) is responsible for views, statements and ideas expressed in papers.

No part of the papers in this journal may be published elsewhere without being referred to this journal.

This journal is indexed and abstracted in the following databases:

ISC (Islamic World Science Citation Database)

SID (Scientific Information Database)

Magiran

Noormags (Noor Specialized Magazines)

Sponsored by:





Instructions for Contributors Maremat & Me'mari-e Iran

- The subjects of articles include various fields of Restoration such as different methods of conservation and restoration of historical artifacts and monuments, the decorations related to architecture, theoretical foundations of Restoration, the history of Restoration, the studies on techniques and pathology of historical artifacts and monuments, and various subjects related to Persian architecture like theoretical issues of architecture, history, philosophy, teaching, interdisciplinary studies, criticism and design of environment and techniques of building, landscape architecture and other subjects related to title of this journal.

- Papers should be original and comprise previously unpublished materials, as well as not being currently under review for publication elsewhere.

- Manuscripts must be written in Persian language.

- The papers will be published after being reviewed and evaluated by reviewers and editorial board.

- The author(s) is responsible for views, statements and ideas expressed in their paper.

- The journal has the authority to accept or reject the papers. Received paper will not be returned.

- No part of the published papers in this journal may be published elsewhere without being referred to this journal.

- The papers should be research work done by the authors(s). Review papers will be accepted provided that various authentic references have been used and the journal will not publish the research reports and notes.

- For submitting the article, go to the website of the journal (<http://mmi.aui.ac.ir>) and register your article.

The letter of publication request and confirmation letter by supervisor professor and co-author should be submitted with the article (these letters can be downloaded from the journal website).

Preparation of Manuscript

Cover Page

The cover page, separated from the manuscript and unnumbered, must include: title (which should be brief and emphasize the subject), the names of author(s), scientific affiliation and corresponding author(s)' address (postal address, phone and fax numbers and e-mail).

Abstract

Abstract, written in a separate page in Persian and not exceed 300 words, should include research question, objectives, methodology, major results and conclusion.

The English abstract should be a complete translation of Persian abstract and be placed at the end of paper in the same format.

Keywords

Keywords should be separated by comma and not exceed 5 words. They should include words that best describe the topic.

Introduction

This part must include the research question, hypothesis and general idea of the paper as well as literature review.

Research methodology

Paper's main body

This part should include the research's theoretical principles, studies, investigations and results.

Conclusion

The research conclusion should include a brief summary of research subject and answer the research question(s) in a logical way.

Acknowledgement (optional)

Acknowledgement must be brief and confined to persons or organizations that have made significant contributions.

Endnotes

Endnotes (including foreign words, expressions and remarks) must be numbered in the text using brackets and finally placed at the end in alphabetical order.

References

All references cited in the text must be listed at the end of the paper. References should follow the below style:

- In paper: (Author's surname, year of publication: page number).

- In paper's final reference:

Books: author's surname, author's name, (year of publication). Book title. Volume. translator's name, city name: publisher.

Papers: author's surname, author's name (year of publication). paper title. Journal's title. volume (number), page number(s).

Electronic documents: author's surname, author's name (date). Title of document. Full electronic address. Access date.

In English references, instead of author(s) name, the first letter(s) of his/her name and middle name is mentioned.

Illustrations, figures and tables

Illustrations in appropriate quality (provided with at least 300 dpi in jpg format) should be inserted at nearest place to related text with their reference including the author's name, year of publication and page number which must be placed at the bottom left of it.

All illustrations must be numbered in the order to which they are referred in the text.

The table captions must be placed at the top of the table and the figures captions must be placed at the bottom of the figures.

Submission

The paper manuscripts must be submitted in 2 one-sided printed copies in A4 size. The text must be typed in word 2007 (font: B-Nazanin, size 12 for Farsi version and font: Times New Roman, size 11 for English version), in maximum 15 pages.

In condition, when the received paper manuscripts don't follow the instruction, the journal has right to reject it.

In The Name Of God